



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

روایت آخر الزمان

پیش روایت
و روایت آخر الزمان

و ظہور منجی موعود

محمد جواد مہرزی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روایت آخرالزمان و ظهور منجی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

نویسنده:

محمد جواد مهری

ناشر چاپی:

مکتب اندیشه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
روایت آخرالزمان و ظهور منجی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف	۹
مشخصات کتاب	۹
اشاره	۱۰
فهرست مطالب	۱۴
سرآغاز سخن	۲۱
فصل اول : حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن روایات و سایر ادیان	۲۵
اشاره	۲۵
سوال : آیا ممکن است زمین خالی از حجت خدا و امام (علیه السلام) باشد؟	۲۷
حال پرسش این است که چرا باید امام زمان خود را بشناسیم؟	۲۸
سؤال (۳) آیا یک کودک پنج ساله می‌تواند امام شود؟	۳۰
آیا در قرآن مجید پیرامون حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آیه‌ای آمده؟	۳۴
صفات و خصوصیات حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در روایات بیان کنید؟	۳۶
سؤال در روایات متعدّد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) پس از خبر دادن به وجود و قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرموده: «بِسْمِ اِسْمِی: نام او همنام من است»	۴۰
سؤال آیا عقیده به ظهور منجی عدالت گستر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مسلمانان اختصاص دارد یا در سایر ادیان و کتب آسمانی نیز چنین عقیده‌ای هست؟	۴۱
سؤال آیا اعتقاد به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و مسأله ظهور اختصاص به شیعیان دارد یا نه؟	۴۲
آیا به عقیده اهل تسنن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متولّد شده است یا نه؟	۴۴
آیا علمای اهل تسنن پیرامون حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کتابی نوشته‌اند یا نه؟	۴۶
اشاره	۴۶
الف - برخی از کتاب‌هایی که به صورت مستقل درباره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نوشته شده عبارتند از:	۴۶
ب - برخی از کتاب‌هایی که بخشی از مباحث خود را پیرامون آنحضرت اختصاص داده‌اند	۴۷
ج: چند نفر از کسانی که ادعای تواتر آن روایات را دارند، ذیلًا به آنها اشاره می‌کنیم:	۴۸
فصل دوم : حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوران	۵۱
اشاره	۵۱
سؤال : مراد از غیبت صغری و کبری چیست و از کجا آغاز شد؟	۵۳
مشخصات و صفات نواب اربعه به قرار ذیل است:	۵۴
سؤال فلسفه غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟	۶۶
امام غائب چه فایده‌ای برای مسلمانان دارد؟	۶۹
آیا پیش از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنین اتفاقاتی مانند غیبت و پنهان شدن از دیدگان مردم رخ داده است؟	۷۱
آیا کسی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در دوران کودکی‌اش و پیش از غیبت دیده است یا نه؟	۷۲
چرا امام عسگری فرزندش حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را از مردم پنهان و مخفی می‌کرد؟	۷۳
آیا ممکن است حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در سال ۲۵۵ «ق» متولّد شده تا به حال که سال ۱۴۲۵ «ق» است زنده بماند؟	۷۶

- ۸۱ آیا در دوران غیبت کبری می‌توان با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ملاقات کرد و او را دید؟
- ۸۳ محل سکونت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کجاست؟
- ۹۱ فصل سوم : ویژگی های منحصر به فرد
- ۹۱ اشاره
- ۹۳ چرا به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) : قائم آل محمد (علیهم السلام) گفته می‌شود؟
- ۹۳ آیا بردن نام اصلی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حرام است یا نه؟
- ۹۷ علت به پا خاستن و قیام، هنگام شنیدن نام «قائم» چیست؟
- ۹۷ آیا دست بر سر گذاشتن هنگام نام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ریشه روایی دارد یا نه؟
- ۹۸ انتظار فرج چیست؟
- ۱۰۱ آیا دعاء برای تعجیل فرج حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأثیر دارد یا نه؟
- ۱۰۳ آیا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنگام ظهور، جوان است یا پیر؟
- ۱۰۴ آیا میراث انبیاء و پیامبران گذشته نزد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وجود دارد یا نه؟
- ۱۱۱ آیا علامت و نشانه‌های از انبیاء و پیامبران سلف در حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وجود دارد یا نه؟
- ۱۱۳ آیا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همسر و فرزندی دارد یا نه؟
- ۱۱۹ فصل چهارم : علائم و نشانه های ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۱۱۹ اشاره
- ۱۲۱ شرایط ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟
- ۱۲۴ علائم و نشانه‌های ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کدامند؟
- ۱۲۹ بین علائم و نشانه‌های حتمی پیش از ظهور و زمان ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه قدر فاصله است؟
- ۱۳۰ سفیانی کیست؟
- ۱۳۹ کیفیت صیحه و ندای آسمانی پیش از ظهور را بیان نمائید؟
- ۱۴۱ نفس زکیه، سید حسنی، سید خراسانی و شعیب بن صالح، یمانی، دجال، جعفر کذاب، شیصانی و عوف سلمی چه کسانی هستند؟
- ۱۴۱ اشاره
- ۱۴۱ الف - نفس زکیه
- ۱۴۴ ب - سید حسنی
- ۱۴۶ ج - سید خراسانی و شعیب بن صالح
- ۱۴۹ ت - یمانی
- ۱۵۲ ث - دجال
- ۱۵۷ د - جعفر کذاب
- ۱۶۰ ذ - شیصانی
- ۱۶۱ ر - عوف سلمی
- ۱۶۲ آیا وقت ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشخص و معلوم است یا نه؟
- ۱۶۴ فلسفه تعیین نشدن وقت ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از جانب امامان معصوم (علیهم السلام) چه بوده است؟

- ۱۶۵ آیا روز، ماه و سال ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در روایات ذکر شده است یا نه؟
- ۱۶۸ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از کجا می‌فهمد که موقع ظهورش فرا رسیده است؟
- ۱۶۹ محل ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کجاست؟
- ۱۷۰ هنگام ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه افرادی و در چه مکانی با آن حضرت بیعت می‌کنند؟
- ۱۷۳ آیا هر کسی ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را انکار کند کافر است یا نه؟
- ۱۷۴ مردم از کجا متوجه می‌شوند که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کرده است؟
- ۱۷۴ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در هنگام ظهور با چه کسانی می‌جنگد و دشمنان آن حضرت چه کسانی هستند؟
- ۱۷۹ آیا اینکه گفته می‌شود قبل از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دو سوم مردم جهان کشته می‌شوند، ریشه روانی دارد یا نه؟
- ۱۷۹ مساجدی را که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در هنگام ظهور تخریب و یا می‌سازد کدام است؟
- ۱۸۲ فصل پنجم : سیمای حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۱۸۲ اشاره
- ۱۸۴ آیا حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عالم‌گیر و جهانی است یا نه؟
- ۱۸۷ در روایات متعددی آمده است که «حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نشانه‌ای از پیامبر اسلام دارد و آن نشانه این است که با شمشیر قیام می‌کند و دشمنان خدا را به قتل می‌رساند».
- ۱۸۸ سرنوشت اهل کتاب (یهود، نصارا و...) و سایر کفار در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چگونه می‌باشد؟
- ۱۹۳ آیا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با اقلیت‌های دینی و اهل کتاب بوسیله کتب خودشان حکم می‌کنند، یا بوسیله کتاب مسلمین (قرآن)؟
- ۱۹۳ در بعضی از روایات گفته می‌شود که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنگام ظهور، احکام نو و جدیدی می‌آورد، آیا این بدان معنی است که آئینی غیر از آئین پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌آورند؟
- ۱۹۶ محل حکومت و زمامداری حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کدام شهر است؟
- ۱۹۸ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چند سال حکومت می‌کند؟
- ۱۹۹ پس از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه تحولاتی در دولت و حکومت آن حضرت بوجود می‌آید؟
- ۲۰۶ فصل ششم : خصال یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۲۰۶ اشاره
- ۲۰۸ یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چند نفرند و دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟
- ۲۰۸ اشاره
- ۲۰۸ الف - یاران خاص آن حضرت
- ۲۱۰ ب - یاران مطلق آن حضرت
- ۲۱۵ پ - ویژگی‌های یاران آن حضرت
- ۲۱۷ ت - محل سکونت یاران آن حضرت
- ۲۱۸ آیا ایرانیان در دوران غیبت و ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نقشی دارند یا نه؟
- ۲۲۸ فصل هفتم : شهادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و رجعت
- ۲۲۸ اشاره
- ۲۳۰ آیا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کشته می‌شود یا نه؟
- ۲۳۱ کیفیت رجعت را در زمان ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان بفرمائید؟
- ۲۳۱ اشاره

- الف - معنا و مفهوم رجعت ۲۳۳
- ب - رجعت از دیدگاه قرآن ۲۳۴
- پ - رجعت از دیدگاه روایات ۲۳۸
- ت - چه کسانی رجعت خواهند کرد؟ ۲۴۰
- ث - رجعت در چه زمانی واقع می‌شود؟ ۲۴۹
- ج - هدف از رجعت، قبل از رستاخیز عمومی انسان‌ها چیست؟ ۲۵۰
- چ - آیا اعتقاد به رجعت از ضروریات دین است به طوری که اگر کسی منکر آن شد کافر باشد؟ ۲۵۲
- ح - از ظاهر برخی آیات استفاده می‌شود که قرآن، عقیده به رجعت را نفی میکند ۲۵۳
- خ - آیا عقیده به رجعت از یهودیت گرفته شده است یا نه؟ ۲۵۴
- مصادر تحقیق و پژوهش ۲۵۷
- درباره مرکز ۲۸۳

روایت آخرالزمان و ظهور منجی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهری، محمدجواد، 1353 -

عنوان و نام پدیدآور : روایت آخرالزمان و ظهور منجی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف / نویسنده محمدجواد مهری.

مشخصات نشر : قم: مکتب اندیشه، 1398.

مشخصات ظاهری : 253 ص.؛ 5/14 × 5/21 س.م.

شابک : 400000 ریال: 9-720219-622-978

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه:ص.246-253؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق -

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق. - -- غیبت

Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Occultation : موضوع

موضوع : مهدویت

Mahdism

مهدویت -- انتظار

Mahdism -- *Waiting

عصر ظهور

(Era of advent (Islam*

رده بندی کنگره : BP224

رده بندی دیویی : 297/462

شماره کتابشناسی ملی : 6122558

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فاپا

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ص: 1

اشاره

آخرالزمان

و ظهور منجى موعود (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

نويسنده:

محمد جواد مهرى

ص: 3

روایت آخرالزمان

و ظهور منجی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

محمد جواد مهیر روایت آخرالزمان و ظهور منجی موعود

مؤلف: محمد جواد مهیری

ناشر: انتشارات مشرقین - 7-6616126

چاپخانه: دانش قم، 7-7229766

نوبت چاپ: اول - زمستان 1383

شمارگان: 5000 نسخه

قیمت: 1000 تومان

شابک: 7-81-5781-964

مرکز پخش: قم - خاک فرج - کوی 75 - انتشارات مشرقین

تلفن: 7-6616126 - همراه: 09121531495

ص: 4

فصل اول: حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در قرآن، روایات و سایر ادیان... 15

آیا ممکن است زمین خالی از حجّت خدا و امام باشد؟.... 17

در پاره ای از روایات آمده است که «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است» حال پرسش این است که چرا باید امام زمان خود را بشناسیم؟.... 18

آیا یک کودک پنج ساله (چهار ساله) میتواند امام شود؟.... 20

آیا در قرآن مجید پیرامون حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آیه ای آمده؟... 24

صفات حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در روایات بیان کنید؟.... 26

در روایات متعدّد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) پس از خیر دادن به وجود و قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرموده: «إِسْمُهُ إِسْمِي: نام او همانم من است» و در برخی روایات فرموده: «کنیه او کنیه من است». 34

آیا عقیده به ظهور منجی عدالت گستر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مسلمانان اختصاص دارد یا در سایر ادیان و کتب آسمانی نیز چنین عقیده‌های هست؟... 31

آیا اعتقاد به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و مسأله ظهور اختصاص به شیعیان دارد یا نه؟... 32

آیا به عقیده اهل تسنّن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متولّد شده است یا نه؟... 34

آیا علمای اهل تسنّن پیرامون حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کتابی نوشته اند یا نه؟.... 36

فصل دوم: حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوران غیبت 41

مراد از غیبت صغری و کبری چیست و از کجا آغاز شد؟ ... 43

فلسفه غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟ ... 56

امام غائب چه فایده‌های برای مسلمانان دارد؟ 59

آیا پیش از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنین اتفاقاتی مانند غیبت و پنهان شدن از دیدگان مردم رخ داده است؟
61....

آیا کسی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در دوران پیش از غیبت دیده است یا نه؟ 76

چرا امام عسگری فرزندش حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را از مردم مخفی میکرد؟ ... 77

آیا ممکن است حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در سال 255 «هـ.ق» متولد شده تا به حال که سال 1425 «هـ.ق» است زنده بماند؟ 66

آیا در دوران غیبت کبری میتوان با حضرت مهدی ملاقات کرد و او را دید؟ 71

محل سکونت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کجاست؟ ... 73

برخی از روایات و حکایات و نوشته‌ها، محل سکونت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در دوران غیبت، کوه «رضوی» یا «ذی طوی» و یا جزیره خضرا، یا سرداب مقدس سامرا میدانند، آیا در این زمینه مدرک معتبری وجود دارد یا نه؟ ... 98

فصل سوم: ویژگی‌های منحصر به فرد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 81

چرا به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)؛ قائم آل محمد (علیهم السلام) گفته میشود؟ ... 83

آیا بردن نام اصلی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حرام است یا نه؟ .. 83

علّت به پا خاستن و قیام، هنگام شنیدن نام «قائم» چیست؟ 87

آیا دست بر سر گذاشتن هنگام نام حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ریشه‌روائی دارد یا نه؟ ... 111

انتظار فرج چیست؟ ... 88

آیا دعاء برای تعجیل فرج حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأثیر دارد یا نه؟ .. 91

آیا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنگام ظهور، جوان است یا پیر؟...93

آیا میراث انبیاء و پیامبران گذشته نزد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وجود دارد یا نه؟...94

آیا علامت و نشانه ای از انبیاء و پیامبران سلف در حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وجود دارد یا نه؟...101

آیا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همسر و فرزندی دارد یا نه؟...103

شرایط ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟...143

فصل چهارم: علائم و نشانه های ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کدامند؟...109

بین علائم و نشانه های حتمی پیش از ظهور و زمان ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه قدر فاصله است؟...118

سفیانی کیست؟...119

کیفیت صیحه و ندای آسمانی پیش از ظهور را بیان نمائید؟...128

نفس زکیّه، سیّد حسنی، سیّد خراسانی و شُعَیب بن صالح، یمانی، دَجّال، جعفر کذاب، شیصبانی و عوف سَلَمی چه کسانی هستند؟

130....

الف - نفس زکیّه... 169

ب - سیّد حَسَنی.. 173

ج - سیّد خراسانی و شُعَیب بن صالح.. 175

ت - یمانی.. 181

ث - دَجّال. 184

د - جعفر کذاب.. 192

ذ - شیصبانی.. 196

ر - عوف سَلَمی.. 198

آیا وقت ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشخص و معلوم است یا نه؟...151

فلسفه تعیین نشدن وقت ظهور حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از جانب امامان چه بوده است؟...153

آیا روز، ماه و سال ظهور حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در روایات ذکر شده است یا نه؟...154

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از کجا می فهمد که موقع ظهورش فرا رسیده است؟...157

محل ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کجاست؟...158

هنگام ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه افرادی و در چه مکانی با آن حضرت بیعت می کنند؟...210

آیا هر کسی ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را انکار کند کافر است یا نه؟...162

مردم از کجا متوجه می شوند که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کرده است؟...163

ص: 7

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در هنگام ظهور با چه کسانی می جنگد و دشمنان آن حضرت چه کسانی هستند؟ 163...

آیا اینکه گفته میشود قبل از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دو سوم مردم جهان کشته می شوند، ریشه روایی دارد یا نه؟ 168...

مساجدی را که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در هنگام ظهور تخریب و یا می سازد کدام است؟ 168...

فصل پنجم: سیمای حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 171...

آیا حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عالمگیر و جهانی است یا نه؟ 173....

در روایات متعددی آمده است که «حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نشانه ای از پیامبر اسلام دارد... 230

سرنوشت اهل کتاب (یهود، نصارا و...) و سایر کفار در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چگونه میباشد؟ 177...

آیا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با اقلیت های دینی و اهل کتاب بوسیله کتب خودشان حکم می کنند، یا بوسیله کتاب مسلمین (قرآن)؟ 182...

در بعضی از روایات گفته میشود که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنگام ظهور، احکام نو و جدیدی می آورد، آیا این بدان معنی است که آئینی غیر از آئین پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) می آورند؟ 182...

محل حکومت و زمامداری حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کدام شهر است؟ 185...

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چند سال حکومت میکنند؟ 187...

پس از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه تحولاتی در دولت و حکومت آن حضرت بوجود می آید؟ 188...

فصل ششم: خصال یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 195...

یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چند نفرند و دارای چه ویژگی هایی هستند؟ 197...

آیا ایرانیان در دوران غیبت و ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نقشی دارند یا نه؟ 207 ...

فصل هفتم: شهادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و رجعت

آیا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کشته می شود یا نه؟ ... 219

کیفیت رجعت را در زمان ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان بفرمائید؟ ... 220

مصادر تحقیق و پژوهش ... 246

ص: 9

«به نام آنکه نامش حرز جان هاست»

سلام بر نماینده خدا،

سلام بر فرزند طه و محکّمات!

سلام بر فرزند یس و ذاریات!

سلام بر فرزند طور و عادیات!

سلام بر یوسف فاطمه (علیه السلام).

سلام بر منتقم خون حسین (علیه السلام)!

سلام بر درهم شکننده شوکت زورگویان!

سلام بر صاحب شمشیر برّان! سلام بر عزت بخش دوستان و خوارکننده دشمنان!

سلام بر امید مظلومان و ستمدیدگان!

سلام بر فریاد رس بی کسان! سلام بر قطب عالم امکان!

سلام بر دادگستر جهان! سلام بر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)! و سلام بر نیمه شعبان روز میلاد یگانه دوران!

جانم به قربانت! ای پنهانی که از میان ما بیرون نیستی.

جانم به قربانت! ای دور از نظری که از ما دور نیست.

جانم به قربانت! ای آرمان هر مشتاقی که آرزویت کنند، از مردان و زنان با ایمانی که به یاد تو ناله از دل کشند.

تا کی سرگردان تو باشم، ای مولای من؟

و تا کی و به چه زبانی وصف تو گویم و راز دل کنم؟ گران است بر من که بر تو بگذرد، آنچه می‌گذرد، نه بر دیگران!

آیا کمک کاری هست که با او فریاد و گریه را طولانی کنم؟ آیا بی‌تابی چون من هست که چون به خلوت رود، در زاری و جزع کمکش کنم؟ آیا چشمی هست که خار فراق در آن خلیده و گریان باشد تا چشم پر خار من نیز یاریش دهد؟ آیا ای پسر احمد! بسویت راهی هست تا دیدارت کنم؟ و آیا روز جدائی ما به وعده تو پیوست می‌شود تا بهره‌مند گردیم؟

کی می‌شود که به سرچشمه‌های پر آبت در آئیم و سیراب شویم! کی می‌شود که سیراب شویم از آب وصل تو که تشنگی ما به درازا کشید! کی می‌شود که صبح و شام را با توبه سر بریم و دیده روشن کنیم! کی می‌شود که تو ما را ببینی و ما تو را ببینیم و پرچم نصرتت را برافراشته باشی و مردم آن را مشاهده کنند!

آیا می‌شود ببینیم آن روزی را که ما گرداگردت را گرفته و تو رهبر مردم باشی و زمین را پر از عدل و داد کنی و بپشانی به دشمنانت، خواری و کیفر را و نابود کنی سرکشان و منکران حق را و بزنی ریشه گردنکشان را و بر کنی اساس ستمکاران را.

... و در این مجموعه که با مدد از عنایت خاتم اوصیاء حضرت قائم منتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تهیه و تدوین شده، سعی مان بر این بوده تا سؤالات و شبهاتی که در مجامع و محافل مذهبی و غیر آن، پیرامون مهدی باوری و آخرالزمان مطرح می‌شود، با روشی تحقیقی تحلیلی به صورت 59 روایت، در دسترس شما قرار گیرد.

در 59 چه سرّیست؟

ص: 12

نام قشنگ، زیبا و دلربای مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حروف ابجد 59 می شود.

آری در این دائره المعارف، جهت رفع تشنگی شیفتگان و تشنگان معرفت صاحب الزمان و ربیع الانام، 59 ظرف از معرفت وجود صاحب الصَّمصام و بَقِيَّةِ الْعِتْرَةِ به حضور شما تقدیم گردیده است.

در پایان از یکایک دانشورانی را که از آثار ارجمندشان در جمع آوری این دفتر بهره برده ام، آنانکه زنده اند همّت کریمانه شان را سپاس گویم و آنانکه در قید حیات نیستند از درگاه حضرت ربوبی برایشان طلب مغفرت و آمرزش دارم، امید است که مورد قبول درگاه الهی و عنایت حضرت ولی الله الاعظم روحی و ارواح العالمین له الفداء قرارگیرد (اللَّهُمَّ اعَاذْنَا اللَّهُ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا وَ وَقَّعْنَا بِلِقَاءِ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ (عجل الله تعالی فرجه الشریف)).

قم مقدس عَشَّ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله وسلم)

محمد جواد مهری / 29/3/83

ص: 13

فصل اول : حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قران روایات و سایر ادیان

اشاره

سؤال

ص: 15

سوال: آیا ممکن است زمین خالی از حجت خدا و امام (علیه السلام) باشد؟

جواب: آنچه از روایات متعدده بدست می آید این است که هیچگاه زمین بی امام نمی ماند، چرا که برای بشر مادی و خاکی امکان درک فیض بلاواسطه خداوند متعال ممکن نیست، لذا بشر در ادامه حیاتش محتاج به یک واسطه است که فیض را از مبدأ فیاض بگیرد و به نیازمندان برساند، آن واسطه باید کسی باشد که جنبه الهی و معنوی او قوی تر و بالاتر از جنبه جسمانی او باشد و او همان کسی است که در سیر کمالات به جایی رسیده است که قابلیت درک فیض را دارد که شیعه او را معصوم و منزّه از هر آلودگی دانسته و به عنوان حجت خدا بر خلق می شناسد؛ و اینک به چند روایت در این زمینه اشاره می کنیم: (1)

1- امام باقر (علیه السلام) فرمود: چنانچه امام از زمین برگرفته شود، زمین با اهلش مضطرب گردد چنانکه دریا.

2- یکی از دو امام باقر یا صادق (علیه السلام) فرمود: خدا زمین را بدون امام وانگذازد و اگر چنین می کرد حق از باطل تشخیص داده نمی شد.

3- امام صادق (علیه السلام) فرمود: همانا زمین در هیچ حالی از امام خالی نگردد، برای آنکه اگر مؤمنین چیزی (در اصول و فروع دین) افزودند، آنها را برگردانند و اگر چیزی کم کردند، برای آنها تکمیل کند.

ص: 17

1- . اصول کافی، ج 1، ص 251؛ غیبت نعمانی، ص 139؛ نهج البلاغه، ح 147.

4- امام صادق (علیه السلام) فرمود: زمین را حالی به حالی نگرده، جز آنکه برای خدا در آن حجتی باشد که حلال و حرام را به مردم بفهماند و ایشان را به راه خدا خواند.

سؤال (2)

در پاره‌ای از روایات آمده است که «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است»⁽¹⁾

حال پرسش این است که چرا باید امام زمان خود را بشناسیم؟

جواب: آنچه از روایات بدست می‌آید این است که شناخت امام عصر خود، سبب کامل شدن ایمان، محفوظ ماندن از گمراهی و انحراف، باعث عبادت و پرستش و دینداری می‌شود، چرا که پس از معرفت و سپاس‌طاعت و پیروی از امام زمان، موارد مذکور در پی خواهد آمد و اینک به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم:⁽²⁾

1- یکی از دو امام باقر و صادق (علیه السلام) فرمود: بنده خدا مؤمن نباشد تا آنکه خدا و رسولش و همه ائمه و امام زمانش را بشناسد و در امورش به امام زمانش رجوع کند و تسلیمش باشد.

سپس فرمود:

ص: 18

1- . ینابیع الموده، ص 117؛ مهدی کیست، ص 9؛ محاسن برقی، ص 155؛ اصول کافی، ج 2، ص 207. مقصود از نداشتن پیشوا و امام این است که پیغمبر و امامی را که خدا در زمان او تعیین فرمود، نپذیرد و اطاعت او را بر خود واجب نداند و مراد به جاهلیت حالتی است که اعراب پیش از آمدن اسلام داشتند که خدا را نمی‌شناختند و دین و شریعت را کنار گذاشته و به نژاد و تبار خویش می‌بالیدند و خودخواهی و گردنکشی و کارهای زشت دیگر در میان آنها رواج داشت.

2- . اصول کافی، ج 1، ص 254 تا 262؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج 4، ص 148؛ مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 301.

چگونه ممکن است کسی امام آخر را (که امام زمان اوست) بشناسد و امام اول را نشناسد. (از این جهت معرفت همه ائمه در ایمان شرط کند که طریق شناختن همه امامان یکی است و امام لاحق به نص امام سابق شناخته گردد)

2- امام باقر (علیه السلام) فرمود: تنها کسی خدای عزوجل را شناسد و پرستش کند که هم خدا را بشناسد و هم امام از ما خاندان را و کسی که خدای عزوجل را نشناسد و امام از ما خاندان را نشناسد، غیر خدا را شناخته و عبادت کرده و...

3- امام باقر (علیه السلام) فرمود: هر که دینداری خدای عزوجل کند، بوسیله عبادتی که خود را در آن به زحمت افکنند، ولی امام و پیشوایی که خدامعین کرده، نداشته باشد، زحمتش ناپذیرفته و خود او گمراه و سرگردان است و خدا اعمال او را مغبوض و دشمن دارد، حکایت او حکایت گوسفندی است که از چوپان و گله خود گم شده و تمام روز سرگردان می رود و برمی گردد و... بخدا سوگند! کسی که از این امت باشد و امامی هویدا و عادل از طرف خدای عزوجل نداشته باشد، چنین است گم گشته و گمراه است و اگر با این حال بمیرد با کفر و نفاق مرده است ...

4- امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمود: امام حجت بندگان است و هر که او را رها کند، گمراه می شود و هر که همراه او باشد، نجات می یابد و رستگار می شود.

5- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: ای مردم! هر که بخواهد، در زندگی همانند من باشد و همانند من بمیرد، ولایت علی (علیه السلام) را بپذیرد و از امامان پس از او پیروی کند.

سؤال (3) آیا یک کودک پنج ساله می‌تواند امام شود؟

* آیا یک کودک پنج ساله (1) (چهار ساله) (2) می‌تواند امام شود؟

جواب: اولاً، باید توجه داشته باشیم که پیامبران و امامان نظیر مردم معمولی و عادی نیستند تا بگوئیم باید به حد بلوغ برسند تا لایق مقام پیامبری و امامت باشند، بلکه آنان از حیث آفرینش ممتازند و این امتیاز از همان اوان کودکی در وجود آن بزرگواران موجود است و هر زمانی خداوند صلاح بداند، چه قبل از بلوغ و چه بعد از بلوغ، آنان را به مقام شامخ نبوت و امامت انتخاب می‌کند.

ثانیاً؛ مسأله صِدِّ غَرِّ سن و رسیدن به مقام امامت در سن کودکی منحصر به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیست، بلکه پیامبران و امامان دیگر هم در همان دوران صباوت و ایام کودکی به مقام نبوت و امامت رسیدند از جمله: (حضرت عیسی (3)، حضرت یحیی (4)، حضرت امام جواد (5) و حضرت امام هادی (6) (علیهم السلام)). و اینک به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم:

ص: 20

1- بنا بر قولی که حضرت مهدی (علیه السلام) در نیمه شعبان سال 255 «ه.ق» به دنیا آمد و در سال 260 «ه.ق» پدرش امام حسن عسگری (علیه السلام) به شهادت رسید و آن حضرت به مقام پر افتخار امامت نائل شد (اصول کافی، ج 1، ص 514؛ ارشاد مفید، ص 346؛ غیبت شیخ طوسی، ص 141؛ اعلام الوری، ص 418).

2- بنا بر قولی که تولد آن حضرت را سال 256 «ه.ق» می‌دانند (کمال‌الدین، ص 432؛ کشف الغمه، ج 3، ص 227؛ دلایل الامامه، ص 271).

3- .سوره مریم/31.

4- .سوره مریم/12.

5- . آن حضرت در 17 ماه رمضان سال 195 «ه.ق» در مدینه متولد شد و در 9 یا 10 سالگی به امامت رسید. (تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، ص 243).

6- . آن حضرت در نیمه ماه ذی‌الحجه سال 212 «ه.ق» در مدینه متولد شد و در سال 220 «ه.ق» در حالی که 8 ساله بود به امامت رسید (تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، ص 259).

1- یزید گُناسی گوید: از امام باقر (علیه السلام) پرسیدم که آیا عیسی بن مریم (علیه السلام) زمانی که در گهواره سخن گفت؛ حجت خدا بود بر اهل زمانش؟ فرمود:

او آن زمان پیغمبر و حجت غیر مرسل خدا بود، (1) مگر نمی شنوی گفته خود او را که می گوید: من بنده خدایم، خدا به من کتاب داده و پیغمبرم ساخته (2) و... عرض کردم: در آن زمان و در همان حالی که در گهواره بود، حجت خدا بود بر زکریا؟ فرمود: عیسی در همان حال برای مردم آیت بود و رحمت خدا بود برای مریم، زمانی که سخن گفت و از جانب او دفاع کرد و پیغمبر بود و حجت بر هر که سخنش را در آن حال شنیده، سپس سکوت نمود و تا دو ساله شد، سخن نگفت.

و حجت خدای عزوجل بر مردم، بعد از سکوت عیسی تا دو سال زکریا بود، سپس زکریا در گذشت و پسرش یحیی، کتاب و حکمت را از او وارث برد، در حالی که کودکی خردسال بود، مگر نمی شنوی گفته خدای عزوجل را «ای یحیی کتاب را- تورات- با قوت بگیر و ما حکم نبوت را در کودکی به او دادیم». (3)

چون عیسی هفت ساله شد و خدای تعالی به او وحی فرستاد، از نبوت و رسالت خود سخن گفت و بر یحیی و همه مردم حجت گشت... (4)

2- صفوان بن یحیی گوید: به امام رضا (علیه السلام) عرض کردم، پیش از آنکه خدا ابی جعفر (علیه السلام) (5) را به شما بیخشد، از شما درباره (جانشین ات) می پرسیدیم و شما می فرمودید: خدا به من پسری عطا می کند، اکنون خدا او را به شما عطا کرد

ص: 21

1- ؛ یعنی در آن زمان مأمور به تبلیغ و دعوت نبود.

2- . سوره مریم/31.

3- . همان/12.

4- . اصول کافی، ج 2، ص 220.

5- . کنیه امام محمد تقی (علیه السلام) است.

و چشم ما روشن گشت، اگر خدای ناخواسته برای شما پیش آمدی کند به که بگرویم؟ حضرت با دست اشاره به ابی جعفر (علیه السلام) فرمود که در برابرش ایستاده بود، عرض کردم: قربانت! این پسر سه ساله است، فرمود:

هیچ زیانی به امامت او ندارد، همانا عیسی بن مریم (علیه السلام) قیام به حجّت کرد، در حالی که سه سال داشت. (1)

ظاهر این روایت این است که: عیسی (علیه السلام) در سه سالگی به رسالت مبعوث شده است، چنانچه سخن گفتن او، پس از ولادت و زمانی که در گهواره بوده صریح آیه قرآن کریم است. و در روایتی که قبل از این ذکر شد، نبوت او را در هفت سالگی بیان کرد. ممکن است مقصود این باشد که در هفت سالگی قیام به دعوت نموده، ولی آثار و علائم نبوت قبلاً در او ظاهر شده است.

3- سهل بن زیاد از علی بن مهزیار نقل می کند که اسماعیل بن بزیع گوید: از حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) راجع به امر امامت پرسیدم و گفتم: ممکن است امام از هفت سال کمتر داشته باشد؟ فرمود:

آری! کمتر از پنج سال هم می شود (اشاره به امام دوازدهم (علیه السلام) دارد).

سهل گوید: علی بن مهزیار این حدیث را در سال 221 «هـ. ق» به من گفت. (2)

4- محمد بن یحیی (با چند واسطه) از بعضی اصحاب نقل می کند که به امام محمد تقی (علیه السلام) عرض کردم: مردم درباره خردسالی شما سخن می گویند (اعتراض دارند) فرمود:

ص: 22

1- . اصول کافی، ج 2، ص 109، 221 و 223.

2- . همان مدرک، ص 222.

همانا خدای تعالی به داود (علیه السلام) وحی کرد که سلیمان را جانشین کند و او کودکی بود که گوسفند می چرانید، عابدان و دانشمندان بنی اسرائیل او را نپذیرفتند، خدا به داود (علیه السلام) وحی کرد که عصاهای معترضین و عصای سلیمان را بگیر و در خانه‌ای بگذار و با خاتمهای مردم مهرش کن، فردا عصای هر کس برگ‌دار و میوه‌دار شد او جانشین است.

داود (علیه السلام) این خبر را به آنها گفت (و چون فردا عصای سلیمان را سبز دیدند) گفتند: راضی شدیم و پذیرفتیم. (1)

ثالثاً؛ علاوه بر احادیث مذکور، ائمه قبله (علیهم السلام) خبر داده بودند که سنّ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کمتر از سن سایر ائمه (علیهم السلام) است، همانطور که امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

حضرت صاحب‌الامر سن مبارکش از تمام ما کمتر و گمنام‌تر است. (2)

و همچنین ابن حجر عسقلانی عالم متعصب اهل تسنن می‌گوید: امام حسن عسگری (علیه السلام) پسری به جای نهاد مگر (ابوالقاسم، محمد، حجت) (3) و آن حضرت در موقع وفات پدرش امام حسن عسگری (علیه السلام) پنج ساله بود؛ ولی خداوند در پنج سالگی حکمت به آن بزرگوار عطا فرموده بود. (4)

رابعاً؛ در بین افراد عادی، کسانی دیده می‌شوند که از حیث استعداد و حافظه، نابغه عصر خویش بوده‌اند مانند ابوعلی سینا، فاضل هندی، علامه حلّی، سید محمد حسین طباطبائی، توماس یونگ دانشمند انگلیسی و...

ص: 23

1- همان مدرک.

2- بحارالانوار، ج 51، ص 38.

3- این سه کلمه اشاره به کنیه، نام و لقب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

4- صواعق محرقة، ص 114.

حال چه استبعادی دارد که خداوند متعال حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را که حجت حق و علت مبقیه عالم است، در سن پنج سالگی منصوب گرداند و تحمل و ضبط احکام را به عهده اش واگذار کند؟ (1)

سؤال (4)

آیا در قرآن مجید پیرامون حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آیه‌ای آمده؟

* آیا در قرآن مجید پیرامون حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (2) آیه‌ای آمده؟

جواب: در قرآن آیات بسیاری است که برخی با دلالت روشن و برخی با بیان تفسیر و تأویل ائمه اطهار (علیهم السلام) منطبق بر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موعود و مصلح کل هستند که ذیلاً به چند آیه اشاره می‌شود:

1- «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ در زبور بعد از ذکر- تورات- نوشتیم بندگان شایسته‌ام وارث- حکومت- زمین خواهند شد». (3)

در ذیل این آیه از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که آن حضرت فرمود: مراد از آیه، حضرت قائم آل محمد و یارانش می‌باشند. (4)

2- «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آنرا بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند». (5)

ص: 24

-
- 1- . برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به کتب: دادگستر جهان، ص 123؛ سیمای آفتاب، ص 97.
 - 2- . مهدی به فتح میم و کسر دال اسم مصدر هدایت است و به معنی راه یافته و هدایت شده می‌باشد (تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام، ص 124).
 - 3- . سوره انبیاء/105.
 - 4- . معجم احادیث الامام المهدی، ج 5، ص 262.
 - 5- . سوره توبه/33.

همین وعده عیناً در سوره صف، آیه 9 و با مختصر تفاوت در سوره فتح، آیه 28 تکرار شده است. از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: این پیروزی به هنگام قیام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از آل محمد (علیهم السلام) خواهد بود، آنچنان که هیچ کس در جهان باقی نمی ماند، مگر اینکه اقرار به محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) خواهد کرد. (1)

3- «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد...». (2)

در روایات می خوانیم که این آیه نیز به قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تفسیر شده است از جمله اینکه:

از امام سجاد (علیه السلام) نقل شده: این گروه به خدا قسم! همان پیروان ما هستند که خداوند بوسیله مردی از خاندان ما این موضوع را تحقق می بخشد و او مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این امت است... (3)

و همچنین امام صادق (علیه السلام) فرمودند: این گفته خداوند (آیه شریفه) درباره قائم و یاران او نازل شده است. (4)

4- «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...؛ پرهیزکاران کسانی هستند که به غیب ایمان می آورند و...». (5)

در ذیل این آیه از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمودند:

ص: 25

1- . تفسیر برهان، ج 2، ص 121.

2- . سوره نور/55.

3- . المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه، ص 151.

4- . همان مدرک، ص 148.

5- . سوره بقره/2.

پرهیزکاران، شیعیان علی (علیه السلام) هستند و غیب، حجت غائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. (1)

علاوه بر آیات مذکور، آیات فراوان دیگری در قرآن وجود دارد که به قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأویل و تفسیر شده است.

مرحوم سید هاشم بحرانی (رحمه الله علیه) از علمای بزرگ قرن یازدهم و دوازدهم «ه. ق» کتابی به نام «المحجّة فیما نزل فی القائم الحجة» در این زمینه نوشته است، وی صد و بیست آیه قرآن را آورده و در ذیل هر آیه، احادیثی در تأویل آیات نقل کرده و اخیراً این کتاب به نام «سیمای حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در قرآن» ترجمه شده است؛ و همچنین مرحوم علامه مجلسی (رحمه الله علیه) در همین رابطه شصت آیه از آیات قرآن را با روایات مربوطه در جلد سیزدهم بحار الانوار (2) جمع آوری کرده، علاقمندان برای آگاهی بیشتر به این دو کتاب مراجعه کنند.

سؤال (5)

صفات و خصوصیات حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در روایات بیان کنید؟

جواب: آنچه از روایات بدست می آید این است که خصوصیات و صفات آن حضرت فراوان و متعدّد است و تمام این ویژگیها را حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی در کتاب «منتخب الاثر» در ضمن چهل و نه باب جمع آوری کرده است.

و برای هر ویژگی، چندین روایت نقل نموده، سپس در حدّ اختصار، با اشاره به تعداد روایات هر باب، در کتاب «نوید امن و امان» آن ویژگیها و خصوصیات را در ضمن چهل شماره، تنظیم نموده است، گرچه اصل روایات را در این کتاب نیاورده، ولی علاقمندان می توانند به کتاب منتخب الاثر مراجعه کنند. (3)

ص: 26

1- . المحجّة فیما نزل فی القائم الحجة، ص 16.

2- . ترجمه بحار الانوار، ج 13، ص 246 به بعد. (مهدی موعود).

3- . منتخب الاثر، ص 141 به بعد.

ما هم در اینجا طبق بیان کتاب نوید امن و امان آن خصوصیات را ذکر می‌کنیم: (1)

1- مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از خاندان و ذریه پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) است. (طبق 389 حدیث)

2- هم نام و هم کنیه پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) و شبیه‌ترین مردم به آن حضرت است. (48 حدیث)

3- در صفت، شمایل و قیافه آن حضرت. (21 حدیث)

4- از فرزندان امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. (214 حدیث)

5- از فرزندان حضرت زهرا (علیه السلام) است. (192 حدیث)

6- از فرزندان حسن و حسین (علیه السلام) است. (107 حدیث)

7- از فرزندان حسین (علیه السلام) است. (185 حدیث)

8- نهمین فرزند از فرزندان حسین (علیه السلام) است. (148 حدیث)

9- از فرزندان زین العابدین (علیه السلام) است. (185 حدیث)

10- هفتمین فرزند از فرزندان امام باقر (علیه السلام) است. (103 حدیث)

11- ششمین فرزند از فرزندان امام صادق (علیه السلام) است. (99 حدیث)

12- پنجمین فرزند از فرزندان امام موسی بن جعفر (علیه السلام) است. (98 حدیث) 13- چهارمین فرزند از فرزندان امام رضا (علیه السلام) است. (95 حدیث)

14- سومین فرزند از فرزندان امام محمدتقی (علیه السلام) است. (60 حدیث)

15- جانشین جانشین امام علی النقی (علیه السلام) و پسر امام حسن عسگری (علیه السلام) است.

ص: 27

1- : نوید امن و امان، ص 82.

16- اسم پدرش حسن (علیه السلام) است. (147 حدیث)

17- مادرش سیده کنیزان و بهترین ایشان است. (9 حدیث)

18- دوازدهمین امام و خاتم الائمه است. (136 حدیث)

19- دارای دو غیبت است صغری و کبری. (10 حدیث)

20- غیبتش از بس طولانی خواهد شد که مردم ضعیف الایمان و کم معرفت، گرفتار شک و تردید می شوند. (91 حدیث)

21- عمر بسیار طولانی دارد. (318 حدیث)

22- زمین را پر از عدل و داد کند، بعد از آنکه پر از ظلم و ستم شده باشد. (123 حدیث)

23- گذشت روزگار او را پیر نسازد و به سیمای جوانان باشد. (8 حدیث)

24- ولادتش مخفی و پنهان است. (14 حدیث)

25- دشمنان خدا را می کشد و زمین را از شرک و ظلم و ستم و حکومت دیکتاتوران پاک و به تأویل جهاد کند. (19 حدیث)

26- دین خدا را آشکار، اسلام را در تمام روی زمین گسترش دهد، فرمانروای روی زمین شود و زمین را خدا به وسیله او زنده سازد. (47 حدیث)

27- مردم را به هدایت و قرآن و سنت برگرداند. (15 حدیث)

28- دارای سنت‌هایی از انبیاست که از آن جمله غیبت است. (23 حدیث)

29- با شمشیر قیام کند. (احادیث بسیار)

30- روش او روش پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) باشد. (30 احادیث)

31- ظاهر نشود، مگر بعد از آنکه مردم در امتحانات و آزمایشهای سخت واقع شوند. (24 حدیث)

32- عیسی (علیه السلام) نازل شود و در نماز به آن حضرت اقتدا کند. (25 حدیث)

33- پیش از ظهورش، بدعتها و ظلم و گناه و تجاهر به فسق و فجور، زنا، ربا، میگساری، قمار، رشوه، ترک امر به معروف و نهی از منکر و معاصی دیگر رایج شود، زنان مکشّفه و در کارهای مردان شرکت کنند، طلاق بسیار و مجالس لهو و لعب و غنا و آوازه‌های مطرب علنی شود. (37 حدیث) 34- هنگام ظهورش منادی آسمان به نام او و نام پدرش ندا کند که همه آن را بشنوند و ظهور آن حضرت را اعلام کند. (27 حدیث)

35- پیش از ظهورش نرخ‌ها بالا رود، بیماری‌ها زیاد، قحطی ظاهر و جنگ‌های بزرگ بر پا شود و خلق بسیار از بین رود. (23 حدیث)

36- پیش از ظهورش نفس زکیّه و یمانی کشته شوند و در بیداء خسفی واقع شود و دجال و سفیانی خروج کنند و صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آنها را بکشد. (احادیث باب 6 و 7 از فصل ششم و باب 9 و 10 از فصل هفتم کتاب منتخب الاثر)

37- برکات آسمان و زمین بعد از ظهورش ظاهر شود و زمین معمور و آباد گردد و غیر خدا پرستش نشود و کارها آسان و خردها تکامل یابد. (احادیث باب 2، 3، 4، 11 و 12 از فصل هفتم کتاب منتخب الاثر)

38- سیصد و سیزده نفر اصحاب او در یک ساعت به محضرش حاضر شوند. (25 حدیث)

39- ولادت و مشروح تفصیلات، تاریخ آن و بعضی از احوال مادر جلیله آن

40- شرح بعضی از معجزات او در زمان حیات پدر بزرگوارش و غیبت صغری و کبری و نام جمع کثیری از کسانی که مشرف به نعمت دیدار و لقاء آن حجت خدا شدند. (باب 2 و 3 از فصل سوم، باب 1 و 2 از فصل چهارم و باب 1 و 2 از فصل پنجم کتاب منتخب الاثر)

(6)

سؤال در روایات متعدّد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) پس از خبر دادن به وجود و قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرموده: «إِسْمُهُ إِسْمِي: نام او همانم من است»

*سؤال در روایات متعدّد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) پس از خبر دادن به وجود و قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرموده: «إِسْمُهُ إِسْمِي: نام او همانم من است»⁽¹⁾ و در برخی روایات فرموده: «کنیه او کنیه من است»⁽²⁾.

اما برخی از علمای اهل تسنّن در بعضی از روایات، در ادامه «إِسْمُهُ إِسْمِي» جمله «وَأِسْمُ أَبِيهِ إِسْمُ أَبِي»⁽³⁾ را اضافه کرده‌اند. بر این اساس امثال ابن حجر عسقلانی در صدد طعن بر عقیده شیعه برآمدند که شما می‌گویید مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پسر امام عسگری (علیه السلام) است صحیح نیست، زیرا امام حسن عسگری (علیه السلام) هم نام با پدر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نیست، زیرا نام پدر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) عبدالله است و نام امام عسگری، حسن است. در حالی که طبق این روایت پدر امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باید هم نام با پدر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) باشد؟!

جواب: علمای شیعه و بعضی از علمای اهل سنت توجیهاتی برای این حدیث

ص: 30

1- . اثبات الهداه، ج 7، ص 52.

2- . همان مدرک.

3- . سنن ابن داود، ج 4، ص 106؛ مقدمه ابن خلدون فصل سوم از کتاب اوّل؛ تاریخ الخلفاء، ص 272. یک روایت از یک راوی به نام زائده از عاصم، این را نقل کرده است.

نقل کرده‌اند از جمله اینکه:

أولاً؛ اصل جمله جعلی است، چون در دهها روایت دیگر «وَإِسْمُ أَبِيهِ إِسْمُ أَبِي» دنباله «إِسْمُهُ إِسْمِي» نیامده است. (1)

ثانیاً؛ بر فرض جعلی نبودن روایت، نَسَآخ در حین نسخه‌برداری اشتباه نوشته‌اند، زیرا حق این است که اصل لفظ «أَبِي» در این عبارت «إِنِّي» است یعنی «نام او نام من است و نام پدر او نام فرزندم حسن است». (2)

(7)

سؤال آیا عقیده به ظهور منجی عدالت گستر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مسلمانان اختصاص دارد یا در سایر ادیان و کتب آسمانی نیز چنین عقیده‌ای هست؟

جواب: اعتقاد به مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موعود اختصاص به مسلمانان ندارد، بلکه سایر ادیان و مذاهب آسمانی نیز در این عقیده با مسلمین شریکند، پیروان همه ادیان معتقدند که در یک عصر تاریک و بحرانی که جهان را فساد و بیدادگری و بی‌دینی فرا گرفته، منجی جهان خواهد رسید و به واسطه نیروی فوق‌العاده غیبی، اوضاع آشفته جهان را اصلاح می‌کند و جهان را پر از عدل و داد خواهد ساخت البته هر ملت و مذهبی او را با لقبی مخصوص می‌شناسند، زردشتیان او را بنام سوشیناس (نجات دهنده جهان)، جهودان بنام سرور میکاییلی، عیسویان بنام مسیح موعود، مسلمانان بنام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منتظر می‌نامند، لکن هر

ص: 31

-
- 1- . عده‌ای مثل سنن ترمذی و مسند احمد، همین روایت را بدون «اسم ابیه اسم ابی» آورده‌اند و به قول گنجی شافعی و حافظ ابونعیم در مناقب المهدی نام 31 تن راوی که این حدیث را از عاصم نقل کرده‌اند آورده که هیچ یک، جمله «اسم ابیه اسم ابی» را ندارد، جز نقل زائده که آن یا عمداً یا اشتبهاً اضافه کرده است. (تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، ج 2، ص 303)
 - 2- . نجم الثاقب، ص 110 به بعد؛ مهدی موعود، ص 303؛ سیمای آفتاب، ص 387.

ملتی آن نجات دهنده غیبی را از خودش می‌داند، زردشتیان او را ایرانی و از پیروان زردشت می‌دانند، یهودان از بنی اسرائیل و پیروان موسی می‌شمرند، عیسویان او را همکیش خودشان می‌دانند و مسلمانان او را از دودمان بنی هاشم و فرزند پیغمبرش می‌شمارند، در اسلام بطور کامل معرفی شده، ولی در سایر ادیان چنین نیست.

نکته قابل توجه این است که علائم و مشخصاتی که در سایر ادیان برای آن نجات‌دهنده بزرگ ذکر شده، در مورد مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موعود اسلام یعنی فرزند بلافصل امام حسن عسگری (علیه السلام) نیز قابل انطباق است، می‌توان او را از نژاد ایرانی شمرد، زیرا مادر امام سجاد (علیه السلام) که جدّ امام نهان است، یک شاهزاده خانم ایرانی بوده بنام شهربانو دختر یزدگرد پادشاه ساسانی.

از دودمان و خاندان بنی اسرائیل نیز شمرده می‌شود، زیرا بنی هاشم و بنی اسرائیل هر دو از نسل حضرت ابراهیم (علیه السلام) بوجود آمده‌اند، بنی هاشم از فرزندان اسماعیل هستند و بنی اسرائیل از اولاد اسحاق. پس بنی هاشم و بنی اسرائیل در واقع از یک خاندان محسوب می‌شوند، به عیسویان نیز نسبت دارد، زیرا بر طبق بعضی روایات مادر حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یک شاهزاده خانم رومی بوده به نام نرجس که زندگانی وی به صورت یک داستان شگفت‌انگیزی در کتاب‌ها دیده می‌شود و... (1)

(8)

سؤال آیا اعتقاد به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و مسأله ظهور اختصاص به شیعیان دارد یا نه؟

جواب: مسأله مهدویت از صدر اسلام، امری رایج و مورد توجه بوده، به گونه‌ای

ص: 32

1- . دادگستر جهان، ص 66. برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به کتب: خورشید مغرب، ص 67؛ ادیان و مهدویت، ص 17؛ سیمای آفتاب، ص 15.

که در هر دوره ای منتظر ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موعود بوده‌اند و اینکه برخی کوتاه فکran برای حفظ مقام و موقعیت خویش داستان غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را جعلی دانسته و گویند اصل مهدویت ریشه در اسلام ندارد و از ابداعات شیعه است. (1) حرفی پوچ و بلا دلیل است زیرا که: اولاً؛ مهدویت مسأله اصیل اسلامی و متّخذ از قرآن و حدیث نبوی است، بلکه حتی صد سال قبل از ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بین مسلمانان و دیگر ادیان و مذاهب، پیشینه‌ای درخشان دارد که در ضمن پاسخ به سؤالات مذکور در این مجموعه روشن می‌شود.

ثانیاً؛ افرادی کتابهای زیادی را قبل از ولادت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مورد غیبت وی به رشته تحریر در آورده‌اند که عبارتند از:

1- علی بن حسن بن محمد طائی طاطری که از اصحاب امام موسی کاظم (علیه السلام) و مردی فقیه و مورد اعتماد می‌باشد. (2)

2- علی بن عمر اعرج کوفی از اصحاب امام موسی کاظم (علیه السلام). (3)

3- ابراهیم بن صالح از اصحاب امام موسی کاظم (علیه السلام). (4)

4- حسن بن علی بن ابی حمزه که در عصر امام رضا (علیه السلام) زندگی می‌کرد. (5)

ص: 33

1- . احمد امین مصری صاحب کتاب «المهدی و المهدویّه» در صفحه 13 و 14. این کتاب صریحاً می‌گوید: فکر مهدویت را شیعه در میان ایشان (اهل مغرب) انتشار داده است، این کلمه را بر زبان مردی ماهر، بنام عبدالله الشیعی نهاده است که وی مردم را به مهدی منتظر خوانده است (نقل از سیمای آفتاب، ص 24).

2- . رجال نجاشی، ص 193.

3- . همان مدرک، ص 194.

4- . همان مدرک، ص 28.

5- . همان مدرک.

5- عباس بن هشام ناشری اسدی، مردی جلیل القدر و مورد وثوق و از اصحاب امام رضا (علیه السلام) بوده است. (1)

6- علی بن حسن بن فضال از اصحاب امام هادی و امام حسن عسگری (علیه السلام). (2)

7- فضل بن شاذان نیشابوری از اصحاب امام هادی و امام حسن عسگری (علیه السلام). (3)

ثالثاً؛ با ضمیمه کردن سه مطلب، یعنی با توجه به ضرورت وجود امام برای بقای نسل بشر (4) و با توجه به تعداد ائمه (علیهم السلام) که دوازده نفرند (5) و با توجه به یقینی بودن فوت یازده امام، غیبت امام دوازدهم امری حتمی و قطعی خواهد شد. (6)

بنابراین موضوع غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امر جدید یا ناشناخته‌ای نبوده است تا آن را از ابداعات و اختراعات شیعه بدانیم. سؤال (9)

آیا به عقیده اهل تسنن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متولد شده است یا نه؟

جواب: در مورد ولادت آن حضرت بین اهل تسنن اختلاف نظر وجود دارد، ولی گروه زیادی از علمای آنان مانند شیعه تصریح کرده‌اند که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در سال 255 «هـ. ق» در سامرا متولد شد و او فرزند امام حسن عسگری (علیه السلام) می‌باشد، نام بعضی از آنها چنین است:

ص: 34

1- . همان مدرک، ص 215.

2- . همان مدرک، ص 195.

3- . همان مدرک، ص 235.

4- . اصول کافی، کتاب الحجّه.

5- . غیبت شیخ طوسی، ص 96؛ کفایة الاثر، ص 320.

6- . دادگستر جهان، ص 130.

1- ابن الصباغ مالکی می‌گوید: ابوالقاسم محمد بن الحسن در نیمه شعبان سال 255 «هـ.ق» در شهر سامرا به دنیا آمد. (1)

2- ابن حجر عسقلانی می‌گوید: (بعد از احوال امام حسن عسگری) فرزندی جز ابوالقاسم که محمد و حجت نامیده می‌شود، باقی نگذاشت، آن کودک در هنگام وفات پدر پنج ساله بود. (2)

3- شعرانی می‌گوید: مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرزند امام حسن عسگری (علیه السلام) است که در نیمه شعبان سال 255 «هـ.ق» متولد شد، زنده و باقی خواهد ماند تا با عیسی (علیه السلام) ظهور کند و اکنون که سنه 958 است، 703 سال از عمر شریفش می‌گذرد. (3)

4- گنجی شافعی می‌گوید: چه امتناعی از زنده بودن مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وجود دارد، در حالی که عیسی و الیاس و خضر که از اولیای خدا هستند هنوز زنده می‌باشند و دجال و ابلیس که دشمنان خدا می‌باشند هنوز زنده هستند، چه شده است که بر زنده بودن آنها اتفاق نظر دارند، اما زنده بودن مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را منکرند، من به گونه‌ای زنده بودن هر یک از آنان را بیان می‌کنم که برای هیچ عاقلی جای انکار زنده بودن مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باقی نماند. (4)

سپس وی با دلایل زیبا و شیوایی سخنان افرادی که منکر زنده بودن حضرت

ص: 35

1- . الفصول المهمه، ص 274.

2- . همان، ص 206.

3- . الیواقیت و الجواهر، ج 2، ص 143.

4- . البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص 521.

مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) هستند را رد می‌کند.

اما گروه دیگری از علمای اهل سنت مانند ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه خود، ذیل کلام مولی (علیه السلام) که می‌فرماید: «بأبی ابن خیرة الاماء»⁽¹⁾.

می‌نویسد: امامیه گمان می‌برند که منظور کلام حضرت، امام دوازدهم آنهاست که فرزند کنیزی به نام نرگس است، ولی اصحاب ما گمان دارند که وی مردی فاطمی است و در آینده از کنیزی متولد می‌شود، او خواهد آمد و زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود، پس از آنکه پر از ظلم و ستم شده باشد، او از ستمگران انتقام می‌گیرد و آنها را به شدیدترین عقوبت‌ها می‌رساند.⁽²⁾

سؤال (10)

آیا علمای اهل تسنن پیرامون حضرت مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) کتابی نوشته‌اند یا نه؟

اشاره

جواب: علمای اهل تسنن روایات فراوانی درباره آن حضرت در کتب خود جمع‌آوری و نقل کرده‌اند و بسیاری از آنها ادعای تواتر آن روایات را دارند،⁽³⁾ حال ما در سه قسمت به آنها اشاره می‌کنیم:

الف - برخی از کتاب‌هایی که به صورت مستقل درباره حضرت مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) نوشته شده عبارتند از:

ص: 36

1- . نهج البلاغه.

2- . شرح ابن ابی الحدید، ج 2، ص 179.

3- . مقصود از خبر متواتر، خبری است که راویان آن در هر عصر، در حدی هستند که توافق و اجتماعشان بر کذب بطور عادی محال باشد، لذا حدیث متواتر قطعی الثبوت است مخصوصاً روایات احادیث حضرت مهدي (عجل الله فرجه) به گونه‌ای هستند که اجتماعشان ابداً امکان نداشت، زیرا بعضی مکی و بعضی مدنی، کوفی، بصری، رازی، قمی، شیعی، سنی، اشعری و معتزلی بودند و بعضی در اوائل و عصر اول و بعضی در اعصار بعدی بودند (سیمای آفتاب، ص 26).

- 1- علامات المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، اثر جلال الدين سيوطي.
- 2- البيان في اخبار صاحب الزمان، اثر محمد بن يوسف گنجي شافعي.
- 3- مناقب المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، اثر ابونعيم اصفهاني.
- 4- عقد الدرر، اثر يوسف بن يحيى شافعي.
- 5- فتن و ملاحم، اثر حافظ نعيم بن حماد مروزي. (1)
- 6- البرهان في علامات مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) آخر الزمان، اثر علامه متقي هندی.
- 7- القول المختصر، اثر احمد بن علي هيثمي.
- 8- المشرب الوردی، اثر ملاسلطان حنفي.
- 9- فوائد فوائد الفكر، اثر مرعي بن يوسف حنبلي.
- 10- تلخيص البيان في علامات مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) آخر الزمان، اثر ابن كمال پاشای حنفي. (2)

ب - برخی از کتاب هایی که بخشی از مباحث خود را پیرامون آنحضرت اختصاص داده اند

ب - برخی از کتاب هایی که بخشی از مباحث خود را پیرامون آنحضرت اختصاص داده اند (3) عبارتند از:

- 1- الفصول المهمه، ص 273، اثر ابن الصباغ مالکی.
- 2- ينابيع الموده، ص 241، اثر قندوزی حنفي.
- 3- تذکره الخواص، ص 378، اثر سبط ابن الجوزی.

ص: 37

-
- 1- . استاد علی کورانی نویسنده لبنانی می گوید: شاید کهن ترین کتابی که از اهل سنت درباره حضرت مهدی (عجل الله فرجه) بدست ما رسیده است همین کتاب باشد که مؤلف آن از اساتید بخاری و دیگران بوده و از مصنفان صحاح شش گانه به شمار می رود (عصر ظهور، ص 392).
 - 2- . برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به: خورشید مغرب، ص 65.
 - 3- . برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به: معجم احادیث الامام المهدي، ج 1-5.

4- الصواعق المحرقة، ص 205، اثر ابن حجر هیثمی.

5- نور الابصار، ص 186، اثر شبلنجی.

6- سنن ابوداؤد، ج 4، ص 107، اثر ابوداؤد.

7- سنن ابن ماجه، ج 2، ص 1368، اثر ابن ماجه.

8- سنن ترمذی، ج 4، ص 505، اثر ترمذی.

9- مطالب السؤل، باب دوازدهم، اثر محمد بن طلحه.

10- ذخائر العقبی، ص 136، اثر طبری.

ج: چند نفر از کسانی که ادعای تواتر آن روایات را دارند، ذیلاً به آنها اشاره می‌کنیم:

*ج: چند نفر از کسانی که ادعای تواتر آن روایات را دارند، ذیلاً به آنها اشاره می‌کنیم: (1)1- حافظ ابوعبدالله گنجی شافعی می‌گوید: احادیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) درباره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به دلیل روایان بسیاری که دارد به حدّ تواتر رسیده است. (2)

2- ابن حجر عسقلانی شافعی می‌گوید: اخبار متواتر رسیده است که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از این امت است و عیسی (علیه السلام) از آسمان فرود خواهد آمد و پشت سر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نماز خواهد خواند. (3)

ص: 38

1- حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی از بسیاری از علمای اهل تسنن، ادعای تواتر اخبار در مورد وجود حضرت مهدی (عجل

الله فرجه) را نقل کرده است، برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید. به: منتخب الاثر، ص 3-6 (پاورقی).

2- . البيان في اخبار صاحب الزمان.

3- . فتح الباری شرح صحیح بخاری.

3- قاضی محمد شوکانی یمنی می گوید: همه احادیثی که آورده ایم به حدّ تواتر می رسد، چنانکه بر مطلعان پوشیده نیست، بنابراین با توجه به همه احادیث مذکور، مسلم گشت که احادیث رسیده درباره مهدی منتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متواتر است. (1)

ص: 39

1- . رساله التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسیح.

فصل دوم : حضرت مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در دوران

اشاره

ص: 41

سؤال : مراد از غیبت صغری و کبری چیست و از کجا آغاز شد؟

جواب: آنچه از روایات استفاده می‌شود و عملاً واقع شده حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دو نوع غیبت دارد یکی کوتاه (غیبت صغری) و دیگری طولانی (غیبت کبری). (1)

الف - غیبت صغری آن حضرت از سال تولدشان یعنی نیمه شعبان 255 یا 256 «هـ. ق» شروع شد و تا سال 329 «هـ. ق» امتداد یافت که تقریباً هفتاد و سه (یا هفتاد و چهار) سال می‌شود. (2)

در این مدت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نظر مردم پنهان بود، ولی این غیبت فراگیر و عمومی نبوده، زیرا کسانی بودند که با امام تماس و ارتباط داشتند که به نایبان خاص امام مشهورند و مردم در کارهایشان به این نواب خاص مراجعه می‌کردند و نامه‌ها و حوایج‌شان را به وسیله این افراد به محضر آن حضرت می‌فرستادند و پاسخ را دریافت می‌نمودند. در تعداد نواب خاص اختلاف است: سید بن طاووس در کتاب ربیع الشیعه اسامی آنان را بدین قرار ذکر کرده: ابوهاشم داود بن القاسم، محمد بن علی بن بلال، عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، عمر الالهوازی، احمد بن اسحاق، ابومحمد الوجنای، ابراهیم بن مهزیار، محمد بن ابراهیم. (3)

ص: 43

1- امام صادق (علیه السلام) فرمود: قائم را دو غیبت خواهد بود یکی کوتاه و دیگری طولانی (اثبات الهداه، ج 7، ص 69؛ بحار الانوار، ج 52، ص 155).

2- البته برخی از مورّخین آغاز غیبت صغری را از سال 260 «هـ. ق» هنگام شهادت امام حسن عسگری (علیه السلام) می‌دانند که در این صورت مدت غیبت صغری 69 سال می‌شود.

3- رجال بوعلی، ص 312.

و شیخ طوسی و کلا را بدین اسامی معرفی نموده است: از بغداد عمری و پسرش و حاجز، بلالی و عطار، از کوفه عاصمی، از اهواز محمد بن ابراهیم بن مهزیار، از قم احمد بن اسحاق، از همدان محمد بن صالح، از ری شامی و اسدی، از آذربایجان قاسم بن العلاء، از نیشابور محمد بن شاذان. (1)

لیکن وکالت چهار نفر در بین شیعیان معروف است: اول عثمان بن سعید، دوم محمد بن عثمان، سوم حسین بن روح و چهارم علی بن محمد سمی.

هر یک از آنها هم در شهرهای مختلف نمایندگانی داشتند. (2)

ولی ظاهراً نمایندگان اصلی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همین چهار نفر مشهور و معروفند و نمایندگان دیگر، یا نماینده این چهار نفر در شهرها بوده‌اند و یا اینکه بوسیله این چهار نفر امور مردم را به عرض امام می‌رساندند و یا بهگفته صاحب اعیان الشیعه سید محسن امین سفارت این چهار نفر مطلق و عام بوده، ولی سفارت و نیابت دیگران در موارد خاص بوده است. (3)

مشخصات و صفات نواب اربعه به قرار ذیل است:

* مشخصات و صفات نواب اربعه به قرار ذیل است: (4)

1. ابو عمرو، عثمان بن سعید عمری:

اورا امام هادی و امام حسن عسگری (علیه السلام) به این مقام برگزیده بودند، وی از

ص: 44

1- اثبات الهداه، ج 7، ص 294.

2- بحار الانوار، ج 51، ص 362.

3- دادگستر جهان، ص 131 به بعد؛ سیمای آفتاب، ص 110؛ اعیان الشیعه، ج 4، ص 16 به بعد.

4- برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به کتب: بحار الانوار، ج 51، ص 316 به بعد؛ غیبت شیخ طوسی، ص 216؛ الکنی و الالقاب، ج 3، ص 268؛ کفایة الموحدين، ج 2، ص 789؛ العبقري الحسان، ج 2، ص 21؛ روزگار رهائی؛ ج 1، ص 291؛ سرزمین آرزوها، ص 242 به قلم نگارنده؛ تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام، ص 137 به بعد.

طایفه بنی اسد است که او را اسدی نیز خوانده‌اند، امام عسگری (علیه السلام) چون نام دراز او را بشنید، فرمود: در یک مرد این دو نام جمع نمی‌شود، بنابراین دستور داد کینه او را که ابوعمرو باشد بر هم زنند و وی را عمری نامیدند، او را سمّان(1) نیز می‌خواندند، گویند به سبب مخفی داشتن امر سفارت تقیه نموده، روغن فروشی می‌کرد، چنانکه شیعیان اموالی را برای امام حسن عسگری (علیه السلام) می‌آوردند، به ابوعمرو تسلیم می‌کردند و او از راه ترس و تقیه، آن اموال را در داخل خیک روغن گذاشته، به خانه امام (علیه السلام) می‌رسانید، وی مورد اعتماد امام هادی (علیه السلام) نیز بود و آن حضرت به یاران خود می‌فرمود: این ابوعمرو مردی ثقه و امین است و هرچه به شما می‌گوید از جانب من است و آنچه را که به شما می‌رساند از جانب من می‌باشد، او در زمان امام عسگری (علیه السلام) همچنین مورد وثوق امام بود، پس از رحلت امام عسگری (علیه السلام) نایب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شد و مکرر به خدمت آن امام می‌رسید، توقیعات حضرت صاحب الامر در خصوص امر و نهی و جواب سؤالات شیعه به توسط عثمان بن سعید و پسرش به ایشان می‌رسید، دوره نیابت پدر و پسر از سال 260 تا 304 یا جمادی الاولی سال 305 «هـ.ق» به طول انجامید، وی سرانجام در سال 300 «هـ.ق» وفات یافت و در خانه خودش در مرکز شهر بغداد، محله باب الشیخ نزدیک میدان خلّانی، بازار حرّاج به خاک سپرده شد که الان دارای ضریح و بارگاه و گنبد بوده و مورد توجه شیعیان و زائران عتبات عالیات است.(2)

2. ابو جعفر، محمد بن عثمان عمری:

چون پدرش درگذشت، به امر امام (علیه السلام) به جای او نشست و واسطه بین حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و مردم گردید، در خبر است که توقیعی از طرف امام در تعزیت وفات پدرش آمد و آن بر چند فصل بود که در یک فصل آن نوشته شده بود:

ص: 45

1- یعنی روغن فروش.

2- تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام، ص 137 به بعد؛ سرزمین آرزوها به قلم نگارنده، ص 242 به بعد؛ سفینه البحار، ج 2، ص 158

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ وَرِضًا بِقَضَائِهِ وَبِفِعْلِهِ عَاشَ أَبُوكَ سَعِيدًا وَمَاتَ حَمِيدًا فَرَحِمَهُ اللَّهُ وَالْحَقُّهُ بِأَوْلِيَائِهِ...»

ابوجعفر دختری به نام امّ کلثوم داشت و از وی روایت شده که پدرش چند جلد کتاب در فقه تصنیف کرده و همه مطالب آنها را از حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و پدرش امام عسگری و جدش امام هادی (علیهم السلام) اخذ کرده بود، ام کلثوم گوید این کتابها پس از وی به نائب سوم، حسین بن روح رسید. همچنین از ام کلثوم روایت شده که ابوجعفر محمد بن عثمان دل از دنیا برکنده و برای خود قبری کنده بود و منتظر مرگ خویش بود تا در سال 305 «هـ. ق» پس از 50 سال (چهل و چهار سال) نیابت دار فانی را وداع گفت. مرقد او در کنار پدر بزرگوارش در خانه خود، مورد زیارت شیعیان می‌باشد. (1)

3. ابوالقاسم، حسین بن روح بن ابی بحر نوبختی: ابوجعفر محمد بن عثمان پس از خود به دستور امام (علیه السلام) حسین بن روح را به جانشینی خویش برگزید، وی در ایام امامت امام یازدهم نیز از اصحاب خاص او به شمار می‌رفت و به اصطلاح «باب» آن حضرت بود و قطعه‌ای از اخبار ائمه سابق (علیهم السلام) را هم که از دیگران شنیده بود نقل می‌کرد.

ام کلثوم دختر ابوجعفر محمد بن عثمان گوید: حسین بن روح از چند سال پیش از مرگ پدرم وکیل او بود و در امر املاک وی نظارت داشت و اسرار دینی را از جانب او به رؤسای شیعه می‌رسانید و از خواص و محارم وی به شمار می‌رفت، مراتب وثوق و دیانت و فضل او روز به روز مقام وی را در میان شیعه استوارتر می‌ساخت تا اینکه از طرف پدرم به نیابت و سفارت منسوب گردید.

وی بعد از درگذشت محمد بن عثمان، به عنوان نایب سوم امام غایب به دارالغیابه بغداد درآمد و در آنجا رسماً جلوس کرد و بزرگان شیعه گرداگرد او

ص: 46

نشستند، «ذکاء» خادم محمد بن عثمان با عصا و کلید و صندوقچه او به نزد حسین بن روح آمد و گفت ابوجعفر امر فرمود که چون مرا به خاک سپردی، این اشیاء را تسلیم او کن، این صندوقچه حاوی انگشتری های ائمه (علیهم السلام) است. اول توقیعی که به دست حسین بن روح صادر شد، به تاریخ یکشنبه 24 شوال سال 305 «هـ. ق» بود، حسین بن روح از سال انتصاب خود به نیابت تا زمان حامد بن العباس (ربیع الاخر سال 311 «هـ. ق»)) در بغداد می زیست و منزل او محل رفت و آمد اُمراء و بزرگان مملکت بود و سپس از سال 312 تا محرم 317 «هـ. ق» به زندان افتاد و سرانجام در شعبان سال 326 «هـ. ق» درگذشت و در محله نوبختیه شهر بغداد، داخل بازار سوق العطارین به خاک سپرده شد و الآن دارای صحن و سرا و گنبد و ضریح بوده و مورد زیارت شیعیان است. (1)

3. ابوالحسن علی بن محمد سمري:

حسین بن روح به دستور حضرت مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) پیش از مرگ خود، سمري را به جانشینی خود برگزید، علی بن محمد سمري مدت سه سال از شعبان سال 326 تا شعبان سال 329 «هـ. ق» نیابت و وکالت حضرت مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) را داشت.

ابن بابویه روایت کرده: ابومحمد حسن بن مکتب گفت در سالی که شیخ ابوالحسن علی بن محمد سمري وفات کرد، من در بغداد بودم، چندروز پیش از مرگ او، به نزد وی رفتم، ناگاه دیدم که توقیعی از امام (علیه السلام) در آورد و به مردم نشان داد، متن آن بدین گونه بود:

«بسم الله الرحمن الرحيم، ای علی بن محمد سمري! خداوند پاداش برادران دینی تو را در مصیبت مرگ تو بزرگ دارد، همانا تو از اکنون تا شش روز دیگر خواهی مُرد، پس کار خود را فراهم کن و درباره نیابت و وکالت به هیچ کس

ص: 47

1- . خاندان نوبختی، ص 312 به بعد؛ بحارالانوار، ج 13، ص 295؛ غیبت شیخ طوسی، ص 239 به بعد؛ سرزمین آرزوها به قلم نگارنده.

وصیت مکن! تا به جای تو بنشینند، زیرا غیبت کبری واقع گردید و من ظهور نخواهم کرد، مگر به فرمان خدای تعالی و آن پس از مدت درازی خواهد بود که دل‌ها را سختی و قساوت فرا گیرد و زمین از ستم و بیداد پر گردد...»

ابومحمد احمد بن حسن المکتب گوید: ما از توقیع نسخه برداشته و از نزد او بیرون رفتیم و چون روز ششم شد، او را مرگ فرا رسید، در هنگام نزع و جان کندن از او پرسیدند وصی و جانشین تو کیست؟ گفت: «خدا را امری است که باید آن را به اتمام برساند»، این سخن را بگفت و درگذشت و سرانجام در شهر بغداد بازار سوق الخفافین نزدیک مدرسه منتصریه به خاک سپرده شد. (1) و بدین ترتیب امور نیابت خاصه پایان پذیرفت و غیبت کبری آغاز گردید.

ب - و غیبت کبری آن حضرت از سال 329 «ه.ق» شروع و تا زمان ظهور آن بزرگوار ادامه دارد، این همان غیبتی است که امام صادق (علیه السلام) فرمود: به قدری طولانی می‌شود که گروهی می‌گویند مرده است و گروهی می‌گویند کشته شده است و گروهی می‌گویند رفته است، تنها عدّه معدودی باقی می‌مانند که به وجود آن حضرت عقیده دارند و ایمانشان ثابت و استوار است... (2)

در دوران غیبت کبری، مقام نیابت، وکالت و سفارت به وسیله خود ائمه (علیهم السلام) بویژه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به فقیه جامع شرایط تفویض شده است، لذا مخالفت با دستور نایب امام و رد حکم چنین پیشوائی، ردّ بر امام و بالتبع ردّ بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و خدای سبحان است، این متن دین ما و عین روایات است که ذیلاً به دو روایت از آن روایات اشاره می‌کنیم:

ص: 48

1- تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام، ص 141؛ عقیده الشیعه، ص 252 به بعد؛ غیبت شیخ طوسی، ص 256.

2- بحارالانوار، ج 52، ص 153؛ اثبات الهداه، ج 6، ص 386.

1- مقبوله عمر بن حنظله: (1) عمر بن حنظله می گوید؛ (2) از امام صادق (علیه السلام) درباره دو نفر از دوستانمان (شیعه) که نزاعی بینشان بود در مورد قرض یا میراث و به قضات برای رسیدگی مراجعه کرده بودند، سؤال کردم که آیا این روایت؟ فرمود: هر که در مورد دعاوی حق یا دعاوی ناحق به ایشان مراجعه کند در حقیقت به طاغوت- قدرت حاکمه ناروا- مراجعه کرده باشد و هرچه را که به حکم آنها بگیرد، در حقیقت به طور حرام می گیرد، زیرا که آن را قدرتی گرفته که خدا دستور داده به آن کافر شود، خدای تعالی می فرماید: «يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ»

پرسیدم چه باید بکنند، فرمود: باید نگاه کنند ببینند، از شما چه کسی است که حدیث ما را روایت کرده و در حلال و حرام ما مطالعه نموده و صاحب نظر شده و احکام و قوانین ما را شناخته است...

بایستی او را به عنوان قاضی و داور بپذیرند، زیرا که من او را حاکم بر شما قرار داده ام، اگر پس از مراجعه به آنان، آنها بر طبق نظر ما برای- شان حکم کنند و طرفین دعوا حکم آنها را نپذیرند ما را رد کرده اند و حکم خدا را سبک شمرده اند و ردّ ما ردّ خدا است و چنین کسی مشرک به خداست.

از این حدیث به روشنی استفاده می شود که امام (علیه السلام)، فقهاء را به عنوان نواب

ص: 49

1- . مقبوله: حدیثی است که علمای فقه و حدیث بدون توجه به صحت یا عدم صحت سند آن، مضمون آن را پذیرفته و بر طبق آن عمل کرده باشند.

2- . (ابوصخر، عمر بن حنظله عجللی کوفی)- شیخ طوسی و برقی او را از اصحاب امامان باقر و صادق شمرده اند، خود وی یکی از راویان مشهور است و بزرگان اصحاب مانند زراره، هشام بن سالم، عبدالله بن بکیر، عبدالله بن مسکان و صفوان بن یحیی... از وی روایت کرده اند و این برای وثاقت وی کافی است، علاوه بر این روایات یزید بن خلیفه دلالت بر مدح وی دارد (ولایت فقیه امام خمینی، ص 78).

خود منصوب فرموده است (1) و بر عموم مسلمانان لازم است که از این فرمان امام (علیه السلام) اطاعت نمایند.

1- توقیع حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف): (2)

اسحاق بن یعقوب نامه‌ای برای حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌نویسد و از مشکلاتی که برایش رخ داده سؤال می‌کند و محمد بن عثمان عمری، نماینده آن حضرت، نامه را می‌رساند، جواب نامه به خط مبارک صادر می‌شود که: «... وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَالِقَةُ فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاتِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَّ حُجَّةَ اللَّهِ...؛ در حوادث و پیشامدها به راویان حدیث ما رجوع کنید، زیرا آنان حجّت من بر شمایند و من حجّت خدایم...» (3).

منظور از حوادث واقعه که در این روایت آمده، مسائل و احکام شرعی نیست، نویسنده نمی‌خواهد پرسد، درباره مسائل تازه‌ای که برای ما رخ می‌دهد چه کنیم، چون این موضوع جزو واضحات مذهب شیعه بوده است و روایات متواتره دارد که در مسائل باید به فقهاء رجوع کنید.

زیرا در زمان ائمه (علیهم السلام) هم به فقهاء رجوع می‌کردند و از آنان می‌پرسیدند، کسی که در زمان حضرت صاحب (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد و با نواب اربعه روابط داشته باشد و به حضرت نامه بنویسد و جواب دریافت کند به این موضوع توجه دارد که در فرا گرفتن مسائل به چه اشخاص باید رجوع کند.

ص: 50

- 1- . اصول کافی، ج 1؛ وسائل الشیعه، ج 18، کتاب ابواب صفات القاضی، باب 11، ح 1.
- 2- . توقیع در لغت بمعنای نشان نهادن بر روی نامه است و نشان و دستخط پادشاه را بر فرمان یا نامه نیز توقیع گویند، نامه‌های معصومان، به خصوص آنهایی که از ناحیه مقدسه امام زمان (عجل الله فرجه) شرف صدور یافته و یکی از نواب اربعه آن را ابلاغ کرده، در کتابهای تاریخ و حدیث به توقیعات مشهور است.
- 3- . کمال الدین، ج 2، ص 484، باب توقیعات، ح 4؛ غیبت شیخ طوسی، ص 177؛ وسائل الشیعه، ج 18، ص 110.

پس منظور از حوادث واقعه، پیشامدهای اجتماعی و گرفتاری‌هایی بوده که برای مردم و مسلمین روی می‌داده است و به طور کلی و سر بسته سؤال کرده، اکنون که دست ما به شما نمی‌رسد در پیشامدهای اجتماعی باید چه کنیم؟ وظیفه چیست؟ یا حوادثی را ذکر کرده و پرسیده در این حوادث به چه کسی رجوع کنید؟ حضرت فرموده‌اند: که در حوادث و پیشامدها و مشکلات به زوآت احادیث ما یعنی فقهاء، مراجعه کنید، آنها حجّت من بر شما می‌باشند و من حجّت خدا بر شمایم. (1)

از این دو روایت به خوبی معمول می‌شود که در دوران غیبت کبری و نیابت عامه، فقهای عادل نماینده و نواب عام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند و مردم باید از آنها تبعیت و اطاعت کنند.

عالمان دینی در سمت جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و امامان معصوم (علیهم السلام) از آغاز غیبت کبری دوازدهمین امام تاکنون با تحمّل رنج‌ها و سختی‌ها «تفقه در دین» و نیل به مقام اجتهاد و نیز برقراری رابطه معنوی و پیوند ولایی با امام زمان خویش و تخلّق به اخلاق رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) و الگوگیری از خط مشی عملی و زندگی زاهدانه و مجاهدانه امیرمؤمنان (علیه السلام) توانسته‌اند، پاسداران امین و مخلصی برای اسلام عزیز، تکیه‌گاه مورد اعتماد برای پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و پیشگامان جهاد و مبارزه با ستمگران، طاغوت‌ها و تجاوزگران به حریم اسلام و مرزهای مسلمانان در عرصه‌های فکری و فرهنگی و بلکه نظامی باشند.

بخشی از رسالت‌ها و ویژگی‌های عالمان دینی از این قرارند: (2)

ص: 51

1- . برای آگاهی بیشتر در این زمینه؛ کتاب درسنامه ولایت فقیه اثر مؤلف را ملاحظه فرمایید.

2- . اقتباس از نهضت انتظار و انقلاب اسلامی، ص 82.

دشمنان عقیده و اندیشه اسلامی همواره- به صورت فردی و گروهی- می‌کوشیدند افکار و اذهان مردم را از اعتقادات و معارف حقّه دین تهی کنند، این تلاش در دوران غیبت، ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد، فقهای اسلام، شاخص‌ترین قشری بودند که در سنگر هدایت و ارشاد و تعلیم و تربیت به مرزبانی عقیده اسلامی همت گماردند و در هر عصری با استفاده از جایگاه و عظمت و خطابه، نوشتن کتاب ارزنده، تشکیل حوزه‌های بزرگ علمی و درسی و بحث و مناظره با سران مخالفان و مکاتب الحادی، جوامع اسلامی و تشنگان حقیقت را از چشمه- سارهای قرآن و سنت معصومین (علیهم السلام) سیراب نمود، شیاطین انس و راهزنان ایمان و عقیده مسلمانان را از دستیابی به اهداف شوم خود مأیوس می‌کردند.

امام عسگری (علیه السلام) در این زمینه از قول امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: علمای شیعیان ما مرزبانان مرزی هستند که شیطان و لشکریانش از آنجا قصد هجوم دارند، آنان شیاطین را از یورش به حریم شیعیان ما باز می‌دارند و نمی‌گذارند او و پیروان معاندش بر پیروان ما مسلط شوند.⁽¹⁾ و نیز در روایتی دیگر از زبان پدرش امام هادی (علیه السلام) فرمود: اگر بعد از غیبت قائم ما، عالمانی نباشند که از دین حمایت کنند و مردم را به سوی قائم ما فرا خوانند و شیعیان ناتوان را از وقوع در دام‌های شیطان و پیروان سرکش او برهانند، کسی باقی نمی‌ماند مگر آنکه از دین خدا بر می‌گردد، لیکن عالمان دینی زمان دل‌های شیعیان ضعیف را در دست می‌گیرند و همچون سگانداران کشتی، آنان را از خطرات و تهدیدها نجات می‌دهند، آنان بهترین انسان‌ها در پیشگاه خداوند هستند.⁽²⁾

ص: 52

1- . بحار الانوار، ج 2، ص 5.

2- . همان مدرک، ص 6.

همچنین امام خمینی (رحمه الله علیه) در مقام بیان این نقش عالمان دینی می‌فرماید: تردیدی نیست که حوزه‌های علمیّه و علمای متعهّد در طول تاریخ اسلام و تشیّع، مهم‌ترین پایگاه اسلام در برابر حملات، انحرافات و کجروی‌ها بوده‌اند، علمای بزرگ اسلام در همه عمر خود، تلاش نموده‌اند تا مسائل حلال و حرام الهی را بدون دخل و تصرف، ترویج نمایند. (1)

2- حفظ و گسترش علوم اسلامی

آنچه از علوم اسلامی (اعم از فقه، تفسیر، کلام، فلسفه، اخلاق و...) هم اکنون در اختیار ماست، حاصل تلاش‌ها و مجاهدت‌های اندیشمندان دین‌دور حوزه معرفت دینی است، عالمان دینی در این سنگر در دو محور ایفای نقش کردند.

نخست، مسائل علوم اسلامی را از سرچشمه‌های اصیل آن (قرآن و سنت) بدون دخل و تصرف، استخراج و تنظیم و سازماندهی موضوعی کردند

و دیگر، در حفظ و نگاهبانی از اصول و فروع آن از دستبرد تحریف‌گران و تفسیر به رأی کنندگان (که همواره می‌کوشیدند نظرات فردی یا حزبی خود را به عنوان نظرات دینی در جامعه اسلامی عرضه کنند) نهایت سعی خود را به کار گرفتند.

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در این زمینه می‌فرماید: اگر فقهای عزیز نبودند، معلوم نبود امروز چه علمی به عنوان علوم قرآن در اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) به خورد توده‌ها داده بودند، جمع‌آوری و نگهداری علوم قرآن و آثار و احادیث پیامبر بزرگوار و سنت و سیره معصومین (علیهم السلام) و ثبت و تبویب و تقیح آنها در شرایطی که امکانات، بسیار کم بوده است و سلاطین و ستمگران در محو آثار رسالت، همه امکانات خود را به کار می‌گرفتند، کار آسانی نبوده است که بحمدالله امروز نتیجه آن زحمات را در آثار و کتب بابرکتی همچون کتب

ص: 53

اربعه (1) و کتابهای دیگر متقدمین و متأخرین (در فقه و فلسفه، ریاضیات و نجوم و اصول و کلام و حدیث و رجال و تفسیر و ادب و عرفان و لغت و تمامی رشته‌های متنوع علوم) مشاهده می‌کنیم. (2)

3- تکیه‌گاه محرومان

بیشتر عالمان دینی همچون سلف صالح خویش پیامبران و رهبران الهی، از میان قشرهای متوسط و محروم جامعه برخاسته و خود زندگی ساده‌ای داشته‌اند، از این رو با درد دردمندان آشنا بودند و محرومیت‌ها و مشکلات آنان را به صورت عینی لمس کرده، همواره پشتیبان و تکیه‌گاه محرومان و مستضعفان بوده‌اند.

تاریخ مبارزات شیعه گواه این واقعیت است که فقهای گراندقدر، همواره در کنار مردم مسلمان طعم فقر و تنگدستی، زندان و شکنجه و اسارت را چشیده و در عرصه‌های خون و شهادت، الگوهای صادقی برای مردم بوده‌اند.

امام خمینی (رحمه الله علیه) در این زمینه نیز می‌فرماید: صدها سال است که روحانیت اسلام، تکیه‌گاه محرومان بوده است، همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهای بزرگوار سیراب شده‌اند، از مجاهدان علمی و فرهنگی آنان (که به حق، از جهاتی افضل از دماء شهیدان است) که بگذریم، آنان در هر عصری از اعصار برای دفاع از مقدّسات دینی و میهنی خود مرارت‌ها و تلخی‌هایی متحمل شده‌اند و همراه با تحمل اسارت‌ها و تبعیدها، زندان و اذیت‌ها و آزارها و زخم و زبان‌ها، شهدای گراندقدری را به پیشگاه مقدّس حق، تقدیم نموده‌اند. (3)

ص: 54

1- . کافی، استبصار، تهذیب و من لایحضره الفقیه.

2- . صحیفه نور، ج 21، ص 88.

3- . همان مدرک، ص 89.

دشمنان اسلام بارها برای محو و نابودی این آیین آسمان دست به انواع توطئه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی زده‌اند، اما هر بار نخستین قشری که در برابر آنها قد برافراشته و از اسلام حمایت کرده‌اند، فقها و عالمان دینی بوده‌اند، رهبری نهضت‌های حق طلبانه شیعی در طول تاریخ اسلام، از قیام علیه سامانیان گرفته، (1) تا نهضت تنباکو و قیام پانزده خرداد، با فقهای بزرگ بوده است. کمتر رخداد مهمی در تاریخ شیعی می‌توان یافت که بدون حادثه خونین تمام شده باشد و در این راه به جز افراد با ایمان و سربازان با حمیت، علمای بزرگی جان خویش را تقدیم کرده‌اند. عالمان شیعه در اثر تعلیمات پیشوایان دینی، با حضور در عرصه‌های جهاد و ستیز با ستمگران و طاغوت‌های زمان خویش، منشور «شهادت فضیلت» را رقم زدند و لازم بود این منشور جمع‌آوری و مکتوب گردد تا آنکه علامه امینی (رحمه الله علیه) بخشی از آن را در کتابی تحت عنوان «شهداء الفضیله» گرد آورد و در آن شرح حال 130 تن از برجسته‌ترین عالمان شهید شیعه را نوشت.

البته کتابهای فراوان دیگری پیرامون مجاهدت‌های عالمان دینی و نهضت‌های شیعی همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی، نهضت تنباکو، جنبش مشروطیت، انقلاب عراق و صنعت نفت، مبارزات شیخ محمد خیابانی و بالاخره انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (رحمه الله علیه) و یاران روحانی شهید آن بزرگوار، نوشته شده که تا اندازه‌ای کوشش‌های علمای شیعه در راه آزادی ملت‌ها و تحقق آرمان‌های الهی را روشن کرده است.

ص: 55

1- . اشاره به قیام ابو محمد اطروش از فقهای بزرگ اسلام در قرن چهارم است. (شهیدان راه فضیلت، ص 24).

سؤال فلسفه غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟

جواب: هر چیزی در این عالم، از جمله غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بی علت و بدون فلسفه نیست، چرا که خداوند حکیم کار عبث و بیهوده انجام نمی‌دهد، ولی آن علت برای ما به تفصیل روشن نیست. همانطور که عبدالله بن فضل گوید از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود: برای صاحب این امر، ناگزیر غیبتی است که اهل باطل را به شک می‌اندازد.

پرسیدم: فدایت گردم چرا؟ فرمود: به خاطر چیزی که ما مجاز به کشف آن برای شما نیستیم.

پرسیدم: حکمت این غیبت چیست؟ فرمود: همان حکمتی که در غیبت حجّت‌های گذشته الهی وجود داشت، در غیبت آن حضرت نیز وجود دارد، اما حکمتش ظاهر نمی‌شود مگر پس از ظهور آن حضرت، چنانکه راز اقدامات خضر (علیه السلام) یعنی شکستن کشتی و کشتن پسر و ساختن دیوار برای حضرت موسی (علیه السلام) روشن نشد، مگر زمان جدا شدن آن دو از یکدیگر، ای پسر فضل! این موضوع، یکی از دستورات الهی و سرّی از اسرار خدا و غیبی از غیبت‌های اوست... و هرگاه خداوند را حکیم دانستیم باید تمام افعال او را حکمیانه بدانیم، اگرچه راز آن برای ما روشن نباشد. (1) پس علت اصلی غیبت جزء اسرار الهی است و جز ائمه اطهار (علیهم السلام) کسی از آن آگاهی ندارد، آن بزرگواران هم مأذون به بازگو آن نبودند، اما گاهی به برخی از حکمت‌های غیبت اشاره می‌کردند از جمله:

ص: 56

1- امتحان و غربال شدن مردم.

2- تنبیه مردم.

3- بیعت نکردن با ستمکاران.

4- بیم از کشته شدن.

... و ده‌ها حکمت دیگر. (1)

و اینک به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم:

1- جعفر جعفی از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که به آن حضرت عرض کردم: فرج شما کی خواهد رسید؟ فرمود: هیئات! هیئات! فرج نخواهد رسید تا شما غربال شوید (و سه بار تکرار فرمود) و افراد آلوده بروند و افراد پاک و مخلص باقی بمانند. (2) امام باقر (علیه السلام) فرمود: اگر خداوند حضور ما را نزد مردمی کراهت داشته باشد، ما را از آنها جدا می‌سازد. (3)

3- زراره از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

ای زراره! قائم ما ناچار از این است که غیبت کند. عرض کردم چرا؟ فرمود: از کشته شدن می‌ترسد و با دست به شکم خود اشاره کرد. (4)

ص: 57

1- . رک: منتخب الاثر، ص 330 به بعد؛ امامت و مهدویت، ج 3، ص 115؛ نجم الثاقب، ص 137.

2- . اصول کافی، ج 2، ص 194 به بعد؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج 5، ص 64؛ بحار الانوار، ج 52، ص 113؛ غیبت شیخ طوسی، ص 26؛ الامامه التبصره، ص 130.

3- . بحار الانوار، ج 52، ص 91.

4- . غیبت شیخ طوسی، ص 202؛ غیبت نعمانی، ص 176؛ اصول کافی، ج 2، ص 135؛ اثبات الهداه، ج 6، ص 437.

4- سدیر صیرفی از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: برای ما قائم ما دو غیبت می‌باشد که زمانش بطول می‌انجامد. صیرفی گوید عرض کردم چرا؟ آن حضرت فرمود: خواست خداوند چنین است که سنت‌های پیامبران نسبت به غیبتشان دربارہ او اجرا شود... (1)

5- موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود: هنگامی که پنجمین فرزند امام هفتم غائب شد، مواظب دین خود باشید، مبادا کسی شما را از دین خارج کند، ای پسرک من! برای صاحب الامر ناچار غیبتی خواهد بود، به طوری که گروهی از مؤمنین از عقیده خود بر می‌گردند، همانا خداوند بوسیله غیبت، بندگانش را امتحان می‌نماید. (2)

6- حسن به فضال از امام رضا (علیه السلام) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: گویا شیعیانم را می‌بینم که هنگام مرگ سومین فرزندم (امام عسگری) در جستجوی امام خود، همه جا را می‌گردند اما او را نمی‌یابند. عرض کردم: چرا یابن رسول الله؟ فرمود:

برای اینکه امامشان غایب می‌شود، عرض کردم چرا غایب می‌شود؟ فرمود: برای اینکه وقتی با شمشیر قیام نمود بیعت احدی، در گردش نباشد. (3)

ص: 58

1- . همان مدارک، ص 90.

2- . همان مدارک.

3- . بحار الانوار، ج 51، ص 152؛ اکمال الدین، ج 2، ص 480.

امام غائب چه فایده‌ای برای مسلمانان دارد؟

به عبارت دیگر امام که صدها سال غائب بماند، نه دین را ترویج کند، نه مشکلات جامعه را حل کند، نه پاسخ مخالفین را بدهد، نه امر به معروف و نهی از منکر کند، نه از مظلومین حمایت کند، نه حدود و احکام الهی را جاری سازد و نه مسائل حلال و حرام مردم را روشن سازد، وجود چنین امامی چه سودی دارد؟ جواب: روایاتی که در موضوع امامت وارد شده، وجود مقدس امام را هدف اصلی نظام خلقت و غایت نوع و فرد کامل انسانیت و رابطه بین عالم مادی و ربوبی می‌داند؛ و معتقد است که زمین هیچ گاه خالی از حجت نخواهد بود، زیرا اگر امام روی زمین نباشد، نوع انسان منقرض خواهد شد و زمین اهل خود را فرو خواهد برد، امام صادق (علیه السلام) در این رابطه فرمود «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛ اگر زمین خالی باشد از حجت، هر آینه با اهلش فرورود».⁽¹⁾

اگر امام نباشد، خدا به حدّ کامل شناخته و عبادت نمی‌شود، اگر امام نباشد، رابطه بین عالم مادی و دستگاه آفرینش منقطع می‌گردد، امام قلب عالم وجود و رهبر و مربی نوع انسان است.

امام سجّاد (علیه السلام) نیز می‌فرماید:

ما پیشوای مسلمین و حجت بر اهل عالم و سادات مؤمنین و رهبر نیکان و صاحب اختیار مسلمین هستیم، ما امام اهل زمین هستیم، چنانکه ستارگان امان اهل آسمان هستند، به واسطه ماست که آسمان بر زمین فرود نمی‌آید، مگر وقتی که خدا بخواهد، بواسطه ما باران رحمت نازل و برکات زمین خارج می‌شود، اگر ما روی زمین نبودیم، اهلش را فرو می‌برد.

ص: 59

از روزی که خدا آدم را آفریده تا حال هیچ گاه زمین از حجتی خالی نبوده است، ولی آن حجت گاهی ظاهر و مشهور و گاهی غائب و مستور بوده است تا قیامت نیز از حجت خالی نخواهد شد و اگر امام نباشد، خدا پرستش نمی‌شود.

سلیمان می‌گوید: عرض کردم! مردم چگونه از وجود امام غائب، منتفع می‌شوند؟ فرمود: همانطور که از خورشید پشت ابر انتفاع می‌برند. (1)

در حدیثی دیگر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: آری به خداوندی که مرا به پیغمبری مبعوث گردانیده است، آنها از وجود او منتفع می‌شوند و از نور ولایتش در طول غیبت بهره می‌گیرند، چنانکه از آفتاب پشت ابر استفاده می‌برند. (2)

همچنین حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در این رابطه فرمودند: همانطور که از خورشید در وقتی که توسط ابرها پنهان شده بهره‌گیری می‌شود، از من نیز در زمان غیبتم به همان صورت بهره می‌برند و همانا من سبب آرامش و امنیت مردم روی زمین هستم، چنانکه ستارگان امان اهل آسمانند. (3) در این احادیث وجود مقدس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و انتفاع مردم از وی، تشبیه شده به خورشید پشت ابر و انتفاع مردم از آن.

وجه تشبیه از این قرار است که: در علوم طبیعی و فلکیات ثابت شده است که

ص: 60

1- . ینابیع المودّه، ج 2، ص 217.

2- . همان مدرک، ج 3، ص 170.

3- . اکمال الدین، ج 2، ص 485.

خورشید مرکز منظومه شمسی می‌باشد، جاذبه‌اش حافظ زمین و آن را از سقوط نگه می‌دارد، زمین را به دور خود چرخانده، شب و روز و فصول مختلف را ایجاد می‌کند، حرارتش سبب حیات و زندگی حیوانات و گیاهان و انسان است و نورش روشنی بخش زمین می‌باشد، در ترتب این آثار بین اینکه ظاهر باشد یا پشت ابر، تفاوتی وجود ندارد، یعنی جاذبه و نور و حرارتش در هر دو حال موجود است، گرچه کم و بیش دارد، هنگامی که خورشید در پس ابرهای تیره پنهان است یا شبانگاه، جهال گمان دارند که موجودات از نور و حرارت خورشید بی‌ بهره‌اند، در صورتی که سخت در اشتباهند، زیرا اگر دقیقه‌ای نور و حرارتش به جانداران نرسد، یخ زده، هلاک می‌گردند و به برکت تأثیرات همان خورشید است که ابرهای تیره پراکنده می‌شوند و چهره حقیقی آن نمایان می‌گردد. وجود مقدس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم، خورشید و قلب عالم انسانیت و مربی و هادی تکوینی اوست و در ترتب این آثار، بین حضور و غیبت آن بزرگوار تفاوتی نیست. (1)

سؤال (14)

آیا پیش از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنین اتفاقاتی مانند غیبت و پنهان شدن از دیدگان مردم رخ داده است؟

جواب: موضوع غیبت منحصر به آن حضرت نیست، بلکه گروهی از پیامبران (صلی الله علیه و آله وسلم) که رهبر و راهنمای بشر بودند، غائب می‌شدند و در پس پرده غیبت برای مدتی به سر می‌بردند که عبارتند از:

حضرت ادریس، ابراهیم، یوسف، یونس، خضر، عزیر، الیاس، صالح، دانیال، موسی، عیسی، محمد (علیهم السلام)، اصحاب کهف و... (2)

ص: 61

-
- 1- . دادگستر جهان، ص 154 به بعد.
 - 2- . برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به کتب: ده انتقاد و پاسخ، ص 56 به بعد؛ بحار الانوار، ج 5؛ الشیعه و الرجعه، ج 1، ص 329 به بعد؛ خورشید پنهان، ص 249 به بعد؛ المهدی، ص 155 به بعد؛ نوید امن و امان، ص 145 به بعد و...

و شیخ صدوق روایاتی در زمینه غیبت انبیای سلف مانند ادریس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف و موسی (علیهم السلام) آورده و برای تمام آنان نوعی غیبت اثبات کرده است. (1) سؤال (15)

آیا کسی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در دوران کودکی اش و پیش از غیبت دیده است یا نه؟

جواب: بله آنچه از روایات بدست می آید، افراد زیادی آن حضرت را پیش از غیبت دیده‌اند تا جایی که خیلی از بزرگان در این زمینه کتابهای مستقلی نوشته‌اند. (2)

در اینجا به برخی از افرادی که حضرت را دیده‌اند اشاره می‌کنیم:

حکیمه خاتون دختر امام جواد و عمه امام حسن عسگری (علیهم السلام)، احمد بن اسحاق قمی، یعقوب بن منقوش، سعد بن عبدالله اشعری، عقید خادم امام عسگری (علیه السلام)، عمرو اهوازی، نسیم خادم امام عسگری (علیه السلام)، ابوجعفر محمد بن عثمان عمری، کامل بن ابراهیم مدنی، ابوسهل نوبختی، علی بن عاصم کوفی، طریف بن خادم، چهل نفر از شیعیان آن حضرت و... (3)

ص: 62

-
- 1- . اکمال الدین، ص 127-145.
 - 2- . از جمله آنها مرحوم سیدهاشم بحرانی است که کتابی به نام «تبصرة الولی فی من رأى القائم المهدی» نوشته است.
 - 3- . برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به کتب: منتهی الآمال، ج 2، ص 403؛ بحار الانوار، ج 51، ص 5، 12، 346؛ اکمال الدین، ج 2، ص 55؛ سرزمین آرزوها، ص 281؛ دلائل الامامه، ص 269؛ با خورشید سامرا، ص 288؛ اثبات الهداه، ج 7، ص 352؛ ارشاد مفید، ص 330؛ الکنی و الالقاب، ج 1 ص 91؛ اصول کافی، ج 2، ص 117-126.

چرا امام عسگری فرزندش حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را از مردم پنهان و مخفی می‌کرد؟

جواب: چون خلفای بنی عباس به خصوص معتمد عباسی، (1) به شدت در تعقیب و جستجوی آن حضرت بودند تا به هر قیمتی شده، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را پیدا کرده و به قتل برسانند، لذا چاره‌ای جز غیبت و دوری از دسترس بودن آنها نبود، اکنون به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم:

1- امام صادق (علیه السلام) به عده‌ای که به دیدارشان رفته بودند، فرمودند:

بنی امیه و بنی عباس وقتی که متوجه شدند زوال ملکشان به دست توانای قائم ما خواهد بود، با ما دشمنی نمودند و شمشیرهای خود را برای کشتن ما به کار بردند. (2)

2- ابوالادیان نقل می‌کند که خدمتکار امام حسن عسگری (علیه السلام) بودم و نامه‌های آن حضرت را به شهرها می‌رساندم، روزی که آن بزرگوار مریض بود و با همان بیماری از دنیا رفت، به خدمتش رسیدم، چند نامه نوشته، فرمود: اینها را به مدائن ببر و چون چهارده روز گذرد، روز پانزدهم وارد سامرا می‌شوی، ناله و فریادی از خانه من می‌شنوی و مرا می‌بینی که غسل می‌دهند.

ابوالادیان می‌گوید: عرض کردم! ای مولای من! وقتی که چنین شود پس چه کسی (جانشین شماست)؟ فرمودند: کسی که جواب نامه‌هایم را از تو بخواهد او پس از من امام شماست.

ص: 63

1- . خلیفه دوران امامت امام حسن عسگری (علیه السلام) و کودکی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) .

2- . غیبت شیخ طوسی، ص 106.

عرض کردم: بیشتر آگاهم ساز، فرمود:

کسی که بر من نماز بخواند.

باز گفتم بیشتر آگاهم ساز، فرمود: کسی که از محتوای همیان به شما اطلاع بدهد او امام است.

آنگاه هیبت امام (علیه السلام) مانع از آن شد که از آنچه در همیان است سؤال کنم، نامه‌ها را که به مدائن آوردم و جواب آنها را گرفتم و روز پانزدهم همانگونه که به من فرموده بود وارد سامرا شدم، به ناگاه شیون از خانه امام (علیه السلام) بلند شد، وارد خانه که شدم دیدم او را در جای غسل قرار داده‌اند و جعفر کذاب را بر در خانه دیدم و شیعیان اطراف او را گرفته تعزیت و تسلیت می‌گویند، با خود گفتم هرگاه این امام باشد امامت باطل می‌شود، چرا که من او را می‌شناختم که نبیذ می‌خورد و در خانه خود قمار می‌باخت و تار می‌نواخت، پیش او رفتم تسلیت و تعزیت گفتم، ولی او هیچ از من نپرسید سپس عقید بیرون آمد. (1) و فرمود: ای مولای من! برادرت کفن شد برخیز و بر او نماز بخوان، آنگاه جعفر بن علی و شیعیان و سمان و حسن بن علی نماینده خلیفه معتصم معروف به «سلمه» همگی وارد شدند، وقتی همه وارد خانه شدیم، ناگاه دیدیم که نعش حسن بن علی (علیه السلام) تجهیز شده است، جعفر بن علی پیش رفت که بر او نماز بخواند. همین که خواست تکبیر بگوید، پسری گندمگون که سرش موی کوتاهی داشت و دندانهای پیشین او گشاده بود، ردای جعفر را کنار زد و گفت: عقب‌تر بایست ای عمو! من سزاوارترم که نماز پدرم را بخوانم.

جعفر عقب کشید، در حالی که صورتش از خشم متغیر شده و رویش زرد گشته بود، آن پسر پیش آمد و نماز گذارد و در کنار قبر پدرش او را دفن کردند.

ص: 64

1- . خادم امام عسگری (علیه السلام) .

آن گاه فرمود: ای بصری! جواب نامه‌ها را که با توست بیاور، جواب‌ها را به او تقدیم کردم و با خود گفتم: این دو دلیل و فقط دلیل همیان مانده است، سپس به پیش جعفر بن علی رفتم و او می‌نالید. حاجز الوشا به او گفت: ای آقای من! این پسر کجاست تا حجت را بر او اقامه کنیم. گفت: سوگند به خدا! من او را ندیدم و نمی‌شناسم. ما نشسته بودیم که گروهی از قم رسیدند، پرسیدند: حسن بن علی (علیه السلام) کجاست؟ از مرگ او که آگاه شدند، پرسیدند: پس صاحب عزا کیست؟ جعفر را نشان دادند، به او سلام عرض کردند، تسلیت و تعزیت گفتند و اظهار داشتند ما اموال و نامه‌هایی آورده‌ایم، آیا می‌گویی که این نامه‌ها از چه کسانی و این اموال چقدر است؟ برخاست و لباس - هایش را حرکت داد و گفت: آیا انتظار دارید من غیب نیز بدانم.

سپس خادم آمد و گفت: شما نامه‌های فلان و فلان و همیانی که در آن هزار دینار است و ده دینار آن مطلاست آورده‌اید، نامه‌ها و اموال را به او تسلیم کردند و گفتند: آن کسی که تو را به این کار مأمور فرموده، همانا امام است.

جعفر بن علی پیش معتمد (1) آمد و جریان را برای او شرح داد، معتمد کسی را فرستاد، صیقل (2) را دستگیر کردند و آن پسر را از او خواستند، او انکار کرد و ادعا کرد که حامله است تا بدین وسیله او را از فکر حضرت باز دارد، پس صیقل را به ابن ابی الشوارب که قاضی بود سپردند، پس از آن، مرگ ناگهانی عبیدالله بن یحیی بن خاقان (3) و خروج صاحب الزنج در بصره، آنها را غافلگیر کرد و این گرفتاری سبب شد که دیگر به این زن آزار ندادند و از دست آنها رهایی یافت. (4)

ص: 65

- 1- . خلیفه عباسی.
- 2- . نام دیگر مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.
- 3- . وزیر خلیفه.
- 4- . اکمال الدین، ج 2، ص 150؛ مهدی کیست، ص 254؛ حق الیقین، ص 320.

3- امام حسن عسگری (علیه السلام) فرمودند: ستمکاران گمان کردند مرا می‌کشند و نسل امامت را قطع می‌کنند، آنان قدرت خداوند را چگونه یافته‌اند. (1)

سؤال (17)

آیا ممکن است حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در سال 255 «هـ. ق» متولد شده تا به حال که سال 1425 «هـ. ق» است زنده بماند؟

* آیا ممکن است حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در سال 255 «هـ. ق» متولد شده تا به حال که سال 1425 «هـ. ق» است زنده بماند؟ (2)

جواب: اولاً؛ طبق آیات قرآن مجید معلوم می‌شود که عمر طولانی گرچه غیر عادی است، ولی امر محالی نیست، چون عالم از این افراد کمیاب داشته و دارد، حال به برخی از آیات اشاره می‌کنیم:

1- قرآن درباره شیطان می‌فرماید: «فَأَتَكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ؛ تو از مهلت یافتگانی - اما نه تا روز رستاخیز، بلکه - تا روز و وقت معینی». (3) 2- قرآن درباره حضرت نوح (علیه السلام) می‌فرماید: «فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا؛ و او در میان آنان نهصد و پنجاه سال، درنگ کرد». (4)

3- قرآن درباره حضرت عیسی (علیه السلام) می‌فرماید: «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ بَنِي مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَ...؛ و گفتارشان که ما مسیح بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم، در حالی که نه او را کشتند و نه به دار آویختند، لکن امر بر آنها مشتبه شد و کسانی که در مورد قتل او اختلاف کردند، از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می‌کنند و قطعاً او را نکشتند، بلکه خدا او را سوی

ص: 66

1- همان ص 134.

2- در حالی که هزار و صد و هفتاد سال از عمر شریفش می‌گذرد.

3- سوره حجر/37، 38.

4- سوره عنکبوت/14.

خود بالا برد و خداوند توانا و حکیم است.»(1)

4- قرآن درباره حضرت یونس (علیه السلام) می‌فرماید: «فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَلَّيْتُ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ؛ و اگر او از تسبیح کنندگان نبود تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند.»(2)

این گونه آیات برای همه پیروان قرآن حجت قطعی است و همچنین پیروان ادیان دیگر مثل یهود و نصاری از عمرهای طولانی جمعی از افراد بشر، مخصوصاً رهبران‌شان خبر داده‌اند و همه قائل به طول عمر، بلکه بقای حیات اشخاص تا این زمان هستند.(3)

ثانیاً؛ مسأله طول عمر از مسلمات تاریخ است تا جایی که در اغلب کتبی که نویسندگان در مورد زندگی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نوشته‌اند، بابتی به نام «مُعَمَّرِينَ»(4) گشوده‌اند و اسامی کسانی که عمر طولانی داشته‌اند، بیان کرده‌اند و تعداد مُعَمَّرِينَ تاریخ آن قدر زیاد است که ذکر همه آنها نیاز به کتابی مستقل و مجزا دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاراتی داریم:

آدم (930 سال)، شیث (912 سال)، انوش (960 سال)، قینان (920 سال)، مهلائل (700 سال)، لوط (732 سال)، ادريس (300 سال)، متوشالِح (960 سال)، لَمَك (790 سال)، نوح (950 سال)،(5) ابراهیم (195 سال)، کیومرث (1000

ص: 67

1- .سوره نساء/157، 158.

2- .سوره صافات/143، 144.

3- . امامت و مهدویت، ج 2، ص 373.

4- . یعنی انسان دراز عمر، کسی که عمر طولانی کرده است.

5- . یا 2500 سال بنا بر نقلی.

سال)، جمشید (600 سال) (1) عمر بن عامر (800 سال)، عاد (1200 سال)، ذوالقرنین (1500 سال)، سلیمان (712 سال)، هود (670 سال)، طهورت (1000 سال)، ضحاک (1000 سال)، سام (600 سال) و... (2)

حال خوانندگان عزیز! وقتی افراد عادی که بسیاری از آنها، نه تنها دوستان خدا نبودند، بلکه دشمن خدا نیز بودند، (3) می‌توانند عمر طولانی داشته باشند، چگونه از عمر طولانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تعجب کنیم؟!

ثالثاً؛ امروزه در علم طب ثابت شده که عمر انسان به 70-80 سال نیست، بلکه تمام اعضای بدن انسان جدا جدا برای یک زندگی طولانی ساخته شده است و علت اصلی مرگ، حدوث اختلالاتی است که در همه اعضای ریسه بدن یا یکی از آنها رخ می‌دهد و تا آن اختلالات حادث نشود، مرگ فرا نمی‌رسد، آن اختلالات اگر قبل از سنین پیری و عمر طبیعی حادث شوند، انسان جوانمرگ می‌شود، اما اگر از گزند حوادث محفوظ بماند، معمولاً و بر طبق جریان عادی، حدوث آن حوادث در سنین پیری حتمی است، ولی اگر فرد ممتاز پیدا شود که عمر درازی کرده، اما به واسطه ترکیب جسمانی ویژه خویش و اجتماع سایر شرایط، در هیچ یک از اعضایش اختلالی رخ نداد، نفس طول عمر باعث مرگش نخواهد شد. (4)

همانطور که طبق نوشته مجله الهلال چاپ مصر، استعداد طول عمر را می‌توان تا 900 برابر افزایش داد.

1- فلوگر، فیزیولوژیست معروف می‌گوید: عمر طبیعی انسان 600 سال است.

2- بیکن، فیلسوف معروف انگلیسی آن را تا هزار سال می‌داند.

3- الکسیس کارل، جراح و متخصص پیوند اعضا و فیزیولوژیست فرانسوی

ص: 68

1- . یا 900 سال بنابر نقلی.

2- . برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به کتب: دادگستر جهان، ص 200؛ مروج الذهب ج 1 و 2؛ الشیعه و الرجعه، ج 1، ص 288 به بعد؛ ده انتقاد و پاسخ، ص 62؛ راه حل، ص 36؛ بحار الانوار، ج 13 و 51؛ المعمرین و الوصایا؛ آثار الباقیه.

3- . بهترین شاهد خود شیطان است که تا روز قیامت زنده است.

4- . دادگستر جهان، ص 182.

می‌نویسد: اگر ترکیبات غذایی ثابت باشد، اجتماعات سلولی تا بی نهایت به فعالیت خود ادامه می‌دهد، اگر از افزایش آنها جلوگیری شود، هیچ گاه پیر نخواهد شد.

4- بوفن: می‌گوید: اگر کسی در اثر بیماری نمیرد تا 900 سال یا 1000 سال زنده می‌ماند.

5- دکتر منتشکوف شاگرد پاستور کاشف میکروب می‌گوید: جسم انسان آمادگی دارد تا بیش از سیصد سال در دنیا عمر کند، اغلب که در سن 70 یا 80 می‌میرند، اگر درست دقت شود، اعضای بدن آنان سالم است، منتهی یک عضو به خاطر کار و فعالیت دچار فرسودگی می‌شود، عامل بزرگ مانع عمر طبیعی، به وجود آمدن میکروب در خون، امعاء و ریه است.

6- دکتر مورلن می‌گوید: تن آدمی کارخانه کاملی است، بنابر محاسبات ریاضی و طبیعی، بیش از یکصدسال به خوبی کار می‌کند.

7- دکتر جوکی طی مقاله‌ای تحت عنوان درازی حیات و زندگانی به عمر طولانی اشاره می‌کند و می‌گوید: بسیاری از مرگ‌ها، ناشی از مسمومیت است.

8- دکتر آه پوکر مولتن، طبیب مخصوص استالین می‌گفت: پیری را می‌توان با معالجه و مواظبت، مثل امراض دیگر درمان کرد. (1)

رابعاً؛ اگر کسی به کتب آسمانی مخصوصاً قرآن کریم آشنایی داشته باشد می‌داند که کارهای خارق‌العاده بسیاری در عالم واقع شده و معجزات بسیاری صادر گردیده که همگی حاکی از قدرت لایزال الهی است، از قبیل طوفان نوح، (2)

ص: 69

1- تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، ص 306؛ کتاب عمر دراز به نقل از منتظر جهان، ص 43.

2- سوره هود/38-47.

سرد شدن آتش برای ابراهیم، (1) عصای موسی و تبدیل شدن آنبه اژدها، (2) متولد شدن حضرت عیسی، (3) سخن گفتن او در گهواره و کودکی (4) و امثال اینها.

اگر خداوند قادر است این کارهای خارق العاده را انجام دهد، قادر است حجت و ولی خود حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نیز سالهای متمادی نگه دارد. (5)

خامساً؛ روایات فراوانی داریم که غیر از آن حضرت، در بین انبیاء و اولیاء افرادی وجود دارند که تا هم اکنون زنده هستند و هزار سال از عمر شریفشان می‌گذرد که عبارتند از: حضرت ادريس، الیاس، خضر و عیسی (علیهم السلام). (6)

همانطور که امام صادق (علیه السلام) در این جهت می‌فرماید: عبد صالح (خضر) به درستی که خداوند هرگز عمر او را طولانی ننماید تا اینکه نبوتی برایش مقدر کرده باشد و نه به جهت کتابی که بر او نازل شود و نه به جهت شریعتی که با آن شریعت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را نسخ کرده باشد و نه برای امامتی کهبندگان را به پیروی از او ملزم کند و نه برای طاعتی که خداوند برای او فرض کرده باشد، بلکه چون خداوند می‌داندست که تقدیری در عمر حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در ایام غیبت خواهد داشت و بسیاری از مردم این امر را انکار خواهند کرد، خواست تا عمر حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به درازی عمر عبد صالح (خضر) طولانی ننماید، بدین جهت او را زنده نگاه داشت تا دلیلی برای استدلال طول عمر حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ابطال حجت منکران باشد. (7)

ص: 70

- 1- . سوره انبیاء/69.
- 2- . سوره‌های قصص/32- طه/20- شعراء/32.
- 3- . سوره انبیاء/91.
- 4- . سوره مریم/27-34.
- 5- . سیمای آفتاب، ص 99.
- 6- . رک: الشیعه و الرجعه، ج 1، ص 300؛ قصه‌های قرآن به قلم نگارنده.
- 7- . اعلام الوری، ص 406.

آیا در دوران غیبت کبری می‌توان با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ملاقات کرد و او را دید؟

اگر پاسخ مثبت است چگونه با مضمون توقیع آن حضرت که به آخرین نایب خود علی بن محمد سمّری نوشته و فرموده: «به زودی برخی از شیعیان من می‌آیند که ادعای مشاهده مرا می‌نمایند. آگاه باشید! هر که پیش از خروج سفیانی و رسیدن به صیحه آسمانی، ادعای مشاهده نماید، دروغگو و افترازننده است» (1) سازگار است؟ جواب: اولاً؛ علماء به این روایت پاسخ‌هایی داده‌اند، (2) که بهترین پاسخ به تناسب حکم و موضوع و با استفاده از لفظ «مُفْتَرٍ» در روایت «أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ...» این است که منظور صرف دیدار و ملاقات نیست، بلکه دیداری است همراه با ادعای نیابت که مثلاً شخصی مدعی نیابت خاصه می‌شود و می‌گوید: من امام را مشاهده می‌کنم و امام زمان مرا همانند نواب اربعه، نایب خاص خود قرار داده است. (3) حضرت فرمود:

چنین کسی نه تنها دروغ می‌گوید، بلکه افترا نیز می‌بندد، چون به ما نسبت می‌دهد که ما او را نایب و وکیل خود قرار داده‌ایم.

و اصل صدور روایت هم در مقام نیابت است که حضرت به علی بن محمد سمّری فرمود: کسی را از جانب ما نصب مکن و دوران غیبت صغری و نیابت خاصه تمام شده است.

ص: 71

1- . منتهی الآمال، ج 2، ص 508؛ بحارالانوار، ج 52، ص 151 و ج 51، ص 361.

2- . برای آگاهی بیشتر به پاسخ‌هایی که علماء داده‌اند رک: بحارالانوار، ج 53، ص 318 به بعد و ج 52، ص 151 به بعد.

3- . رک: بحارالانوار، ج 13، ص 142؛ عصر ظهور، ص 283.

ثانیاً؛ بهترین دلیل بر امکان دیدار با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوران غیبت، وقوع و تحقق آن دیدار است که در طول تاریخ غیبت، بسیار کسانی بوده‌اند که با امام خود دیدار و ملاقات داشته‌اند و تعدادشان به اندازه‌ای است که امکان دروغ و یا تبانی و توطئه بر این دروغ وجود ندارد، به تعبیر فنی ادعای رؤیت از حدّ تواتر هم فراتر رفته و مدّعیان مشاهده نیز افرادی معمولی و یا لایبالی نیستند، بلکه افرادی چنین ادعایی را داشته‌اند که اغلب تالیّ تلو معصوم بوده و مردم در امور دین‌شان به آنها اقتدا می‌کردند. (1)

ثالثاً؛ خداوند متعال در آیه 200 سوره آل عمران می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبروری کنید و استقامت ورزید و رابطه برقرار کنید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید.»

سومین فرمان خداوند در این آیه شریفه این است که رابطه برقرار کنید، حال با چه کسی رابطه برقرار کنیم، در برخی از احادیث این گونه وارد شده که با امامان معصوم رابطه برقرار کنید. (2) و در یک حدیث و روایت جالب‌تری وارد شده است «رابطوا الإمام المنتظر؛ با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رابطه برقرار کنید»، (3) راستی اگر ارتباط ممکن نبود آیا خدای متّان، فرمان به امر محال و غیرممکن می‌دهد.

پس حق این است که دیدار و ملاقات با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوران غیبت کبری ممکن است.

ص: 72

-
- 1- . سیمای آفتاب، ص 179- برای آگاهی بیشتر از این ملاقات‌ها رجوع کنید به کتب: بحار الانوار، ج 53؛ نجم الثاقب باب هفتم؛ اثبات الهداه، ج 7، ص 270 به بعد؛ انوار النعمانیه، ج 2؛ کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ج 3؛ الزام الناصب، ج 2؛ العبقری الحسان.
 - 2- . «رابطوا علی الأئمة» و «رابطوا امامکم». بحار الانوار، ج 24، ص 219 به بعد.
 - 3- . غیبت نعمانی. «و رابطوا مع امامکم المنتظر». منتخب الاثر، ص 515.

محل سکونت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کجاست؟

جواب: در پاسخ به این پرسش، باید بحث را در سه قسمت دنبال کنیم.

الف - محل سکونت پیش از دوران غیبت

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در نیمه شعبان سال 255 «ه.ق» در شهر سامرا متولد شد، (1) آن حضرت تا روز شهادت امام عسگری (علیه السلام) در منزل پدرش سکونت داشت، حکیمه خاتون دختر امام جواد و عمه امام حسن عسگری (علیهم السلام) چند بار حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را پیش از شهادت پدرش در خانه امام عسگری (علیه السلام) دیده بود و امام حسن عسگری (علیه السلام) در یک از ملاقاتها احمد بن اسحاق قمی (2) با ایشان که در منزل آن حضرت بود، فرزند خود را به او نشان داد. (3)

و همچنین یعقوب بن منقوش از امام عسگری (علیه السلام) سؤال می‌کند: مولای من! بعد از شما، چه کسی به امامت می‌رسد، آن حضرت در جواب فرمودند: پرده را کنار بزن! او نیز پرده را کنار زد و کودکی از پس پرده بیرون آمد و بر زانوی پدر نشست. (4)

ب - محل سکونت در دوران غیبت صغری

در این دوران که حدود 69 سال طول کشید، روایتی که دال بر مکان اقامت و سکونت آن حضرت باشد، در دست نیست. ولی به نظر می‌رسد با توجه به

ص: 73

1- [1] برای آگاهی بیشتر پیرامون سامرا رک: سرزمین آرزوها، به قلم نگارنده.

2- . برای آگاهی بیشتر پیرامون احمد بن اسحاق قمی که در شهر سرپل ذهاب کرمانشاه مدفون است، به مقاله احمد بن اسحاق در دیار کرمانشاهان به قلم نگارنده رجوع کنید.

3- . رک: کمال الدین، ج 2، ص 384؛ بشاره الاسلام، ص 167.

4- . اثبات الهداه، ج 3، ص 415؛ با خورشید سامرا، ص 290.

محل زندگی نَوّاب اربعه در شهر بغداد و اینکه آنها واسطه بین آن حضرت و مردم بودند، می توان حدس زد که محل سکونت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باید در جایی باشد که امکان دسترسی نایبانش با آن بزرگوار آسان باشد و آن کشور عراق است. (1)

همانطور که امام صادق (علیه السلام) می فرماید: برای حضرت قائم دو غیبت است، یکی کوتاه و دیگری طولانی، در غیبت نخست (صغری) کسی جای او را نمی داند، مگر شیعیان خاص او. (2) ظاهراً مراد از شیعیان خاص، همان نَوّاب اربعه باشد.

پ - محل سکونت در دوران غیبت کبری

آنچه از روایات استفاده می شود، این است که آن حضرت در این دوران، در مکان خاصی و در شهر معینی استقرار ندارند که از آنجا خارج نشوند و محل سکونت دائمی او باشد، بلکه حضرت برای انجام وظایف و تکالیفی که دارد به اماکن مختلف مسافرت می کند و از جمله شهرهایی که مسلماً حضرت به آنجا می روند و آن شهرها با قدم او مزین می گردد، مکه معظمه، مدینه طیبه، نجف اشرف، کوفه، کربلا، کاظمین، سامرا، مشهد، قم و بغداد می باشد و اماکن و مقاماتی که آن حضرت در آنجا تشریف فرما شدند متعدد است مانند مسجد جمکران قم، مسجد کوفه، مسجد سهله، مقام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در وادی السلام نجف و... (3)

ص: 74

1- . از برخی روایات هم می توان استفاده کرد که خانه امام عسگری (علیه السلام) (شهر سامرا) در دوران غیبت کبری محل سکونت آن حضرت بوده، بعضی از خلفاء هم این مطلب را می دانستند، لذا در روایت رشیق خادم است که معتضد، نشانی خانه و خادمی را که بر در آن ایستاده است به رشیق داد (سیمای آفتاب، ص 355؛ منتخب الاثر، ص 370).

2- . بحار الانوار، ج 52، ص 155.

3- . برای آگاهی بیشتر در زمینه اماکن زیارتی عراق و جمکران رجوع کنید به کتب: سرزمین آرزوها و در کوی عاشقان به قلم نگارنده.

بعید نیست که اقامتگاه اصلی حضرت و یا جاهایی که بیشتر در آنجا رفت و آمد دارند، مکه و مدینه و عتبات عالیات باشد. (1) حال به چند روایت که اشاره به محل سکونت و رفت و آمد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارند اشاره می‌کنیم:

1- محمد بن عثمان عمری می‌گوید، شنیدم از امام حسن عسگری (علیه السلام) که می‌فرمود: به خدا! صاحب این امر، همه ساله در موسم حج حاضر می‌شود، مردم را می‌بیند و می‌شناسد، آنها هم او را می‌بینند و نمی‌شناسند. (2)

2- روایت شده که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به ابراهیم بن مهزیار فرمود: پدرم از من پیمان گرفته که در سرزمین پهناور و دوردست مسکن گزینم تا از نیرنگ‌های گمراهان و متمرّدان امت تازه به دوران رسیده و گمراه، نهان و مصون باشم، این پیمان مرا بر فراز تلّ‌های بلند و ریگزارها و سرزمین‌های مورد اطمینان افکنده است. (3)

3- امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی بر محل سکونت امام زمان آگاهی نمی‌یابد، نه فرزندان او و نه شخصی دیگری، جز خدمتکار آن حضرت. (4)

4- امام صادق (علیه السلام) فرمود:

ص: 75

1- . سیمای آفتاب، ص 352.

2- . بحار الانوار، ج 51، ص 250؛ اکمال الدین، ج 2، ص 440.

3- . با خورشید سامرا، ص 82.

4- . بحار الانوار، ج 52، ص 153.

صاحب این امر را غیبتی است و ناگزیر در آن غیبت، عزلتی می‌باشد، بهترین منزلگاه وی مدینه است و در کنار سی تن از یارانش به سر می‌برد و با وجود آنان، اضطراب و نگرانی نیست. (1)

5- امام صادق (علیه السلام) به ابوبصیر فرمود: به ناچار صاحب الامر غیبت می‌کند و به ناچار در زمان غیبتش گوشه‌گیری می‌کند، چه خوب منزلی است مدینه... (2)

علاّمه مجلسی در ذیل این روایت می‌فرماید: همین جمله دلالت می‌کند که آن حضرت، بیش‌تر در مدینه و اطراف آن می‌باشد. (3)

6- امام صادق (علیه السلام) فرمود:

زمانی فرارسد که مردم، امام خود را نبینند، امام آنها، در ایام حج آنها را می‌بیند، ولی آنها او را نمی‌توانند ببینند. (4)

7- امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

چگونه انکار می‌کند امت، این را که خداوند متعال در مورد حجّت خود عملی را انجام دهد، همانگونه که درباره یوسف انجام داد؟ به اینکه در بازارهایشان راه برود و روی فرش‌هایشان قدمبگذارد و در عین حال او را شناسند تا آنکه خداوند اجازه دهد که خود را به آنان معرفی نماید، آن چنان که به یوسف (علیه السلام) اجازه داد، وقتی که گفت: آیا می‌دانید چه بر سر یوسف و برادرش آوردید و شما ناآگاه بودید، برادران گفتند: تو حتماً یوسف هستی؟! گفت: آری! من یوسفم و

ص: 76

1- . همان مدرک، ص 157.

2- . بحار الانوار، ج 52، ص 153؛ اصول کافی، ج 2، ص 140.

3- . همان مدرک، ص 158.

4- . غیبت نعمانی، ص 204؛ اصول کافی، ج 2، ص 136.

این هم برادر م می‌باشد. (1)

بنابراین نمی‌توانیم برای حضرت مکان خاصی را مشخص کنیم که حضرت در آنجا زندگی می‌کند، بلکه حضرت در بین مردم بوده و از مردم جدا و کنار نیست و او با ماست. سؤال (20)

برخی از روایات و حکایات و نوشته‌ها، محل سکونت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در دوران غیبت، کوه «رضوی» یا «ذی طوی» (2) و یا جزیره خضرا، (3) یا سرداب مقدس سامرا می‌دانند، آیا در این زمینه مدرک معتبری وجود دارد یا نه؟

جواب: در پاسخ این پرسش باید بحث را در سه قسمت دنبال کنیم:

الف - آنچه که در دعای ندبه آمده است: لَيْتَ شَيْءٌ عَرَىٰ أَيْنَ اسْمِهِ تَقَرَّرَتْ بِكَ النَّوَىٰ، بَلْ أَيْ أَرْضٍ تُقَلِّكَ أَوْ ثَرَىٰ، اِبْرَضُوى أَوْ غَيْرِهَا أَمْ ذِي طُوى؛ ای کاش می‌دانستم که در کدامین زمین قرار داری، آیا به کوه رضوی یا به ذی طوی؟ یا نه اینجا و نه آنجا؟

دلالت ندارد که محل سکونت حضرت در آنجاست، بلکه طبق کتب معاجم و

ص: 77

1- . بحار الانوار، ج 51، ص 142

2- . رک: دعای ندبه- تفسیر عیاشی، ج 2، ص 56؛ بحار الانوار، ج 52، ص 341.

3- . بحار الانوار، ج 52، ص 160.

تواریخ این دو مکان (ذی طوی(1) و رَضْوَى(2)) از اماکن مقدّس به‌شمار می‌آیند؛ و ممکن است حضرت همانند سایر مکانهای مقدّس، سری به این دو مکان هم بزند، ولی عبارت دعای ندبه هرگز دلالت ندارد که حضرت در یکی از این دو مکان زندگی می‌کند، زیرا؛

اولاً؛ این یک استفهام حقیقی نیست، بلکه به انگیزه بیان سوز و هجران و اظهار تأسف از فراق و حرمان از فیض حضور گفته شده است.

ثانیاً؛ از بعضی از عبارات دعای ندبه استفاده می‌شود که حضرت در بین مردم است و همه جا هست و مکان خاصی ندارد مانند این جمله:

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا؛ به جانم قسم! که تو آن حقیقت پنهانی که دور از ما نیستی، به جانم قسم! که تو آن شخص جدا از مایی که ابداً جدا نیستی.(3)

و آنچه در روایت امام باقر (علیه السلام) آمده است که می‌فرماید:

صاحب الامر را غیبتی است در برخی از این صخره‌ها و امام به ناحیه ذی طوی (که در درّه‌های مکه و مدخل‌های آن است) اشاره کرد تا اینکه دو شب قبل از خروجش، غلام خود را می‌فرستد و... (4)

ص: 78

1- «ذی طوی» موضعی است در داخل حرم، در یک فرسخی مکه که از آنجا خانه‌های مکه دیده می‌شود، امروزه ممکن است داخل شهر مکه شده باشد، این مکان، محل نماز پیامبر بوده که آن حضرت هر زمان به مکه تشریف می‌آوردند در اینجا فرود می‌آمد و شب در آنجا توقف فرموده و نماز صبح را در آنجا می‌خواندند (سیمای آفتاب، ص 353 به نقل از مجمع البحرین، معجم البلدان، اخبار المکه المشرفه).

2- رَضْوَى کوهی است مقدّس و مبارک که از کوههای مدینه طیبه و در نزدیکی یَبْع قرار دارد و در مدح و فضل آن روایاتی وارد شده است (همان مدارک سابق).

3- سیمای آفتاب، ص 353.

4- بحار الانوار، ج 52، ص 341.

استاد کورانی نویسنده لبنانی گوید: ظاهراً مقصود از غیبت او در این روایات، غیبت در دوره کوتاهی است که قبل از ظهور واقع می‌شود. (1)

ب - مطرح کردن جزیره خضراء به عنوان محل سکونت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، نشأت گرفته از روایتی است که علامه مجلسی (2) از علی بن فاضل مازندرانی نقل کرده که ایشان به جزیره‌ای به نام جزیره خضراء سفر می‌کند، گرچه در این جزیره موفق به دیدار با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نمی‌شود، اما وی از ملاقات‌هایی که با برخی داشته، چنین استنباط کرده است که این جزیره محل سکونت آن حضرت می‌باشد. در اینجا باید بگوئیم که خیلی از بزرگان سند این داستان را معتبر نمی‌دانند. (3) چون در اصل ماجرای علی بن فاضل تناقضاتی مشاهده می‌شود و بر فرض چشم‌پوشی از همه اشکالات موجود در آن و صحت داستان، (4) طبق روایاتی که در سؤال قبل آوردیم، سکونت حضرت دائماً در آن جزیره نیست، بلکه آن حضرت یوسف وار و بطور ناشناس در بین مردم زندگی می‌کند. (5)

پ - و اینکه عده‌ای می‌گویند حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در سرداب سامرا مخفی شده و محل سکونت آن حضرت همانجاست، در این زمینه فقط یک روایت داریم، آن هم نمی‌گوید که حضرت در آنجا مخفی است و زندگی می‌کند، بلکه می‌گوید حضرت از آنجا خارج شده است.

در این روایت آمده: وقتی سپاه معتضد عباسی برای دستگیری امام آمد و دور

ص: 79

- 1- . عصر ظهور، ص 307.
- 2- . بحارالانوار، ج 52، ص 160.
- 3- . زیرا داستان از یک کتاب خطی ناشناخته نقل شده که خود مرحوم علامه مجلسی درباره‌اش می‌نویسد: چون من این داستان را در کتب معتبر نیافتم، باب جداگانه‌ای را به آن اختصاص دادم (تا با مطالب کتاب مخلوط نشود). همان مدرک سابق.
- 4- . اصل داستان جزیره خضراء را در کتاب نشانه‌های شگفت‌آور آخر الزمان نگاشته‌ایم، خوانندگان محترم جهت آگاهی بیشتر به آنجا مراجعه کنند.
- 5- . بحارالانوار، ج 52، ص 154؛ اکمال الدین، ج 2، ص 440؛ با خورشید سامرا، ص 82.

خانه را محاصره کرده بودند، از سرداب صدای قرائت قرآن شنیدند، پس از دستور فرمانده لشکر برای ورود به سرداب، سربازها دیدند که شخص نورانی از خانه خارج شده و رفت. آنان به فرماندهشان گفتند: کسی که خارج شد صاحب خانه نبود؟ گفت: او را ندیدم چرا او را رها کردید؟ گفتند: ما گمان می کردیم تو او را می بینی. (1) بنابراین از این روایت هم که نام سرداب در آن برده شد، تنها این مطلب فهمیده می شود که صدای قرائت قرآن امام از سرداب به گوش می آمد و دیگر اینکه سربازان دیدند که امام از سرداب خارج شده و آنان به او دست پیدا نکردند و فرماندهشان امام را ندیده است. (2)

و همچنین شیخ عباس قمی می گوید: به این سرداب شریف، در السنه و در کتب مزار جمله ای از متأخرین معروف است به سرداب غیبت و در کتابهای مختصّه و ابواب متعلّقه به حالات شریفه ی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وجهی از برای آن یافت نشده و سببی برای نامیدن آن به این اسم معلوم نگشته است. (3)

ص: 80

1- . رک: منتخب الاثر، ص 371 به بعد، پاورقی شماره 3.

2- . سیمای آفتاب، ص 355.

3- . کتاب سرزمین آرزوها به قلم نگارنده را ملاحظه فرمائید.

فصل سوم : ویژگی های منحصر به فرد

اشاره

ص: 81

چرا به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ؛ قائم آل محمد (علیهم السلام) گفته می‌شود؟

جواب: همین پرسش را صقر بن ابی دلف از امام جواد (علیه السلام) می‌کنند که یابن رسول الله! چرا به وی قائم گفته می‌شود؟ فرمود: چون قیام می‌کند، پس از آن که نام وی مرده باشد و بیشترین معتقدان به امامتش مرتد شده باشند. (1)

و در روایتی دیگر که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده آن حضرت فرمودند: ... و قائم خوانده شده است، چرا که قیام به حق می‌کند. (2)

آیا بردن نام اصلی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حرام است یا نه؟

جواب: در بین علمای شیعه اختلاف نظر است، چرا که از طرفی روایاتی داریم که بردن نام اصلی آن حضرت (م.ح.م.د) را ممنوع دانسته، بلکه تصریح می‌کنند با القاب شریفه نام ببرند از جمله:

1- مفضل بن عمرو جعفی از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمودند: از نام بردن آن حضرت (م.ح.م.د) بر حذر باشید، بخدا سوگند! امام شما سالیانی از دیدگاتان پنهان خواهند شد... (3)

2- ریان بن صلت گوید: از حضرت رضا (علیه السلام) شنیدم که چون راجع به قائم

1- . کفایه الاثر، ص 279.

2- . ارشاد مفید، ص 358. برای آگاهی بیشتر در این زمینه رک: علل الشرایع، ص 160- معجم الاحادیث الامام المهدی، ج 5.

3- . بحار الانوار، ج 52، ص 281.

سؤال شد، فرمود: شخص دیده نشود و نام برده نشود. (1)

3- امام صادق (علیه السلام) فرمود: نام صاحب الامر را جز کافر نبرد. (2)

4- امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: از رحمت خدا دور باد! کسی که نام مرا در اجتماع مردم ببرد. (3)

5- امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در پاسخ عمر بن خطاب که پرسیده بود، نام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟ فرمودند: نام او را نمی‌توانم ببرم، چون پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از من پیمان گرفته و این نام در نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به ودیعت گذاشته شده است. (4)

6- داود بن قاسم جعفری گوید، شنیدم امام هادی (علیه السلام) می‌فرمود: جانشین پس از من حسن است، حال شما چگونه خواهد بود نسبت به جانشین بعد از آن جانشین؟ عرض کردم: برای چه! خدایم قربانت کند؟ فرمود: زیرا شما خود او را نمی‌بینید و برای شما روا نیست که او را نامش یاد کنید.

عرض کردم: پس چگونه یادش کنیم؟ فرمود: بگوئید حجّت از آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم). (5)

ص: 84

1- . اصول کافی، ج 2، ص 126.

2- . همان مدرک.

3- . بحار الانوار، ج 51، ص 33.

4- . همان مدرک.

5- . اصول کافی، ج 2، ص 126.

7- امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمود: جایز نیست نامش را ببرید تا خداوند او را ظاهر گرداند. (1)

علامه مجلسی در شرح این روایت می‌فرماید: این تحدید (تا خداوند او را ظاهر گرداند) به روشنی دلالت می‌کند که هرگز این نهی مربوط به دوران غیبت صغری نمی‌شود که برخی به آن استناد کرده‌اند. (بلکه تا زمانی که ظهور نکند و زمین را پر از عدل و داد نفرماید، ذکر نامش روا نیست).

از طرف دیگر عده‌ای از علماء با استفاده از برخی روایات، ذکر نام آن حضرت را جایز دانسته و گویند حرمت نام بردن اسم صریح امام، در مورد تقیه است، آنان می‌گویند این دستور برای حفظ جان و سلامت امام بوده و امروزه این تقیه و ترس معنا ندارد، پس ذکر نام شریف حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جایز است. از جمله روایتی است که مرحوم کلینی از ابوعبدالله صالحی نقل می‌کند که: (2) «یکی از اصحاب ما - شیعیان - بعد از وفات امام حسن عسگری (علیه السلام) از من خواست که راجع به اسم و مکان آن حضرت بپرسم، جواب آمد که اگر اسم را به آنها بگوئی، فاش می‌کنند و اگر مکان را بدانند نشان می‌دهند». (3)

از علتی که در این روایت ذکر شد، پیداست که نهی از بردن نام آن حضرت، مخصوص به زمان غیبت صغری بوده و برای این است که نامش در افواه نباشد و دشمنان در جستجوی او بر نیایند.

ص: 85

1- . بحار الانوار، ج 51، ص 32.

2- . ابوعبدالله صالحی از جمله نواب اربعه معروف نیست، پس ممکن است که سؤال او به توسط یکی از نواب اربعه بوده و یا خود او سفارت و نیابتی داشته باشد.

3- . اصول کافی، ج 2، ص 126.

لذا برخی از فقهاء و دانشمندان از این روایت و توقیع امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (1) که در زمان غیبت صغری صادر شده استفاده کرده و پس از آغاز دوران غیبت، نام بردن آن حضرت را جایز شمرده‌اند. علامه اربلی در این رابطه گوید: فتوای من این است که منع تلفظ به نام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از روی تقیّه بوده است، ولی اکنون اشکال ندارد، همان گونه شیخ حرّ عاملی در وسائل الشیعه اختیار کرده است.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد که دلیلی برای نهی از نام بردن صریح آن حضرت، جز تعبّد و وجود نداشته باشد، چرا که قبلاً نام اصلی آن حضرت بصورت کنایه در روایات ذکر شده است. (2)

لذا ما شیعیان طبق روال معمول اکثر فقهاء و محدّثان و به جهت عمل به روایات و سنّت، جانب احتیاط را رعایت نموده و از یاد کردن نام اصلی آن حضرت (3) خودداری کرده و باید با القاب شریفه نامش را ذکر کنیم. همانطور که علامه مجلسی (رحمه الله علیه) در مرآت العقول می‌فرماید:

وَلَا رَيْبَ أَنَّ الْأَحْوَطَ تَرْكُ التَّسْمِيَةِ مُطْلَقًا؛ شکی نیست که احتیاط این است که تا آن حضرت غایب است نامش را نبرند.

ص: 86

-
- 1- . که در آن توقیع آمده: از رحمت خدا دور باد! کسی که نام مرا در میان مردم ببرد (اکمال الدین، ج 2، ص 482).
 - 2- . نامیدن پدر آن حضرت را به کنیه «ابومحمّد» و همچنین کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) که «مهدی نام و کنیه مرا دارد» و تصریح به نام‌های دوازده امام در روایات متعدّد، به ما می‌فهماند که فرقی بین القاب آن حضرت و نام خاص «م.ح.م.د.» نباشد (رک: اصول کافی، ج 2، ص 126).
 - 3- . «م.ح.م.د.»

علت به پا خاستن و قیام، هنگام شنیدن نام «قائم» چیست؟

جواب: این عمل شیعیان ریشه روایی دارد و اظهار ادب، تعظیم و احترام است، گرچه وجوبش معلوم نیست؛ و حتی در عصر امام صادق (علیه السلام) این کار معمول بوده است، چنانکه از آن حضرت سؤال کردند: چرا هنگام شنیدن نام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - قائم - از جای خود بر می خیزیم، حضرت فرمود:

صاحب الامر غیبتی دارد بسیار طولانی، از شدت محبتی که به دوستان خود دارد، هر کس وی را به لقب قائم (که مُشعر است به دولت او و اظهار تأثری است از غربت او) یاد کند، آن جناب هم نظر لطفی به او خواهد کرد، چون در این حال مورد توجه امام واقع می شود، سزاوار است از باب احترام به پا خیزد و تعجیل فرجش را از خدا بخواهد. (1)

و همچنین در روایت دیگری آمده است که: روزی در مجلس امام صادق (علیه السلام) نام مبارک حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برده شد و آن حضرت به جهت تعظیم و احترام، از جای برخاست. (2)

آیا دست بر سر گذاشتن هنگام نام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ریشه روایی دارد یا نه؟

*سؤال (24) آیا دست بر سر گذاشتن هنگام نام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (3) ریشه روایی دارد یا نه؟

جواب: بله. ریشه مذهبی دارد و بدان سفارش شده است، چنانکه در روایتی نقل شده: وقتی نام «قائم» در مجلس امام رضا (علیه السلام) برده شد، آن حضرت از

ص: 87

1- . دادگستر جهان، ص 125؛ منتخب الاثر، ص 505؛ الزام الناصب، ج 1، ص 271.

2- . نجم الثاقب، ص 444.

3- . قائم.

جای برخاست و دو دست مبارکش را روی سرش گذاشت و فرمود: **اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ**؛ خداوندا! در فرجش شتاب کن و راه ظهور و نهضتش را آسان گردان. (1)

این فعل امام (علیه السلام) سندی است بر این تکلیف و وظیفه، گرچه وجوب آن معلوم نیست، ولی سزاوار است به جهت تعظیم و احترام، این سنت ائمه (علیهم السلام) حفظ شود.

سؤال (25)

انتظار فرج چیست؟

جواب: انتظار یا آینده‌نگری، به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای وضع بهتری تلاش می‌کند، برای مثال بیماری که انتظار بهبودی دارد یا پدری که در انتظار بازگشت فرزندش از سفر است، از بیماری یا فراق فرزند ناراحت می‌باشد و برای رفع این حالت می‌کوشد.

بنابراین، مسأله انتظار حکومت حق و عدالت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و قیام مصلح جهانی در واقع مرکب از دو عنصر است: عنصر نفی و عنصر اثبات.

عنصر نفی، همان اعلام بیگانگی با وضع موجود و عنصر اثبات، خواهان وضع بهتر بودن است، اگر این دو جنبه در روح انسان به صورت ریشه‌دار نفوذ کند، سرچشمه دو رشته اعمال دامنه‌دار خواهد شد، این دو رشته اعمال عبارتند از: ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم، فساد، جنگ و خونریزی و مبارزه کردن با آنها از یک سو و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگی‌های جسمی و روحی و مادی و معنوی برای شکل دادن به آن حکومت واحد جهانی

ص: 88

1- الزام الناصب، ج 1، ص 271؛ منتخب الاثر، ص 505؛ مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 339؛ بحارالانوار، ج 51، ص 30.

خلاصه اینکه انتظار منجی از سوی عاملی برای پایداری و شکیبایی در برابر سختیها و مشکلات عصر غیبت و از سوی دیگر عاملی برای پویایی و تحرک شیعیان و آماده باش همیشگی آنان است. براساس تعالیم ائمه (علیهم السلام)، منتظر باید هر لحظه آماده ظهور باشد و زندگی خود را چنان سامان دهد که هر زمان اراده خدا به ظهور تعلق گرفت، بتواند با سربلندی در پیشگاه حجت خدا ظاهر شود، به عبارت دیگر انتظار ظهور حجت در آینده‌ای نامشخص هم بیم دهنده و هم نویدبخش است، بیم دهنده است زیرا منتظر با خود می گوید شاید همین سال، همین ماه و یا همین روز، ظهور رخ دهد، پس باید آماده حضور در پیشگاه حجت خدا و ارائه اعمال خود به آن حضرت باشیم و امیدبخش است، چرا که منتظر می اندیشد شاید در آینده‌ای نزدیک ظهور رخ دهد و سختیها و مشکلات او به پایان برسد و لذا باید پایداری و مقاومت ورزید و تسلیم جریانهایی نشد که در پی غارت سرمایه‌های ایمانی و اعتقادی اند. (2)

حال برای روشن تر شدن ارزش انتظار فرج حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و فضیلت منتظر به سراغ روایات ائمه (علیهم السلام) می رویم، (3) و به برخی از آنها اشاره می کنیم:

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

بهترین اعمال امت من انتظار فرج است. (4)

ص: 89

1- . سیمای آفتاب، ص 202.

2- . برای آگاهی بیشتر در زمینه انتظار رجوع کنید به کتب: الشیعه و الرجعه، ج 1، ص 432؛ امامت و مهدویت، ج 1، ص 388 به بعد؛ دادگستر جهان، ص 249.

3- . علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار، ج 52، ص 122 به بعد، هفتاد روایت را در این باره ذکر کرده است. برای آگاهی بیشتر به آنجا مراجعه شود.

4- . اکمال الدین، ج 2، ص 357.

2- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: کسی که انتظار دولت ما باشد، مانند کسی است که در راه خدا به خون خویش بگلند. (1)

3- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: منتظر فرج و گشایش باشید و از رحمت خدا مأیوس نشوید، یقیناً بهترین اعمال در نزد خدای بزرگ انتظار فرج است. (2)

4- امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: ای ابا خالد! مردمی که در زمان غیبت امام (علیه السلام) زندگی می کنند و معتقد به امامت و منتظر ظهور او هستند، افضل از مردم هر زمانی هستند. (3)

5- امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس از شما بمیرد در حالی که منتظر این امر (ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) باشد همانند کسی است که با حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در خیمه اش بوده باشد.

سپس چند لحظه ای درنگ کرده و آنگاه فرمود: نه بلکه مانند کسی است که در خدمت آن حضرت شمشیر بزند.

سپس فرمود:

نه به خدا، همچون کسی است که در رکاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) شهید شده باشد. (4)

ص: 90

1- . همان مدرک، ص 358.

2- . بحار الانوار، ج 52، ص 123.

3- . حلیه المتقین، ص 46.

4- . بحار الانوار، ج 52، ص 126.

6- شخصی از امام صادق (علیه السلام) پرسید: چه می‌گویید درباره شخصی که دارای ولایت امامان است و انتظار ظهور حکومت حق را می‌کشد و در این حال از دنیا می‌رود؟ امام فرمود: او همانند کسی است که با قائم در خیمه او بوده است.

سپس کمی سکوت کرد و فرمود: مانند کسی است که با پیامبر اسلام در مبارزاتش همراه بود. (1) سؤال (26)

آیا دعاء برای تعجیل فرج حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأثیر دارد یا نه؟

جواب: روایاتی وجود دارد که امر به دعا برای تعجیل فرج و استغاثه به درگاه خداوند می‌کنند، اگر دعا اثر نداشت، امامان معصوم (علیهم السلام) آن همه تأکید نمی‌کردند، از آن جمله خود حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در توقیع احمد بن اسحاق قمی می‌فرماید:

باب پرسشهای بی‌فایده را ببندید و خود را به رنج نیندازید و به اندازه آنچه شما را کافی است، بسنده کنید، هم چنین، برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید که گشایش کار شما در همین (دعای بسیار) است. (2)

و همچنین امام موسی کاظم (علیه السلام) می‌فرماید: خداوند! تو را به نام پنهان سوگند! بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) درود فرست و در فرج انتقام گیرنده، شتاب کن و وعده او را تحقق بخش. (3)

ص: 91

1- اثبات الهداه، ج 7، ص 40.

2- احتجاج طبرسی، ج 2، ص 471.

3- بحار الانوار، ج 102، ص 111.

این دعا و استغاثه ضمن اینکه اسباب نزدیک شدن فرج مولا یمان حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را فراهم می‌کند، موجبات ارتباط مستمر و همیشگی ما با حجت الهی را فراهم آورده و جلوی یأس و نومیدی را در دوران طولانی غیبت می‌گیرد، بنابراین شایسته است که همه منتظران امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که امیدوارند در این زمانها شاهد ظهور آن حضرت باشند، بیش از پیش به دعا و توسل برای تعجیل فرج روی آورند و آتش سوزان سینه خود را با خنکای دعاها و دلنشینی چون دعای عهد، (1) دعای ندبه، (2) زیارت آل یاسین (3) و دیگر ادعیه و توسلات، آرامش بخشند تا خداوند رحمان بر همه ترحم کند و ظهور پر برکت آن امام انس و جان را نزدیک سازد.

اکنون با بیان بخشی از دعاهایی که شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان با عنوان «دعا در غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» آورده است، پاسخ این سؤال را به پایان می‌بریم. با امید به این که خداوند همه ما را در دوران غیبت ثابت قدم بدارد و از فتنه‌ها و آشوبهای این زمان حفظ کند:

1- دعاء جهت سلامتی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّىٰ تُسَدِّكَ بِأَرْضِكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا؛ خداوند! برای ولایت، حجت بن الحسن که صلوات بر او و پدرانش باد! در این ساعت و هر ساعتی، ولی و حافظ و راهبر و مددکار و راهنما باش تا او را به آسانی در زمینت سکونت بخشی و برای سالیان طولانی مقتدا و بهره‌مند گردانی. (4)

ص: 92

1- . مفاتیح الجنان.

2- . همان.

3- . بحار الانوار، ج 53، ص 171 و ج 102، ص 81.

4- . منتهی الآمال، ج 2، ص 487؛ مفاتیح الجنان.

2- امام صادق (علیه السلام) فرمود: ای زراره! اگر زمان غیبت را درک کردی این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِيْ نَفْسَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ نَفْسَكَ لَمْ اَعْرِفْ نَبِيَّكَ؛ اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِيْ رَسُوْلَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ رَسُوْلَكَ لَمْ اَعْرِفْ حُجَّتَكَ؛ اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِيْ حُجَّتَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِيْنِيْ؛ خدایا خودت را به من شناسان، زیرا اگر خودت را به من شناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت، خدایا پیامبرت را به من شناسان، زیرا اگر پیامبرت را به من شناسانی، حجتت را نخواهم شناخت، خدایا حجتت را به من شناسان، زیرا اگر حجتت را به من شناسانی، از دینم گمراه خواهم شد. (1) سؤال (27)

آیا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنگام ظهور، جوان است یا پیر؟

جواب: آنچه در روایات بیان شده، آن حضرت بزرگ سن و جوان منظر است؛ و اینک چند روایت در این زمینه:

1- عمر به خطاب از امیرالمؤمنین (علیه السلام) سؤال می‌کند؟ نام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟ امام فرمودند: اسمش را نمی‌برم، زیرا حبیبم رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) از من عهد گرفته است که تا ظهورش نامش را نگویم.

عرض کرد: اوصافش را برای من بیان کن. فرمود: او جوانی است متوسط القامه و خوشرو و خوش موی و... (2)

ص: 93

1- . در کوی عاشقان، ص 83 به قلم نگارنده.

2- . اثبات الهداه، ج 7، ص 414.

2- اباصلت خادم امام رضا (علیه السلام) می‌گوید: به حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) عرض کردن نشانه قائم چیست؟ فرمودند: یکی از علائم قائم ما این است که بزرگ سن و جوان منظر است، بطوری که بیننده خیال می‌کند او چهل سال یا کمتر دارد و تا فرا رسیدن مرگ، اثر پیری در او ظاهر نخواهد شد. (1) 3- امام باقر (علیه السلام) فرمود: ... شباهتی که از یونس به متی در او هست، این است که بعد از کهنسالی در حالی که جوان است از غیبت ظهور می‌کند. (2)

4- امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمود: آن‌گاه که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به پا خیزد، مردمان او را انکار می‌کنند، چرا که با چهره جوان به سوی آنان می‌آید و آنان گمان می‌کنند که باید چهره پیر داشته باشد. (3)

به علاوه، تمام افرادی که محضر آن حضرت شرفیاب شده‌اند، ایشان را با قیافه و چهره جوان دیدار و زیارت کرده‌اند. (4)

سؤال (28)

آیا میراث انبیاء و پیامبران گذشته نزد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وجود دارد یا نه؟

جواب: بله در روایات متعددی، از وجود داشتن میراث پیامبران گذشته در

ص: 94

-
- 1- همان مدرک، ص 221؛ اثبات الهداه، ج 7، ص 398.
 - 2- بحارالانوار، ج 51، ص 218؛ منتخب الاثر، ص 285.
 - 3- ینابیع الموده، ج 3، ص 393.
 - 4- برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به کتب: نجم الثاقب- منتخب الاثر- جنه المأوی- اصول کافی، ج 2، ص 144.

نزد آن حضرت سخن به میان آمده است از جمله: (علوم پیامبران و اوصیاء آنان، تورات و انجیل و کتب آسمانی دیگر، هفتاد و دو حرف اسم اعظم خداوند، پیراهن آدم، انگشتر سلیمان، لوح‌ها، سنگ و عصای موسی، پیراهن یوسف، تابوت سکینه و پرچم، پیراهن، عمامه، شمشیر، کفش و چوبدستی رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)، صحیفه جامع، مصحف فاطمه، جفر سفید و جفر سرخ). (1)

1- مفصل گوید، امام صادق (علیه السلام) فرمود: همانا سلیمان از داود ارث برد و محمد از سلیمان ارث برد و ما از محمد ارث بردیم، علم تورات و انجیل و بیان آنچه در الواح موسی بود، نزد ماست... (2)

2- امام باقر (علیه السلام) فرمود: اسم اعظم خدا هفتاد و سه حرف است... و ما هفتاد و دو حرف از اسم اعظم داریم و یک حرف هم نزد خداست... (3)

3- امام باقر (علیه السلام) فرمود:

شبی بعد از نماز عشاء امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیرون رفت و می‌فرمود: هَمَّهَمَّةٌ هَمَّهَمَّةٌ (صدای مخصوصی است که در سینه بگردد و گرفتگی داشته باشد) و شب تاریک است، امام بر شما درآمده است، پیراهن آدم را پوشیده و انگشتر سلیمان و عصای موسی (علیه السلام) را در دست دارد. (4)

ص: 95

1- . برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به کتب: اصول کافی، ج 1، ص 324 به بعد؛ الشیعه و الرجعه، ج 1، ص 163 به بعد؛ غیبت نعمانی، ص 242؛ بحارالانوار، ج 52، ص 391؛ بصائر الدرجات، ص 142 به بعد؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج 3، ص 386 به بعد؛ الزام الناصب، ج 2، ص 164؛ اکمال الدین، ج 2، ص 191؛ روزگار رهایی، ص 458.

2- . اصول کافی، ج 1، ص 326.

3- . همان مدرک، ص 334.

4- . همان مدرک، ص 336.

4- امام باقر (علیه السلام) فرمود چون حضرت قائم در مکه قیام کند و خواهد متوجه کوفه شود، منادی اش فریاد کشد که کسی خوردنی و آشامیدنی همراه خود بر ندارد و سنگ حضرت موسی که به اندازه یک بار شتر است با آن حضرت است، در هر منزلی که فرود آیند، چشمه آبی از آن سنگ بجوشد که گرسنه را سیر و تشنه را سیراب کند و همان سنگ توشه آنهاست تا هنگامی که در نجف به پشت کوفه فرود آیند. (1)

5- امام باقر (علیه السلام) فرمود: عصای موسی (علیه السلام) از آن آدم بود که به شعیب رسید و سپس به موسی بن عمران رسید، آن عصا نزد ماست و اندکی پیش نزدم بود و مانند وقتی که از درختش باز شده، سبز است و چون از او سؤال شود، جواب گوید و برای قائم ما آماده گشته است، او با آن همان کاری که موسی می کرد، انجام دهد... (2) 6- سعید سمان گوید، نزد امام صادق (علیه السلام) بودم که دو مرد زیدی مذهب بر آن حضرت وارد شدند و گفتند: آیا در میان شما امامی که اطاعتش واجب باشد هست. (3) فرمود: نه! (امامی که مقصود شماست در میان ما نیست)

آن دو نفر گفتند: مردمان موثق به ما خبر دادند که شما به آن فتوی دهی و اعتراف کنی و عقیده داری و آن خبر دهندگان فلان و فلان هستند که نام می بریم و ایشان دارای تقوی و کوشش در عبادتند و دروغ نگویند. امام صادق (علیه السلام) در غضب شد و فرمود: من به آنها چنین دستوری نداده‌ام.

چون آن دو نفر آثار غضب بر چهره امام دیدند، بیرون رفتند.

ص: 96

1- . همان مدرک؛ روزگار رهائی، ج 1، ص 458.

2- . همان مدرک، ص 335.

3- . مقصودشان اثبات امامت زید بن علی بن الحسین بود.

حضرت به من فرمود: این دو نفر را می‌شناسی؟

عرض کردم: آری، اینها اهل بازار ما هستند و از طایفه زیدیه می‌باشند و عقیده دارند که شمشیر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نزد عبدالله بن حسن است فرمود: خدای لعنتشان کند، دروغ می‌گویند، به خدا! که عبدالله بن حسن آن را ندیده، نه با یک و نه با دو چشمش و پدرش هم آنرا ندیده، جز اینکه ممکن است آنرا نزد علی بن الحسین دیده باشد، اگر راست می‌گویند، چه علامتی در دسته آن است؟ و چه نشانه و اثری در لبه تیغ آن است؟ همانا شمشیر پیغمبر نزد من است، همان پرچم و جوشن و زره پیغمبر نزد من است، اگر راست می‌گویند در زره پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) چه علامتی است؟ همانا انگشتر سلیمان بن داود نزد من است و طشتی که موسی، قربانی در آن انجام می‌داد نزد من است، همانا اسمی که نزد پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بود و چون (در جبهه جنگ) آنرا میان مسلمانان و کفار می‌گذاشت، چوبه تیری از کفار به مسلمین نمی‌رسید، نزد من است و من آنرا می‌دانم، همانا آنچه را فرشتگان (از اسلحه برای پیغمبران سابق) آورده‌اند نزد من است و داستان سلاح در خاندان ما، همان داستان تابوت است،⁽¹⁾ در بنی اسرائیل بر در هر خاندانی که تابوت پیدا می‌شد، نشانه اعطاء نبوت بود و سلاح به هر کس از ما خانواده رسد امامت به او داده می‌شود، همانا پدرم زره رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) را پوشید و دامنش اندکی به زمین می‌کشید و من آنرا پوشیدم همچنان بود و قائم ما کسی است که چون آن را پوشد به اندازه قامتش باشد انشاءالله.⁽²⁾

ص: 97

1- . تابوت سکینه- در این زمینه؛ کتاب قصه‌های قرآن به قلم نگارنده داستان حضرت یوشع (علیه السلام) را ملاحظه فرمائید.

2- . اصول کافی، ج 1، ص 338.

7- مفضل بن عمر از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت فرمود: سوگند به خدا! ای مفضل، گویا اکنون می بینم او را (حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) که وارد می شود، در حالی که عمامه‌ای زردفام بر سر نهاده و کفش مخصوص پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را پوشیده و چوبدستی او را در دست گرفته و... (1)

8- امام باقر (علیه السلام) فرمود: مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنگام نماز عشاء ظهور می کند، در حالی که پرچم رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و پیراهن و شمشیر او را با خود دارد و... (2)

9- امام صادق (علیه السلام) فرمود:

گویا من قائم را در نجف مشاهده می کنم که زره پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) را به تن کرده و زره بر بدن او فشار می آورد، آن را تکان می دهد و زره بر تن او گشاد می شود... (3)

10- ابوبصیر گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم و عرض کردم: قربانت!... شیعیان حدیث می کنند که پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بابتی از علم آموخت که از آن هزار باب علم گشوده گشت، فرمود: ای ابا محمد! پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به علی هزار باب از علم آموخت که از هر باب آن، هزار باب گشوده می شد.

عرض کردم: به خدا که علم کامل و حقیقی این است، امام (علیه السلام) ساعتی (برای اظهار تفکر) به زمین اشاره کرده و سپس فرمود:

ص: 98

1- . بشاره الاسلام، ص 267.

2- . ابن حماد، ص 95.

3- . بحار الانوار، ج 52، ص 391.

آن علم است، ولی علم کامل نیست. سپس فرمود: ای ابامحمد! همانا جامعه نزد ماست، اما مردم چه می‌دانند جامعه چیست؟ عرض کردم: قربانت گردم جامعه چیست؟ فرمود: طوماریست به طول هفتاد ذراع، پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به املاء زبانی آن حضرت و دستخط علی (علیه السلام)، تمام حلال و حرام و همه احتیاجات دینی مردم، حتی جریمه خراش در آن موجود است.

سپس با دست به بدن زد و فرمود: به من اجازه می‌دهی ای ابا محمد؟ عرض کردم: من از آن شمایم، هرچه خواهی بنما. آنگاه با دست مبارک مرا نشگون گرفت و فرمود:

حتی جریمه این نشگون در جامعه هست. و حضرت خشمگین به نظر می‌رسید، من عرض کردم: به خدا که علم کامل این است، فرمود: این علم است، ولی باز هم کامل نیست.

آنگاه ساعتی سکوت نمود، سپس فرمود: همانا جفر نزد ماست، مردم چه می‌دانند جفر چیست؟

عرض کردم: جفر چیست؟ فرمود:

مخزنی است از چرم که علم انبیاء، اوصیاء و علم دانشمندان گذشته بنی اسرائیل در آن است.

عرض کردم: همانا علم کامل این است. فرمود: ولی علم کامل نیست. باز ساعتی سکوت کرد، سپس فرمود: همانا مصحف فاطمه (علیه السلام) نزد ماست، مردم چه می‌دانند مصحف فاطمه (علیه السلام) چیست؟

عرض کردم مصحف فاطمه (علیه السلام) چیست؟ فرمود: مصحفی است سه برابر قرآنی که در دست شماست، بخدا حتی یک حرف قرآن هم در آن نیست.

عرض کردم: به خدا علم کامل این است. این هم علم است، ولی کامل نیست.

آنگاه ساعتی سکوت کرد... (1)

11- حسین بن ابی العلاء گوید شنیدم امام صادق (علیه السلام) می‌فرمود: همانا جفر سفید نزد من است. عرض کردم: در آن چیست؟ فرمود: زبور داود و تورات موسی و انجیل عیسی و صحف ابراهیم و حلال و حرام و مصحف فاطمه و معتقد نیستم که در مصحف چیزی از قرآن باشد. در آن است آنچه مردم به آن احتیاج دارند و ما به کسی احتیاج نداریم، حتی مجازات یک تازیانه و نصف تازیانه و یک چهارم تازیانه و جریمه خراش در آن هست و جفر سرخ هم نزد من است. عرض کردم: در جفر سرخ چیست؟ فرمود: اسلحه است و آن تنها برای خونخواهی گشوده می‌شود و صاحب شمشیر (امام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) آنرا برای کشتن باز می‌کند... (2)

ص: 100

1- . همان مدرک، ص 344 به بعد.

2- . همان مدرک، ص 347.

12- امام صادق (علیه السلام) فرمود: همانا نزد ما نوشته جاتی است که با وجود آنها نیازی به مردم نداریم (که از آنها چیزی پرسیم) ولی مردم به ما احتیاج دارند، نزد ما کتابی است به املاء پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و خط علی (علیه السلام)، دفتری است که هر حلال و حرامی در آن است... (1)

سؤال (29)

آیا علامت و نشانه‌ای از انبیاء و پیامبران سلف در حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وجود دارد یا نه؟

جواب: بله در روایات متعددی، از نشانه‌های پیامبران گذشته در آن حضرت سخن به میان آمده است از جمله: (طولانی بودن عمر او مانند حضرت آدم و نوح، مخفی ماندن تولد او و دور بودن وی از مردم مانند تولد حضرت ابراهیم و موسی، اختلاف آرای مردم درباره وی مانند حضرت عیسی، فرج پس از گرفتاری و آزمایش الهی مانند حضرت ایوب، قیام با شمشیر مانند رسول خدا، ناشناس بودن وی در بین مردم مانند حضرت یوسف، جوان بودن آن بزرگوار مانند حضرت یونس (علیهم السلام)). (2)

و اکنون چند روایت در این زمینه:

1- امام زین‌العابدین (علیه السلام) فرمود:

قائم ما اهل بیت (علیهم السلام) از هفت پیغمبر، سنت مخصوص ایشان را با خود دارد،

ص: 101

1- . همان مدرک، ص 349.

2- . برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به کتب: اکمال الدین، ج 1، ص 438؛ ج 2، ص 10، 20، 265؛ کافی، ج 1، ص 271؛ اثبات الهداه، ج 7، ص 157؛ غیبت نعمانی، ص 84؛ بصائر الدرجات، ص 114؛ بحار الانوار، ج 51، ص 216-218، 224 و ج 5، ص 316؛ منتخب الاثر، ص 221؛ قصه‌های قرآن به قلم نگارنده؛ اختصاص مفید، ص 207؛ الملاحم و الفتن، ص 100.

سنتی از آدم و سنتی از نوح و سنتی از ابراهیم و سنتی از موسی و سنتی از عیسی و سنتی از ایوب و سنتی از محمد (علیهم السلام).

اما سنتی که از آدم و نوح دارد طول عمر او است، از ابراهیم پنهانی تولد و دوری از مردم را به ارث برده است، از موسی خوف و غیبت و از عیسی اختلاف عقیده مردم درباره وی و از ایوب فرج پس از گرفتاری و از محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) قیام با شمشیر را به ارث برده است. (1)2- محمد بن مسلم ثقفی نقل می کند که به حضور ابوجعفر محمد بن علی باقر (علیهم السلام) رسیدم و می خواستم از قائم آل محمد (علیهم السلام) سؤال بکنم، او خود آغاز به سخن کرد و فرمود: ای محمد بن مسلم! قائم آل محمد به پنج پیغمبر شباهت دارد که عبارتند از: یونس بن متی و یوسف بن یعقوب، موسی، عیسی و محمد (علیهم السلام). شباهتی که به یونس بن متی دارد، این است که بعد از کهنسالی در حالی که جوان است، از غیبت ظهور می کند و اما شباهتی که به یوسف دارد، غیبت او از عموم حتی خواص، پنهان بودن از برداران و مجهول بودن او بر پدرش یعقوب پیامبر شباهت دارد، از لحاظ اینکه با وجود فاصله نزدیک که بین او و پدر و خاندان و پیروان وجود داشته است، شباهتی که به موسی دارد، خوف دائمی و طول غیبت و مخفی بودن تولد و رنج شیعیان اوست که پس از وی انواع گرفتاری و توهین خواهند دید تا هنگامی که خدای عزوجل اجازه ظهور وی را بدهد و او را یاری کند و بر دشمن پیروز گرداند.

اما شباهتی که به عیسی (علیه السلام) دارد، اختلاف عقیده ای است که درباره این امام پیدا می شود و حتی گروهی می گویند که اصلاً به دنیا نیامده و گروهی می گویند که کشته شده و به دار آویخته شده است و اما شباهتی که به جدش

ص: 102

1- . مهدی کیست، ص 105.

محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله وسلم) دارد، برداشتن شمشیر و کشتن دشمنان خدایتعالی و دشمنان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و همه ستمکاران و بت پرستان است و اوست که با شمشیر و ترس به مردم یاری می دهد و... (1)

3- همچنین امام باقر (علیه السلام) فرمود: آن نشانه‌ای که از محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) دارد، این است که سیره و روش آن حضرت را در پیش می گیرد و آثارش را تبیین می کند، سپس شمشیر بر شانه خود می گذارد و در هشت ماه دشمنان خدا را به قتل می رساند. (2)

سؤال (30)

آیا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همسر و فرزندی دارد یا نه؟

* آیا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همسر و فرزندی دارد یا نه؟ (3)

جواب: در مورد اینکه در غیبت کبری برای حضرت صاحب الامر همسر و فرزندی هست یا نه؟ دلیل قطعی بر وجود یا عدم وجود آن نداریم، لکن شواهدی هست که وجود همسر و فرزندان را اثبات می نمایند و آن عبارتند از:

1- قواعد کلیاحکام کلی شریعت محمدی (صلی الله علیه و آله وسلم) ایجاب می کند که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز مانند دیگر پیشوایان معصوم (علیهم السلام) تشکیل خانواده داده، از سنت جدّ بزرگوارش حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) پیروی نماید.

مرحوم محدث نوری (رحمه الله علیه) می فرماید: چگونه ترک خواهند نمود چنین سنت عظیمه جدّ بزرگوار خود را، با آن همه ترغیب و تحریص که در فعل آن و تهدید و تخویف که در ترک آن شده است، سزاوارترین امت در اخذ به سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، امام هر عصر است و تاکنون کسی ترک آن را از خصایص آن جناب نهموده

ص: 103

1- . مهدی کیست، ص 108.

2- . بحار الانوار، ج 51، ص 218.

3- . اقتباس از سیمای آفتاب، ص 364 به بعد، با اندک تصرّف.

است. (1)

همچنین مرحوم شیخ علی اکبر نهاوندي (رحمه الله عليه) در این زمینه می فرماید: بالجمله بعد از اعتقاد به زندگی و غیبت آن بزرگوار و استحباب تناکح و تناسل و منع از رهبانیت و عُزوبت، لابد آن بزرگوار را عیال و اولاد خواهد بود و کثرت آن به سبب طول عمر، چنانکه عادت اقتضا می کند، باعث اختیار بلدی خاص است که خالی از غیر خواص باشد تا آنکه ذکر آن حضرت، چنانکه مقتضای حکمت غیبت است مستور بماند و اولاد او هم به آسودگی خاطر زندگی کنند، پس گوی این شبها را مخور و انکار وجود بلاد و اولاد آن بزرگوار را افسانه شمر. (2)

در نتیجه: طبق این قواعد کلی، باید آن حضرت دارای همسر و فرزند باشد، همانطور که این دو بزرگوار اشاره فرمودند.

1- روایات

در رابطه با همسر یا همسران حضرت مهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تنها یک روایت است که سرنخی به دست می دهد و آن روایتی است که مرحوم کفعمی در مصباح نقل کرده است، براساس این روایت، همسر حضرت از نسل عبد العزّی پسر عبدالمطلب می - باشد. (3)

... و در رابطه با اولاد آن حضرت، روایاتی هست که وجود آنها به روشنی اثبات می کند و این روایات ضمناً وجود همسر را نیز اثبات می - کنند که عبارتند از:

روایت اول: سیّد بن طاووس (رحمه الله عليه) می فرماید: روایتی با سندهای متصل یافتیم که حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را اولاد بسیار هست که در شهرهای کرانه دریاحاکم و والی هستند و در نیکی و بزرگواری، در رأس نیکان روزگار و در قلّه صفات ابرار و

ص: 104

1- . نجم الثاقب، ص 224.

2- . العبقری الحسان، ج 2، ص 134.

3- . نجم الثاقب، ص 225.

روایت دوم: روایت انباری است که مرحوم علامه مجلسی (رحمه الله علیه) آن را در کتابش ذکر کرده است (2) و ما اجمالاً به آن اشاره می‌کنیم. داستان به این کیفیت نقل شده که علی بن فتح الله کاشانی می‌گوید، محمد بن علی بن حسین علوی در کتابش از سعید بن احمد نقل کرده که گفت: حمزه بن مسیب در تاریخ هشتم ماه شعبان سال (544) برای من حکایت نمود که عثمان بن عبدالباقی در تاریخ هفتم جمادی الثانی سال (543) برایم حکایت کرد که احمد بن محمد بن یحیی انباری در تاریخ دهم ماه رمضان سال (543) به من گفت: من به اتفاق چند نفر دیگر در خدمت عون الدین یحیی بن هبیره وزیر، حاضر بودیم، در همان مجلس مرد محترم و ناشناسی نیز حضور داشت، مرد ناشناس اظهار داشت، در یکی از سالها که بوسیله کشتی مسافرت می‌کردم، اتفاقاً کشتی راه را گم کرد و ما را به جزایر مرموزی برد که قبلاً از آنها بی‌خبر بودیم، ناچار از کشتی پیاده شدیم و داخل آن سرزمین گشتیم. (در اینجا احمد بن محمد داستان شگفت انگیز آن سرزمین و کشور را از قول مرد ناشناس تفصیلاً نقل می‌کند مبنی بر اینکه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرزندی دارد که پنج تن از آنان به نام‌های طاهر، قاسم، ابراهیم، عبدالرحمن و هاشم که در آن کشورها سلطنت و حکومت می‌نمایند)

سپس در ذیل داستان می‌گوید: وزیر بعد از شنیدن آن حکایت، داخل اتاق مخصوص خویش شد و تمام ما را احضار کرده و گفت: تا من زنده هستم، حق ندارید داستان مذکور را برای احدی نقل کنید، ما هم تا وزیر در قید حیات بود، جریان را برای هیچ کس اظهار نکردیم.

ص: 105

1- . جمال الاسبوع، ص 512.

2- . بحارالانوار، ج 53 ، ص 213 به بعد. البته بسیاری از بزرگان از جمله مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی در الذریعه، ج 5 ، ص 106 و آیت الله امینی در دادگستر جهان، ص 206 در این روایت تردید کرده‌اند.

روایت سوم: روایت علی بن فاضل مازندرانی است که بحث جزیره خضراء را مطرح می‌کند. (1)

روایت چهارم: امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: برای صاحب این امر، دو غیبت است، یکی از آنها به قدری طولانی می‌شود که برخی از مردم می‌گویند وفات کرده و برخی می‌گویند کشته شده و برخی می‌گویند آمده و رفته، جز تعدادی اندک از شیعیان، بر باور خود استوار نماند و کسی از اقامتگاه او مطلع نمی‌شود، حتی فرزندان او، جایگاه او را نمی‌دانند به جز کسی که متصدی امور اوست. (2)

روایت پنجم: محمد بن مشهدی در کتاب مزار از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمود: گویا نزول قائم را با اهل و عیالش در مسجد سهله می‌بینم. (3)

روایت ششم: رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) در آخرین شب زندگی خود قلم و دواتی خواست، وصایای فراوانی املاء کرد و امیرالمؤمنین (علیه السلام) نوشت، آنگاه وصایایی هم درباره فرزندان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان فرمود و دستور داد که آن را امامان معصوم (علیهم السلام) دست به دست به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برسانند، او نیز هنگام وفات به پسرش تقدیم نماید. (4)

روایت هفتم: مرحوم شیخ حرّ عاملی (رحمه الله علیه) در کتاب «الایقاظ من ההجعه» بابی را به بحث از دولت فرزندان مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اختصاص داده است. (5)

روایت هشتم: مرحوم علامه مجلسی بابی را به خلفاء و اولاد حضرت مهدی

ص: 106

-
- 1- . ما اصل داستان و دلایل صحت یا جعلی بودن آن را در کتاب نشانه‌های شگفت‌آور آخر الزمان بطور مفصل توضیح داده‌ایم.
 - 2- . بحار الانوار، ج 52، ص 153؛ غیبت شیخ طوسی، ص 103.
 - 3- . نجم الثاقب، ص 225.
 - 4- . بحار الانوار، ج 53، ص 148؛ غیبت شیخ طوسی، ص 97.
 - 5- . برای آگاهی بیشتر رک: الایقاظ من ההجعة، ص 392-405.

(عجل الله تعالى فرجه الشريف) اختصاص داده است. (1) خوانندگان عزیز:

همانطور که ملاحظه فرمودید روایات بسیاری دلیل بر وجود فرزند برای حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) هستند، الا یک روایت که منافی و معارض با این روایات است و آن را امام رضا (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: هر امامی باید فرزند داشته باشد، به جز حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) که فرزند ندارد. (2)

ولی علماء و بزرگان شیعه مانند محدث نوری، (3) شیخ طوسی، (4) و میرمحمد میرلوحی معاصر علامه مجلسی (رحمه الله علیه)، (5) این تنافی را رفع کردند، بدین بیان که امام زمان (علیه السلام) مانند سایر ائمه (علیهم السلام) پسر امام ندارد، نه آنکه اصلاً پسر ندارد.

بنابراین، از مجموع احادیث استفاده می شود که برای حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرزندان بسیاری هست که همه از اولیاء و صلحاء و شرفا هستند، ولی سمت امامت ندارند، چرا که امام منحصر در دوازده نفر است. (6)

3- دعاها

علاوه بر دو دلیل قبلی، برخی از دعاهای وارده از طرف معصوم (علیه السلام) دلالت دارند بر اینکه برای حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) اهل و عیال و فرزندان هست و در این دعاها تعبیر «وُلد، ذریه، اهل بیت، آل بیت» بکار رفته که همه اینها وجود همسر و فرزندان را برای آن حضرت اثبات می کنند، در این مورد دعا بسیار است از جمله:

ص: 107

1- . برای آگاهی بیشتر رک: بحار الانوار، ج 53، ص 145 به بعد.

2- . غیبت شیخ طوسی، ص 134؛ جزیره خضراء افسانه یا واقعیت، ص 221.

3- . نجم الثاقب، ص 226.

4- . غیبت شیخ طوسی، ص 137.

5- . ریاض المؤمنین.

6- . سیمای آفتاب، ص 367.

الف - در آخرین فراز از صلواتی که از ناحیه مقدّسه صادر شده چنین می خوانیم: درود بی پایان خود را بر ولیّ امرت و اولیای عهدش و پیشوایان از اولادش نازل فرما و بر عمر و اجلشان بیفزای... (1)

ب - در ضمن دعایی که به هنگام وداع سرداب مقدّس وارد شده، چنین می خوانیم: صلوات و سلام خود را بر ولیّ امرت و اولیای عهدت و پیشوایان از فرزندان بفرست. (2)

پ - در دعایی که امام رضا (علیه السلام) تعلیم فرموده که در عصر غیبت خوانده شود، چنین آمده است: بار خدایا! به او درباره خودش و اهلش و فرزندان شو امّتش و همه رعیش عطا فرما، آنچه را که دیده اش روشن و دلش مسرور گردد... (3)

ت - در فرازی از زیارت مخصوص حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که روزهای جمعه وارد است چنین می خوانیم: ای مولای من! ای صاحب الزمان که درود خدا بر تو و اهل بیت تو باد، امروز روز جمعه است... صلوات خدا بر تو و بر اهل بیت پاک تو باد. (4) فصل چهارم:

ص: 108

-
- 1- . غیبت شیخ طوسی، ص 107؛ بحار الانوار، ج 52، ص 22؛ مصباح کفعمی، ص 448؛ جمال الاسبوع، ص 504.
 - 2- . بحار الانوار، ج 52، ص 228.
 - 3- . همان مدرک، ج 95، ص 332.
 - 4- . نجم الثاقب، ص 224؛ جمال الاسبوع، ص 38.

فصل چهارم : علائم و نشانه های ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

اشاره

ص: 109

شرائط ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟

و یا به عبارت دیگر مسلمانان در قبال نهضت آن حضرت چه وظیفه‌ای دارند و در چه صورتی می‌توان گفت مسلمین برای قیام جهانی و دشوار آن بزرگوار آمادگی دارند و در انتظار ظهور و تأسیس دولت نیرومند الهیّش روز شماری می‌کنند؟

جواب: آنچه از احادیث اهل بیت (علیهم السلام) استفاده می‌شود این که مهمترین وظیفه مسلمانان در زمان غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این است که:

اولاً؛ در اصلاح نفوس خودشان کوشش و جدیت کنند، به اخلاق نیک اسلامی آراسته شوند، به وظائف فردی خودشان عمل نمایند و احکام و دستورات قرآن را به کار بندند.

ثانیاً؛ احکام و برنامه‌های اجتماعی اسلام را استخراج کنند و در بین خودشان بطور کامل اجرا سازند، بواسطه اجرای برنامه‌های اقتصادی اسلام مشکلات اقتصادی خودشان را حل کنند و با فقر و بیکاری و تمرکز ثروتهای غیر مشروع مبارزه نمایند و با بکار بستن قوانین نورانی اسلام جلوی ظلم و ستم و بیدادگری را حتی المقدور بگیرند، بطور خلاصه احکام و برنامه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و حقوقی و عبادی اسلام را به طور کامل در بین خودشان اجرا نمایند و نتایج درخشان آنرا عملاً در پیش جهانیان مجسم سازند.

در تحصیل دانش و صنایع جدیت نمایند و غفلت و سستی و عقب‌افتادگی سابق خودشان را جبران کنند، نه تنها خودشان را به کاروان تمدن بشری برسانند، بلکه از هر جهت بر جهانیان تقدم جویند، عملاً به جهانیان بفهمانند که احکام و قوانین نورانی اسلام می‌تواند مشکلاتشان را حل کند و سعادت دو جهانی آنان را تضمین نماید، با بکار بستن قوانین و برنامه‌های نورانی اسلام یک دولت نیرومند و مقتدر اسلامی به وجود آورند و به عنوان یک ملت متمدن و نیرومند و

نیروی شرق و غرب را مهار کنند و مقام رهبری جهانیان را اشغال نمایند، در تقویت نیروی دفاعی و تحکیم قوای نظامی و تهیه سلاح‌های جنگی تا سر حد قدرت بکوشند.

ثالثاً؛ طرح‌ها و برنامه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی اسلام را استخراج کنند و به سمع جهانیان برسانند، ارزش و مزایای برنامه‌های خدایی را برای بشریت به اثبات رسانند، افکار جهانیان را برای پذیرفتن قوانین خدایی آماده سازند، اسباب و مقدمات حکومت واحد جهانی اسلام و مبارزه با ظلم و بیدادگری را آماده نمایند. کسانی را که در این راه سعی و کوشش می‌نمایند و برای پیشبرد هدف مقدس امام زمان و تهیه اسباب و مقدمات نهضت و قیام آن بزرگوار جدیت می‌کنند، می‌توان منتظر فرج خواند و درباره‌شان گفت خودشان را برای ظهور و قیام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دادگستر آماده می‌سازند، چنین افراد فداکار و کوشایی را می‌توان گفت مانند کسانی هستند که در میدان جنگ در خون خویش می‌غلطند.

اما افرادی که حل مشکلاتشان را از قوانین موضوعه بشری انتظار دارند، قوانین اجتماعی و سیاسی اسلام را به طور کلی نادیده گرفته‌اند، احکام اسلام را در مساجد و معابد محصور نموده، در بازار و اجتماعشان اثری از اسلام دیده نمی‌شود، انواع فساد و بیدادگری را مشاهده می‌کنند و به جز گفتن «خدا فرج امام زمان را نزدیک کند» عکس‌العملی نشان نمی‌دهند: در علوم و صنایع کاسه لیس دیگرانند، اختلافات داخلی و پراکندگی در بینشان حکم فرماست، با اجانب می‌سازند، ولی با خودشان نمی‌سازند، درباره چنین ملتی نمی‌توان گفت: منتظر فرج آل محمد (علیهم السلام) و نهضت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موعود می‌باشند، چنین افرادی برای تأسیس حکومت جهانی اسلام آمادگی ندارند، گرچه روزی

صدها مرتبه بگویند: **اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ الشَّرِيفِ**. (1) و اینک چند روایت در این زمینه:

1- امام صادق (علیه السلام) فرمود: خودتان را برای ظهور و نهضت قائم ما آماده سازید و لو به ذخیره کردن یک تیر باشد. (2)

2- عبدالحمید واسطی می گوید به حضرت امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: ما به انتظار این امر، از کسب و بازار هم دست کشیدیم؟ فرمود: ای عبدالحمید! آیا گمان می کنی کسی که جانش را در راه خدا وقف نمود، خدا برایش گشایش قرار نمی دهد؟ به خدا سوگند! خدا در کارهایش گشایش خواهد داد. خدا رحمت کند بنده ای را که امر ما را زنده بدارد.

عبدالحمید گفت: اگر پیش از قیام قائم مرگ من فرا رسد چه خواهد شد؟ فرمود: هر یک از شما که بگوید: اگر قائم را درک کنم یاری اش می نمایم مانند کسی است که در رکاب آن بزرگوار شمشیر می زند، بلکه مانند کسی است که در خدمت آن حضرت به شهادت نائل گردد. (3)

3- ابوبصیر می گوید: روزی امام صادق (علیه السلام) به اصحابش فرمود: آیا شما را خبر ندهم به چیزی که خدا اعمال بندگانش را جز به آن قبول نمی کند؟

ص: 113

1- . دادگستر جهان، ص 251 به بعد.

2- . بحار الانوار، ج 52، ص 366.

3- . اکمال الدین، ج 2، ص 357.

ابوبصیر عرض کرد: بفرمایید. فرمود: شهادت به یگانگی خدا و پیامبری محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و اعتراف به دستورات خدا و دوستی با ما و بیزاری از دشمنان و تسلیم در مقابل ائمه (علیهم السلام) و پرهیزکاری و جدیت و آرامش و در انتظار قائم بودن.

سپس فرمود: برای ما دولتی است که هر وقت خدا بخواهد، تأسیس خواهد شد، هر کس میل دارد که از اصحاب و یاران قائم ما باشد، باید در انتظار فرج باشد، پرهیزکاری را شیوه خاص خویش کند، به اخلاق نیک آراسته گردد و در همان حال در انتظار قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سر برد، اگر چنین بود و پیش از قیام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مرگش فرا رسید، به اجر و ثواب کسانی که قائم را درک می کنند نائل خواهد گشت و... (1)

سؤال (32)

علائم و نشانه های ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کدامند؟

جواب: آنچه از روایات استفاده می شود این است که علامت های ظهور آن حضرت بر دو قسم است، چنانکه فضل بن یسار از امام باقر (علیه السلام) روایت کرده است که فرمود: نشانه های ظهور دو دسته است، یکی نشانه های غیر حتمی و دیگر نشانه های حتمی... (2)

ص: 114

1- . غیبت نعمانی، ص 106.

2- . غیبت نعمانی ص 429. برای آگاهی تفصیلی به علائم ظهور رجوع کنید به کتب: بحار الانوار، ج 52، ص 181 به بعد و ج 53، ص 182؛ روضه کافی، ص 36 به بعد؛ اثبات الهداه، ج 7، ص 390 به بعد؛ کفایه الموحّدين، ج 2، ص 839 به بعد؛ منتهی الآمال، زندگانی امام زمان؛ ارشاد مفید، ص 344 به بعد؛ غیبت نعمانی؛ غیبت شیخ طوسی؛ المهدی، ص 186 به بعد؛ بحار الانوار، ج 13، ص 482.

منظور از نشانه‌های حتمی، آن است که تحقق و پدیدار شدن آنها بدون هیچ قید و شرطی، قطعی و الزامی خواهد بود، به گونه‌ای که تا آنها واقع نگردد، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور نخواهد کرد و اگر کسی پیش از واقع شدن این نشانه‌ها ادعای ظهور نماید، ادعای نادرستی کرده است.

و مراد از نشانه‌های غیر حتمی، اموری هستند که در صورت فراهم بودن شرایط، به عنوان نشانه پدید می‌آیند. (1)

الف - علائم حتمیه

1- خروج سفیانی (که از نوادگان بنی امیه است).

2- ندای آسمانی (که تمام مردم روی زمین آن را می‌شنوند). 3- کشته شدن نفس زکیه (در بین رکن و مقام که از دوستان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است).

4- پیدا شدن دستی در آسمان.

5- فرورفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء.

6- طلوع خورشید از مغرب.

7- اختلاف بین بنی عباس در رابطه با حکومت.

8- خروج یمانی.

9- خروج دجال. (2)

و اینک چند روایت در این زمینه:

1- فضل بن شاذان از ابی حمزه ثمالی چنین نقل می‌کند که به امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: خروج سفیانی حتمی است؟ فرمودند:

ص: 115

1- چشم به راه مهدی، ص 262.

2- رک: ارشاد مفید، ج 2، ص 344؛ بحار الانوار، ج 52، ص 249؛ غیبت شیخ طوسی، ص 267؛ غیبت نعمانی، ص 270؛ اثبات الهداه، ص 426؛ عقد الدرر، ص 49.

آری، صیحة آسمانی نیز از علائم حتمی است و طلوع خورشید از مغرب حتمی است و اختلاف بین بنی عباس در رابطه با حکومت حتمی است و کشته شدن نفس زکیه حتمی است و... (1)2- عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمود: ندای آسمانی حتمی است، خروج سفیانی حتمی است و کشته شدن نفس زکیه حتمی است و پیدا شدن دستی در آسمان حتمی است و... (2)

3- حمران بن اعین از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمود: از علائمی که حتماً پیش از قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در خارج محقق شود، خروج سفیانی و فرو رفتن در زمین بیداء و کشته شدن نفس زکیه و ندای آسمانی است. (3)

4- امام صادق (علیه السلام) فرمود: پیش از ظهور قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پنج نشانه حتمی است؛ یمانی، سفیانی، صیحة آسمانی، قتل نفس زکیه و فرو رفتن در بیابان. (4)

5- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: ده چیز است که پیش از قیامت حتماً به وقوع خواهد پیوست؛ سفیانی، دجال، دابه، خروج قائم و... (5)

ص: 116

-
- 1- . نشانه‌های ظهور او، ص 111.
 - 2- . اثبات الهداه، ج 7، ص 423.
 - 3- . مکیال المکارم، ج 2، ص 185.
 - 4- . اکمال الدین، ج 2، ص 650.
 - 5- . غیبت شیخ طوسی، ص 247؛ اثبات الهداه، ج 7، ص 405.

ب - علائم غیر حتمیه

- براساس روایات وارده آنها بسیارند، بعضی ظاهر شده و بعضی هنوز واقع نشده و ما در اینجا به بعضی از آنها به نحو اجمال اشاره می - کنیم: 1- خراب شدن دیوار مسجد کوفه.
- 2- جاری شدن نهري است از شط فرات در كوچه‌های كوفه.
- 3- آباد شدن شهر كوفه است بعد از خراب شدن آن.
- 4- آب در آوردن دریای نجف.
- 5- جاری شدن نهري است از فرات به غزّی که نجف اشرف باشد.
- 6- ظاهر شدن ستاره دنباله‌دار است در نزدیک ستاره جدی.
- 7- ظاهر شدن قحطی شدید است قبل از ظهور آن حضرت.
- 8- وقوع زلزله و طاعون شدید است در کثیری از بلاد.
- 9- قتل پیوح است یعنی قتل بسیار که آرام نمی‌گیرد.
- 10- خراب شدن مسجد بُراثا.
- 11- ظاهر شدن سرخی شدید است که در اطراف آسمان پهن می‌شود که همه آسمان را می‌گیرد.
- 12- ظاهر شدن آتشی است در سمت مشرق زمین که تا سه روز یا هفت روز در میان زمین و آسمان افروخته می‌شود که محل تعجب و خوف باشد.
- 13- کثرت قتل و خونریزی است در کوفه از جهت پرچم‌های مختلفه.
- 14- حرکت کردن پرچم‌های سیاه است از خراسان.
- 15- خراب شدن بصره. 16- کسوف خورشید در سیزدهم یا چهاردهم ماه رمضان.
- 17- کسوف خورشید در نیمه ماه رمضان و خسوف ماه در آخر همان ماه رمضان.
- 18- قیام یمانی و خروج مروانی.
- 19- آمدن باران شدید در ماه جمادی الثانی و ماه رجب که مثل آن هرگز دیده

20- فراگرفتن ظلمت کفر و فسوق و معاصی است تمام عالم را و... (1)

سؤال (33)

بین علائم و نشانه‌های حتمی پیش از ظهور و زمان ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه قدر فاصله است؟

جواب: آنچه از روایات بدست می‌آید این است که علائم حتمیه و ظهور آن حضرت در کمتر از یکسال اتفاق می‌افتد، اکنون به دور روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم: 1- محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند: سفیانی (2) و قائم ما در یک سال قیام می‌کنند. (3)

2- امام صادق (علیه السلام) فرمود: بین قیام حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و شهادت نفس زکیه (4) بیش از پانزده شب نخواهد بود. (5)

ص: 118

-
- 1- . برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به کتب: منتهی الآمال، ج 2، ص 497؛ بحار الانوار، ج 52، ص 275؛ الملاحم و الفتن، ص 46؛ غیبت شیخ طوسی، ص 268؛ غیبت نعمانی، ص 267؛ مکیال المکارم، ج 2، ص 186 به بعد؛ الامام المهدی من المهدی الی الظهور، ص 390؛ ارشاد مفید، ص 344 به بعد؛ نشانه‌های شگفت‌آور آخرالزمان به قلم نگارنده و...
 - 2- . خروج سفیانی طبق روایات، یکی از علائم حتمیه پیش از ظهور است.
 - 3- . اثبات الهداه، ج 7، ص 426؛ غیبت نعمانی، ص 267.
 - 4- . شهادت نفس زکیه از علائم حتمیه پیش از ظهور است.
 - 5- . غیبت شیخ طوسی، ص 271؛ بحار الانوار، ج 52، ص 341؛ ارشاد مفید، ج 2، ص 350.

سفیانی کیست؟

جواب: آنچه از روایات اهل بیت (علیهم السلام) استفاده می‌شود این است که پیش از قیام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مردی از نسل ابوسفیان در منطقه شام خروج می‌کند و بخش گسترده‌ای از سرزمین‌های اسلام را به تصرف خویش در می‌آورد، هم اکنون در این زمینه چند بحث را دنبال می‌کنیم:

بحث اول: آیا سفیانی به معنای فرد خاصی است، یا اینکه این لفظ، کنایه از مظهر انحراف و طغیان علیه حق و حقیقت است و وجود چنین افرادی در هر زمان امکان‌پذیر می‌باشد، از بعضی روایات این مطلب کاملاً استفاده می‌شود. (1)

بنابر اینکه سفیانی فرد خاصی باشد، درباره نام او در روایات به اختلاف سخن گفته شده، در بعضی از آنها به نام «عثمان بن عنبسه» (2) و در بعضی دیگر به نام «عبدالله» (3) و در برخی روایات دیگر تصریح شده که سفیانی چند نفرند. (4)

ص: 119

1- . ده انتقاد و پاسخ، ص 91.

2- . باید توجه داشت که فرزندان ابوسفیان پنج نفرند: عتبه، معاویه، یزید، عنبسه و حنظله. آنچه میان شیعه معروف است، سفیانی از اولاد عنبسه پسر ابوسفیان است و در روایت دیگر که شیخ طوسی آن را نقل کرده، وی از فرزندان عتبه پسر ابوسفیان است و در جایی دیگر نقل شده که او از فرزندان خالد پسر یزید پسر ابوسفیان است (بحارالانوار، ج 52، ص 205 و 213). البته استاد کورانی نویسنده لبنانی گوید: ممکن است جدش عنبسه یا عتبه یا یزید از نسل معاویه پسر ابوسفیان باشد که در این صورت اشکال برطرف می‌شود (عصر ظهور، ص 117).

3- . مشهور نزد علمای اهل سنت این است که نام وی عبدالله پسر یزید است (ابن حماد، ص 75).

4- . بی تردید سفیانی وعده داده شده که روایات موجود در منابع شیعه و سنی بر آن دلالت دارد، یک نفر است، اما در برخی از روایات همچون نسخه خطی ابن حماد و غیر آن سخن از دو سفیانی به میان آمده، سفیانی اول و دوم و گاهی از بعضی روایات استفاده می‌شود که آنها سه نفرند، اما آنچه مورد نکوهش قرار گرفته و دست به شرارت و کارهای آنچنانی می‌زند، همان سفیانی دوم است، زیرا سفیانی اول پس از استیلا بر سرزمین شام و جنگ قرقیسیا، در جنگ عراق در برابر سپاه ایرانیان شکست می‌خورد و در اثر زخمی که بر او وارد می‌شود در راه بازگشت به شام از بین می‌رود و سفیانی دوم را جانشین خود قرار می‌دهد تا مأموریت مهم او را ادامه دهد. ابن حماد روایت می‌کند: سفیانی روی می‌آورد و به جنگ بنی هاشم و هرکس از یاران پرچم‌های سه گانه و غیر آنان که با او به ستیز می‌پردازد و بر همه آنان چیره می‌شود، آنگاه روانه کوفه می‌شود و بنی هاشم به سوی عراق مهاجرت می‌کنند، سپس سفیانی در بازگشت از کوفه در نزدیکی شام به هلاکت می‌رسد و مرد دیگری از فرزندان ابوسفیان را جانشین خود می‌سازد که غلبه با اوست و بر مردم چیره می‌شود... و سفیانی مورد نظر همین است (عصر ظهور، ص 123).

بحث دوم: درباره سیره سفیانی نیز اختلاف وجود دارد، در اکثر روایات از او به سوء سیره و روش ناپسند یاد شده، ولی در بعضی روایات دیگر از او به فردی یاد شده که دارای حُسن سیره خواهد بود و در آخر، خلافت را به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد سپرد. (1)

و اینک چند روایت در این زمینه:

1- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: فرزند هند جگرخوار از وادی یابس خروج می‌کند، او مردی است چهارشانه و بدقیافه، دارای سری بزرگ، بر صورت او اثر آبله پیداست، وقتی او را می‌بینی، پنداری که یک چشم دارد، نامش عثمان و پدرش عنبسه است، او از فرزندان ابوسفیان است، وارد سرزمین قرار و معین می‌شود و بر بالای منبر آنجا قرار می‌گیرد. (2)

2- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: ای معاویه! مردی از فرزندان تو، بدخوی و ملعون و سبک مغز و ستمکار و واژگون دل و سختگیر و عصبانی است، خداوند رحمت و مهر را از قلب او برده است،

ص: 120

1- ده انتقاد و پاسخ، ص 91. درباره حسن سیره و اینکه خلافت را به آن حضرت واگذار می‌کند، در بحث سوم به آن می‌پردازیم.

2- بحار الانوار، ج 52، ص 205.

دائی‌های او همچون سگ خون‌آشام‌اند، گوئیا من هم اینک او را می‌بینم، اگر می‌خواستم او را نام می‌بردم و توصیف می‌کردم که او پسری چند ساله است، لشکری به سوی مدینه گسیل می‌دارد، آنها وارد مدینه می‌شوند و بیش از اندازه دست به کشتار و فحشاء می‌زنند، در این حال مردی پاک و پرهیزکار از آنها فرار می‌کند، کسی که زمین را از عدل و داد سرشار خواهد ساخت، همانگونه که از ظلم و ستم لبریز شده است و من نام او را می‌دانم و می‌دانم که در آن روز، چند سال دارد و نشانه‌اش چیست. (1) 3- امام باقر (علیه السلام) فرمود: اگر سفیانی را مشاهده کنی، در واقع پلیدترین مردم را دیده‌ای، وی دارای رنگی بور و سرخ و کبود است، هرگز سر به بندگی خدا فرو نیاورده... (2)

4- امام باقر (علیه السلام) فرمود: گویا من سفیانی را می‌بینم که در زمینهای سرسبز شما در کوفه اقامت گزیده و منادی او ندا می‌دهد، هر کس سر یک تن از شیعیان علی را بیاورد، هزار درهم پاداش اوست... (3)

بحث سوم: در اینکه می‌گویند سفیانی تسلیم امر آن حضرت شده و با وی بیعت می‌کند آیا صحت دارد یا نه؟

طبق برخی روایات، لشکر سفیانی وقتی به عزم نبرد با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به طرف مکه معظمه حرکت می‌کنند همین که به سرزمین بیداء (4) رسیدند، خداوند جبرئیل (علیه السلام) را می‌فرستد و به او می‌فرماید: برو نابودشان کن، پس با پای خود

ص: 121

1- . نسخه ابن حماد، ص 75.

2- . بحارالانوار، ج 52، ص 354.

3- . همان مدرک، ص 190.

4- . نزدیکی مکه.

به زمین می‌کوبد و خداوند همه آنان را در کام زمین فرو می‌برد و جز دو نفر از اهل جُهینَه، (1) کسی از آنها زنده نمی‌ماند. (2) یک نفر از آنها به نام‌نذیر که جان سالم بدر برده به دمشق، آمده و خبر نابودی لشکر را به سفیانی می‌رساند، آنگاه اهل دمشق سفیانی را مجبور به بیعت با آن حضرت کرده و می‌گویند باید به اطاعت او در آی و گرنه تو را می‌کشیم، وی محضر امام می‌رسد و با وی بیعت می‌کند، هنگام برگشت در میان قبیله‌اش او را پشیمان می‌کنند، سرانجام بیعت خود را پس می‌گیرد و با حضرت وارد جنگ می‌شود تا اینکه شکست می‌خورد.

و اینک چند روایت در این زمینه:

1- امام صادق (علیه السلام) فرمود:

آنگاه در این موقع که حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مسجد الحرام و در کنار کعبه تشریف فرما هستند، مردی که صورتش به عقب برگشته است وارد می‌شود و در حضور حضرتش می‌ایستد و عرض می‌کند: من بشیر هستم و یکی از ملائکه به من امر فرموده است که خدمت شما شرفیاب شوم و به هلاکت لشکریان سفیانی شما را بشارت دهم، آری همه آنها در سرزمین بیداء در زمین فرو رفتند، امام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌فرماید: جریان خودت و برادرت را بیان کن. عرض می‌کند: من و برادرم در لشکر سفیانی بودیم که شهرها را از دمشق تا زوراء (بغداد) ویران کردیم و نیز شهر کوفه را، آنگاه به مدینه آمدیم و این شهر را نیز در هم کوبیدیم و منبر مسجد نبوی را خرد کردیم و مرکبهای سواری خود را در روضه نبوی بستیم و آنها آنجا را آلوده کردند، سپس از مدینه با سپاهی مجهز که بیش از سیصد هزار نفر جمعیت بود، به قصد خراب کردن خانه خدا یعنی کعبه حرکت کردیم و نیز کشتار مردم مکه در برنامه کار ما بود، چون به سرزمین بیداء رسیدیم، لختی در آنجا توقف کردیم، ناگاه صدایی بلند شد که گفت: ای سرزمین بیداء! ستمگران

ص: 122

1- بنام‌های نذیر و بشیر (بحار الانوار، ج 53، ص 10).

2- روزگار رهائی، ص 467.

را در کام خود فرو بر و آنها را هلاک کن! در این حال، زمین شکافته شد و تمام جمعیت را در کام خویش فرو برد، به خدا سوگند! جز من و برادرم کس دیگری نماند، نه تنها همه افراد نابود شدند، بلکه افسار مرکبی هم نماند، در این موقع فرشته‌ای نمایان شد و به صورت من و برادرم آنچنان کوبید که صورت ما این گونه که ملاحظه می‌فرمایید به عقب برگشت و به برادرم دستور داد و فرمود: ای نذیر! برو و خبر هلاکت لشکریان و نیز خیر ظهور مهدی آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به سفیانی که در دمشق است برسان و به او بگو خداوند در سرزمین بیداء تمام سپاهیان را نابود کرد و آنان در دل زمین فرو رفتند و نیز به من فرمود: ای بشیر! برو به مکه معظمه و خودت را به حضور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برسان و عرض کن بشارت باد! شما را که خداوند لشکر سفیانی را از بین برد (در سرزمین بیداء به زمین فرو رفتند) و در خدمت آن حضرت توبه کن که او توبه‌ات را می‌پذیرد، آنگاه حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دست مبارکش را به صورت او می‌کشد و به حالت اول بر می‌گردد، وی با آن حضرت بیعت می‌کند و همراه ایشان خواهد بود. (1)

2- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: وقتی سفیانی لشکری به سوی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌فرستد، در بیابان بیداء به هلاکت می‌رسند و این خبر به اهل شام می‌رسد، آنها به خلیفه خود (2) می‌گویند مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور نموده است، با او بیعت کن و به اطاعت وی در آی و گرنه تو را می‌کشیم، او عده‌ای را جهت بیعت نزد آن حضرت می‌فرستد... و مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از

ص: 123

-
- 1- . بحار الانوار، ج 53، ص 10- به همین مضمون در غیبت نعمانی، ص 208 از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است.
 - 2- . طبق روایاتی که در بحار الانوار، ج 52، ص 252 نقل شده است، «مردم شام از او اطاعت می‌کنند، به جز دسته‌ایی از پویندگان حق که خداوند آنها را از شرّ خروج همراه وی حفظ می‌کند». و کلمه خلیفه شاید اشاره به این است که اهل شام او را خلیفه خود می‌دانند، بخاطر سلطه فراگیر او در منطقه.

سوی دیگر حرکت می کند تا در بیت المقدس فرود آید. (1)

بحث چهارم: مکان خروج سفیانی کجاست؟ در مکان خروج او نیز در روایات اختلاف است، در بعضی از روایات «وادی یابس» (2) در فلسطین و بعضی دیگر «اردن» و در بعضی دیگر «یمن» ذکر شده و در بعضی دیگر «خراسان» و در بعضی از روایات مکانهای دیگری بیان شده است. (3) و اینک چند روایت در این زمینه:

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: مردی از شام به نام سفیانی خروج می کند... (4)

2- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: فرزند هند جگرخوار از وادی یابس (درّه خشک- بیابان بی آب و علف) خروج می کند. (5)

3- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: من شما را از هفت فتنه می ترسانم که بعد از من در دنیای اسلام به وجود می آید... فتنه هفتم از شام بر می خیزد که همانا قیام سفیانی است. (6)

ص: 124

1- . عصر ظهور، ص 154.

2- . بحار الانوار، ج 52، ص 205- وادی یابس یعنی بیابان بی آب و علف و درّه خشک که بین مکه و شام است.

3- . ده انتقاد و پاسخ، ص 91.

4- . نشانه های ظهور او، ص 209.

5- . بحار الانوار، ج 52، ص 205.

6- . الملاحم و الفتن، ص 21.

4- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: مردی که به او سفیانی گفته می شود در عمق دمشق خروج می کند، همه آنان که از او متابعت می کنند، در قبیله کلب هستند... (1) بحث پنجم: سفیانی به چه جاهایی حمله می کند؟

آنچه از روایات بدست می آید او به بسیاری از شهرها، از دمشق تا بغداد، کوفه، مدینه و مکه هجوم می برد و دست به کشتارهای وسیعی می زند.

و اینک چند روایت در این زمینه:

1- امام صادق (علیه السلام) فرمود: ... وی (سفیانی) شش ماه کارزار می کند، همین که بر پنج شهر دست یافت... (2)

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: ... در این موقع، سفیانی قیام می کند، در حالی که سیصد و شصت هزار در اختیار او هست، می آید تا به شهر شام می رسد و در بین راه تمام شهرها با او بیعت می کنند از جمله سی هزار تن از طایفه کلب با او بیعت می نمایند، پس سفیانی لشکری به عراق می فرستد و در زوراء (بغداد) صد هزار تن از جمعیت آن شهر را می کشد، آنگاه از آنجا به سمت کوفه می رود و کوفه را خراب می کند ... لشکر دیگری از جانب سفیانی به سمت مدینه حرکت می کند و سه روز آنجا را مورد تعدی و تجاوز قرار می دهند، آنگاه به سمت مکه حرکت می کنند تا اینکه به سرزمین بیداء (در نزدیکی مکه) می رسند، جبرئیل (علیه السلام) از طرف خداوند مأموریت پیدا می کنند و با اشاره به زمین، تمام این جمعیت را فرو می برد، مگر دو نفر که

ص: 125

1- . مستدرک حاکم، ج 4، ص 520.

2- . بحار الانوار، ج 53، ص 10.

خودشان را به سفیانی می‌رسانند و او را از هلاکت لشکریانش آگاه می‌سازند... (1)

3- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: در این موقع سفیانی قصد حمله به خراسان دارد و مردم خراسان در طلب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حرکت در می‌آیند و با سید هاشمی ملاقات می‌کنند، در حالی که پرچمهای سیاه در اهتزاز است، پیشاپیش سپاه، شعیب بن صالح قرار گرفته و در جایی به نام اصطخر، نبرد شدیدی در می‌گیرد که لشکریان سفیانی از بین می‌روند... (2)

4- امام باقر (علیه السلام) فرمود: سپس سفیانی با ابوع روبرو می‌شود و با یکدیگر کارزار می‌کنند، سفیانی او و همراهانش و اصبه را به قتل می‌رساند، آنگاه هیچ تصمیمی جز حمله به عراق ندارد، سپاه خود را به قرقیسیا (3) رسانده و در آنجا وارد نبرد می‌شود، در این درگیری صد هزار نفر ستمگر کشته می‌شود... و سفیانی لشکری به تعداد هفتاد هزار نفر را به سوی کوفه گسیل می‌دارد. (4)

بحث ششم: مدت فرمانروائی و خروج سفیانی از آغاز تا انجام چقدر طول می‌کشد؟

ص: 126

-
- 1- . بحارالانوار، ج 52، ص 248. و آن پنج شهر عبارتند از: دمشق، اردن، حمص، حلب و قسّیرین. (عصر ظهور، ص 124).
 - 2- . اصطخر شهری قدیمی در جنوب ایران در منطقه اهواز است که در صدر اسلام آباد بوده است و آثار آن، نزدیک شهر نفت خیز مسجد سلیمان هنوز دیده می‌شود (عصر ظهور، ص 150 و 214؛ نشانه‌های ظهور او، ص 212).
 - 3- . قرقیسیا، شهر کوچکی است در نزدیکی مدخل نهر خابور در رود فرات و امروز خرابه‌های آن نزدیک شهر «دیرزور» سوریه قرار دارد و نزدیک مرزهای سوریه-عراق است و به مرزهای ترکیه-سوریه نیز نسبتاً نزدیک است (عصر ظهور، ص 130).
 - 4- . بحارالانوار، ج 52، ص 237.

1- امام صادق (علیه السلام) فرمود: سفیانی از نشانه‌های حتمی ظهور است و خروج او از آغاز تا انجام پانزده ماه به طول می‌انجامد، وی شش ماه کارزار می‌کند، همین که بر پنج شهر (1) دست یافت، نه ماه فرمانروایی می‌کند، بی آنکه روزی بر آن افزوده شود. (2)

3- امام باقر (علیه السلام) فرمود: ... و این فتنه، نه ماه به مدت بارداری زن طول می‌کشد و به خواست خدا بیش از آن نخواهد شد. (3)

3- امام صادق (علیه السلام) فرمود: از نشانه‌های حتمی ظهور خروج سفیانی در ماه رجب است. (4) بنابراین همانطور که قبلاً گفتیم ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در شب دهم یا روز دهم ماه محرم می‌باشد و طبق این روایت که خروج سفیانی در ماه رجب است. خروج وی شش ماه قبل از ظهور آن حضرت خواهد بود.

بحث هفتم: عاقبت کار سفیانی به کجا ختم می‌شود؟

آنچه از روایات بدست می‌آید، این است که سرانجام سفیانی بدست یکی از سپاهیان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دستگیر می‌شود و وی را در کنار دریاچه طبریه (در شمال فلسطین) و یا در ناحیه ورودی قدس به قتل می‌رسانند و این گونه به زندگی جنایت بار طاغوتی که در مدت پانزده ماه، دست به جنایاتی زده که دیگران در سالهای طولانی نمی‌توانند مرتکب آن شوند، پایان می‌دهند.

ص: 127

1- پنج شهر یعنی شهرهای شام: دمشق، اردن، حمص، حلب و قسّین (عصر ظهور، ص 124).

2- بحار الانوار، ج 52، ص 248؛ اثبات الهداه، ج 7، ص 430.

3- همان مدرک، ص 141؛ تاریخ غیبت کبری، ص 648.

4- همان مدرک، ص 249.

1- امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: خداوند بر سفیانی غضب می کند و بندگان خدا نیز به سبب خشم الهی بر او خشمگین می - شوند، پرنندگان با بالهای خود و کوهها با صخرهها و فرشتگان با صداهایشان بر آنها صدمه و آسیب می رسانند و ساعتی نمی گذرد که خداوند تمام یاران سفیانی را هلاک می سازد و جز او (سفیانی) کسی از دشمنان، در زمین باقی نمی ماند و امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وی را دستگیر نموده و در زیر درختی که شاخه هایش بر دریاچه طبریه اشراف دارد به قتل می رساند. (1)

2- و در روایتی دیگر آمده است که: یکی از فرماندهان سپاه مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بنام صیاح خود را به سفیانی رسانده، او را دستگیر می کند و هنگام نماز عشاء او را نزد مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می آورد، حضرت درباره او با یاران خود به مشورت می پردازد و آنان قتل او را به مصلحت می دانند، آنگاه او را زیر سایه درختی که شاخه هایش آویخته است، مانند گوسفندی سر می برند. (2) سؤال (35)

کیفیت صیحه و ندای آسمانی پیش از ظهور را بیان نمائید؟

جواب: منظور از صیحه، ندایی آسمانی است که نام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را می برد و همه ساکنان زمین آن را با زبان خودشان - عربی، فارسی و... می شنوند؛ و اینک چند روایت در این زمینه: (3)

ص: 128

1- . عصر ظهور، ص 337؛ الملاحم و الفتن، ص 123.

2- . الزام الناصب، ج 2، ص 104.

3- . رک: نشانه های ظهور او، ص 111 و 125؛ مکیال المکارم، ج 2، ص 186؛ غیبت نعمانی، ص 274؛ غیبت شیخ طوسی، ص 274؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج 3، ص 253؛ ارشاد مفید، ج 2، ص 348.

1- فضل بن شاذان از ابی حمزه ثمالی نقل می‌کند به امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: ... ندای آسمانی چگونه است؟ فرمودند: اول صبح منادی از آسمان ندا می‌کند که حق با علی (علیه السلام) و شیعیان اوست، آخر وقت همان روز منادی فریاد می‌زند که حق با عثمان و پیروان اوست. از شنیدن صدای دوم، اهل باطل در شک می‌افتند.

2- امام باقر (علیه السلام) فرمود: ... صیحه آسمانی حتماً در ماه رمضان است، زیرا ماه رمضان ماه خداست و این صیحه هم صدای جبرئیل (علیه السلام) است که از طرف خداوند برای این مردم فرستاده می‌شود، منادی از آسمان، حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به اسم صدا می‌کند، پس هر کسی که در مشرق و مغرب زمین است، این صدا را می‌شنود و به جهت ترسناک بودن این صدا، آن که در خواب است، بیدار می‌شود و هر که ایستاده است می‌نشیند و آن کسی که نشسته است بر می‌خیزد و سر پا می‌ایستد، خدا رحمت کند کسی که آن صدا را بشنود و عبرت بگیرد و عملاً این صدا را جواب بگوید، برای اینکه این صدا، صدای جبرئیل (علیه السلام) است.

امام (علیه السلام) فرمود: صدای آسمانی در شب بیست و سوم ماه رمضان خواهد بود، برای شما تردیدی پیدا نشود، بشنوید و اطاعت کنید و در آخر روز ابلیس ملعون فریاد می‌زند: ای مردم! آگاه باشید که فلانی مظلوم کشته شده است، برای اینکه مردم در شک بیفتند و گرفتار امتحان بشوند، چه بسا اشخاصی که در آن روز به خاطر شنیدن این صدا سرگردان و در آتش غضب خداوند سرنگون خواهند شد، پس وقتی که در ماه رمضان صدا را شنیدید (اینکه قائم آل محمد آمد) در آن شک نکنید و بدانید آن، صدای جبرئیل است و علامت حقایق آن صدا این است که حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به نام پدرش ذکر می‌کند، این صدا چنان فراگیر است که حتی

دختران پرده‌نشین نیز آن را می‌شنوند و پدر و برادر خود را ترغیب می‌کنند که از منزل بیرون بروید (و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را یاری کنید)...3- زراره می‌گوید به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: آیا این صدا را افراد خاصی می‌شنوند یا همگانی است؟

فرمود: این صدا عمومی است و هر کسی به زبان خودش آن را می‌شنود...[\(1\)](#)

سؤال (36)

نفس زکیه، سید حسنی، سید خراسانی و شعیب بن صالح، یمان، دجال، جعفر کذاب، شیصانی و عوف بن لَمی چه کسانی هستند؟

اشاره

جواب:

الف - نفس زکیه

آنچه از روایات بر می‌آید این است که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در بیست و چهارم یا بیست و سوم ذی‌الحجه یعنی پانزده شب، پیش از ظهور، جوانی از یاران و خویشان خود را جهت ایراد بیانیه خود به سوی اهل مکه اعزام می‌دارد، اما طولی نمی‌کشد، بعد از نماز در حالی که پیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یا فرازهایی از آن را برای مردم می‌خواند، دشمنان به او حمله‌ور شده و به طرز وحشیانه‌ای وی را در داخل مسجد الحرام بین رکن و مقام به قتل می‌رسانند و این شهادت فجیع در آسمان و زمین اثر می‌گذارد. خبرهای مربوط به شهادت این جوان نیک سرشت در مکه، در منابع شیعه و سنی بطور متعدد و در منابع شیعه بیشتر است که نام او را غلام (نوجوان) و نفس زکیه نامیده است و برخی روایات نام وی را محمد بن حسن ذکر کرده

ص: 130

1- از امیر مؤمنان! علی (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: آیا نمی‌خواهید شما را خبر دهم از آخرین فرمانروای حکومت خاندان فلان؟

عرض کردیم: آری ای امیر مؤمنان! فرمود: کشته شدن نفس بی‌گناه در سرزمین حرم به دست گروهی از قریش، سوگند به خدائی که می‌شکافد و جان‌ها را می‌آفریند، بعد از این واقعه به جز پانزده شب، حکومتی برای آنان باقی نمی‌ماند.

پرسیدم: آیا پیش از این حادثه یا بعد از آن اتفاقی رخ می‌دهد؟ فرمود:

در ماه رمضان صیحهٔ آسمانی که شخص بیدار را به وحشت و ترس می‌افکند و خوابیده را بیدار می‌سازد و دختران را از پشت پرده بیرون می‌آورد. (2) 2- در روایتی دیگر ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که فرمود: قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به یاران خود می‌فرماید، ای دوستان من، اهل مکه مرا نمی‌خواهند، ولی من برای اتمام حجّت، نماینده خود را به سوی آنان می‌فرستم تا آنگونه که شایستهٔ من است بر آنها حجّت را تمام کند...

از این رویکی از یاران خود را فرا خوانده و به او می‌گوید به مکه برو و این پیام را به مردم آن سامان برسان و بگو، ای مردم مکه! من پیام‌آور فلانی به سوی شما هستم که چنین می‌گوید:

ص: 131

1- . از امام باقر (علیه السلام) روایت شده: نوجوانی از آل محمد (علیهم السلام) به نام محمد بن حسن که معروف به نفس زکیه است بین رکن و مقام در مسجد الحرام کشته می‌شود (بحار الانوار، ج 52، ص 192؛ اثبات الهداه، ج 7، ص 392).

2- . بحار الانوار، ج 52، ص 234.

ما خاندان رحمت و کانون رسالت و خلافت الهی و از سلالهٔ محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و از تبار انبیاء می‌باشیم و از آن زمان که پیامبر ما به ملکوت اعلا پیوست تا امروز در حق ما ظلم شد و بر ما ستم‌ها رفت و حقوق مسلم ما پایمال گردید، اینک ما از شما یاری می‌خواهیم و شما ما را یاری نمائید.

وقتی آن جوان این سخنان را ابلاغ می‌کند، بر او هجوم می‌آورند و او را بین رکن و مقام به شهادت می‌رسانند، او همان «نفس زکیه» است، چون این خبر به اطلاع امام می‌رسد، به یاران خود می‌فرماید: نگفتم به شما که اهل مکه ما را نمی‌خواهند؟ یاران، حضرت را رها نمی‌کنند تا آنکه قیام می‌نماید و از کوه طوی (1) با سیصد و سیزده نفر به تعداد رزمندگان جنگ بدر، فرود می‌آید تا آنکه وارد مسجدالحرام شده و در مقام ابراهیم، چهار رکعت نماز می‌گذارد و آنگاه به حجرالاسود تکیه می‌دهد و پس از حمد و ستایش خدا و ذکر نام و یاد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، لب به سخن می‌گشاید به گونه‌ای که کسی از مردم چنین سخن نگفته باشد. (2)

3- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خروج نمی‌کند مگر آنکه نفس زکیه کشته شود و چون به شهادت رسید، اهل آسمان و زمین بر قاتلان او غضبناک شوند، آنگاه مردم نزد مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) درآیند و چونان عروسی که شب عروسی به خانه شوهر می‌برند گرداگرد او جمع شوند. (3)

البته در پاره‌ای از روایات آمده است که نوجوانی به نام نفس زکیه در شهر مدینه به قتل می‌رسد، ولی باید توجه داشت که او آن نفس زکیه‌ای که اندکی قبل از ظهور در شهر مکه کشته می‌شود نیست.

ص: 132

1- . نام یکی از کوه‌های مکه و راه‌های ورود به آن است.

2- . عصر ظهور، ص 312.

3- . عصر ظهور، ص 313 به نقل از یوم الخلاص.

در این زمینه امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: ای زراره! ناگزیر، در مدینه نوجوانی کشته می‌شود.

پرسیدم، فدایت شوم، مگر لشکر سفیانی او را به قتل نمی‌رسانند؟ فرمود: نه بلکه لشکریان خاندان فلانی وی را می‌کشند، نیروهای یاد شده در حالی که مردم نمی‌دانند برای چه آمده‌اند، وارد مدینه می‌شوند، آنگاه آن جوان را دستگیر نموده و به قتل می‌رسانند، وقتی آنان، آن جوان را از روی ستم و ظلم می‌کشند، خداوند آنان را مهلت نمی‌دهد، پس در این هنگام چشم به راه فرج باشید. (1)

ب - سید حسنی

آنچه از روایات بدست می‌آید؛ یکی از علائم ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خروج سید حسنی با یارانش برای یاری آن حضرت است؛ که از سرزمین دیلم (از بلاد گیلان) و قزوین قیام می‌نماید و با صدای بلند فریاد می‌کند که به فریاد آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) برسید که از شما یاری می‌طلبد، او دعوی باطل ندارد و ادعای مهدویت یا نیابت امام زمان بودن را ندارد و مردم را به نفس خود دعوت نمی‌کند و از شیعیان مخلص ائمه و تابع دین حق است و در بین مردم مطاع و بزرگ و رئیس است و در گفتار و کردار، موافق با شریعت حقّه خاتم الانبیاء محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) است، در زمان او کفر و ظلم عالم را فرا گرفته و مردم از دست ستمگران و فاسقان در اذیت و آزار به سر می‌برند، در چنین شرایطی سید حسنی برای نصرت دین استغاثه می‌کند، پس مردم او را اجابت نمایند، خصوصاً گنج‌های طالقان که از طلا و نقره نباشند، بلکه مردان شجاع و قوی دل و مسلح و مکمل که بر سواری‌ها سوارند، در اطراف او جمع شوند و جمعیت او روز به روز زیاد می‌شود، او مانند سلطان عادل در میان‌شان حکم و رفتار نماید و به تدریج بر اهل ظلم و

ص: 133

طغیان غالب آید و از دیلم تا کوفه را از لوٹ وجود ستمگران و کافران پاک نماید و در بین راه خود در شهر قم توقف چهل روزه دارد و جنگ سختی بینشان در می‌گیرد و کثیری از مردم قم کشته می‌شوند و سرانجام سید حسنی بر آنها غالب می‌شود، چون با اصحاب خود وارد کوفه شود و آن منطقه را تحت حکومت و سیطره خود در آورد، به او خبر دهند که حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کرده و از مدینه به کوفه تشریف آورده است، پس سید حسنی با اصحاب خود به محضر آن حضرت مشرف می‌شوند و از آن حضرت مطالبه دلایل امامت و مواریث انبیاء را می‌نمایند.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

به خدا سوگند! که آن جوان، آن حضرت را می‌شناسد و می‌داند که او بر حق است، لکن مقصودش این است که حقیقت را بر مردم و اصحاب ظاهر کند، پس آن حضرت دلایل امامت و مواریث انبیاء (1) را برای او ظاهر نماید و معجزاتی از او صادر شود، در آن هنگام، سید حسنی و اصحابش با آن حضرت بیعت خواهند کرد، مگر عده‌ای از طرفداران او که زیدی مذهب هستند که همه دلایل و معجزات را حمل بر سحر نمایند، امام آنها را نصیحت می‌کند و تا سه روز مهلت می‌دهد، چون موعظه در آنها اثر نمی‌کند، امر می‌فرماید که همه آنها را گردن بزنند، حال آنان شبیه حال خوارج نهروان است که قبلاً در صفین جزء لشکر علی بن ابی طالب بودند و سپس مخالفت کردند، در پایان سید حسنی به طرف مکه می‌رود و مردم مکه او را می‌کشند و سرش را به شام می‌فرستند... (2)

ص: 134

-
- 1- . در سؤال 28 به طور مفصل ذکر شده است.
 - 2- . برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به کتب: سیمای آفتاب، ص 388؛ منتهی الآمال، ج 2، ص 337؛ مهدی موعود، ص 1163؛ بحار الانوار، ج 52، ص 301 و ج 53، ص 15؛ جهان در آینده، ص 146 به بعد.

*ج - سید خراسانی و شعیب بن صالح (1)

آنچه از روایات استفاده می‌شود این است که این دو شخصیت از یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بوده و مقارن ظهور آن حضرت از ایران ظاهر می‌شوند و در نهضت ظهورش شرکت می‌جویند، بطور خلاصه نقش آن دو، چنانکه از منابع حدیث اهل سنت و برخی از روایات شیعه روشن می‌شود این است که در آن زمان، ایرانیان درگیر جنگی نابرابر با دشمنان خویش اند و در اثر طولانی شدن آن جنگ، سید خراسانی را به عنوان سرپرستی امورشان انتخاب می‌نمایند، گرچه وی به این امر چندان رغبتی نشان نمی‌دهد، اما با اصرار زیاد آنان، می‌پذیرد و زمانی که رهبری ایرانیان را پذیرفت، با ایجاد وحدت کلمه در صفوف نیروهای مسلح ایرانی، سردار رشید خود شعیب بن صالح را به فرماندهی کل نیروهای مسلح، تعیین می‌کند. وی همزمان با خروج سفیانی و یمانی ظاهر می‌شود و نیروهای خود را به سوی عراق اعزام می‌دارد که سپاهیان سفیانی را شکست می‌دهند و نیروهای مستقر در شام خود را پیش رانده و در همان زمان از دو جناح عراق و شام، آماده پیشروی بزرگ به سوی فلسطین و قدس می‌شوند و...

حال چند سؤال در اینجا مطرح می‌شود:

سؤال اول- آیا مراد از خراسانی در این روایات فرد معین و مشخصی است و یا اینکه تعبیر از رهبر ایران است که در زمان ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وجود خواهد داشت؟

روایات منابع اهل سنت به روشنی دلالت دارند بر اینکه آن شخصیت از ذریه امام مجتبی و یا امام حسین (علیهم السلام) است و از او به عنوان هاشمی خراسانی یاد

ص: 135

شده(1) و صفات جسمی وی را که دارای صورتی نورانی و خال بر گونه راست و یا دست راست دارد، بیان کرده است.

سؤال دوم- آیا امکان دارد نام خراسانی و شعیب، دو نام سمبلیک و غیر حقیقی باشند؟

نسبت به خراسانی، روایات نام او را ذکر نکردند، بنابراین دلیلی ندارد که رمز باشد، بلی ممکن است بگوئیم نسبت ایشان به خراسان به این معنی نیست که حتماً اهل استان خراسان فعلی باشند، چون در صدر اسلام، نسبت دادن خراسان به مشرق زمین اطلاق می شده است که شامل ایران و سایر مناطق اسلامی متصل به آن که امروز تحت اشغال جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی سابق است می شود، بنابراین شخص خراسانی اهل هر منطقه‌ای که از این محدوده باشد، نسبت او به خراسان صحیح است.

و اما نسبت به شعیب بن صالح باید گفت که روایات ویژگی‌های او را ذکر نموده است که جوانی است گندم گونه و لاغر، دارای محاسنی کم پشت، صاحب بصیرت و یقین و اراده ای خلل ناپذیر و از جنگاوران بنام و ممتاز می باشد، او مردی است شکست ناپذیر، اگر کوه در مقابلش بایستد، آن را منهدم کرده و عبور می کند...

البته احتمال دارد که به جهت حفظ و ایمنی، نام او مستعار باشد تا وعده الهی محقق شود، برخی از روایات وی را اهل سمرقند(2) می دانند، اما بیشتر روایات می گوید او اهل ری می باشد و با قبیله بنی تمیم نسبتی دارد و یا اینکه از یکی از بخش های بنی تمیم بنام «محرور» باشند و یا اینکه وی غلامی از بنی تمیم است.

ص: 136

1- . البته برخی از روایات شیعی تعبیر به خراسانی تنها نموده، نه هاشمی خراسانی.

2- . بحار الانوار، ج 52، ص 213 به نقل از غیبت شیخ طوسی.

به هر حال اگر این مطلب صحیح باشد، احتمال دارد وی در اصل اهل جنوب ایران باشد، زیرا آنجا هنوز عشایری از قبیله‌های بنی تمیم وجود دارد و یا اینکه از قبایل بنی تمیم که در صدر اسلام در استان خراسان ساکن شده‌اند باشند که امروزه بیشتر آنان در مردم ایران هضم شده و فقط چند روستای کوچک نزدیک مشهد از آنان باقی است که با زبان عربی هم صحبت می‌کنند و یا اینکه رابطه خویشاوندی با آنان دارد.

سؤال سوم- زمان ظهور آن دو شخصیت کی است؟

آنچه از روایات استفاده می‌شود، در سال ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و همزمان با خروج سفیانی و یمانی است. همانطوری که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خروج خراسانی و سفیانی و یمانی هر سه در یک سال و در یک ماه و در یک روز است. (1)

و اینک چند روایت در این زمینه:

1- امام رضا (علیه السلام) فرمود: قبل از قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پنج علامت دیده می‌شود، خروج سفیانی، قیام یمانی، خروج مروانی، شعیب بن صالح و... (2)

2- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

در این موقع سفیانی از کوفه قصد حمله به خراسان را دارد و مردم خراسان در طلب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حرکت در می‌آیند و با سید هاشمی ملاقات می‌کنند در حالی که پرچم‌های سیاه در اهتزاز است، پیشاپیش سپاه، شعیب

ص: 137

1- . بحارالانوار، ج 52 ، ص 210. البته در روایت دیگر آمده است که: فاصله خروج شعیب و بین سپردن زمان امور را به مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هفتاد و دو ماه می‌باشد (عصر ظهور، ص 232).

2- . مکمال المکارم، ج 2، ص 186؛ بحارالانوار، ج 52، ص 233.

بن صالح قرار گرفته و در جایی به نام اصطخر(1) نبرد شدیدی در می‌گیرد که لشکریان سفیانی از بین می‌روند و... (2)

3- از محمد بن حنفیه نقل شده که فرمود: پرچم‌های سیاهی از بنی عباس خروج می‌کند، سپس پرچم‌های مشابه دیگری که حاملان آنها، کلاه‌های سیاه و لباس‌های سفید بر تن دارند، پیشاپیش آنان مردی است بنام صالح، از قبیله بنی تمیم، طرفداران سفیانی را شکست می‌دهد تا اینکه در بیت المقدس فرود آمده و زمینه ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را مهیا می‌نماید، تعداد سیصد تن دیگر از شام به او می‌پیوندند، فاصله خروج او تا تقدیم زمام امور به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هفتاد و دو ماه می‌باشد. (3)

4- امام باقر (علیه السلام) فرمود: ... تا اینکه خراسانی و سفیانی بر آنان (اهل عراق) خروج نموده و هر دو مانند دو اسب مسابقه، یکی از اینجا و دیگری از آنجا بسوی کوفه در حرکتند. (4)

5- امام باقر (علیه السلام) فرمود: پرچم‌های سیاهی که از خراسان خروج می‌کنند؛ به سوی کوفه فرود می‌آیند و با ظاهر شدن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای تجدید بیعت حضور ایشان می‌رسند. (5)

ت - یمانی

آنچه از روایات استفاده می‌شود این است که قبل از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انقلابی در یمن رخ می‌دهد که زمینه‌ساز ظهور آن حضرت است، نام رهبر

ص: 138

1- قبلاً پیرامون اصطخر توضیحاتی داده شد، به آنجا رجوع کنید.

2- . الحاوی للفتاوی، ص 372.

3- . ابن حماد، ص 84.

4- . بحار الانوار، ج 52، ص 232.

5- . غیبت شیخ طوسی، ص 274.

آن در روایات معروف به یمانی می‌باشد و روایتی نام وی را حسن و یا حسین از نسل زید بن علی (علیهم السلام) یاد می‌کند. وی یکی از رهبران برحق است که به حمایت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خروج می‌کند و با سفیانی می‌جنگد، قیام او یکی از علائم حتمیه به شمار می‌آید.

یمانی در پی نبرد سفیانی با وی وارد عراق می‌شود، نیروهای یمانی و ایرانی (که به رهبری سید خراسانی و شعیب بن صالح عمل می‌کنند) جهت رویارویی با سفیانی وارد عمل می‌شوند و نقش نیروهای یمانی در نبرد با سفیانی، نقش پشتیبانی از نیروهای ایرانی است، زیرا از لحن اخبار چنین فهمیده می‌شود که طرف درگیر با سفیانی، مردم مشرق زمین- یاران خراسانی- هستند و گویا یمانی‌ها پس از یاری رساندن به آنان به یمن باز می‌گردند. (1) و اینک چند روایت در این زمینه: 1- عمر بن حنظله از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمود: پیش از ظهور قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پنج نشانه تحقق پیدا می‌کند، صیحه آسمانی، خروج سفیانی، فرورفتگی در بیداء، خروج یمانی، کشته شدن نفس زکیه. (2)

2- امام صادق (علیه السلام) فرمود:

خروج خراسانی و سفیانی و یمانی هر سه در یک سال و در یک ماه و در یک روز است، اما هیچ پرچمی هدایتگرتر از پرچم یمانی نیست، آری مردم را دعوت به حق می‌کند. (3)

ص: 139

1- . عصر ظهور، ص 157 به بعد.

2- . غیبت شیخ طوسی، ص 276؛ مکمال المکارم، ج 2، ص 185؛ ینابیع الموده، ص 426؛ بحار الانوار، ج 52، ص 204- در برخی روایات عبارت «و الیمانی من المحتوم» وجود دارد (غیبت نعمانی، ص 252).

3- . بحار الانوار، ج 52، ص 210.

3- امام صادق (علیه السلام) فرمود: خروج سفیانی و یمنی و خراسانی در یک ماه و یک روز و ترتیب آنها همچون رشته مهره‌ها پشت سر هم خواهد بود، پریشانی و سختی از هر سو پدید می‌آید، وای بر کسی که با آنها مخالفت کند، در میان پرچم‌ها هدایت‌کننده‌تر از پرچم یمنی وجود ندارد، چرا که پرچم حق است و شما را به سوی صاحبان دعوت می‌کند، وقتی یمنی قیام کند فروش اسلحه به مردم حرام است و آنگاه که خروج کند بسوی او بشتاب که پرچم او پرچم هدایت است و بر هیچ مسلمانی، سرپیچی از او جایز نیست و اگر کسی چنین کند از اهل آتش خواهد بود، زیرا که او مردم را به حق و به راه مستقیم دعوت می‌کند. (1)

4- در روایتی دیگر آمده است که: آنگاه فرمانروائی از صنعاء بنام حسین یا حسن، قیام می‌کند و با قیام او فتنه‌ها از میان می‌رود، خجسته و پاک ظاهر می‌شود و در پرتو او ظلمت از بین می‌رود و حق بعد از پنهان شدن، به وسیله او آشکار می‌گردد. (2)

5- و در پاره‌ای از روایات درباره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمده است که:

او از یمن و آبادی‌ای به نام کرعه خروج می‌کند؛ و حال آنکه در روایات ثابت و متواتر است که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از مکه و مسجدالحرام قیام می‌کند، شاید منظور از این شخص، همان یمنی باشد که قیام خود را از این منطقه آغاز می‌کند. (3)

ص: 140

1- . بشاره الاسلام، ص 93.

2- . همان مدرک، ص 187.

3- . عصر ظهور، ص 159.

از جمله نشانه‌های ظهور، خروج دَجَال است، ما در اینجا به همان روشی که به معرّفی سفیانی پرداختیم، دَجَال و خصوصیات او را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

1- در کتاب‌های لغت؛ دَجَال به معنی کذاب است و فعل آن را به معنی آب طلا و آب نقره دادن نوشته‌اند، دَجَال را در زبانهای فرانسه و انگلیسی آنتی کریست نامیده‌اند که به معنی دشمن و ضدّ مسیح است. (1) و در هر سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام مطرح شده است.

2- از روایات و منابع حدیثی به دست می‌آید که دَجَال نام شخص خاصی نیست، بلکه عنوانی است برای افراد پر تزویر و حيله‌گر و پر مکر و حقه‌باز که برای کشیدن توده‌های مردم به دنبال خود از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند و بر سر راه هر انقلاب سازنده‌ای که در ابعاد مختلف صورت می‌گیرد ظاهر می‌شوند. لذا پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در حدیثی می‌فرماید: هر پیامبری بعد از نوح، قوم خود را از فتنه دَجَال بر حذر داشت من نیز شما را بر حذر می‌دارم. (2)

مسلماً اگر دَجَال نام شخص خاصی بود و مربوط به آخرالزمان، انبیای پیشین به مردم عصر خود نسبت به فتنه این چنین دَجالی که در آخرالزمان ظاهر می‌شود و هزاران سال با آنها فاصله دارد هشدار نمی‌دادند.

ص: 141

1- . مهدی موعود، ص 972. دجال به معنای کسی است که بسیار حيله‌گر و به اصطلاح امروز سیاست باز و سیاسی از نوع شیطانی آن است (نهایه ابن اثیر، ج 2، ص 102؛ نهضت انتظار و انقلاب اسلامی، ص 126).

2- . صحیح ترمذی، ص 42.

و در برخی از روایات دیگر سخن از «دجال‌ها» به میان آمده است و این احتمال را تقویت می‌کند که دجال نام شخص معینی نیست، بلکه هر کسی که با ادعاهای پوچ و بی اساس و با توسل به حيله‌گری و نیرنگ درصدد فریب مردم باشد، دجال است، چنانکه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: قیامت بر پا نمی‌شود مگر آنکه سی نفر دجال که خود را پیغمبر می‌پندارند ظاهر شوند. (1)

و در حدیث دیگر فرمود: پیش از خروج دجال، متجاوز از هفتاد نفر دجال ظاهر خواهند شد. (2) و همچنین امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: از دو دجالی که از اولاد فاطمه (علیه السلام) به وجود می‌آیند بر حذر باشید. دجالی هم از دجله بصره خروج می‌کند که از من نیست و او مقدمه دجال‌هاست. (3)

بر این اساس می‌توان گفت: ما دو نوع دجال داریم؛ یکی همان دجال حقیقی و واقعی که پس از همه دجال‌ها می‌آید و در دروغگویی و حيله‌گری و مردم فریبی سرآمد است و دیگری گروهی شیاد و دروغگویند که دست به فریبکاری و گمراهی مردم می‌زنند.

3- بنا بر اینکه دجال فرد خاصی باشد، درباره نام او، خصوصیات فردی و عقیده‌اش چنین گفته‌اند: وی در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) موجود بوده و نامش عبدالله یا صائد بن صید است، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و اصحابش به قصد دیدار او به خانه‌اش رفتند، او مدعی خدایی بود، عمر خواست او را به قتل رساند، ولی

ص: 142

1- سنن ابی داوود، ج 2.

2- مجمع الزوائد، ج 78، ص 333.

3- الملاحم الفتن، ص 113.

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مانع شد و تاکنون زنده است. (1) او مردی است کافر، یک چشم بیشتر ندارد، آن هم در پیشانیش واقع شده و مانده ستاره‌ای می‌درخشد، در پیشانی وی نوشته شده «کافر» است بطوری که هر باسواد و بی‌سوادی آن را می‌خواند، کوهی از طعام و نهری از آب همیشه با اوست، بر الاغ سفیدی سوار می‌شود که هر گامش یک میل راه است، آسمان به دستور وی باران می‌دهد و زمین گیاه می‌رویاند، اختیار گنجهای زمین با اوست، مرده را زنده می‌کند با صدایی که تمام جهانیان می‌شنوند ندا می‌کند «من خدای بزرگ شما هستم که شما را آفریده، روزی می‌رسانم، به سوی من بشتابید». (2)

همچنین در روایتی دیگر آمده است که: او مردی چاق، سرخ رو، با موی مجعد و اعور است، چشمش همچون دانه انگوری است که بر روی آب قرار گرفته باشد. (3)

و همچنین مفضل از امام صادق از پدرانش از امیرالمؤمنین از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) روایتی نقل کرده که به شرح اعمال نابخردانه و باطل دجال می‌پردازد از جمله آنکه: او ادعای خدایی می‌کند و هفتاد هزار نفر یهود، زنا زاده و دائم‌الخمر و رامشگر و بازیگر و برخی از عرب‌ها و زن‌ها به او می‌گروند، از جمله کارهای او آزاد کردن زنا و هم جنس بازی به طور علنی است، همین طور یارانش انواع و اقسام زشتی‌ها را انجام می‌دهند، او بسیاری از مناطق زمین را تسخیر می‌کند، گرچه

ص: 143

-
- 1- . بحارالانوار، ج 52، ص 193 به بعد. از قول تمیم الداری که ابتداء نصرانی بوده و در سال نهم هجری اسلام آورده حکایت کرده‌اند که گفته است: من دجال را در یکی از جزائر مغرب دیدم که در غل و زنجیر بود (صحیح مسلم، ج 18، ص 79).
 - 2- . مهدی موعود، ص 965؛ سنن ابی داود، ج 2، ص 212؛ صحیح مسلم، ج 1، ص 46 به بعد؛ بحارالانوار، ج 52، ص 193 به بعد.
 - 3- . صحیح بخاری، ج 9، ح 1947.

به مکه و مدینه و حرم امامان دسترسی نخواهد یافت و پس از آنکه در طغیان و سرکشی افراط کرد و زمین از ستم او و یارانش لبریز شد، کسی که حضرت عیسی (علیه السلام) پشت سرش نماز می خواند (مهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) او را خواهد کشت. (1)

4- مکان خروج دجال کجاست و عاقبت کار او به کجا ختم می شود؟

آنچه از روایات استفاده می شود، او در آخرالزمان از شهر اصفهان قریه یهودیه خروج خواهد کرد (2) و سرانجام بدست حضرت عیسی بن مریم یا حضرت مهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کشته می شود. (3) رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در این زمینه فرمودند: ... میان او (دجال) و لشکر قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جنگ واقع شود، بالاخره آن ملعون به دست مبارک حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یا به دست عیسی بن مریم کشته شود. (4)

و در حدیثی دیگر فرمود: دجال در امت من بیرون می شود در چهل روز، پس خداوند عیسی بن مریم را مأمور کرده، او را طلب می کند و از بین می برد. (5)

همچنین امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این رابطه فرمودند: مهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با یارانش از مکه به بیت المقدس می آیند و در آن مکان بین آن حضرت با دجال و ارتش او، جنگ واقع می شود، دجال و ارتش او مفتضحانه شکست

ص: 144

-
- 1- . منتخب الاثر، ص 480.
 - 2- . صحیح مسلم، ج 18، ص 65 و مدارک سابق بحار الانوار و مهدي موعود.
 - 3- . حلیه المتقین، ص 53. طبق روایتی حضرت مهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دجال را در کُناسه کوفه به دار می زند (اثبات الهداه، ج 7، ص 239).
 - 4- . منتهی الامال، ج 2، ص 336.
 - 5- . همان مدرک، صحیح مسلم.

می‌خورند، به طوری که از اول تا آخر آنها به هلاکت می‌رسند و دنیا آباد می‌شود و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عدالت و قسط را در جهان به پا می‌دارد. (1)

نتیجه‌گیری: باید توجه داشت که ریشه داستان خروج دجال در بین نصاری بوده و بعد از اسلام نیز احادیثی در کتب حدیث پیرامون وی مطرح شد. حال بر فرض صحت اصل داستان، توصیفاتی که درباره‌اش شده مدرک قابل اعتمادی ندارد و بدون تردید با افسانه‌هایی آمیخته شده که صورت حقیقی خود را از دست داده است.

اینک می‌توان چنین گفت: در آخرالزمان و نزدیک ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شخصی پیدا خواهد شد که در دروغگویی و حقه‌بازی سرآمد اقرانش می‌باشد و در دروغگویی بر تمام دجال‌های گذشته برتری دارد، ادعاهای پوچش گروهی را گمراه می‌کند، چنین جلوه می‌دهد که حیات و آب و نام مردم به دست اوست، مردم به طوری اغفال می‌شوند که گمان می‌کنند آسمان و زمین در اختیار اوست، در دروغگویی کارش به جایی می‌رسد که کارهای خوب را بد و کارهای بد را خوب معرفی می‌کند، بهشت را جهنم و جهنم را بهشت جلوه می‌دهد و کفرش بر هر بی‌سواد و باسوادی واضح است.

شایان ذکر است دلیل معتبری نداریم که صائد بن صید، دجال موعود و از زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) تا حال زنده باشد، زیرا علاوه بر اینکه سند حدیث ضعیف است، پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز درباره دجال فرمود: داخل مدینه و مکه نمی‌گردد، در صورتی که صائد بن صید در این دو شهر وارد شده و در مدینه وفات نمود و گروهی از مردم شاهد مرگش بودند. (2)

ص: 145

1- . اثبات الهداه، ج 7، ص 239.

2- . بحار الانوار، ج 52، ص 199.

بر فرض اینکه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) صائدا را دجال نامیده باشد، دجال لغوی یعنی دروغگوست، نه دجال موعود از علائم الظهور.

به عبارت دیگر، پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) صائدا را ملاقات کرد و او را به عنوان یکی از مصادیق دجال به اصحاب خویش معرفی کرد و چون بعداً از خروج دجال در آخرالزمان خبر داد، این دو مطلب سبب اشتباه مردم شد و گمان کردند، صائدا که پیغمبر او را دجال نامیده، همان دجالی است که باید در آخرالزمان خروج کند و از همین موضوع، زنده مانده و عمر طویل را برایش نتیجه گرفتند. (1)

د - جعفر کذاب

محدث قمی در کتاب منتهی الآمال می نویسد: فرزندان امام هادی (علیه السلام) چهار پسر و یک دختر بودند که نام آنها بدین قرار است: 1- حسن 2- حسین 3- محمد (2) 4- جعفر 5- علیّه.

در میان فرزندان امام هادی (علیه السلام) جعفر انسان دروغگو و بدکرداری بود، بطوری که لقب کذاب به خود گرفت، وی که بردار امام حسن عسگری و عموی امام زمان (علیهم السلام) بود، ادعای امامت داشت و پس از شهادت امام هادی (علیه السلام) می گفت: امام مسلمین من هستم نه برادرم.

ابوحزمه ثمالی از ابوخالد نقل می کند که از علی بن الحسین (علیه السلام) پرسیدم: امام بعد از تو کیست؟ فرمود: پسر محمد بن علی، اسمش در تورات باقر است که می شکافد علم را، او حجّت و امام بعد از من است و بعد پسرش جعفر (علیه السلام) که اسمش در نزد اهل آسمان ها صادق است، گفتم: چگونه او صادق نامیده شد با اینکه همه شما صادق هستید. فرمود: پدرم از پدرش نقل کرد که رسول خدا

ص: 146

1- . دادگستر جهان، ص 223 به بعد.

2- . شرح حال سید محمد را در کتاب سرزمین آرزوها نگاشته ایم، برای آگاهی بیشتر در این زمینه به آنجا مراجعه کنید.

(صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: وقتی که فرزند پنجم من متولد شد او را صادق بنامید، زیرا فرزند پنجم او کسی است به نام جعفر که به دروغ ادعای امامت می‌کند و او نزد خدا جعفر کذاب است، او ادعای چیزی می‌کند که شایسته نیست و مخالف پدرش است و نسبت به برادرش حسادت می‌کند...

سپس علی بن الحسین (علیه السلام) گریست و گفت: می‌بینم او حتماً طاغوت زمانش را برای تقطیش امر ولی الله و امام غایب ترغیب و تشویق می‌کند.

همچنین ابوالادیان می‌گوید: خدمتکار امام حسن عسگری (علیه السلام) بودم و نامه‌های آن حضرت را به شهرها می‌رساندم، روزی که آن بزرگوار مریض بود و با همان بیماری از دنیا رفت به خدمتش رسیدم، چند نامه نوشته فرمود:

این‌ها را به مدائن ببر و چون چهارده روز گذرد، روز پانزدهم وارد سامرا می‌شوی، ناله و فریادی از خانه من می‌شنوی و مرا می‌بینی که غسل می‌دهند.

عرض کردم: ای مولای من! وقتی که چنین شود، پس چه کسی جانشین شماست؟ فرمودند: کسی که جواب نامه‌هایم را از تو بنخواهد، او پس از من امام شماست.

عرض کردم بیشتر آگاهم ساز! فرمود: کسی از محتوی همیان به شما اطلاع بدهد، او امام است.

آنگاه هیبت امام مانع از آن شد که از آنچه در همیان است سؤال کنم، نامه‌ها را که به مدائن آوردم و جواب آنها را گرفتم و روز پانزدهم، همانگونه که امام عسگری (علیه السلام) به من فرموده بود، وارد سامرا شدم، به ناگاه شیون از خانه امام بلند شد، وارد خانه شدم دیدم او را در جای غسل قرار داده‌اند و جعفر کذاب را

بر در خانه دیدم و شیعیان اطراف او را گرفته، تعزیت و تسلیت می‌گویند، با خود گفتم هرگاه این امام باشد، امامت باطل می‌شود، چرا که من او را می‌شناختم که نیب می‌خورد و در خانه خود قمار می‌باخت و تار می‌نواخت، پیش او رفتم و تسلیت و تعزیت گفتم: ولی او هیچ از من نپرسید، سپس عقید (خادم امام عسگری (علیه السلام)) بیرون آمد و فرمود: ای مولای من! برادرت کفن شد، برخیز و بر او نماز بخوان، آن‌گاه جعفر و شیعیان و سمان و حسن بن علی نماینده خلیفه معتصم معروف به «سلمه» همگی وارد شدند، وقتی همه وارد خانه شدیم، ناگاه دیدیم که نعش امام حسن عسگری (علیه السلام) تجهیز شده است، جعفر پیش رفت که بر او نماز بخواند، همین که خواست تکبیر بگوید پسری گندمگون که سرش موی کوتاهی داشت و دندانهای پیشین او گشاده بود، ردای جعفر را کنار زد و گفت: عقب‌تر بایست ای عمو! من سزاوارترم که نماز پدرم را بخوانم.

جعفر عقب کشید، در حالی که صورتش از خشم متغیر شده و رویش زرد گشته بود، آن پسر پیش آمد و نماز گذارد و در کنار قبر پدرش او را دفن کردند. آن‌گاه فرمود: ای بصری! جواب نامه‌ها را که با توسل بیاور، جواب‌ها را به او تقدیم کردم و با خود گفتم: این دو دلیل و فقط دلیل همین مانده است...

ما نشسته بودیم که گروهی از قم رسیدند، پرسیدند: حسن بن علی (علیه السلام) کجاست؟ از مرگ او که آگاه شدند، پرسیدند: پس صاحب عزا کیست؟ جعفر را نشان دادند، به او سلام عرض کردند، تسلیت و تعزیت گفتند و اظهار داشتند ما اموال و نامه‌هایی آورده‌ایم، آیا می‌گویی که این نامه‌ها از چه کسانی و این اموال چقدر است؟ برخاست و لباس‌هایش را حرکت داد و گفت: آیا انتظار دارید من غیب نیز بدانم.

سپس خادم آمد و گفت: شما نامه‌های فلان و فلان و همیانی که در آن هزار

دینار است و ده دینار آن مطلاست آورده‌اید، نامه‌ها و اموال را به او تسلیم کردند و گفتند: آن کسی که تو را به این کار مأمور فرموده، همانا امام است.

جعفر پیش معتمد (خلیفه عباسی) آمده و جریان را برای او شرح داد، معتمد کسی را فرستاد، صیقل(1) را دستگیر کردند و آن پسر را از او خواستند، او انکار کرد و... (2)

ذ - شیصبانی

در مورد این شخص روایتی از کتاب غیبت نعمانی که از منابع درجه اول حدیث می‌باشد، از جابر بن یزید جعفری نقل شده است که گفت: از امام باقر (علیه السلام) در مورد سفیانی سؤال کردم حضرت فرمود:

دسترسی به سفیانی پیدا نمی‌کنید تا اینکه قبل از او شیصبانی در سرزمین عراق مانند آبی که از زمین بجوشد، ناگهان ظاهر می‌شود و خروج می‌نماید، او نمایندگان شما را به قتل می‌رساند و بعد از این ماجرا، در انتظار سفیانی باشید که حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز خروج می‌کند. (3)

در این روایت چند نکته یادآوری شده است:

1- او به شیصبانی توصیف شده است که نسبت به شیصبان دارد و آن صفتی است که امامان (علیهم السلام) از آن تعبیر به طاغوت‌ها و اشرار می‌نمایند، به گونه‌ای که در شرح قاموس زبیری آمده است، شیصبان در اصل نام ابلیس و مورچه نر می‌باشد.

ص: 149

1- نام دیگر مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

2- بحارالانوار، ج 50، ص 332؛ فصول المهمه، ص 307؛ تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، ص 310؛ منتهی الآمال، ج 2؛ احتجاج طبرسی، ج 2، ص 279؛ اکمال الدین، ج 2، ص 475.

3- بحارالانوار، ج 52، ص 250 به نقل از غیبت نعمانی.

2- اینکه او قبل از سفیانی خروج می‌کند، از روایت چنین برداشت می‌شود که بین او و سفیانی فاصله چندانی نیست و یا اینکه بلافاصله بعد از او سفیانی خروج خواهد کرد، بدلیل مفاد کلام امام باقر (علیه السلام) که فرمود، بعد از او منتظر سفیانی باشید.

1- محل خروج وی عراق است که به آن نیز زمین کوفان گفته می‌شود و یا اینکه در شهر کوفه است، به هر حال خروج و یا انقلاب و یا حکومت او ناگهانی و غیرمنتظره است مانند آب که از زمین می‌جوشد، او انسانی است طغیان‌گر و خونریز که مؤمنان را به قتل می‌رساند و ظاهراً معنای جمله «و نمایندگان شما را می‌کشد» در کلام امام باقر (علیه السلام) این است که مؤمنین عالی رتبه‌ای را که معمولاً پیشاپیش و در صدر هیئت نمایندگی حضور دارند، به شهادت می‌رساند. (1)

ر - عوف سلمی

در مورد این شخص روایتی در کتاب غیبت شیخ طوسی که از منابع درجه اول حدیث، به شمار می‌رود وارد شده است، حذلم بن بشیر از امام زین العابدین (علیه السلام) نقل کرده که گفت به علی بن الحسین (علیه السلام) عرض کردم کیفیت خروج حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را برایم توصیف نموده و دلایل و نشانه‌های ظهورش را به من شناسان، حضرت فرمود:

قبل از ظهور او مردی به نام عوف سلمی در سرزمین جزیره خروج می‌نماید که جایگاه او تکریت و محل قتل وی مسجد دمشق می‌باشد و بعد از آن شعیب بن صالح از سمرقند (2) خروج می‌کند و آنگاه سفیانی ملعون که از ذریه عتبه پسر ابوسفیان است، از منطقه وادی یابس (بیابان خشک) خروج می‌نماید که در

ص: 150

1- . عصر ظهور، ص 189

2- . در مصادر روایتی شیعه مشهور است که شعیب بن صالح از اهالی ری است، ولی در متن این روایت او را اهل سمرقند می‌داند، شاید بگوئیم او اصالتاً اهل سمرقند بوده است.

هنگام خروج او حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مخفی است و پس از آن خروج می‌نماید. (1)

ظاهراً عوف سلمی علیه حکومت سوریه قیام می‌کند و مدت کوتاهی قبل از سفیانی به سر می‌برد.

اما جزیره که مرکز جنبش و قیام اوست، نام منطقه‌ای است در مرز عراق و سوریه و جایگاه او قبل از قیام و حرکتش و همچنین بعد از شکست او و فرارش شهر تکریت خواهد بود که امروزه یکی از شهرهای معروف عراق است.

و آنچه که این مطلب را تأیید می‌کند این است که تکریت نزدیک منطقه حرکت او یعنی جزیره واقع شده است و روایت اشاره به این معنا دارد که او در مسجد دمشق کشته می‌شود یعنی در آنجا بوسیله ترور به قتل می‌رسد و یا اینکه در آن محل دستگیر و کشته می‌شود. (2)

سؤال (37)

آیا وقت ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشخص و معلوم است یا نه؟

جواب: ظهور آن حضرت از جمله اموری است که وقتش معلوم نیست، لذا در روایات تعیین کنندگان وقت ظهور، دروغگو معرفی شده‌اند از جمله:

1- در روایتی که فضیل بن یسار از امام محمد باقر (علیه السلام) نقل کرده، آن حضرت در پاسخ این پرسش که آیا برای این امر (برخاستن قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) وقتی مشخص وجود دارد؟ فرمود: کسانی که برای این امر وقت تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند.

(آن حضرت سه مرتبه، این سخن را تکرار کرد) و آنگاه فرمود:

ص: 151

1- بحار الانوار، ج 52، ص 213 به نقل از غیبت شیخ طوسی.

2- عصر ظهور، ص 190.

زمانی که موسی (علیه السلام) قومش را برای رفتن به قراری که با پروردگار داشت، ترک کرد، به آنها وعده داد که تا سی روز دیگر بر می‌گردد، اما زمانی که خداوند ده روز دیگر بر آن سی روز افزود، قومش گفتند: موسی خلاف وعده کرده، پس آن کردند که کردند... (1) داستان ارتداد قوم موسی و گوساله پرست شدن آنها در پی تأخیر ده روزه حضرت موسی در تاریخ مشهور است. (2)

2- امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقت گذاران دروغ می‌گویند، ما نه در گذشته برای ظهور وقت تعیین کرده‌ایم و نه در آینده می‌کنیم. (3)

3- امام رضا (علیه السلام) بواسطه پدران بزرگوارش نقل می‌کند که به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) عرض شد: ای رسول خدا! آن قائم که از نسل شماست چه وقت ظهور می‌کند؟ آن حضرت فرمود: ظهور او مانند قیامت است. «تنها خداوند است که چون زمانش فرا رسد آشکارش می‌سازد، فرا رسیدن آن بر آسمانیان و زمینیان پوشیده است، جز به ناگهان بر شما نیاید». (4)

4- عبدالرحمن بن کثیر گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) نشسته بودم که مهزم وارد شد و عرض کرد: قربانت! به من خبر دهید این امری که در انتظارش هستیم، کی واقع می‌شود؟ فرمود:

ص: 152

1- . منتخب الاثر، ص 463؛ غیبت نعمانی، ص 294.

2- . برای آگاهی بیشتر در این زمینه کتاب قصه‌های قرآن به قلم نگارنده را ملاحظه فرمائید.

3- . منتخب الاثر، ص 463؛ اصول کافی، ج 2، ص 191.

4- . سوره اعراف/187. اکمال الدین، ج 2، ص 373.

ای مهزم! دروغ گفتند وقت گذاران و هلاک شدند شتاب کنندگان و نجات یافتند تسلیم شوندگان. (1)5- امام صادق (علیه السلام) در روایتی خطاب به محمد بن مسلم می‌فرماید: ای محمد! هر کس برای تو خبری از ما درباره تعیین وقت (ظهر) نقل کرد، در تکذیب او درنگ نکن، زیرا ما (اهل بیت) برای هیچ کس، وقت ظهر را تعیین نکرده‌ایم. (2)

6- همچنین در توقیعی که از ناحیه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سؤال‌های اسحاق بن یعقوب پاسخ داده شده آمده است: اما آشکار شدن فرج، به اراده خداوند است و آنان که (برای ظهر) وقت تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند. (3)

سؤال (38)

فلسفه تعیین نشدن وقت ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از جانب امامان معصوم (علیهم السلام) چه بوده است؟

جواب: در روایتی که از موسی بن جعفر (علیه السلام) نقل شده، آمده است که آن حضرت در این زمینه فرمودند:

اگر به ما گفته شود این امر (ظهر قائم) تا دویست سال و یا سیصد سال دیگر واقع نمی‌شود، دلها سخت می‌شد و بیشتر مردم از اسلام بر می‌گشتند، اما گفته‌اند: این امر چه با شتاب پیش می‌آید و چه نزدیک است! تا دل‌های

ص: 153

1- . اصول کافی، ج 2، ص 191.

2- . غیبت نعمانی، ص 289.

3- . همان مدرک، ص 197.

مردم الفت گیرد و فرج نزدیک احساس شود. (1)

بنابراین بر همه اهل قلم و سخن فرض است که تلاش خود را متوجه اصل قضیه انتظار فرج، منتظر نگهداشتن مردم، حفظ شادابی و سرزندگی انتظار در آنها و یادآوری وظایف منتظران کنند و از نوشته‌ها و سخنانی که مردم را بدون دلیل به وقوع ظهور در وقت مشخصی امیدوار می‌کند خودداری نمایند.

سؤال (39)

آیا روز، ماه و سال ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در روایات ذکر شده است یا نه؟

جواب: آنچه از روایات بدست می‌آید در روز جمعه یا شنبه و در ماه محرم و در سالهای فرد (2) همچنین یک یا سه یا پنج یا هفت و یا نه قیام می‌کند؛ و اینک چند روایت در این زمینه:

1- امام صادق (علیه السلام) فرمود: قائم ما اهل بیت (علیهم السلام) در روز جمعه قیام می‌کند. (3) 2- امام باقر (علیه السلام) فرمود: حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روز شنبه، روزی که امام حسین (علیه السلام) به شهادت رسید، قیام می‌کند. (4)

3- امام باقر (علیه السلام) فرمود: گوئیا قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را می‌بینم که در روز عاشورا، روز شنبه بین رکن و مقام ایستاده است، در حالیکه جبرئیل (علیه السلام) در مقابلش قرار گرفته است ندا می‌کند: اَلْبَيْعَةُ لِلَّهِ. (5)

ص: 154

1- . غیبت نعمانی، ص 259؛ اصول کافی، ج 2، ص 193.

2- . ارشاد مفید، ص 353 به بعد.

3- . بحار الانوار، ج 52، ص 279.

4- . همان مدرک، ص 285.

5- . غیبت شیخ طوسی، ص 453.

4- امام باقر (علیه السلام) فرمود: مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنگام نماز عشاء ظهور می کند، در حالی که پرچم رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) و پیراهن و شمشیر او را با خود دارد و دارای نشانه‌ها و نور و بیان است، وقتی نماز عشاء را بجای آورد با صدای رسا و بلند خود... (1)

استاد کورانی نویسنده لبنانی می گوید: در صورتی که روایت نسخه ابن حماد، ظهور آن حضرت را روز جمعه بعد از نماز عشاء بیان کرده بود، چگونگی جمع بین این دو روایت را ما اینگونه ترجیح می دادیم که ظهور امام در دو مرحله انجام می شود و سلطه امام بر حرم و مکه شب دهم محرم است که مقدمه اعلان ظهور آن بزرگوار برای جهانیان در روز شنبه که روز عاشورا است خواهد بود. (2)

یعنی آغاز ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) غروب روز جمعه نهم محرم و سپس روز شنبه دهم محرم تعیین می - شود؛ و این جمع با روایاتی که می فرماید خداوند متعال در یک شب قیام آن حضرت را سر و سامان می دهد هماهنگی دارد و اکنون روایات ذیل را ملاحظه فرمائید:

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از خاندان ما اهل بیت (علیهم السلام) است و خداوند قیام وی را در یک شب سامان می دهد. (3)

2- و در روایتی دیگر آمده است که: خداوند قیام او را در شبی سامان می دهد. (4)

3- مفضل بن عمر از اصحاب امام صادق (علیه السلام) می گوید: ای مولای من! محل ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شما کجاست و چگونه ظاهر می شود؟ فرمودند:

ص: 155

1- . نسخه خطی ابن حماد، ص 95.

2- . عصر ظهور، ص 321.

3- . بحار الانوار، ج 52، ص 280.

4- . همان مدرک.

به تنهایی ظاهر می‌شود، به تنهایی وارد مسجد الحرام می‌شود، به تنهایی دست به دامن کعبه می‌زند، شب را به تنهایی در کنار بیت به سر می‌برد، چون مردم به خواب روند و شب فرا رسد جبرئیل و میکائیل و صفوف فرشتگان بر او وارد شوند. جبرئیل (علیه السلام) به آن حضرت عرض می‌کند: ای آقای من! گفتارت مقبول و فرمانت مطاع است، پس آن حضرت دست به چهره‌اش کشیده و می‌فرماید: «ستایش خداوند را که وعده لطف و رحمتش را بر ما محقق فرمود و ما را وارث همه سرزمین بهشت گردانید تا هر جای آن را بخواهیم منزل کنیم، زیرا آن روز پاداش نیکوکاران بسیار نیکو خواهد بود».

آنگاه امام بین رکن و مقام می‌ایستد و فریاد می‌زند: ای یاران مخصوص من وای کسانی که خداوند شما را برای نصرت و یاری من در روی زمین ذخیره کرده است! با حالت اطاعت نزد من حاضر شوید، صیحه و فریاد امام در شرق و غرب به گوش آنها می‌رسد و آن صدای ملکوتی را می‌شنوند و به طرف امام حرکت می‌کنند و در چشم به هم زدنی بین رکن و مقام نزد امام حاضر می‌گردند، در این حال خداوند متعال به نور امر می‌کند که از زمین به آسمان به صورت عمودی بر آید و تمام ساکنان روی زمین را از پرتو خود روشن سازد، این نور مؤمنان را به شادی و سرور و می‌دارد، زیرا از قیام قائم ما اهل بیت (علیهم السلام) خبر ندارند، اما چون صبح شود آنها در محضر مقدس و در فرمان امام (علیه السلام) قرار می‌گیرند و تعداد آنها سیصد و سیزده نفر (به عدد اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در روز جنگ بدر) است. (1)

ص: 156

1- . بحار الانوار، ج 53، ص 7. برای آگاهی بیشتر در این زمینه رک: بحار الانوار، ج 52، ص 279 به بعد؛ خصال صدوق، ج 25، ص 394؛ غیبت شیخ طوسی، ص 453؛ ارشاد مفید، ص 341؛ اکمال الدین، ج 2، ص 653؛ تهذیب الاحکام، ج 4، ص 333؛ اعلام الوری، ص 431.

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از کجا می فهمد که موقع ظهورش فرا رسیده است؟

جواب: اولاً؛ از روایاتی که در باب امامت وارد شده استفاده می شود که وجود مقدّس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با عالم غیب در ارتباط است و در مواقع احتیاج، حقایقی را دریافت می کند و در بعضی روایات وارد شده که امام صدای ملک را می شنود، اما خودش را مشاهده نمی کند. (1)

بنابراین ممکن است خداوند متعال وقت ظهور را به وسیله الهام به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بفهماند، همانطور که امام صادق (علیه السلام) فرمود: یکی از ما امامی استپیروز، ولی مخفی تا هنگامی که اراده خدا تعلق گرفت که آشکارش کند، در قلبش اثری می گذارد، پس ظاهر می شود و به امر خدا قیام می کند. (2)

و همچنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: وقتی موقع ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرا رسد، خداوند شمشیر و پرچم آن حضرت را به صدا در می آورد، می گویند، ای دوست خدا! به پا خیز و دشمنان خدا را به قتل رسان. (3)

ثانیاً؛ در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که: خداوند قبل از وفات پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مکتوبی بر او نازل کرد و فرمود: ای محمد! این است وصیّت من به سوی نجیبان و برگزیدگان از خاندانت.

ص: 157

1- . اصول کافی، ج 1، ص 271.

2- . اثبات الهداه، ج 6، ص 364؛ مهدی موعود، ص 262.

3- . بحار الانوار، ج 52، ص 311.

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) گفت: ای جبرئیل! نجیبان چه کسانی هستند؟ فرمود: علی بن ابیطالب و اولادش.

بر آن مکتوب چند مُهر از طلا بود، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) آن را به امیرالمؤمنین (علیه السلام) داد و دستور فرمود: که: یک مهر آن را بگشاید و به آنچه در آن است عمل کند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) یک مُهر آن را گشود و به آن عمل کرد، سپس آن را به پسرش حسن داد او هم یک مهر را گشود و به آن عمل نمود... و تا قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این چنین ادامه دارد. [\(1\)](#)

پس ممکن است که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وقت ظهور خویش را توسط این وصیّت مکتوبی که به عنوان دستورالعمل نزد ایشان است مطلع شود.

سؤال (41)

محل ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کجاست؟

جواب: آنچه از روایات استفاده می شود شهر مکه معظمه است و اینک چند روایت در این زمینه:

1- مفضّل بن عمر از اصحاب امام صادق (علیه السلام) از محل و کیفیت ظهور آن حضرت سؤال کرد: ای مولای من! محل ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شما کجاست و چگونه ظاهر می شود؟ فرمودند: به تنهایی ظاهر می شود، به تنهایی وارد مسجد الحرام می شود، به تنهایی دست به دامن کعبه می زند، شب را به تنهایی در کنار بیت به سر می برد و... [\(2\)](#)

ص: 158

1- . اصول کافی، ج 1، ص 279.

2- . بحارالانوار، ج 53، ص 7.

2- امام باقر (علیه السلام) فرمود: یاران پرچم‌های سیاه از خراسان به کوفه روی می‌آورند و چون مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مکه ظهور نماید، گروهی را جهت بیعت نزد وی می‌فرستند. (1)

3- امام زین‌العابدین (علیه السلام) فرمود: مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از گردنه کوی طوی (2) با سیصد و سیزده مرد به عدد رزمندگان جنگ بدر، فرود می‌آید تا آنکه وارد مسجد الحرام می‌شود و در مقام ابراهیم چهار رکعت نماز می‌گذارد و به حجرالاسود تکیه می‌زند... (3)

4- امام باقر (علیه السلام) فرمود: چون حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مکه قیام کند و... (4)

سؤال (42)

هنگام ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه افرادی و در چه مکانی با آن حضرت بیعت می‌کنند؟

جواب: جبرئیل و میکائیل و یاران خاص آن حضرت در شهر مکه بین رکن حجرالاسود و مقام ابراهیم (علیه السلام) با وی بیعت می‌کنند. (5) و اینک به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم:

1- امام باقر (علیه السلام) فرمود: با قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) براساس کتاب و سنت خدا در مکه بیعت می‌کنند... (6)

ص: 159

1- . نسخه خطی ابن حماد، ص 88.

2- . طوی، یکی از کوههای مکه و راههای ورود به آن است.

3- . بحارالانوار، ج 52، ص 307.

4- . اصول کافی، ج 1، ص 336.

5- . المهدی، ص 208-211.

6- . بحارالانوار، ج 52، ص 308.

2- امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از گردنه کوه طوی با سیصد و سیزده مرد به عدد رزمندگان جنگ بدر، فرود می آید تا آنکه وارد مسجدالحرام می شود و در مقام ابراهیم چهار رکعت نماز می گذارد و به حجر الاسود تکیه می زند و پس از حمد و ثنای خدا و یاد و نام پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و درود بر او، لب به سخن می گشاید، به گونه ای که هیچ یک از مردم، چنان سخن نگفته باشد و نخستین کسانی که با او دست بیعت می دهند، جبریل و میکائیل می باشند. (1)

3- امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند سبحان آنان را در شب جمعه گرد هم می آورد و صبح جمعه جملگی در مسجدالحرام با آن حضرت دست بیعت و وفاداری می دهند و هیچکدام از آنان سرپیچی نمی کنند. (2) 4- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: در بین رکن و مقام (کنار کعبه معظمه) با مردی از امت من بیعت می شود... (3)

5- امام باقر (علیه السلام) فرمود: ... خداوند سیصد و سیزده تن یارانش را بدون وعده قبلی گرداگرد وی جمع می نماید... آنها بین رکن و مقام با او بیعت می کنند و با آن حضرت عهدنامه ای است از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) که فرزندان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از اجداد طاهری نشان به ارث برده اند. (4)

ص: 160

-
- 1- . همان مدرک، ص 307.
 - 2- . بشاره الاسلام، ص 210.
 - 3- . فصول المهمه، ص 70.
 - 4- . بحار الانوار، ج 52، ص 238.

6- امام باقر (علیه السلام) فرمود: چون قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیرون آید خدا او را یاری کند به ملائکه و اول کسی که با او بیعت کند محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) باشد و بعد از آن علی (1).

7- امام باقر (علیه السلام) فرمود: ... اولین کسی که با او بیعت می کند، جبرئیل است و سپس بیش از سیصد نفر با او بیعت خواهند نمود. (2)

8- امام باقر (علیه السلام) فرمود: سیصد و چند نفری که به شماره اصحاب بدر خواهند بود، در بین رکن و مقام با مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیعت خواهند کرد، این عده را مردمان نجیب مصر و مردان دلاور شام و خوبان اهل عراق تشکیل می دهند و حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آنچه را که خداوند بخواهد در دنیا خواهد بود. (3)

9- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از یاران خود بیعت می گیرد و با ایشان شرط می کند که: زنا نکنند، سرقت نمایند، به مسلمانی فحش ندهند، به هیچ منزلی هجوم نبرند، کسی را بدون حق نزنند، طلا، نقره، گندم و جو احتکار و ذخیره نمایند، مال یتیم را نخورند، درباره چیزی که علم ندارند شهادت ندهند، مسجدی را خراب نکنند، مایعات مست کننده نیاشامند، خز و ابریشم نپوشند، کمر بند طلا نبنند، قطع طریق نمایند، راهی را خوفناک نکنند، با پسری لواط نمایند،

ص: 161

1- . حق الیقین، علامه مجلسی، ص 347.

2- . تفسیر عیاشی، ج 2، ص 56. روایتی دیگر به همین مضمون از امام صادق نقل شده است (روزگار رهائی، ج 1، ص 506).

3- . ستارگان درخشان، ج 1، ص 47 به نقل از غیبت شیخ طوسی.

به چیز قلیل و اندک راضی باشند، بوی خوش استشمام نمایند، از نجاست دوری کنند، امر به معروف و نهی از منکر نمایند، لباس زبر و خشن بپوشند، در موقع خواب صورت خود را روی خاک بگذارند، در راه خدا آن طور که باید و شاید جهاد کنند. (1)

آیا هر کسی ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را انکار کند کافر است یا نه؟

جواب: از آنجا که آن حضرت از اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) (2) و فرزندان فاطمه (علیه السلام) است. (3) و انکار او و ظهورش مستلزم انکار نبوت و رد سخنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) درباره او خواهد بود، انکار آن بزرگوار موجب کفر می شود، همانطور که جابر از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل می کند که: مَنْ أَنْكَرَ الْخُرُوجَ الْمَهْدِيِّ (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فَقَدْ كَفَرَ؛ هر کس خروج حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را انکار نماید، کافر است. (4)

و همچنین ابوجعفر اسکاف نقل می کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: مَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فَقَدْ كَفَرَ؛ کسی که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را تکذیب کند، کافر شده است. (5)

لذا محمد بن مسلم از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمودند: اگر خبر غیبت صاحب الامر به شما رسید منکر آن نشوید. (6)

ص: 162

1- . همان مدرک، ص 48 به نقل از الملاحم و الفتن.

2- . مسند احمد، ج 1، ص 84؛ الحاوی للفتاوی، ج 2، ص 62؛ ینابیع الموده، ص 440.

3- . القول المختصر، ص 96؛ حاشیه مسند احمد، ص 30.

4- . امامت و مهدویت، ج 2، ص 315؛ لسان المیزان، ج 5، ص 130؛ مهدی کیست ص 49.

5- . عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص 157.

6- . اصول کافی، ج 2، ص 137.

مردم از کجا متوجه می‌شوند که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کرده است؟

جواب: علاوه بر اینکه گفته شد علائم حتمیه و ظهور آن حضرت در یکسال واقع می‌شود، خصوصاً پس از گذشت پانزده شب از کشته شدن نفس زکیه آن حضرت ظهور می‌فرمایند، روایتی از عبدالله بن عجلان نقل می‌کنند که ایشان گفتند: در خدمت امام صادق (علیه السلام) شرفیاب بودیم، سخن از خروج حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به میان آمد، عرض شد: ما چگونه از روز قیام آگاهی پیدا کنیم؟ فرمودند: سر از خواب بر می‌دارد کسی از شما در حالی که می‌بیند ورقه‌ای زیر سر او گذاشته‌اند و روی آن نوشته شده «طَاعَةُ مَعْرُوفَةٍ»⁽¹⁾.

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در هنگام ظهور با چه کسانی می‌جنگد و دشمنان آن حضرت چه کسانی هستند؟

جواب: آنچه از روایات بدست می‌آید، با دشمنان خدا، دشمنان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و امامان (علیهم السلام)، به ویژه قاتلان جدش ابی عبدالله (علیه السلام) می‌جنگد و همه را از دم تیغ ذوالفقار گذرانده و به قتل می‌رساند،⁽²⁾ و اینک چند روایت در این زمینه:

ص: 163

- 1- . مکیال المکارم، ج 2، ص 198
- 2- . برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به کتب: بحار الانوار، ج 52، ص 313 و 355 به بعد؛ کامل الزیارات، ص 63؛ معجم الاحادیث الامام المهدی، ج 5، ص 229؛ عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 347؛ الزام الناصب، ج 2، ص 164؛ ارشاد مفید، ص 342 به بعد؛ دلائل الامامه، ص 242؛ کفایه الاثر، ص 153 و 187؛ مختصر بصائر الدرجات، ص 190؛ الشیعه و الرجعه، ج 1، ص 160؛ حلیه المتقین، ص 50.

1- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: آنگاه مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امر می‌فرماید مرکب‌های سواری بسازند و در کرانه عگا، چهار صد کشتی ساخته می‌شود و به طرف طرطوس (1) به حرکت در می‌آیند و آنجا را فتح می‌کند و از طرطوس به سمت انطاکیه (2) می‌رود، آنجا را هم فتح می‌کند و از انطاکیه به طرف قسطنطنیه (3) هجوم می‌آورد آن سرزمین را هم فتح می‌کند و به جانب بلاد روم (4)، حرکت می‌کند و همه آن کشورها را مسخر می‌نماید. (5)

2- امام باقر (علیه السلام) فرمود: زمانی که حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند، به طرف کوفه حرکت می‌کند و بیش از ده هزار نفر از آنجا بیرون می‌آیند که آنها را بتریه می‌گویند. سپس به آن حضرت عرض می‌کنند: برگرد به همان مکانی که بوده‌ای، ما نیازی به فرزندان فاطمه (علیهم السلام) نداریم. سپس شمشیر را می‌کشد و همه آنها را می‌کشد، بعد وارد کوفه می‌شود و تمام منافقین شگاک و جنگجویان را می‌کشد تا خداوند راضی گردد. (6)

3- امام صادق (علیه السلام) فرمود: زمانی که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند... و دست طایفه بنی شیبّه را قطع می‌کنند و آن

ص: 164

-
- 1- . از شهرهای بندری سوریه است.
 - 2- . انطاکیه یکی از شهرهای قدیم سوریه است که نیکاتور در سیصد سال قبل از میلاد مسیح آن را بنا کرده، این شهر در روزگار قدیم از حیث ثروت و علم و تجارت، یکی از سه شهر بزرگ کشور روم محسوب می‌شده، شهر انطاکیه تا حلب نود و شش کیلومتر و تا اسکندریه پنجاه و نه کیلومتر فاصله است، هم اکنون از نظر جغرافیایی جزء قلمرو کشور ترکیه است (قصه‌های قرآن، ص 429 به قلم نگارنده).
 - 3- . استانبول فعلی.
 - 4- . کشورهای غربی.
 - 5- . نشانه‌های ظهور او، ص 105.
 - 6- . بحار الانوار، ج 52، ص 338.

را بر درب کعبه می‌آویزند و این عبارت بر دیوار کعبه نوشته می‌شود «صاحبان این دستها که از بنی شیبه هستند به کعبه معظّمه خیانت نمودند (دزدهای کعبه هستند)».(1)

4- امام صادق (علیه السلام) فرمود: ... سپس متوجه کوفه می‌شود و در آنجا فرو می‌آید و خون هفتاد قبیله از قبایل عرب را مباح می‌شمارد.(2)

5- امام صادق (علیه السلام) فرمود: سپس توقف کوتاهی می‌نماید تا اینکه در رُمَيْلَه دَسْكَرَه،(3) شورش‌یانی از غیر عرب بر او خروج می‌کنند که تعداد آنها ده هزار نفر و شعارشان، ای عثمان! ای عثمان است، آنگاه حضرت مردی از عجم را فرا خوانده و شمشیرش را به او می‌سپارد و او آهنگ آن جماعت نموده و همه آنها را به قتل می‌رساند، به گونه‌ای که یک تن هم باقی نمی‌گذارد.(4)

6- اباصلت هروی از امام رضا (علیه السلام) سؤال می‌کند، ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) چه می‌گویی درباره این سخن امام صادق (علیه السلام) که فرمودند: اگر قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خروج کند، نوادگان قاتلان امام حسین (علیه السلام) را به سبب اعمال پدرانشان به قتل می‌رساند؟ امام رضا (علیه السلام) فرمودند: همین است.

ص: 165

-
- 1- . روزگار رهائی، ج 1، ص 517؛ الزام الناصب، ج 2، ص 164.
 - 2- . غیبت شیخ طوسی، ص 284.
 - 3- . نام قریه‌ای است نزدیک شهر ابان از روستاهای بعقوبه در استان دیالی در عراق (معجم البلدان).
 - 4- . عصر ظهور، ص 205.

هروی می گوید گفتم: پس فرمایش خداوند که می گوید: **وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ**؛ و هیچ گناهکاری گناه دیگری را متحمل نمی شود! (1)

چه می شود، آن حضرت فرمود: راست گفت خداوند در تمام گفته هایش! بدان که نوادگان قاتلان امام حسین (علیه السلام) به اعمال پدرانشان راضی بودند و به این کار افتخار می کنند و هر که از چیزی راضی باشد، مثل آن است که خودش آن عمل را انجام داده است، اگر مردی در مشرق کشته شود و در مغرب زمین کسی پیدا شود که به کشته شدن او راضی باشد، آن شخص در نزد خداوند شریک قاتل است، پس اینکه می بینی حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن ها را می کشد، بدین سبب است که آنان به کارهای پدرانشان راضی می باشند. (2)

7- امام صادق (علیه السلام) فرمود: قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جریان نبرد خود با مسائلی روبرو خواهد شد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) با آن مواجه نشده است، چون زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در بین مردم مبعوث گردید، آنان سنگ و چوب تراشیده «بت» را می پرستیدند، اما در زمان حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مردم بر او می شورند و کتاب خدا را برای آن حضرت تأویل و تفسیر می کنند و به همین جهت با او می جنگند. (3)

8- امام صادق (علیه السلام) فرمود: چهار هزار از حاملان قرآن و پشمینه پوشان معروف به زیدیه، از بیعت با آن حضرت خودداری می کنند و می گویند آمدن امام حسین (علیه السلام) در این زمان،

ص: 166

1- . سوره انعام/164.

2- . بحار الانوار، ج 52، ص 313.

3- . همان مدرک، ص 363.

سحری عظیم است، پس هر دو سپاه در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آنها را موعظه می‌کند و سه روز به آنان مهلت می‌دهد، پس از پایان گرفتن مهلت، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دستور جنگ با آنان را صادر می‌کند. (1)

9- امام باقر (علیه السلام) فرمود: اما شباهت داشتن مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به جدّ گرامیش رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) قیام و ظهور او با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و رسول او و ستمگران و طاغوت‌ها است، وی بوسیله شمشیر و ایجاد ترس در دل دشمنان پیروز می‌گردد و لشکریان او شکست نمی‌خورند. (2) 10- امام جواد (علیه السلام) فرمود: پیوسته به کشتن دشمنان خدا ادامه می‌دهد تا خدای از وی خشنود گردد و او زمانی از خشنودی خدا آگاه می‌شود که در دل خود احساس ترحم و دلسوزی کند. (3)

11- امام باقر (علیه السلام) فرمود: وقتی که صاحب این امر، به بعضی از احکام سنت حکم کند و سخن بگوید، گروهی از مسجد بیرون آمده و آهنگ خروج بر او را دارند، وی به یارانش دستور می‌دهد، حرکت کنید و آنها به جنبش درآمده و خود را در محله تمارین (4) در کوفه به آنان می‌رسانند و آنها را به اسارت خویش در می‌آورند، آنگاه به امر آن حضرت، آنان را سر می‌برند و این آخرین گروهی است که بر قائم آل محمد (علیهم السلام)

ص: 167

1- . مختصر بصائر الدرجات، ص 190؛ دلائل الامامه، ص 242.

2- . بحار الانوار، ج 51، ص 218.

3- . همان مدرک، ص 157.

4- . خرما فروشان.

خروج می نمایند. (1)

سؤال (46)

آیا اینکه گفته می شود قبل از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دو سوم مردم جهان کشته می شوند، ریشه روایی دارد یا نه؟

جواب: روایاتی وجود دارد که به این معنا اشاره کرده اند، اما این امر حتماً واقع می شود یا نه علمش نزد خداست. و اینک دو روایت در این زمینه:

1- امام صادق (علیه السلام) فرمود: این امر (قیام حضرت ولی عصر) واقع نمی شود تا آنکه دو سوم مردم از بین بروند.

به حضرت عرض شد، اگر دو سوم مردم از بین بروند؛ پس چه کسی باقی می ماند؟ حضرت فرمود: آیا دوست ندارید که در یک سوم باقی مانده باشید. (2)

2- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام نمی کند، مگر زمانی که یک سوم مردم کشته شوند و یک سوم دیگر بمیرند و یک سوم باقی بمانند. (3)

سؤال (47)

مساجدی را که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در هنگام ظهور تخریب و یا می سازد کدام است؟

ص: 168

1- . بحار الانوار، ج 52 ، ص 345.

2- . بحار الانوار، ج 52 ، ص 207.

3- . عقد الدرر، ص 96.

جواب: آنچه از روایات بدست می‌آید مسجدالحرام را خراب کرده و بصورت اولیه خود در می‌آورد و مسجدی را هم در نجف می‌سازد که هزار درب دارد و اینک چند روایت در این زمینه: 1- ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: زمانی که قائم قیام می‌کند مسجدالحرام را ویران می‌کنند و آن را بصورت اولیه برمی‌گردانند و مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) (جنب خانه کعبه) را نیز به جای اولش بر می‌گردانند و... (1)

2- امام صادق (علیه السلام) فرمود: در پشت کوفه «نجف» مسجدی بنا می‌نهد با هزار در آن مسجد به خانه‌های کوفه در کنار دو نهر کربلا- و حیره متصل می‌گردد، به گونه‌ای که اگر مردی بر آستر تندرو خود سوار شده و آهنگ نماز جمعه نماید، آن را درک نخواهد کرد. (2)

3- امام باقر (علیه السلام) فرمود: وقتی که جمعه دوم فرا می‌رسد مردم می‌گویند، ای فرزند پیغمبر خدا! نماز جمعه به امامت شما، برابر با نماز پشت سر رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) است و این مسجد گنجایش ما را ندارد، آنگاه امام نقشه و طرح مسجدی را با بنای مستحکم رسم می‌فرماید که دارای هزار در بوده و مردم را در خود جای می‌دهد. (3) 4- ابوبصیر از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: هنگامی که امام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند به کوفه رود و در آنجا چهار مسجد را ویران کند و مسجد کنگره داری در روی زمین نباشد، جز اینکه حضرت آن را

ص: 169

1- . ارشاد مفید، ج 2، ص 358.

2- . غیبت شیخ طوسی، ص 280؛ بحار الانوار، ج 52، ص 330.

3- . بحار الانوار، ج 52، ص 331.

فصل پنجم : سیمای حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

اشاره

ص: 171

آیا حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عالم گیر و جهانی است یا نه؟

جواب: روایات بسیاری وارد شده که حکومت آن حضرت فراگیر و جهانی است و خانه‌ای نمی ماند، مگر اینکه جزء منطقه تحت نفوذ تعالیم اسلام واقع شود و شهر و روستایی نماند، مگر آنکه صبح و شام در آن صدای اذان و شهادت به توحید و رسالت بلند شود. (1)

اکنون به چند روایت اشاره می کنیم:

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: ... و حکومت فرزندانم شرق و غرب عالم را فرا گیرد. (2)

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: در جهان جز فرمانروایی اسلام وجود نخواهد داشت و زمین چون لوح سیمین خواهد شد. (3)

3- امام باقر (علیه السلام) فرمود: قائم به سبب پیدایش ترس (در دل دشمنان) پیروز می گردد و به یاری شدن از ناحیه خدا تأیید می گردد و زمین برای او پیموده می شود، گنج های زمین برایش آشکار می گردد و فرمانروائی و سلطنت و یشرق و غرب جهان را فرا می گیرد و خداوند دین خود را به وسیله او بر تمام مکاتب جهان پیروز می گرداند... (4)

ص: 173

1- . منتخب الاثر، ص 470 و 490.

2- . فرائد السمطين، ج 2، ص 312.

3- . الملاحم و الفتن، ص 66.

4- . بحار الانوار، ج 52، ص 191.

4- امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند» (1) فرمود: آیا خداوند مصداق این آیه را اکنون آشکار ساخته است؟ هرگز! سوگند به کسی که جانم در دست اوست، هیچ آبادی نمی‌ماند، مگر اینکه هر صبح و شام در آن شهادت به وحدانیت خدا و رسالت محمدی (صلی الله علیه و آله وسلم) بدهند. (2)

5- همچنین امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه فرمود: کسی باقی نمی‌ماند مگر آنکه به رسالت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) اعتراف و اقرار می‌کند. (3) 6- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: اگر عمر دنیا تنها یک روز باقی باشد، خداوند مردی را بر می‌انگیزد که نام وی همچون نام من... و فتوحاتی نصیب او گردد و همه اهل زمین گویند «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» شوند... (4)

7- امام باقر (علیه السلام) فرمود: گوئیا من یاران قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را می‌بینم که بر شرق و غرب جهان احاطه پیدا کرده‌اند و همه چیز تحت فرمان آنهاست... (5)

ص: 174

1- . سوره توبه/33.

2- . المحجّه بحرانی، ص 86.

3- . تفسیر عیاشی، ج 2، ص 87.

4- [1]. عصر ظهور، ص 385 به نقل از بیان شافعی، ص 129.

5- . بحار الانوار، ج 52، ص 327.

8- امام باقر (علیه السلام) فرمود: خداوند برای او شرق و غرب زمین را فتح خواهد کرد. (1)

9- امام باقر (علیه السلام) فرمود: ... و آن حضرت لشکریان خود را به سراسر جهان گسیل داشته و ستم و ستم پیشگان را از میان بر می - دارد و همه سرزمین ها بواسطه او به عدالت و راستی و درستکاری در می آیند. (2)

10- امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما قیام کند و جهان را مسخر اراده و حکومت خود قرار دهد، در هر قسمتی و قاره ای از دنیا کسی را به عنوان نمایندگی از طرف خودش معین می فرماید و فرمان کارش را به اینمضمون صادر می - کند؛ برنامه قضایی تو در کف دست توست، پس هرگاه مشکلی پیش آید که حکم خداوند را در آن امر نمی دانی، به کف دست نظر کن و آنچه را در کف دست دیدی، همان تکلیف تو است و به آن عمل کن... (3)

11- امام باقر (علیه السلام) فرمود: آنگاه که امام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند، حکومت های باطل نابود می شوند. (4)

ص: 175

1- . همان مدرک، ص 291.

2- . عصر ظهور، ص 317 به نقل از نسخه خطی ابن حماد، ص 95.

3- . نشانه های ظهور او، ص 158؛ الزام الناصب، ج 2، ص 287.

4- . منتخب الاثر، ص 428.

در روایات متعددی آمده است که «حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نشانه‌ای از پیامبر اسلام دارد و آن نشانه این است که با شمشیر قیام می‌کند و دشمنان خدا را به قتل می‌رساند».

*در روایات متعددی آمده است که «حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نشانه‌ای از پیامبر اسلام دارد و آن نشانه این است که با شمشیر قیام می‌کند و دشمنان خدا را به قتل می‌رساند».⁽¹⁾

حال جای سؤال است که چگونه ممکن است کسی بتواند بوسیله شمشیر، به جنگ سلاح‌های اتمی و مخرب و بمب‌های آنچنانی برود و سرانجام هم پیروز شود؟ جواب: اولاً؛ مقصود از خروج با شمشیر که در روایات به آن اشاره شده، مأموریت به جهاد و توسل به اسلحه برای اعلای کلمه حق است، زیرا شمشیر سمبل مبارزه و جنگ است، نه آن که موضوعیت داشته باشد، بنابراین قیام با شمشیر، کنایه از قیام با اسلحه و پیکار و جهاد و تعیین نوع مأموریت آن حضرت است و اینکه آن حضرت مأمور به مصالحه با کفار نیست، بدیهی است که حضرت با هر اسلحه‌ای که لازم باشد با کفار و ستمگران جهاد می‌کند و از هر گونه اسلحه‌ای که در زمان آن حضرت متداول باشد استفاده می‌نماید، پس شمشیر رمز قدرت است و حضرت با سلاح روز با دشمنان می‌جنگند.

ثانیاً؛ از کجا معلوم که در زمان ظهور آن حضرت، این سلاح‌ها در اختیار بشر باشد، شاید در اثر حوادث و آشوب‌ها و جنگ‌های جهانی نابود شوند⁽²⁾ و سلاحی غیر از شمشیر وجود نداشته باشد.

ثالثاً؛ جنگ‌ها و کشتارهای بی رحمانه و بکارگیری سلاح‌های این چنین، نتیجه جهل و ضلالت و بی‌خردی بشر است، ولی در عصر ظهور عقل مردم کامل می‌شود و بر فرض هم که این گونه سلاح‌ها را در اختیار داشته باشند،

ص: 176

1- . اکمال الدین، ج 2، ص 350؛ بحارالانوار، ج 51، ص 218، 244 و ج 52، ص 231 و 333 به بعد.

2- . چون یکی از اموری که در روایات از آن خبر داده شده، جنگ‌های جهانی پیش از ظهور است که در اثر آن بیشتر شهرها ویران می‌شود و قهراً این سلاح‌ها نیز از بین می‌رود. (ارشاد مفید، ص 405؛ غیبت شیخ طوسی، ص 277؛ بحارالانوار، ج 52، ص 235).

آن را علیه یکدیگر بکار نمی‌گیرند و نیروهایی که باید آن سلاح‌ها را به کار گیرند به حقانیت حضرت پی می‌برند، هرچند که سردمدارانشان دستور بکارگیری آن سلاح‌ها را صادر کنند، ولی آنان اجرا نمی‌کنند، همانطور که در انقلاب اسلامی ایران همگان دیدند که ارتش تا دندان مسلح طاغوت از فرمان فرماندهان سرپیچی نموده و سلاح‌ها را علیه انقلابیون بکار نگرفتند و طرفداران انقلاب با دست خالی و با شعار «الله اکبر» بر ارتش قوی پنجه شاه، پیروز شدند.

رباعاً؛ علاوه بر این‌ها، با تأییدات الهی، کمکهای عالم بالا، به یاری آمدن ملائکه و... در زمان ظهور آن حضرت، این گونه سلاح‌ها از کار می‌افتد، یعنی غلبه حضرت بر جهان، ممکن است از طریق اعجاز باشد؛ بنابراین پیروزی حضرت امری طبیعی و عادی است. (1)

سرنوشت اهل کتاب (یهود، نصارا و...) و سایر کفار در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چگونه می‌باشد؟

جواب: سایر کفار غیر از اهل کتاب، یقیناً در حکومت آن حضرت، جایی برای ادامه زندگی ندارند، طبق فرموده قرآن «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند». (2) ندای توحید سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و به فرموده امام باقر (علیه السلام): جز دین محمد دینی باقی نمی‌ماند. (3) لذا به آنها اسلام عرضه می‌شود، هر کس پذیرفت، نجات پیدا می‌کند و هر کس نپذیرفت، کشته خواهد شد. (4)

ص: 177

1- . سیمای آفتاب، ص 370 (با دخل و تصرف).

2- . سوره توبه/33.

3- . بحار الانوار، ج 52، ص 390.

4- . همان مدرک، ص 340؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 183.

اما نسبت به یهود و نصارا، از آیات قرآنی استفاده می‌شود که آنها تا قیامت باقی هستند، (1) پس آنان در زمان حکومت آن حضرت نیز وجود دارند، هرچند ممکن است در اقلیت باشند و صاحب اختیار و اقتدار نباشند، همانطور که در برخی از روایات تصریح به این معنا شده است از جمله: ابوبصیر می‌گوید به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: صاحب الامر با اهل ذمه-یهود و نصارا- چه خواهد کرد؟ حضرت فرمودند: مانند پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) با آنان مصالحه می‌کند و آنها با کمال ذلت جزیه می‌پردازند. (2)

و در مقابل روایاتی دیگر داریم که در عصر حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، جز مسلمان، احدی روی زمین باقی نمی‌ماند از جمله:

1- امام باقر (علیه السلام) فرمود: خدا شرق و غرب جهان را برای صاحب الامر مفتوح می‌کند، آنقدر جنگ می‌کند تا اینکه جز دین محمد (صلی الله علیه و آله وسلم)، دینی باقی نمی‌ماند. (3)

2- ابن بکیر می‌گوید: از حضرت ابوالحسن امام کاظم (علیه السلام) تفسیر آیه شریفه (وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ؛ و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند از روی اختیار یا از روی اجبار، در برابر فرمان او تسلیم‌اند و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند)، (4) را پرسیدم؟ فرمود: آیه مذکور در شأن قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نازل شده است وقتی آن جناب ظاهر شد، دین اسلام را بر یهود و نصارا و صابئین و کفار شرق و غرب عرضه می‌دارد، پس هر کس با میل و اختیار اسلام بیاورد، او را به نماز و زکات و سایر واجبات امر می‌کند

ص: 178

1- . سوره‌های مائده/14 و 64 ؛ آل عمران/55.

2- . بحار الانوار، ج 52 ، ص 376؛ دادگستر جهان، ص 393.

3- . بحار الانوار، ج 52، ص 390.

4- . سوره آل عمران/83.

و هر کس از قبول اسلام سر باز زند، گردنش را می‌زند تا اینکه در شرق و غرب زمین، جز موحد و خداپرست کسی باقی نمی‌ماند.

ابن بکیر می‌گوید: عرض کردم فدایت شوم! مردم جهان زیادت‌تر از آنند که کشته شوند؟ فرمودند: هرگاه خداوند کاری را اراده کند، زیاد را کم و کم را زیاد می‌گرداند. (1)

و همچنین امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه شریفه فرمودند: هنگام قیام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جایی روی زمین نمی‌ماند، مگر آنکه در آن شهادت به وحدانیت خدا داده خواهد شد. (2)

3- امام صادق (علیه السلام) فرمود: ... تمام مذاهب از سراسر جهان پرچیده شود و تنها دین جهانی همه مردم دین مقدس اسلام است. (3)

نتیجه‌گیری: روایت ابوبصیر با آیات قرآن مطابق و موافق بود، در اینکه اقلیت‌های دینی در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌مانند و با پرداخت جزیه در سایه حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، ولی روایات بعدی مخالف قرآن بودند، در اینکه اهل کتاب در صورت عدم پذیرش و اختیار اسلام کشته و نابود می‌شوند.

بر اهل فن پوشیده نیست که در هنگام تعارض، روایات موافق با قرآن، مقدم بر روایات مخالف هستند. (4)

ص: 179

1- همان مدرک، ص 340؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 183.

2- همان مدرک.

3- روزگار رهایی، ص 514.

4- با استفاده از سیمای آفتاب، ص 384 به بعد.

بنابراین یهود و نصاری در عصر دولت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باقی خواهند ماند.

البته ناگفته نماند که روایات زیادی از منابع شیعه و سنی نقل شده مبنی بر اینکه هیچ کس از ملت یهود و مسیحی نمی ماند، مگر آنکه قبل از مرگ، به حضرت عیسی (علیه السلام) ایمان خواهد آورد(1) و آن حضرت، پشت سر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نماز می گذارد، از جمله:

1- امام باقر (علیه السلام) فرمود: پیش از قیامت- عیسی- به دنیا فرود می آید و هیچ کس از ملت یهود و مسیحی نمی ماند، مگر آنکه قبل از مرگ به او ایمان آورند و آن حضرت پشت سر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نماز می گذارد. (2) 2- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: چگونه خواهید بود آنگاه که عیسی بن مریم در میان شما فرود آید و پیشوای شما از خود شما باشد. (3)

3- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: سوگند به آنکه جانم در دست اوست، بطور یقین عیسی بن مریم (علیهم السلام) به عنوان داوری عادل و پیشوایی دادگر میان شما فرود خواهد آمد و صلیب را شکسته و خوک را می کشد و مالیات (جزیه) وضع می کند و آن قدر مال می بخشد که دیگر کسی نمی پذیرد. (4)

ص: 180

1- . همه اهل کتاب قبل از مردنش (مردم حضرت عیسی) به او ایمان می آورند و او در رستاخیز گواه بر آنهاست. سوره نساء/159.

2- . عصر ظهور، ص 341.

3- . بحار الانوار، ج 52، ص 383.

4- . عصر ظهور، ص 341.

و در روایاتی دیگر وارد شده که گروه اهل کتاب پس از بحث و استدلال با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به او ایمان آورده و تسلیم او می‌شوند، از جمله:

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: تابوت سکینه(1) را از غاری در انطاکیه(2) و بخش‌هایی از تورات را از کوهی در شام بیرون آورده و بوسیله آن کتاب با یهودیان به استدلال می‌پردازد و سرانجام بسیاری از آنها اسلام می‌آورند.(3) 2- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: تابوت سکینه از دریاچه طبریه(4)، به دست وی آشکار می‌شود و آن را آورده و در پیشگاه او در بیت المقدس قرار می‌دهند و چون یهودیان آن را مشاهده می‌نمایند، به جز اندکی، بقیه آنان ایمان می‌آورند.(5)

از مجموع این احادیث بدست می‌آید که اقلیت‌های دینی در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باقی می‌مانند و اغلب آنان دین اسلام را اختیار کرده و به آن حضرت ایمان می‌آورند.

ص: 181

-
- 1- . همان است که در فرموده خداوند متعال آمده است (سوره بقره/248)- کتاب قصه‌های قرآن به قلم نگارنده را ملاحظه فرمائید.
 - 2- . توضیح آن در سؤال 45 گذشت.
 - 3- . منتخب الاثر، ص 309؛ اسعاف الراغبین، ص 153.
 - 4- . در شمال فلسطین.
 - 5- . الملاحم و الفتن، ص 57؛ عقد الدرر باب هفتم.

آیا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با اقلیت‌های دینی و اهل کتاب بوسیله کتب خودشان حکم می‌کنند، یا بوسیله کتاب مسلمین (قرآن)؟

جواب: از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: وقتی قائم اهل بیت (علیهم السلام) قیام کند... تورات و دیگر کتابهای الهی را از غاری در انطاکیه خارج می‌سازد و بین یهودیان براساس احکام تورات و میان مسیحیان طبق احکام انجیل و بین اهل زبور بر پایه دستورات آن و بین مسلمانان براساس آیات قرآن داوری می‌کند... (1) سؤال (52)

در بعضی از روایات گفته می‌شود که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنگام ظهور، احکام نو و جدیدی می‌آورد، آیا این بدان معنی است که آئینی غیر از آئین پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌آورند؟

جواب: مراد از احکام نو و جدید، احکامی نیست که خارج از دستوره‌های قرآن و اسلام باشد، چون احکام اسلام از زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بوده، بلکه منظور این است که با فاصله گرفتن مردم از اسلام و قرآن و یا با تأویل و تفسیرهای غلط و تغییر و تحریف احکام دین بوسیله غرض‌ورزان و دنیاطلبان تاریخ، مردم در زمان ظهور آن حضرت، با تعالیم اسلام و قرآن و احکام دین کاملاً بیگانه خواهند بود و در نتیجه اسلام به گونه‌ای واژگونه نشان داده شده است که هنگام ظهور آن حضرت، این تصوّر می‌شود که آن بزرگوار احکام جدیدی را آورده است.

و اینک به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم:

ص: 182

1- امام صادق (علیه السلام) فرمود: هنگامی که قائم ظهور کرد، با امر جدید خواهد آمد، چنانکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در آغاز اسلام مردم را به امر جدید دعوت می کرد. (1) 2- امام صادق (علیه السلام) فرمود: هنگامی که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کند با امر جدید و کتاب و رفتار و قضاوت جدید ظهور می نماید... (2)

3- امام باقر (علیه السلام) فرمود: قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با مأموریت جدید و قضاوت جدید قیام می کند، با اعراب به شدت برخورد می کند و کارش چیزی جز شمشیر نیست... (3)

4- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: به خدا سوگند! مثل اینکه او را بین رکن و مقام می بینم که مردم با وی با کتابی نوین (4) بیعت می کنند، در حالی که این امر بر عرب سخت و دشوار است... (5)

5- امام صادق (علیه السلام) فرمود: چون قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام نماید، مردم را از نوبه اسلام دعوت می کند و آنان را به امری که متروک مانده است و عموم مردم از آن جدا شده و به گمراهی رفته اند، راهنمایی می کند و او از این جهت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نامیده شده است که مردم را به سوی

ص: 183

1- اثبات الهداه، ج 7، ص 110.

2- همان مدرک، ص 83.

3- بحار الانوار، ج 52، ص 354.

4- مراد از کتاب نوین، قرآن است که متروک می گردد.

5- عصر ظهور، ص 96.

امری گم شده هدایت می کند و... (1)

6- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: او هواپرستی را به خداپرستی باز می گرداند، پس از آنکه خداپرستی را به هواپرستی بازگردانده باشند، رأی ها و برداشت ها را به قرآن بازگشت می دهد، پس از آنکه قرآن را به رأی و برداشت خود بازگردانده باشند. (2)

7- امام صادق (علیه السلام) فرمود: ... چون قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما به پا خیزد، مردم از کتاب خدا برای او دلیل می آورند و کتاب خدا (قرآن) را تأویل و توجیه می کنند... (3)

8- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: دوازدهمی از فرزندانم به طوری غایب می شود که اصلاً دیده نمی شود و زمانی خواهد آمد که از اسلام جز اسمی و از قرآن جز رسم و اثری باقی نمی ماند، در آن هنگام خدا به وی اجازه خروج می دهد و به وسیله او اسلام را تقویت کرده و تجدیدش می کند. (4)

9- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: یکی از اهل بیت من قیام می کند و به سنت و روش من عمل می کند. (5) 10- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از فرزندان من... مردم را به اطاعت من و دین من وادار می نماید و به قرآن دعوتشان می کند. (6)

ص: 184

1- . همان مدرک.

2- . نهج البلاغه، خ 138.

3- . غیبت نعمانی، ص 297.

4- . منتخب الاثر، ص 98.

5- . بحار الانوار، ج 52، ص 347.

6- . اثبات الهداه، ج 7، ص 52.

محل حکومت و زمامداری حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کدام شهر است؟

جواب: آنچه از روایات استفاده می‌شود مرکز حکومت آن حضرت شهر کوفه است.

و اینک چند روایت در این زمینه:

1- امام صادق (علیه السلام) فرمود: محل زمامداری او کوفه و مجلس قضاوت او مسجد جامع آن شهر و بیت‌المال و محل تقسیم غنیمت‌های مسلمانان، مسجد سهله و جایگاه استراحت و خلوتگاه او با خالق خویش در تپه‌های سفید غریین (1) می‌باشد، به خدا سوگند! هیچ مؤمنی باقی نمی‌ماند مگر اینکه در آنجا و اطراف آنجا بسر می‌برد و در روایتی دیگر (و یا به آنسوی می‌آیند) و در روایت بعدی (بسوی آن می‌شتابند)... (2) 2- امام صادق (علیه السلام) فرمود: سپس متوجه کوفه می‌شود، در آنجا فرود می‌آید و خون هفتاد قبیله از قبایل عرب را مباح می‌شمارد. (3)

3- امام باقر (علیه السلام) فرمود: پرچم‌های سیاهی که از خراسان خارج می‌شود، در کوفه فرود می‌آید و زمانی که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظاهر شد جهت بیعت مجدد، حضور آن بزرگوار شرفیاب می‌شوند. (4)

ص: 185

1- . تپه‌های سفیدی که نزدیکی نجف قرار دارد.

2- . بحارالانوار، ج 53، ص 11.

3- . غیبت شیخ طوسی، ص 284.

4- . بحارالانوار، ج 52، ص 217.

4- امام باقر (علیه السلام) فرمود: وارد کوفه می‌شود در حالی که سه جناح دارای پرچم‌ها، شهر را آشفته نموده‌اند و پس از آن زمینه ورود حضرت مهیا و شهر کاملاً آماده پذیرش اوست، آن حضرت وارد شده و با قرار گرفتن بر فراز منبر، آغاز سخن می‌کند، به نحوی که مردم از شدت گریه متوجه گفتار وی نمی‌شوند. (1)

5- امام باقر (علیه السلام) فرمود: قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در روز لرزش زمین، در میان هفت سراپرده از نور وارد عراق می‌شود، بگونه‌ای که مشخص نمی‌شود، امام در کدام یک از آنها حضور دارد تا آنکه در کوفه فرود می‌آید. (2) 6- صالح بن ابی الاسود از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: آگاه باش که مسجد (سهله) منزل حضرت ما (مهدي) (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، آنگاه که با خاندانش بیاید. (3)

7- امام باقر (علیه السلام) فرمود: گویا حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را می‌نگرم که از مکه به همراهی پنج هزار فرشته در حالی که جبرئیل در سمت راست و میکائیل سمت چپ و مؤمنان پیش رویش هستند، به نجف و کوفه آمده و لشکر به شهرها می‌فرستد. (4)

ص: 186

1- . ارشاد مفید، ج 2، ص 362.

2- . یوم الخلاص، ص 267.

3- . ارشاد مفید، ج 2، ص 355

4- . همان مدرک، ص 354.

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چند سال حکومت می کند؟

جواب: مدت حکومت آن حضرت دقیقاً مشخص نیست و روایاتی که در این زمینه وارد شده، مختلف است از جمله: (40 روز، 5 سال، 7 سال، 8 سال، 9 سال، 10 سال، 19 سال، 20 سال، 40 سال و 309 سال) ذکر شده است. (1) ولی آنچه از روایات بدست می آید در زمان ظهور آن حضرت روزها و سالها آنقدر طولانی است که هر سال برابر با ده سال از سالهای الآن است و همانطور که ابوبصیر از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت در حدیثی طولانی فرمودند: ... و به این ترتیب هفت سال امامت می کند که هر سال برابر ده سال از سالهای شما است، سپس خداوند آنچه خواهد، انجام دهد.

عرض کردم: قربانت کردم! چگونه سالها دراز و طولانی شود؟ فرمود: خداوند به فلک دستور دهد درنگ نموده و به کندی حرکت می کند و در نتیجه روزها و سالها دراز و طولانی شود.

سپس عرض کردم: مردم گویند اگر در گردش فلک تغییری پیدا شود، تباه شود؟ فرمود: این گفتار بی دینان است، اما مسلمانان چنین نگویند، با اینکه خداوند ماه را برای پیغمبرش دو نیم کرد و پیش از آن خورشید را برای یوشع بن نون (علیه السلام)

ص: 187

1- . برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به کتب: بحارالانوار، ج 52، ص 291 و ج 53، ص 103؛ ارشاد مفید، ج 2، ص 360؛ غیبت نعمانی، ص 331؛ الشیعه و الرجعه، ج 1 ص 224؛ ینابیع المودّه، ص 331؛ غایه المرام، ص 181 و 698؛ مهدی کیست، ص 57؛ کفایة الطالب، ص 492 به بعد؛ مهدی موعود، ص 1080؛ مهدی انقلابی بزرگ، ص 314؛ تاریخ شیعه و فرقه های اسلام، ص 133؛ المهدی، ص 88، 97، 218، 227، 233؛ عقیده الشیعه ص 243.

برگرداند و از درازی روز رستاخیز خبر داده که آن روز مانند هزار سال شماسست. (1) هممچنین عبدالکریم حنعمی گوید به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: امام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چند سال سلطنت می کند؟ فرمود: هفت سال و روزها برای آن جناب طولانی و دراز شود به طوری که هر سال از سالهای زمان او، برابر ده سال از سالهای شما باشد و از این رو سالهای سلطنت او، هفتاد سال از سالهای شما باشد و... (2)

سؤال (55)

پس از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه تحولاتی در دولت و حکومت آن حضرت بوجود می آید؟

جواب: آنچه از روایات متعدّد استفاده می شود این است که وقتی مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظاهر شد و در جنگ پیروز گشت و بر شرق و غرب جهان تسلط یافت، تمام زمین به وسیله یک حکومت جهانی اسلام اداره می شود، برای تمام بلاد و استانها، استانداران لایقی را با برنامه کار و دستورات لازم گسیل می دارد، به واسطه کوشش و جدیت آنان، تمام زمین آباد و معمور می گردد، خود حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم از دور، تمام حوادث و جریانات کشور پهناور و زمین را زیر نظر دارد و تمام نقاط زمین برایش مانند کف دستیمی گردد، اصحاب و یارانش نیز از فاصله های دور، وی را مشاهده می نمایند و با او تکلم می کنند.

عدل و دادش تمام زمین را فرا می گیرد، مردم با همه مهربان شده و با صدق و صفا زندگی می کنند، امنیت عمومی همه جا را فرا می گیرد و کسی درصدد آزار دیگری نیست، وضع اقتصادی مردم بسیار خوب می شود، بطوری که مستحق

ص: 188

1- . ارشاد مفید، ج 2، ص 360.

2- . همان مدرک، ص 355.

زکات پیدا نمی‌شود، بارانهای نافع پی در پی می‌بارد، تمام زمین سبز و خرم می‌گردد، برکات و محصولات زمین زیاد می‌شود، اصلاحات لازم در امور کشاورزی به عمل می‌آید، توجه مردم به خدا زیاد می‌شود و گرد معاصی نمی‌گردند، دین اسلام، دین رسمی جهان شده، بانگ توحید از همه جا بلند می‌گردد، در امور راه‌سازی برنامه‌های جالبی را به مرحله اجرا می‌گذارند، راههای اصلی را شصت ذراع قرار می‌دهند، تمام پنجره‌هایی را که به کوچه باز شده مسدود می‌سازد، از ایجاد مستراح و ناودان در کوچه مانع می‌شود، حتی مساجد مُشرف و عالی را خراب می‌کند، پیش آمدگی‌های ساختمانها را نیز خراب می‌کند.

در عصر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عقول مردم کامل می‌گردد و سطح معلومات عمومی بالا می‌رود، به طوری که زنها در خانه خویش از عهده قضاوت بر می‌آیند، ایمان مردم کامل می‌گردد و کینه از دل‌هایشان بیرون می‌رود، خلاصه در پرتو حکومت عدل آن حضرت، جهانی بوجود می‌آید که خالی از تبعیض‌ها، اختلاف‌های طبقاتی و صف‌بندی‌های مفسده‌آفرین، جهانی خالی از جدایی‌ها و پراکندگی‌ها، خالی از جنگ و خونریزی‌ها و تجاوزها، پیشرفت‌های عظیم علوم، صنایع، اقتصاد و عدالت اجتماعی، ایجاد رفاه در زندگی مادی، احیای دوباره اسلام و جهانی بودن آن حتی فراتر از حکومت سلیمان و ذوالقرنین (علیهم السلام)... (1)

و اینک چند روایت در این زمینه:

1- امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند هر گونه بدعتی را بوسیله او از بین خواهد برد و هر گمراهی را محو و هر سنتی را زنده خواهد ساخت. (2)

ص: 189

-
- 1- . برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به کتب: منتخب الاثر ص 472 به بعد؛ بحار الانوار، ج 52، ص 313 تا 360؛ روزگار رهائی، ص 620 به بعد؛ منتهی الآمال، ج 2 ص 769؛ امام مهدی از ولادت تا ظهور ص 626 به بعد؛ عصر زندگی، ص 107 به بعد؛ دادگستر جهان، ص 319.
- 2- . عصر ظهور، ص 306 به نقل از اصول کافی، ج 1، ص 412.

2- امام باقر (علیه السلام) فرمود: در روی زمین هیچ ویرانه‌ای نمی‌ماند، مگر اینکه آباد می‌گردد و هیچ معبودی جز خداوند متعال از بت و غیر آن نمی‌ماند، مگر اینکه دچار حریق گشته و می‌سوزد. (1)3- امام باقر (علیه السلام) فرمود: هنگامی که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ماقیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقول آنها را با آن کامل و افکارشان را پرورش داده، تکمیل می‌کند. (2)

4- امام صادق (علیه السلام) فرمود: هنگامی که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ماقیام کند، خداوند آنچه‌انگوش و چشم شیعیان ما را تقویت می‌کند که میان آنها و قائم نامه‌رسان نخواهد بود، با آنها سخن می‌گوید و سخنش را می‌شنوند و او را می‌بینند، در حالی که او در مکان خویش است (و شیعیان در جایی دیگر از جهان). (3)

5- امام صادق (علیه السلام) فرمود: علم و دانش بیست و هفت حرف است و بیست و هفت شعبه و شاخه دارد، تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آوردند دو حرف بیش نبود و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند، اما هنگامی که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ماقیام کند، بیست و پنج حرف و بیست و پنج شاخه و شعبه دیگر آن را آشکار می‌کند و در میان مردم منتشر می‌سازد و دو حرف دیگر را به آن ضمیمه می‌کند تا بیست و هفت حرف

ص: 190

1- . همان مدرک، ص 316.

2- . بحارالانوار، ج 52، ص 328. در برخی روایات آمده است که آن حضرت دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقل ایشان کامل می‌گردد (منتخب الاثر، ص 483).

3- . منتخب الاثر، ص 483.

کامل منتشر گردد. (1)6- امام صادق (علیه السلام) فرمود: مؤمن در زمان قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در حالی که در مشرق است، برادر خود در مغرب می بیند و همچنین کسی که در مغرب است برادرش را در مشرق می بیند. (2)

7- امام باقر (علیه السلام) فرمود: هنگامی که قائم آل محمد (علیهم السلام) قیام می کند، خیمه های خودش را بر پا می سازد (3) و قرآن را به مردم یاد می دهد، همانطور که خداوند بر رسول گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) نازل فرمود و مردم را با قرآن این طور آشنا می کند، آن روز برای آنهایی که قرآن را قبلاً حفظ کرده اند بسیار مشکل است. (4)

8- امام صادق (علیه السلام) فرمود: قائم ما وقتی قیام کند، بین مردم همانند حضرت داوود (علیه السلام) حکم می کند، احتیاج به شاهد و دلیل ندارد، خداوند احکام واقعی را به او الهام می کند، پس به علم واقعی حکم می کند و از هر چه که مردم در دلهای خود پنهان کرده اند، آن حضرت خبر می دهد و... (5)

9- امام صادق (علیه السلام) فرمود: زمانی که قائم ما قیام نماید، زمین به نور الهی روشن و درخشان می گردد، به

ص: 191

-
- 1- . منتهی الآمال، ج 2، ص 769.
 - 2- . بحار الانوار، ج 52، ص 391.
 - 3- . گویا در شهر کوفه باشد همانگونه که در روایات آمده است که محل حکومت آن حضرت شهر کوفه است (بحار الانوار، ج 53، ص 11 به بعد).
 - 4- . نشانه های ظهور او، ص 112 به نقل از ارشاد مفید، ج 2، ص 360.
 - 5- . همان مدرک، ص 135.

گونه‌ای که مردم از پرتو خورشید بی نیاز می‌شوند و عمر مردان در زمان حکومت او چنان طولانی می‌شود که برای هر مرد، هزار فرزند پسر متولد شود که در آنها دختر نباشد، وی در نجف مسجدی می‌سازد که دارای هزار در است خانه‌های کوفه به نهر کربلا و به حیره متصل گردد تا جائی که اگر کسی در روز جمعه در حالی که بر استری چابک لاغر سوار و آهنگ آن دیار نماید تا نماز جمعه را درک کند موفق نمی‌شود. (1)

10- امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی که کارها به صاحب این امر (مهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) برسد، خداوند هر نقطه فرو رفته‌ای از زمین را برای او مرتفع و هر نقطه مرتفعی را پائین می‌برد، آنچنان که تمام دنیا نزد او به منزله کف دستش خواهد بود! کدام یک از شما اگر در کف دستش مویی باشد آن را نمی‌بیند. (2)

11- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: امت من در زمان مهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از چنان نعمتی برخوردار شوند که مانند آن را هرگز برخوردار نشده باشند، آسمان باران برسر آنها فرو می‌ریزد و زمین هیچ گیاهی را نگاه نداشته، مگر اینکه آن را می‌رویاند. (3)

12- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: ساکنان آسمان و زمین از او خشنود می‌شوند، آسمان از ریزش باران قطره‌ای دریغ نکرده و زمین از رویش گیاهان خودداری نمی‌کند به گونه‌ای که زندگان آرزو می‌کنند که کاش مردگان زنده می‌شدند. (4)

ص: 192

1- . بحارالانوار، ج 52، ص 330؛ غیبت شیخ طوسی، ص 280.

2- . بحارالانوار، ج 52، ص 328.

3- . عصر ظهور، ص 364.

4- . همان مدرک.

13- امام باقر (علیه السلام) فرمود: بدانید که ذوالقرنین در انتخاب دو ابر را برام و سرکش مخیر گردید و او ابر را بر برگزید و ابر سرکش برای دوست و محبوب شما (قائم) (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (ذخیره گردید. راوی گفت: سؤال کردم: ابر سرکش کدام است؟ امام (علیه السلام) فرمود: ابری که در آن غرّش رعد و صاعقه و یا برق وجود داشته باشد که محبوب شما بر آن سوار گردد، بدانید که او بر ابر سوار گردیده و با این وسائل بالا می‌رود، و سائل آسمانها و زمین‌های هفتگانه که پنج طبقه آن آباد و دو تایی آن ویران است. (1) 14- امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند حکومت را براساس عدالت قرار می‌دهد و ظلم و جور در دوران او برچیده می‌شود و جاده‌ها در پرتو وجودش امن و امان می‌گردد، (2) و زمین برکاتش را خارج می‌سازد و هر حقی به صاحبش می‌رسد و در میان مردم همانند داود و محمد (علیهم السلام) حکم و داوری می‌کند، در این هنگام زمین گنجهای خود را آشکار می‌سازد و برکات خود را ظاهر می‌کند و کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی‌یابد، زیرا همه مؤمنان بی نیاز و غنی خواهند شد... (3)

15- امام باقر (علیه السلام) فرمود: وقتی قائم اهل بیت (علیهم السلام) قیام کند (امکانات) را بطور مساوی تقسیم می‌نماید

ص: 193

-
- 1- . بحار الانوار، ج 52، ص 321.
 - 2- . در روایتی وارد شده که: زنی طبق طلا را بر سرش می‌گذارد و از عراق تا شام مسافرت می‌کند و گام‌های خود را جز بر گیاهان نمی‌گذارد و بر سر او زیور است، بدون این که کسی معترض او شود (منتخب الاثر، ص 473).
 - 3- . همان مدرک، ص 338.

و در رعیت عدالت را برقرار می سازد و... (1)

16- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: در عصر قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انسان یک مُد می کارد و هفتصد مُد می گیرد، چنانکه مضمون آیه شریفه «كَمْثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَعَابِلَ فِي كُلِّ سَعْبَةِ نَبْؤَةٍ مِائَةَ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ؛ همانند بذری که هفتخوشه برویاند که در هر خوشه، یکصد دانه باشد و خدا آن را برای هر کس بخواهد دو یا چند برابر می کند». (2) می باشد. (3)

ص: 194

1- . همان مدرک، ص 351.

2- . سوره بقره/261.

3- . عقد الدرر، ص 211.

فصل ششم : خصال یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

اشاره

ص: 195

یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چند نفرند و دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟

اشاره

جواب: آنچه از روایات بدست می‌آید این است که خداوند آن حضرت را بوسیله نیروهای مختلفی (از جمله: مؤمنین، ملائکه و فرشتگان، رعب و ترس) یاری و نصرت می‌دهد و تعداد نیروهای حضرت از نظر انسانی منحصر در سیصد و سیزده نفر نیستند (این تعداد 313 نفر یاران مخصوص آن بزرگوار هستند که نهضت خود را با آنان آغاز می‌کند) بلکه تا نیروهای آن حضرت به ده هزار نفر نرسد، آغاز به جنگ نخواهد کرد. (1)

علاوه بر اینها عده‌ای دیگر که همراه حضرت عیسی (علیه السلام) به زمین فرو می‌آیند (2) و همچنین عده‌ای که به برکت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از قبرها بر می‌خیزند، از یاران آن حضرت محسوب می‌شوند. (3)

الف - یاران خاص آن حضرت

آنها اول کسانی هستند که بعد از جبرئیل (علیه السلام)، با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیعت می‌کنند. (4) و حضرت در ابتدای ظهور انتظار آنان را می‌کشد و آنها در یک لحظه، از اطراف عالم خود را به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌رسانند، (5) و پس از پیروزی و تشکیل حکومت واحد جهانی، حاکمان و فرمانروایان آن حضرت در مناطق مختلف

ص: 197

1- . منتخب الاثر، ص 475 به بعد.

2- . معجم احادیث الامام المهدی، ج 1، ص 528 به بعد.

3- . بحار الانوار، ج 53، ص 95؛ دلائل الامامه، ص 248؛ ارشاد مفید، ج 2، ص 365.

4- . بحار الانوار، ج 52، ص 316.

5- . همان مدرک، ص 310.

هستند. (1) و تعدادشان هنگام ظهور 313 نفر است، (2) همانطور که علامه مجلسی (رحمه الله علیه) در این زمینه می‌گوید: یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنگام ظهور سیصد و سیزده نفر هستند، بنابراین منافاتی ندارد که افراد دیگری بعد از ظهور آن حضرت به وی بپیوندند. (3)

و اینک به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم:

1- امام جواد (علیه السلام) فرمود: ... یاران او به عدد اصحاب بدر سیصد و سیزده تن می‌باشند و از دورترین نقاط جهان گرد او جمع می‌شوند، این فرموده خداوند است که «هر جا باشید خداوند همه شما را گرد هم می‌آورد که او بر هر چیز تواناست»، (4) چون این تعداد از مردم زمین گرد او جمع شوند، او ظهور می‌نماید و چون شمار یارانش به ده هزار رسد، به اذن خداوند خروج می‌نماید و پیوسته دشمنان خدا را به هلاکت می‌رساند... (5)

2- امام باقر (علیه السلام) فرمود: همانا قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از راه کوه ذی طوی با سیصد و سیزده مرد به عدد رزمندگان جنگ بدر می‌آید... (6)

3- امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند سیصد و سیزده تن یاران قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در همین مسجد شما

ص: 198

1- . همان مدرک، ص 326.

2- . همان مدرک، ص 316.

3- . حق یقین، ص 352.

4- . سوره بقره/148.

5- . بحار الانوار، ج 51، ص 157.

6- . همان مدرک، ص 120.

(مسجدالحرام) جمع می‌کند و مردم مکه با دیدنشان می‌دانند که ایشان از اهل مکه و از آباء و اجداد آنها نیستند، شمشیرهایی بدست دارند که روی لبه آنها اسامی صاحبانشان و نام پدرشان و نسب آنها نوشته شده است. (1)

4- امام صادق (علیه السلام) فرمود: گویا قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بر بالای منبر کوفه می‌نگرم که یارانش سیصد و سیزده نفر مرد، به تعداد جنگ جویمان مسلمان در جنگ بدر، اطرافش را گرفته‌اند، این یاران پرچم داران و حاکمان خدا بر مردم در زمین‌اند... (2)

ب - یاران مطلق آن حضرت

آنها طبق روایات وارده متعدده زیادند از جمله: حداقل ده هزار نیروی انسانی و حداکثر پانزده هزار، ملائکه و فرشتگان، جنّ، رعب و ترس، کسانی که از قبر برمی‌خیزند، اصحاب کهف، خوانندگان دعای عهد و سوره بنی اسرائیل، زنان، حضرت الیاس، خضر، عیسی (علیهم السلام) و همراهان وی...

و اینک به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم که عبارتند از:

1- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: او با تعداد دوازده هزار تن حداقل و پانزده هزار تن حداکثر، خروج می‌کند، ترس و وحشت پیشاپیش او راه می‌یابد، هر دشمنی که با وی برخورد کند، به فرمان خدا او را از پای در می‌آورد، شعار آنان بمیران، بمیران می‌باشد و در راه خدا از سرزنش هیچ ملامت‌گری باک و هراس ندارند... (3)

ص: 199

1- . نشانه‌های ظهور او، ص 160.

2- . بحار الانوار، ج 25، ص 326.

3- . عصر ظهور، ص 336 به نقل از بحار الانوار، ج 51، ص 157.

2- امام جواد (علیه السلام) فرمود: وقتی شماره لشکر او به ده هزار تن برسد به فرمان خدا خروج می‌نماید و پیوسته دشمنان خدا را از دم تیغ می‌گذرانند تا آنکه خداوند از او خشنود شود... (1)3- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: ... در این موقع، مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما به طرف شام حرکت می‌کند، در حالی که جبرئیل (علیه السلام) پیشاپیش او و میکائیل به دنبال او در حرکتند... (2)

4- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: خداوند حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را با فرشتگان، جنّ و شیعیان مخلص یاری می‌کند. (3)

5- امام باقر (علیه السلام) فرمود: گویا هم اینک حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یارانش را می‌بینم... که فرشته جبرئیل در سمت راست مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و میکائیل در سمت چپ حضرت حرکت می‌کنند و ترس و وحشت پیشاپیش سپاهیان و پشت سر آنان به فاصله یک ماه در حرکت است و خداوند حضرتش را با پنج هزار فرشته آسمانی یاری می‌کند. (4)

6- امام باقر (علیه السلام) فرمود: ... وی بوسیله شمشیر و ایجاد ترس در دل دشمنان پیروز می‌گردد و لشکریان او شکست نمی‌خورند. (5)

ص: 200

1- . همان مدرک، ص 353.

2- . نشانه‌های ظهور او، ص 81 به بعد.

3- . ارشاد القلوب، ص 286.

4- . بحار الانوار، ج 52، ص 343.

5- . بحار الانوار، ج 51، ص 218.

7- امام باقر (علیه السلام) فرمود: قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سبب پیدایش ترس (در دل دشمنان) پیروز می‌گردد و به یاری شدن از ناحیه خدا تأیید می‌گردد و زمین برای او پیموده می‌شود و گنج‌های زمین برایش آشکار می‌گردد... (1)

8- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: ای سلمان! تو او را درک خواهی کرد و همچنین هر که همانند تو باشد و هر که چنین ولایت و معرفتی نسبت به او داشته باشد. (2)

9- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: رومیان به طرف ساحل دریا نزدیک غار اصحاب کهف روی می‌آورند و خداوند آن جوانان را با سگشان از غار بر می‌انگیزد، دو نفر از آنها به نامهای ملیخا و خملاها هستند که هر دو تسلیم اوامر قائم می‌باشند. (3)

10- امام صادق (علیه السلام) فرمود: از پشت شهر کوفه (نجف) همراه قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیست و هفت مرد خارج می‌شوند، پانزده نفر از آنان جزو یاران حضرت موسی (علیه السلام) هستند، هفت نفر جزو اصحاب کهف هستند و یوشع بن نون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مقداد و مالک اشتر نیز جزو آنان هستند، پس اینها در خدمت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به عنوان یاران و فرمانروایان حکومتش خواهند بود. (4)

ص: 201

1- اثبات الهداه، ج 7، ص 392؛ بحار الانوار، ج 52، ص 191.

2- دلائل الامامه، ص 237.

3- بحار الانوار، ج 52، ص 275.

4- ارشاد مفید، ج 2، ص 361.

- 11- امام صادق (علیه السلام) به مفضل بن عمر فرمود: ای مفضل! تو همراه چهل و چهار نفر زنده می شوی و همراه حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهی بود و تو در طرف راست قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهی بود و امر و نهی می کنی. (1)
- 12- امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس هر شب جمعه سوره بنی اسرائیل را بخواند، نخواهد مُرد تا قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را درک کند و جزو یارانش قرار بگیرد. (2)
- 13- امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسانی که چهل روز صبح دعای عهد را بخوانند، از یاوران قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما باشند و اگر چنین کسی پیش از ظهور بمیرد، خداوند او را از قبر بیرون خواهد آورد تا در خدمت آن حضرت باشد. (3)
- 14- مفضل بن عمر از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت فرمودند: سیزده زن همراه قائم آل محمد (علیهم السلام) خواهند آمد. عرض کردم: برای چه کاری؟ حضرت فرمود: به مداوای مجروحان و سرپرستی بیماران خواهند پرداخت، همانگونه که همراه رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) بودند.
- عرض کردم. آنها را برایم نام ببرید؟ حضرت فرمود: فتواء دختر رشید هجری، أم ایمن، حَبَّابَةُ وَالبیَّه، سمیة مادر عمّار یاسر، زبیده،

ص: 202

-
- 1- . دلائل الامامه، ص 248.
- 2- . معجم احادیث الامام المهدي، ج 5، ص 122.
- 3- . بحار الانوار، ج 53، ص 95.

15- از گفت‌وگوی امام صادق (علیه السلام) با حضرت الیاس پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در کنار خانه خدا، معلوم می‌شود که وی از جمله پیامبرانی است که همراه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد آمد، چون او در ضمن گفتگو شمشیر خود را به امام نشان داد، سپس نقاب از چهره کنار زد و اظهار داشت من الیاس هستم. (2) 16- امام رضا (علیه السلام) فرمود: ... و در آینده، خداوند به وسیله او (خضر (علیه السلام)) وحشت قائم ما را در ایام غیبتش به اُنس مبدّل خواهد کرد و یار آن حضرت در تنهایی خواهد بود. (3)

17- امام باقر (علیه السلام) فرمود: پیش از قیامت، عیسی (علیه السلام) به دنیا فرود می‌آید و هیچ کس از ملت یهود و مسیحی نمی‌ماند، مگر آنکه قبل از مرگ به او ایمان می‌آورد و آن حضرت پشت سر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نماز می‌خواند. (4)

18- و در برخی از روایات دیگر آمده است که: عیسی (علیه السلام) پس از آنکه به آسمان عروج کرد، در همان جا به سر می‌برد و تا ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آنجا است، وی همراه هشتصد مرد و چهار صد زن به زمین خواهد آمد؛ و او یکی از بزرگترین

ص: 203

1- . دلایل الامامه، ص 260 البته پاره‌ای از روایات می‌گویند در میان یاران حضرت مهدی پنجاه زن وجود دارد، همانطور که از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است: سوگند به خدا! سیصد و اندی مرد می‌آیند و در میانشان پنجاه نفر زن هستند، در مکه اجتماع می‌کنند بی آنکه قبلاً وعده داده باشند، آمدنشان همچون ابرهای پاییزی است که با حرکات تند می‌آیند و در آن مرکز جمع می‌شوند (بحار الانوار، ج 52، ص 223).

2- . کافی، ج 1، ص 242.

3- . معجم احادیث الامام المهدی، ج 4، ص 167؛ بحار الانوار، ج 52، ص 152.

4- . بحار الانوار، ج 52، ص 383.

یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که از طرف خداوند، به عنوان وزیر دست راست آن حضرت رجعت خواهد کرد. [\(1\)](#)

پ - ویژگیهای یاران آن حضرت

1- امام صادق (علیه السلام) فرمود: زمانی که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما قیام می کند، شمشیرهایی از آسمان فرود می آیند که خصوصیتش این است که نام جنگجو و نام پدرش با قلم قدرت روی لبه آنها نوشته شده است. [\(2\)](#)

2- امام صادق (علیه السلام) فرمود: لشکریان آن حضرت اگر با کوه رویرو شوند، کوهها را در هم می کوبند و دل آنها را شکافته، مسیر خود قرار می دهند. [\(3\)](#)

3- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جوان هستند و پیر در بین آنها نیست، مگر همچون سرمه چشم و نمک توشه که ناچیزترین توشه مسافر نمک است. [\(4\)](#)

4- امام باقر (علیه السلام) فرمود: ... سپس او به همراه سیصد و سیزده مرد به شمار یاران بدر که همچون ابر پائیزی پراکنده اند و زاهدان شب و شیران روزاند، بدون قرار قبلی ظهور می کند. [\(5\)](#)

ص: 204

1- . معجم احادیث الامام المهدی، ج 1، ص 528 به بعد.

2- . نشانه های ظهور او، ص 160.

3- . همان مدرک.

4- . بحار الانوار، ج 52، ص 334.

5- . عصر ظهور، ص 317.

5- امام باقر (علیه السلام) فرمود: قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارای سیصد و سیزده یاور است که این افراد از نژاد عجم هستند، بعضی از آنها در روز بر روی ابر سوار شده و راه می‌روند و با نام خود و نام پدر و خصوصیات نَسب‌شان شناخته می‌شوند و بعضی از آنها در بستر خود خوابیده‌اند و بدون وعده قبلی در مکه به حضور امام حاضر می‌شوند. (1)

6- امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر یک از یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برابر چهل نفر توانایی و قدرت دارند و دارای قلبی قوی مانند پاره‌های آهن هستند... (2)

7- امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند سبحان آنان را در شب جمعه گرد هم می‌آورد و صبح جمعه جملگی در مسجدالحرام با آن حضرت دست بیعت و وفاداری می‌دهند و هیچ یک از آنان سرپیچی نمی‌کند. (3)

8- امام باقر (علیه السلام) فرمود: گویی می‌بینم که یاران قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جهان را محاصره کرده‌اند و همه موجودات مطیع و فرمانبردار آنها هستند، حتی دزدگان صحرا و چرندگان و پرندگان و موجودات مختلف عالم، فقط خشنودی‌انها را می‌خواهند، حتی بعضی از نقاط زمین مباحات می‌کند بر بعضی دیگر و می‌گوید امروز یکی از یاران قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر روی من عبور کرد. (4)

ص: 205

1- . بحار الانوار، ج 52، ص 370.

2- . همان مدرک، ص 327

3- . بشارة الاسلام، ص 210.

4- . الامامه و التبصره، ص 131.

9- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: تعداد یاران قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سیصد و سیزده نفر خواهد بود و هر یک از آنان در مقابل سیصد و سیزده نفر استقامت می‌نمایند. (1)

ت - محل سکونت یاران آن حضرت

در پاره‌ای از روایات نام شهرهای محل سکونت یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زمان ظهور آمده که نام بسیاری از شهرهای ایران اسلامی نیز به چشم می‌خورد و اینک به برخی از شهرها از زبان امام صادق (علیه السلام) اشاره می‌کنیم:

1- شهر طالقان، بیست و چهار نفر (2)

2- شهر حُلوان، دو نفر (3)

3- شهر اهواز، دو نفر

4- شهر طبرستان، نه نفر 5- شهر طوس، پنج نفر

6- شهر قزوین، دو نفر

7- شهر همدان، چهار نفر

8- شهر نیشابور، هیجده نفر

9- شهر مرو، دوازده نفر

10- شهر قم، هیجده نفر

11- شهر کور کرمان، سه نفر

12- شهر اصطخر، دو نفر

ص: 206

1- . ستارگان درخشان، ج 14، ص 56.

2- . در برخی از روایات آمده: شهر طالقان یک نفر.

3- . حُلوان همان سرپل ذهاب فعلی است که در استان کرمانشاه میانه راه کربلا واقع شده و مرقد یکی از وکلای امام عصر (عجل الله فرجه) به نام احمد بن اسحاق اشعری قمی در آنجا قرار دارد.

13- شهر ری، هفت نفر(1)

14- شهر قرمس، دو نفر

15- شهر کوفه، چهارده نفر

16- شهر مدائن، هشت نفر

17- شهر هرات، دوازده نفر

18- شهر شیراز، یک نفر

19- شهر دیلم، چهار نفر

20- شهر حلب، سه نفر 21- شهر حران، یک نفر

22- شهر جرجان، دوازده نفر

23- شهر بیروت، نه نفر

24- شهر بصره، سه نفر(2)

سؤال (57)

آیا ایرانیان در دوران غیبت و ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نقشی دارند یا نه؟

جواب: روایاتی که درباره ایرانیان از لسان معصومین (علیهم السلام) نقل شده، تحت عناوینی همچون (قوم سلمان، موالی، عجم، فرس، اهل خراسان، یاران پرچم‌های سیاه، اهل مشرق زمین، اهل قم، سرخ رویان، بنوالحمراء(3) و اهل طالقان) آمده است.

ص: 207

-
- 1- . در برخی روایات آمده شهر ری یک نفر.
 - 2- . برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به کتب: دلائل الامامه، ص 307؛ بشاره الاسلام، ص 209؛ الزام الناصب، ص 200؛ ملاحم ابن طاووس، ص 146؛ چشم‌اندازی از حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ص 107.
 - 3- . بنوالحمراء یعنی فرزندان سرخ رویان.

که مراد از این عناوین و عبارات بنابر نظر مؤرخان و مفسران؛ مردم ایران هستند؛ و اینک به چند روایت در این زمینه اشارتی داریم: 1. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آیه «وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ»؛ و هرگاه سرپیچی کنید، خداوند گروه دیگری را جای شما می آورد، پس آنها مانند شما نخواهند بود» (1) را قرائت فرمود: عرض کردند: یا رسول الله! اینها چه کسانی هستند که اگر ما روی گردان شویم، جایگزین ما می شوند؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) با دست مبارک به شانه سلمان فارسی زد و سپس فرمود: او و طرفداران او، به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، اگر ایمان بستگی به کهکشان ها داشته باشد، مردانی از فارس (2) به آن دست می یابند. (3)

2. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: گویا چادرهای عجم را می بینم که در مسجد کوفه برپا شده و در ایام حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرآن را همانگونه که نازل شده است، به مردم یاد می دهند. (4) 1. امام صادق (علیه السلام) فرمود: ... سپس بین سران ارتش عرب و عجم دشمنی و اختلاف پیش می آید و اختلافات همچنان ادامه داشته تا امارت و فرمانروایی به مردی از ذریه ابوسفیان می رسد. (5)

ص: 208

1- . سوره محمّد/38.

2- . ایرانیان.

3- . تفسیر المیزان، ج 18، ص 250؛ تفسیر کشاف، ج 4، ص 331.

4- . سفینه البحار، ج 2، ص 165.

5- . الزام الناصب، ج 2، ص 160.

4. از ابن عباس نقل شده که گفت: نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) صحبت از فارس (1) به میان آمد، حضرت فرمود: فارس طرفداران و دوستداران ما اهل بیت (علیهم السلام) هستند. (2)

5. از ابوهریره نقل شده که گفت: نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) سخن از موالی و عجم‌ها به میان آمد، حضرت فرمود: سوگند به خدا! من بیش از شما (و یا بیشتر از بعضی شما) به آنها اعتماد دارم. (3)

6. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: نزدیک است خداوند متعال اطراف شما را از عجم پر نماید، آنان چون شیرانی هستند که اهل فرار نیستند، طرف‌های درگیر و دشمنان شما را می‌کشند... (4) 1. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: وقتی سواران سفیانی به سوی کوفه رفتند، گروهی را به جستجوی اهل خراسان می‌فرستند و در این حال، اهل خراسان به طلب مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیرون می‌آیند، آنگاه سید هاشمی با پرچم‌های سیاه در حالی که شعیب بن صالح در پیشاپیش آنها حرکت می‌کند، با امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ملاقات می‌کند... (5)

2. امام باقر (علیه السلام) فرمود: یاران پرچم‌های سیاه از خراسان به کوفه می‌آیند و در آنجا فرود می‌آیند و چون

ص: 209

1- . ایرانیان.

2- . عصر ظهور، ص 227.

3- . همان مدرک.

4- . مسند احمد، ج 5، ص 11.

5- . نشانه‌های ظهور او، ص 214.

مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ظهور کند گروهی را جهت بیعت به سوی او می فرستند. (1)

3. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: آغاز ظهور او (قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف) از مشرق است، زمانی که این امر پیش آمد، سفیانی خروج می کند. (2)

4. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: مردمی از مشرق زمین خروج می نمایند که مقدمات حکومت و سلطنت حضرت مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) را فراهم می نمایند. (3) 1. امام باقر (علیه السلام) فرمود: گویا می بینم گروهی از مشرق زمین خروج نموده، حق خود را از مخالفان می جویند، اما حقوق آنان را اداء نمی کنند، دیگر بار طلب حق می نمایند، باز هم حقوقشان استیفاء نمی شود که در این مرحله شمشیر بر دوش نهاده و مقاوم می ایستند، با مشاهده این وضع از ناحیه مخالفین، خواسته های قبلی آنان در آستانه عملی شدن قرار می گیرد که این بار خودشان نمی پذیرند تا قیام نمایند و آنان پرچم هدایت را جز به صاحب شما نمی سپارند، کشته های آنان شهیدند و اگر من آن زمان را درک می کردم، خود را برای یاری صاحب آن امر نگاه می داشتم. (4)

2. عَفَّان بصری از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمودند:

ص: 210

1- . بحارالانوار، ج 52، ص 217؛ الملاحم و الفتن، ص 56.

2- . بحارالانوار، ج 52، ص 252. (یعنی آغاز نهضت او از ناحیه مشرق است، به این معنا که ایرانیان زمینه ساز ظهور آن حضرت هستند).

3- . بحارالانوار، ج 51، ص 87.

4- . بحارالانوار، ج 52، ص 243.

آیا می‌دانی که چرا این شهر را قم نامیده‌اند؟ گفتیم: خدا و پیامبرش و شما آگاه ترید. فرمود: قم نامیده شده چون اهل آن با قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همراه می‌شوند و با او قیام می‌کنند و او را یاری می‌دهند و استوار خواهند بود. [\(1\)](#) 1. امام صادق (علیه السلام) فرمود: مردم قم یاران ما هستند. [\(2\)](#)

2. امام صادق (علیه السلام) فرمود: بلاها از قم و اهل آن دور شده است، بزودی زمانی خواهد رسید که قم و اهل آن حجّت بر مردم خواهند بود و این در زمان غیبت قائم ما و ظهور وی می‌باشد... [\(3\)](#)

3. امام صادق (علیه السلام) فرمود: اهل قم از ما و ما از آنان هستیم... آنان یاران قائم و بازگوکنندگان حقوق ما هستند، خداوند! آنان را از شرّ هر فتنه‌ای نگهدار و از هر گزندی نجات بخش. [\(4\)](#)

صفوان بن یحیی از امام رضا (علیه السلام) نقل می‌کند که: روزی خدمت امام رضا (علیه السلام) بودم، سخن از اهل قم و علاقه آنان نسبت به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به میان آمد، آن حضرت برای آنان طلب آمرزش کرد و فرمود: خداوند از آنان خشنود باشد.

ص: 211

1- . بحار الانوار، ج 60، ص 214.

2- . همان مدرک.

3- . همان مدرک، ص 213.

4- . همان مدرک، ص 218.

آنگاه فرمود: بهشت دارای هشت در است که یکی از آنها مخصوص اهل قم می‌باشد، آنان بهترین 1. پیروان ما از بین شیعیان جهان هستند، خداوند سبحان محبت و دوستی ما را در سرشت آنان قرار داده است. (1)

2. امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمود: مردی از قم، مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند، افرادی که گرد او جمع می‌شوند قلب‌هایشان همچون پاره‌های آهن است که بادهای تند حوادث، آنان را نمی‌لغزانند، از جنگ خسته نشده و نمی‌ترسند، اعتماد آنان بر خداست و سرانجام کار از آن پرهیزکاران است... (2)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: بزودی شهر کوفه از مؤمنان خالی می‌گردد و به گونه‌ای که مار در جایگاه خود فرو می‌رود، علم نیز، این چنین از کوفه رخت بر می‌بندد و از شهری به نام قم آشکار می‌شود و آن سامان معدن فضل و دانش می‌گردد، به نحوی که در زمین کسی در استضعاف فکری به سر نمی‌برد، حتی نوعروسان در حجله گاه خویش؛ و این قضایا، نزدیک ظهور قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما به وقوع می‌پیوندد، 1. خداوند سبحان قم و اهلش را برای رساندن پیام اسلام، قائم مقام حضرت حجّت می‌گرداند... (3)

2. امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند بوسیله شهر کوفه بر سایر شهرها استدلال می‌کند، همچنین به مؤمنان آن شهر با سایر مؤمنین و به شهر قم بر سایر شهرها و بوسیله اهل قم بر جهانیان اعم از جنّ و انس، خداوند اهل قم را مستضعف فکری قرار نداده است، بلکه همواره آنان را موفق و تأیید کرده است، سپس فرمود: دینداران در

ص: 212

1- . همان مدرک، ص 216.

2- . همان مدرک.

3- . همان مدرک، ص 213.

این شهر در مضیقه زندگی می‌باشند، اگر غیر این باشند، مردم به سرعت به آنجا روی می‌آوردند و آنجا خراب می‌گردد و اهل آن تباه می‌شوند و آن گونه که باید نمی‌تواند بر سایر سرزمین‌ها حجت باشد، زمانی که موقعیت قم به اینجا برسد آسمان و زمین آرامش ندارد و ساکنان آنها لحظه‌ای باقی نمی‌مانند و بلا و گرفتاری از قم و اهل آن دفع گردیده است، بزودی زمانی خواهد رسید که قم و اهل آن حجت بر مردم خواهند بود و این در زمان غیبت قائم ما (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ظهور وی می‌باشد. (1) 1. از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد منظور از آیه «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ؛ گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما بر می‌انگیزیم» (2) چه کسانی هستند؟ آن حضرت فرمود: بخدا سوگند! آنان اهل قم هستند، بخدا سوگند! آنان اهل قم هستند، به خدا سوگند! آنان اهل قم هستند. (3)

عبایه بن عبدالله اسدی نقل می‌کند که روز جمعه‌ای در محضر علی (علیه السلام) نشسته بودم و ایشان بر فراز منبر نشسته بود و خطبه می‌خواند و صعصعه بن صوحان نیز حضور داشت، اشعث بن قیس (4) نزد امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد و از میان صفوف جماعت گذشت تا خود را به نزدیکی حضرت رساند، بعد رو به آن بزرگوار کرده و گفت: ای 1. امیر مؤمنان! این سرخ رویان (5) که اطراف شما را گرفته‌اند و

ص: 213

-
- 1- . همان مدرک.
 - 2- . سوره اسراء/5.
 - 3- . همان مدرک، ص 216.
 - 4- . رئیس قبیله کنده و از سران منافقین و از جمله کسانی بود که در قتل امیرالمؤمنین (علیه السلام) شرکت داشت دختر او جعهه نیز همسر امام حسن مجتبی (علیه السلام) بود که آن حضرت را بوسیله زهر مسموم کرد و پسرش محمد بن اشعث از جمله افرادی بود که در به شهادت رساندن اباعبدالله الحسین (علیه السلام) سهیم بوده است.
 - 5- . ایرانیان.

نزدیک شما نشسته‌اند بر ما چیره شده‌اند...

در این لحظه حضرت کاملاً سکوت کرد و سرش را به زیر افکنده و با پای خود آرام به منبر می‌کوبید، ناگهان صعصعه بن صوحان که یکی از یاران باوفای حضرت بود،⁽¹⁾ گفت: ما را با اشعث چکار! امیر مؤمنان (علیه السلام) درباره اعراب مطلبی را می‌فرماید که همیشه بر سر زبانها خواهد ماند و فراموش نمی‌گردد.

حضرت پس از درنگ اندکی، سر را بالا گرفته و فرمود: کدام یک از این شکم‌پرستان بی‌شخصیت مرا معذور می‌دارد و حکم به انصاف می‌کند که برخی از آنها مانند الاغ در رختخواب خود می‌غلطد و دیگران را از پند آموختن محروم می‌دارد، آیا مرا امر می‌کنی که آنان «ایرانیان» را طر کنم، هرگز! طرد نخواهم کرد، چون در این صورت از زمره جاهلان خواهم بود، اما سوگند به خدایی که دانه را شکافت و بندگانش را آفرید، حتماً شما را برای برگشت مجدد به آئین تان سرکوب می‌کنند، همانگونه که شما آنان (ایرانیان) را در آغاز، برای پذیرش این آئین سرکوب نمودید.⁽²⁾

1. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: خوشا به حال طالقان! خداوند متعال دارای گنج‌هایی در آنجاست که نه از طلاست و نه از نقره، اما در آن خطّه، مردانی وجود دارند که خداوند را آنطور که شایسته معرفت است شناخته‌اند و آنان یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخر الزمان می‌باشند.⁽³⁾

ص: 214

-
- 1- . برای آگاهی بیشتر پیرامون وی و برادرش زید بن صوحان کتاب «سرزمین آرزوها» به قلم نگارنده را ملاحظه فرمائید.
 - 2- . سفینه البحار، ج 2، ص 693؛ شرح ابن ابی الحدید، ج 20، ص 284.
 - 3- . الحاوی للفتاوی، ج 2، ص 82؛ کنز العمال، ج 7، ص 262؛ ینابیع المودّه، ص 449.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: خدای متعال را گنج‌هایی است در طالقان که نه طلاست و نه نقره و پرچمی که از آغاز تاکنون باز نشده و به اهتزاز در نیامده است، این خطّه دارای مردانی است که قلبهای آنها مانند پاره‌های آهن محکم و نستوه می‌باشد، نسبت به ذات مقدّس خداوند تردیدی در آن قلب‌ها ایجاد نمی‌شود، شدیدتر از آتش‌اند، اگر به کوه حمله ور شوند، آن را از جای می‌کنند، با به دست داشتن پرچم، آهنگ هر دیاری که نمایند آن را ویران و منهدم می‌سازند، بر اسب‌هایشان همچون عقاب سوارند، به عنوان تیمّن و تبرک زین مرکب امام (علیه السلام) را بوسه زده و با دست لمس می‌نمایند، 1. آن بزرگوار را پروانه‌وار در وسط گرفته و به هنگام خطر، آن وجود مقدّس را با جان خود حفظ می‌کنند، شبها را با مناجات سپری می‌کنند و روز سواران کارزارند، آنان زاهدان شب و شیران روزاند، در اطاعت امام و رهبرشان مطیع‌تر از کنیزکان نسبت به مولای خویش‌اند، در خشنودی آنها مانند چراغهای پر نور است، مثل اینکه قلب‌هایشان چراغی از ایمان است، از بیم خدا می‌هراسند، شهادت طلبند و آرزوی کشته شدن در راه خدا را دارند، شعار آنان خونخواهی سالار شهیدان حسین (علیه السلام) است، هنگامی که به پیش می‌تازند رُعب و وحشتِ آنان به مسافت یکماه راه رفتن در قلبهای دشمنان جایگزین می‌شود، گروه گروه به سوی حضرت روانه می‌شوند، به واسطه این رادمردان، خداوند امام برحق (مهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) را پیروز میگرداند. (1)

ص: 215

فصل هفتم : شهادت حضرت مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ورجعت

اشاره

ص: 217

آیا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کشته می‌شود یا نه؟

جواب: روایات در این زمینه دوگونه‌اند، برخی گویند آن حضرت فوت می‌کند و برخی دیگر تصریح به شهادت حضرت دارند.

1- از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد: ... اولین کسی که رجعت خواهد کرد کیست؟ آن حضرت فرمود: امام حسین (علیه السلام) پس از حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همراه یاران خود و هفتاد پیامبر برخواهد گشت، آنگاه حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انگشتر خود را به امام حسین (علیه السلام) می‌دهد و از دنیا می‌رود، امام حسین (علیه السلام) او را غسل می‌دهد و کفن و دفن می‌کند. (1)

2- در روایتی دیگر آمده است: هنگامی که سال هفتاد به پایان می‌آید و مرگ حضرت فرا می‌رسد، زنی به نام سعیده و از طایفه بنی تمیم، ایشان را به شهادت می‌رساند، ویژگی آن زن این است که مانند مردان محاسن دارد، او از بالای بام به هنگامی که حضرت در حال عبور است، سنگی به سوی ایشان پرتاب می‌کند و آن حضرت را به شهادت می‌رساند، چون حضرت رحلت می‌کند، امام حسین (علیه السلام) مراسم غسل، کفن و دفن آن حضرت را عهده‌دار می‌شود. (2)

ص: 219

1- 1. حق الیقین مجلسی، ص 352؛ مهدی موعود، ص 1220؛ بحار الانوار، ج 51، ص 56. علامه مجلسی می‌گوید: اگر کسی گوید که امام حسین (علیه السلام) را کی غسل خواهد داد، جواب گوئیم که چون آن حضرت در این نشأه شهید در معرکه بود، احتیاج به غسل ندارد، یا ائمه بعد از آن حضرت که به دنیا برگردند، آن حضرت را غسل دهند و نماز خوانند بر او، تا به نفخ صور منتهی شود (حق الیقین، ص 350).

2- . شرح الزیارة، ج 3، ص 53؛ تاریخ بعد الظهور، ص 881.

ولی همانطور که امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمود: هیچ یک از ما امامان نیست، جز آنکه مسموم و یا شهید می شود. (1)

می توان گفت روایاتی که بر شهادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دلالت دارد بر دیگر روایات ترجیح و برتری دارند.

و چون قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از دینا برود و یا شهید شود، چهل روز پس از آن قیامت برپا می گردد و مردگان از گورها به در آیند و برای حساب و جزای محشر آماده گردند و خداوند از آنچه واقع می شود، داناتر و ولّی توفیق و صواب است. (2) که برخی از علماء و بزرگان می گویند شاید مراد از قیامت، رجعت باشد. (3)

سؤال (59)

کیفیت رجعت را در زمان ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان فرمائید؟

اشاره

جواب: یکی از مباحثی که از دیر باز پیرامون آن سخن گفته شده و پیوسته مورد نقد و ایراد از یکسو و پاسخگویی و دفاع از سوی دیگر بوده، مسأله رجعت است، (4) بدین معنی که برخی از آیات قرآن شریف و روایات منقول از خاندان رسالت از بازگشت گروهی از انسانها به دنیا پیش از برپائی رستاخیز گزارش می دهند و پیروان آئین تشیع نیز در پذیرش آن کمترین تردید به خود راه نداده،

ص: 220

1- اعلام الوری، ص 349؛ بحار الانوار، ج 27، ص 217.

2- ارشاد مفید، ج 2، ص 708. سلمان فارسی از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل می کند که فرمودند: بدانید که خیری در زندگانی بعد از او نیست و انتهای دولت او چهل روز قبل از قیامت خواهد بود. (کفایه المهتدی فی معرفه المهدی، ص 307).

3- الايقاظ من الهجعه، ص 400.

4- برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به کتب: بحار الانوار، ج 53؛ حق الیقین شبر، ج 2؛ تفسیر نمونه، ج 15؛ سفینه البحار،

ج 1؛ اصل الشیعه و اصولها؛ عقاید الامامیه مظفر؛ عقاید صدوق، الشیعه و الرجعه؛ الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج 1، ص 90؛ حق الیقین مجلسی، ص 335 به بعد.

یقین به وقوع چنین رویدادی دارند.

بدین جهت در کتب عقاید و کلام به صورت مختصر و کوتاه از این عقیده سخن به میان آمده و در صورت لزوم به دلایل و شواهدی بر صحت آن اشاره شده است. اینک به برخی از اقوال اکابر و بزرگان امامیه در این زمینه اشاره ای داریم که عبارتند از:

1- شیخ طوسی در تفسیر تبیان(1) و امین الدین طبرسی در تفسیر خود(2) و دیگر مفسران بزرگ شیعه درباره رجعت سخن گفته اند و بنا به نوشته صاحب کتاب «الایقاظ من الهجعه»: صحّت رجعت از نظر شیعیان امری مسلّم، قطعی و انکارناپذیر بوده و بیشتر دانشمندان یا همه آنان این واقعیت را پذیرفته اند.(3)

2- مرحوم صدوق (رحمه الله علیه) در کتاب اعتقادات خود، درباره اعتقاد به رجعت می فرماید: اعتقاد ما درباره رجعت این است که حق است.(4)

3- علامه مجلسی (رحمه الله علیه) پس از نقل روایات فراوان و ذکر اقوال بزرگان درباره رجعت می گوید: از دیدگاه ما (شیعیان) رجعت به گروهی از مؤمنان راستین و کافران فرورفته در گرداب کفر و الحاد اختصاص دارد و کسی غیر از این دو گروه به دنیا باز نخواهد گشت.(5)

ص: 221

1- . تفسیر التبیان، ج 8، ص 120.

2- . تفسیر مجمع البیان، ج 4، ص 235.

3- . الایقاظ من الهجعه باب دوم، دلیل پنجم.

4- . الشیعه و الرجعه، ج 2، ص 248.

5- . بحار الانوار، ج 53، ص 138.

4- ... و مرحوم سید مرتضی (رحمه الله علیه) از علمای بزرگ شیعه در قرن چهارم پیرامون رجعت چنین می گوید: عقیده شیعه امامیه چنین است که خدای متعال به هنگام ظهور امام زمان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گروهی از شیعیان را که پیش از قیام آن حضرت از دنیا رفته اند، به دنیا باز می گرداند تا آنان به پاداش یآوری و همراهی و درک حکومت آن وجود مقدس نائل آیند و نیر برخی از دشمنان حضرتش را زنده می کند تا از ایشان انتقام گیرد، بدین ترتیب که آشکاری حق و بلندی مرتبت پیروان حق را بنگرند و اندوهگین شوند. (1)

5- همچنین علامه مجلسی (رحمه الله علیه) درباره روایات رجعت می نویسد: کسی که حقایق ائمه (علیهم السلام) را باور کرده است، چگونه می تواند درباره مسأله متواتری که از آنان نقل شده و نزدیک به دویست روایت صریح در این زمینه رسیده و بیش از چهل تن از ثقات و عالمان شیعه آنها را در کتب خود آورده اند، شک داشته و این عقیده را با دیده تردید بنگرد؟ ... راستی اگر مسأله ای از این قبیل را نتوان از متواترات دانست، پس در کدامین موضوع می توان ادعای تواتر کرد. (2) حال به بررسی مباحثی که پیرامون مسأله رجعت وجود دارد می پردازیم:

الف - معنا و مفهوم رجعت

رجعت به فتح راء، اعتقاد شیعه است به بازگشتن بعضی از مردگان مظلوم، پیش از قیامت و انتقام گرفتن آنان از ظالمین خود.

بدین معنی که ایشان دیگر باره به دنیا باز می گردند و زندگی را از سر می گیرند

ص: 222

1- . همان مدرک.

2- . بحار الانوار، ج 53، ص 122 به بعد.

و این امر پس از ظهور حضرت مهدی آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) واقع خواهد شد.

شیعه امامیه بر این عقیده متفق القولند که خداوند بعضی از مردگان را به صورتی که در این دنیا بودند، باز می‌گرداند، این طایفه به دو گروه تقسیم می‌شوند، دسته‌ای که در این دنیا مظلوم بودند و رنج کشیدند و دسته دیگر که ظالم و ستمکار بودند، در این مرحله دسته مظلوم از ظالمین انتقام می‌گیرند. (1)

به عبارت دیگر می‌گوئیم: بعد از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و در آستانه رستاخیز گروهی از مؤمنان خالص و گروهی از کفار و طاغوتیان شرور به این جهان باز می‌گردند، گروه اول مدارجی از کمال را طی می‌کنند و گروه دوم کیفرهای شدید می‌بینند.

ب - رجعت از دیدگاه قرآن

در قرآن کریم آیات بسیاری وجود دارد که اهل بیت (علیهم السلام) در روایات، از آنها رجعت در این امت را استفاده کرده‌اند، همچنین علمای امامیه بوسیله آنها رجعت را ثابت نموده‌اند، (2) لکن برای رعایت اختصار به نقل برخی از آنها اکتفا می‌کنیم

آیه اول:

«وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ؛ روزی را که ما از

ص: 223

-
- 1- . تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام، ص 110.
 - 2- . البته یکی از دلایل امکان رجعت، وجود مواردی از بازگشت به دنیا در امام گذشته است، که قرآن برخی از آنها را در سوره‌های: بقره/55، 56، 72، 73، 243، 259، 260- آل عمران/49- اعراف/153- مائده/110- انبیاء/84 بیان فرموده است. از این آیات می‌توان دریافت که بازگشت مردگان به دنیا امری است ممکن و قابل قبول که با سنتهای الهی مخالفت ندارد. برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به کتب: تفسیر انوار التنزیل ذیل آیه 56 سوره بقره. تفسیر کشاف ج 1؛ مفاتیح الغیب ج 3؛ تفسیر المنار ج 1؛ الدر المنثور، ج 1؛ جامع البیان، ج 1؛ تفسیر القرآن العظیم، ج 1؛ قصه‌های قرآن به قلم نگارنده.

هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند محشور می‌کنیم و آنها را نگه می‌داریم تا به یکدیگر ملحق شوند». (1) این آیه به روشنی گواه بر عدم حشر همه انسان‌ها دارد، مفسران درباره این نکته نیز اتفاق نظر دارند و در توضیحات خود گفته‌اند که لفظ «مِنْ» برای تبعیض آمده و بدین معنی است که از هر امت، فقط گروهی محشور می‌گرداند. (2)

مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه می‌فرماید: بنابر روایات فراوان از ائمه (علیهم السلام)، خداوند هنگام ظهور و قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گروهی از شیعیان و پیروان را که از دنیا رفته‌اند، زنده می‌گرداند تا به ثواب یاری آن حضرت بشتابند و در دولتش اظهار شادمانی و سرور و خوشحالی بنمایند. همچنین خداوند عده‌ای از دشمنان خود را زنده می‌گرداند تا به وسیله حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از آنها انتقام گرفته شود... و هیچ عاقلی شک ندارد که این کار مقدور خداوند متعال و غیر محال است و خداوند شبیه همین کار را در امت‌های گذشته انجام داده و قرآن در موارد متعددی در این باره سخن گفته است. (3) همچنین علامه طباطبائی (رحمه الله علیه) می‌گوید: از ظاهر این آیه بر می‌آید که حشر جمعی از انسان‌ها در غیر روز بازپسین روی خواهد داد، چرا که سخن از حشر برخی از آنهاست و نه همه آنها...

مؤید این سخن آن است که آیه مزبور و دو آیه پس از آن، بعد از ذکر «دابة الارض» و قبل از اشاره به «نسخ صور» و دیگر آیات مربوط به قیامت واقع شده

ص: 224

1- .سوره نمل/83.

2- . رک: تفاسیر مفاتیح الغیب، ج 24، ص 217؛ جامع البیان، ج 2، ص 12؛ الدر المنثور، ج 5، ص 117؛ تفسیر القرآن العظیم، ج 3، ص 376.

3- . تفسیر مجمع البیان، ج 7، ص 367.

است و به هیچ وجه نمی‌توان پذیرفت که به یکی از رویدادهای قیامت قبل از بیان شروع و حوادث عمومی مربوط به آن اشاره گردد، توضیح اینکه: اگر حشر گروهی از انسان‌ها بعد از برپائی قیامت به وقوع خواهد پیوست، شایسته بود که پس از ذکر نفع صور و حضور همه انسان‌ها در پیشگاه خدا سخن از این واقعه (حشر جمعی از انسان‌ها) به میان آید، بنابراین ظهور این آیه آن است که «حشر» مزبور یکی از رویدادهای پیش از رستاخیز عمومی خواهد بود. (1)

همچنین ابوبصیر گفت: امام باقر (علیه السلام) به من فرمودند: مگر اهل عراق منکر رجعت هستند. گفتم آری! فرمود: آیا قرآن نمی‌خوانند «و روزی که از هر امت دسته‌ای را برانگیزیم». (2)

و در روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) درباره آیه یاد شده سؤال کردند، حضرت فرمود: مردم درباره آن چه می‌گویند؟ عرض کردم آنها می‌گویند آیه راجع به قیامت است. فرمود: خداوند در قیامت از هر امتی دسته‌ای را زنده می‌گرداند و بقیه را به حال خود رها می‌سازد! این آیه قطعاً در مورد رجعت است و آیه مربوط به قیامت این است «جملگی آنها را محشور گردانیم، بی آنکه کسی را فروگذاریم و...». (3)

آیه دوم:

ص: 225

1- . تفسیر المیزان، ج 51، ص 435.

2- . بحار الانوار، ج 53، ص 40.

3- . همان مدرک، ص 50.

«و حَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ؛ و حرام است بر شهرها و آبادیهایی که (بر اثر گناه) نابودشان کردیم (که به دنیا باز گردند) آنها هرگز باز نخواهند گشت تا آن زمان که یأجوج و مأجوج گشوده شوند و آنها از هر محل مرتفعی به سرعت عبور می کنند» (1) علی بن ابراهیم قمی (رحمه الله علیه) می گوید: این آیه بزرگترین دلیل در باب رجعت است، زیرا احدی از مسلمانان انکار ندارند که در قیامت همه انسان ها بر می گردند، پس اینکه در این آیه گفته می شود که گروهی بر نمی گردند، این مربوط به قیامت کبری نیست، بلکه مربوط به رجعت و قیامت صغری است. (2)

آیه سوم:

«وَلَنَذِقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛ به آنان از عذاب نزدیک (عذاب این دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می چشانیم، شاید بازگردند.» (3)

از این آیه استفاده می شود که منافقین و فاسقین دو نوع عذاب می شوند، یک عذاب ادنی و دیگر عذاب اکبر، عذاب ادنی برای این است که شاید از طغیان و عصیانشان برگردند.

حال این سؤال مطرح می شود که این عذاب ادنی در چه وقت است؟

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود «الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ» را به «عذاب الرجعة»

ص: 226

1- . سوره انبیاء/ 95، 96.

2- . بحار الانوار، ج 3، ص 52.

3- . سوره سجده/ 21.

تفسیر کرده است؛ یعنی بعضی از معصیت‌کاران در رجعت باز می‌گردند تا عذابشان را بچشند. اساساً عذابی که مایه عبرت دیگران و بازگشت معصیت‌کاران است، نمی‌تواند عذاب آخرت باشد، بلکه باید عذابی در دنیا باشد. (1)

آیه چهارم:

«وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ؛ اگر هم در راه خدا کشته شوید یا بمیرید (زیان نکرده‌اید، زیرا) آموزش و رحمت خدا، از تمام آنچه آنها (در طول عمر خود) جمع‌آوری می‌کنند بهتر است». (2)

امام باقر (علیه السلام) درباره این آیه از جابر پرسید: ای جابر! آیا می‌دانی که معنای «سبیل الله» چیست؟ جابر گفت: نه به خدا سوگند! جز اینکه از شما بشنوم، فرمود: سبیل الله راه علی و اولاد علی است، هر کس با ولایت وی کشته شود، در راه خدا کشته شده است و هر کس با ولایت او بمیرد، در راه خدا مرده است. هیچ مؤمنی از این امت نیست، جز اینکه برای او قتل و مرگی هست، هر کدام از آنها کشته شود، یک بار دیگر بر می‌گردد تا بمیرد و هر کدام از آنها بمیرد، بر می‌گردد تا کشته شود. (3)

پ - رجعت از دیدگاه روایات

در بسیاری از روایات، معصومین (علیهم السلام) از زنده شدن گروهی از مردگان هنگام ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سخن گفته‌اند تا جائی که مرحوم علامه مجلسی

ص: 227

1- . سیمای آفتاب، ص 343.

2- . سوره آل عمران/157.

3- . تفسیر عیاشی، ج 1، ص 202.

تعداد روایات مربوط به رجعت را نزدیک به دویست حدیث معرفی کرده و معتقد به تواتر آنها شده است، (1) همچنانکه شیخ حرّ عاملی (2) نیز معتقد به تواتر معنوی احادیث پیرامون رجعت گردیده است. (3)

و

اینک به برخی از آنها اشارتی داریم:

1- امام صادق (علیه السلام) فرمود: از ما نیست، کسی که به رجعت ما ایمان نداشته باشد. (4)

2- امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس به هفت موضوع اقرار کند، مؤمن است، یکی از آنها ایمان به رجعت می باشد. (5) 3- امام صادق (علیه السلام) فرمود: روزهای خدایی سه تا هستند، روز قیام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، روز رجعت و روز قیامت. (6)

4- امام صادق (علیه السلام) فرمود: پدیده رجعت همگانی نیست، بلکه به جمعی محدود اختصاص دارد و جزء مؤمنان راستین و مشرکان فرورفته در منجلاب کفر و شرک،

ص: 228

1- . بحار الانوار، ج 53، ص 122 به بعد.

2- . الايقاظ من الهجعه، باب دوم، دلیل سوم.

3- . متواتر به روایتی می گویند که شمار راویان آن به حدّی باشد که علم قطعی به صدور آن از پیامبر یا امام پیدا کنیم (به عبارت دیگر: احتمال آنکه گروهی از افراد آن را از پیش خود ساخته باشند نرود). و این بر دو قسم است (متواتر لفظی و متواتر معنوی). هرگاه لفظ در نقلهای مختلف آن، یکسان باشد، آن را متواتر لفظی گویند و اگر مفهوم آن با عبارات گوناگون نقل شود، متواتر معنوی خواهد بود.

4- . الزام الناصب، ج 2، ص 356.

5- . بحار الانوار، ج 53، ص 121.

6- . همان مدرک، ص 63.

هیچ کس به دنیا باز نمی‌گردد. (1)

5- امام رضا (علیه السلام) فرمود: همانا رجعت حق است و در امم پیشین روی داده است، قرآن نیز از وقوع آن خبر می‌دهد و حال آنکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: در میان این امت همه رویدادهای امت‌های پیشین بدون کم و کاست و یا کمترین تفاوت به وقوع می‌پیوندد. (2)

ت - چه کسانی رجعت خواهند کرد؟

در

اینکه چه کسانی هنگام ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زنده و به دنیا بر می‌گردند، به سه دسته از روایات برخورد می‌کنیم: دسته‌ای

از روایات به طور کلی دلالت بر بازگشت مؤمن خالص و کافر و مشرک خالص دارند.

و دسته‌ای دیگر از روایات نام اشخاص را به طور جداگانه ذکر نموده‌اند.

و دسته‌ای دیگر از روایات اوصاف کسانی را که رجعت خواهند کرد، ذکر می‌کند و اینک به برخی از آن روایات اشارتی داریم:

1- امام صادق (علیه السلام) فرمود: رجعت عمومی نیست، بلکه جنبه خصوصی دارد، تنها گروهی بازگشت می‌کنند که ایمان خالص یا شرک خالص دارند. (3)

ص: 229

1- . همان مدرک، ص 39.

2- . همان مدرک، ص 57.

3- . بحار الانوار، ج 53، ص 39.

2- امام صادق (علیه السلام) هنگامی که آیه شریفه: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَتَتَّصِرُنَّ بِهِ...» و هنگامی را که خداوند، از پیامبران- و پیروان آنها- پیمان مؤکد گرفت که هرگاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید، سپس (خداوند) به آنها گفت: آیا به این موضوع اقرار دارید و بر آن پیمان مؤکد بستید؟ گفتند: آری (اقرار داریم)، خداوند به آنها گفت: پسگواه باشید و من نیز با شما از گواهانم». (1) را قرائت کرد فرمود: خداوند تمامی انبیاء و رسل را از زمان آدم تا خاتم (علیهم السلام) به دنیا بر می‌گرداند تا همگی به پیامبر اسلام ایمان آورده و به علی (علیه السلام) کمک نمایند.

راوی سؤال کرد که کمک و یاری رساندن به علی (علیه السلام) چه معنا دارد؟ حضرت فرمود: در رکاب علی (علیه السلام) و در پیشاپیش او می‌جنگد. (2)

3- امام باقر (علیه السلام) فرمود: رسول خدا و علی (علیهم السلام) به

زودی بر می‌گردند. (3)

4- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: ... ای علی! در آخرالزمان خداوند تو را در بهترین صورت زنده می‌کند و وسیله‌ای

ص: 230

1- .سوره آل عمران/81.

2- .بحار الانوار، ج 53، ص 41.

3- .همان مدرک، ص 39.

در دست تو است که دشمنان را با آن علامت می نهی. (1)

5- امام صادق (علیه السلام) فرمود: منظور از وقت معلوم در آیه امهال شیطان که فرمود: «فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ؛ تو از مهلت یافتگانی - اما نه تا روز رستاخیز، بلکه - تا روز و وقت معینی». (2) زمان رجوع و بازگشت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که حضرت با اصحابش در یک طرف و ابلیس با یارانش در طرف دیگر در اراضی اطراف فرات به قتال و جنگ می پردازند تا جای که عذاب الهی بر شیطان و اصحابش نازل می شود و رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در پیش روی شیطان ظاهر می شود و شیطان می گریزد، ولی حضرت با شمشیری که در دست دارد بر کتف او می زند، او و یارانش هلاک می گردند، اینجاست که دیگر خدا پرستش می شود و احدی به خدا شرک نمی ورزد. (3)

6- امام صادق (علیه السلام) فرمود: اول کسی که زمین برای او شکافته می شود و به دنیا بر می گردد، حسین بن علی (علیهم السلام) است... (4)

7- جابر بن یزید جعفی از امام باقر (علیه السلام) روایت کرده که آن حضرت فرمود: به خدا قسم مردی از ما اهل بیت (علیهم السلام) بعد از مرگش سیصد و نه سال در جهان سلطنت می کند، عرض کردم: این چه وقت خواهد بود، فرمود: بعد از قائم، پرسیدم: قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چقدر در عالم می ماند؟ فرمود: نوزده سال، آنگاه منتصر و حسین (علیه السلام) برای طلب خود و یارانش به دنیا بر می گردد و از پس او امیرالمؤمنین

ص: 231

1- . همان مدرک، ص 52.

2- . سوره حجر/37، 38.

3- . همان مدرک، ص 42.

4- . همان مدرک، ص 39.

(علیه السلام) رجعت می کند. (1)8- امام صادق (علیه السلام) فرمود: امیرالمؤمنین را با فرزندش حسین (علیهم السلام) در زمین رجعتی است، وی با پرچم خود می آید تا اینکه انتقام خود را از بنی امیه و معاویه و اولاد معاویه و آنها که همراه آنان به جنگ آن حضرت آمده اند بگیرند... (2)

9- سعد بن عبدالله از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: شیطان «لعنت الله علیه» از خداوند سؤال کرد که او را مهلت دهد تا روز قیامت که مردم زنده می شوند، حق تعالی ابا کرد و فرمود: که تو را مهلت دادم تا وقت معلوم، چون آن روز ظاهر می شود شیطان با جمیع پیروانش از روزی که خدا آدم را خلق فرموده تا آن روز و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) برگردد و این آخر برگشتهای آن حضرت است.

راوی گفت: مگر رجعت های بسیار خواهد کرد، فرمود: بلی و هر امامی که در قرنی بوده باشد، نیکوکاران و بدکاران زمان او برگردند تا حق تعالی مؤمنان را بر کافران غالب گرداند و مؤمنان از ایشان انتقام بگیرند، پس چون آن روز ظاهر شود حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) برگردد با اصحاب و شیعیانش، ملاقات ایشان در کنار فرات واقع شود نزدیک به کوفه، پس قتالی واقع شود که هرگز مثل آن واقع نشده باشد، گویا می بینم اصحاب حضرت امیر (علیه السلام) راکه صد قدم از پس و پیش برگردند و پای بعضی در میان آب فرات داخل شود، پس ابری به زیر آید از آسمان که پر شده باشد از ملائکه و رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) حربه ای از نور در دست داشته باشد و در پیش آن ابر آید، چون نظر

ص: 232

1- . همان مدرک، ص 103.

2- . حق الیقین مجلسی، ص 345.

شیطان بر آن حضرت افتد از عقب برگردد و اصحابش به او گویند اکنون که ظفر یافتی به کجا می‌روی؟ او می‌گوید: من می‌بینم آنچه را شما نمی‌بینید، من می‌ترسم از پروردگار عالمیان، پس حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به او برسد و حربه را در میان دو کتفش بزند که او و اصحابش همه هلاک شود سپس بعد از آن، همه مردم خدا را به یگانگی پرستند و هیچ چیز را با خدا شریک نگردانند و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) چهل و چهار هزار فرزند از صلب او متولد شود همه پسر، هر سال یک فرزند، پس در آن وقت، دو باغ سبز که حق تعالی در سوره الرحمن فرموده در دو طرف مسجد کوفه به هم رسد. (1)

10- جابر از امام باقر (علیه السلام) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: امام حسین (علیه السلام) در صحرای کربلا پیش از شهادت فرمودند که جدّم رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به من گفت: ای فرزند! تو را به سوی عراق خواهند برد، در زمینی که پیغمبران و اوصیای ایشان در آنجا یکدیگر را ملاقات کرده‌اند یا خواهند کرد و آن زمین را عمورا می‌گویند و در آنجا شهید خواهی شد و با تو جماعتی از اصحاب تو شهید خواهند شد که درد و الم و بریدن آهن به ایشان نخواهد رسید، چنانچه آتش را حق تعالی بر حضرت ابراهیم (علیه السلام) سرد و سلام گردانید و همچنین آتش جنگ بر تو و اصحاب تو برد و سلام خواهد بود. پس بشارت باد شما را! و شاد باشید که ما به نزد پیغمبر خود می‌رویم، پس می‌مانیم در آن عالم، آنقدر که خدا خواهد، پس اوّل کسی که زمین شکافته می‌شود و از زمین بیرون می‌آید من خواهم بود و بیرون آمدن من موافق می‌افتد با بیرون آمدن امیرالمؤمنین (علیه السلام) و قیام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما، پس نازل می‌شوند بر من گروهی از آسمان از جانب حق تعالی که هرگز بر روی زمین فرود نیامده باشند، با جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و لشکرها از ملائکه فرود می‌آید محمّد و علی و من و برادرم و جمیع آنها که خدا برایشان منت گذاشته از انبیاء و اوصیاء سوار شده بر اسبان خدائی

ص: 233

ابلق از نور که هیچ مخلوقی پیش از آن، بر آنها سوار نشده است، پس حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) عَلم خود را به دست می‌گیرد و حرکت می‌کند و شمشیر خود را به دست قائم

(عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما می‌دهد، سپس بعد از آن، آنچه خدا خواهد می‌نمائیم، پس حق تعالی بیرون می‌آورد از مسجد کوفه چشمه‌ای از روغن و چشمه‌ای از آب و چشمه‌ای از شیر، پس آنگاه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) شمشیر حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) را به من دهد و مرا به جانب مشرق و مغرب بفرستد، پس هر که دشمن خدا باشد خونش را بریزم و هر بتی را که بیابم بسوزانم تا آنکه به زمین هند برسم و جمیع بلاد هند را فتح کنم و حضرت دانیال و یوشع زنده شوند و بیایند به سوی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و گویند راست گفتند خدا و رسول او در وعده‌ها که دادند، پس هفتاد نفر با ایشان بفرستد به سوی مصر که هر کس در مقام مقاتله در آید او را بکشند و لشکری به سوی بلاد روم بفرستند که آنجا را فتح کنند و... (1)

11- امام صادق (علیه السلام) فرمود: اول کسی که به دنیا بر می‌گردد امام حسین (علیه السلام)، اصحاب او، یزید و اصحاب وی خواهند بود، پس همه ایشان را بکشد، همانطور که ایشان را کشته‌اند. (2)

12- امام صادق (علیه السلام) فرمود: نخستین کسی که به دنیا رجعت می‌کند، حسین بن علی (علیهم السلام) است، به قدری حکومت می‌کند که از کثرت سن، ابروهایش روی دیدگانش می‌ریزد. (3)

ص: 234

1- . همان مدرک، ص 343.

2- . همان مدرک، ص 346.

3- . بحار الانوار، ج 53، ص 46.

13- امام صادق (علیه السلام) فرمود: من سؤال کردم از خدا که اسماعیل فرزند مرا بعد از من باقی بدارد، ابا کرد و لکن در باب او، حق تعالی منزلت دیگر به من عطا کرد که او اوّل کسی باشد که در رجعت بیرون آید، با ده نفر از اصحاب خود یکی از آنها عبدالله بن شریک عامری باشد و او علمدارش خواهد بود. (1)

14- امام باقر (علیه السلام) فرمود: گویا می بینم عبدالله بن شریک را که عمامه سیاهی در بردارد و علامت در میان دو کنفش آویخته و از دامن کوه بالا می رود و در پیش روی قائم

(عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما با چهار هزار کس که در رجعت زنده شده اند و صدا به تکبیر بلند کرده اند. (2)

15- امام صادق (علیه السلام) فرمود: ... ای مفضل! و الله که سید اکبر محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) و صدیق اکبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فاطمه زهرا (علیه السلام) و حسن مجتبی و حسین (علیهم السلام) شهید کربلا و جمیع ائمه هدی (علیهم السلام) همگی زنده خواهند شد... (3)

16- امام صادق (علیه السلام) فرمود: ... گویا می بینم ای مفضل! آن روز را که ما گروه امامان نزد جدّ خود رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) ایستاده باشیم و به آن حضرت شکایت کنیم از آنچه بر ما واقع شد از امت جفا کار بعد از وفات آن حضرت و آنچه به ما رسانیده- اند از تکذیب و ردّ گفته های ما و دشنام دادن و لعن کردن ما و ترسانیدن ما بکشتن و بیرون بردن خلفای جور ما را از حرم خدا و رسول به شهرهای ملک خود و شهید کردن ما

ص: 235

1- . حق الیقین مجلسی، ص 346

2- . همان مدرک.

3- . همان مدرک، ص 362.

به زهر و محبوس گردانیدن ما. پس حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) گریان شود و بفرماید: ای فرزندان من! نازل نشده است بر شما، مگر آنچه به جدّ شما، پیش از شما واقع شده بود، پس ابتدا کند حضرت فاطمه (علیه السلام) و شکایت کند از... که فدک را از من گرفتند و هرچه دلیل برایشان اقامه کردم، سود نداد و نامه‌ای که توبه من نوشته بودی برای فدک... از من گرفتند... (1) مفضل گوید: عرض کردم ای مولای من! جمعی از شیعیان شما هستند. قائل نیستند که شما و دوستان شما و دشمنان شما در آن روز زنده خواهید شد، فرمود: مگر نشنیده‌اید سخن جدّ ما رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) را و سخن ما اهل بیت (علیهم السلام) را که مکرّر خبر داده‌ایم از رجعت! مگر نشنیده‌اید این آیه را «وَلَنَذِقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ...»؛ به آنان از عذاب نزدیک (عذاب دنیا) پس از عذاب بزرگ (آخرت) می‌چشائیم...» (2). عذاب پست‌تر، عذاب رجعت است و عذاب بزرگتر، عذاب قیامت است. (3)

17- شیخ حسن بن سلیمان از کتاب حُطَب امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطبة طولانی‌اند را از آن حضرت روایت کرده است که آن حضرت در ضمن آن خطبه فرمودند: ضبط نمی‌کند احادیث ما را مگر قلعه‌های حصین یا سینه‌های امین یا عقل‌های متین زرّین. سپس فرمود: ای عجب و کل عجب از آنچه واقع خواهد شد در میان ماه جمادی و رجب.

ص: 236

-
- 1- . اگر نبود کلام قدسی آن یگانه دوران و منادی وحدت حضرت امام خمینی، خیلی از ناگفته‌های سیاهترین هفته تاریخ بعد از رحلت پیغمبر و جنایات و ظلم‌هایی که به اهل بیت آن حضرت شد، مطرح می‌کردم، اما چه کنم قلم به اینجا رسید که...
 - 2- . سوره سجده/21.
 - 3- . حق الیقین مجلسی، ص 364 به بعد.

پس مردی از شرطه الخمیس پرسید این چه تعجب است که می فرمائید؟ حضرت فرمود: تعجب نکنم از آن که مرده ای چند، زنده خواهد شد و شمشیر بر سر زنده ها خواهند زد، به حق خداوندی که حبه را شکافته و گیاه را بیرون آورده و خلائق را خلق فرموده، گویا می بینم ایشان را که در میان بازارهای کوفه راه می روند و شمشیرهای برهنه بر دوش گذاشته باشند و بزنند بر دشمنان خدا و رسول و مؤمنان و... (1) 18- مفضل بن عمر از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت فرمود: سیزده زن همراه قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهند آمد. عرض کردم: برای چه کاری؟ حضرت فرمودند: به مداوای مجروحان و سرپرستی بیماران پرداخت، همانگونه که همراه رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) بودند.

عرض کردم: آنها را برایم نام ببرید. حضرت فرمود: قنواء دختر رشید هجری، ام ایمن، حبابه والیه، سمیه عمار یاسر، زبیده، ام خالد احمسیه، ام سعید حنفیه، صیانه ماشطه و ام خالد جهنیه. (2)

19- امام باقر (علیه السلام) فرمود: ... چنین نیست، کسی که کشته شود با آن که در رختخواب مرده باشد، یکسان باشد و هر که در این دنیا کشته شود به ناچار برگردد تا مرگ را بچشد. (3)

ص: 237

1- . همان مدرک.

2- . بحار الانوار، ج 53، ص 29.

3- . همان مدرک، ص 95.

در برخی از روایات آمده است کسانی که چهل صبح، دعای عهد را بخوانند و یا مانند سلمان فارسی اهل ولایت و معرفت باشند، خداوند او را از قبر بیرون خواهد آورد تا در خدمت آن حضرت باشد. (1) 20- امام صادق (علیه السلام) فرمود: ای مفضل! تو همراه چهل و چهار نفر زنده می شوی و همراه حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهی بود و تو در طرف راست قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهی بود و امر و نهی می کنی. (2)

21- امام صادق (علیه السلام) فرمود: از پشت شهر کوفه، (3) همراه قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیست و هفت مرد خارج می - شوند، پانزده نفر از آنان جزو یاران حضرت موسی (علیه السلام) هستند، هفت نفر جزو اصحاب کهف هستند، یوشع بن نون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مقداد و مالک اشتر نیز جزو آنان هستند، پس این ها در خدمت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به عنوان یاران و فرمانروایان حکومتش خواهند بود. (4)

ث - رجعت در چه زمانی واقع می شود؟

آنچه از روایات ائمه معصومین (علیهم السلام) استفاده می شود، رجعت پس از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و در آستانه رستاخیز است که عده ای بر می گردند و به اصطلاح قیامت صغری رخ می دهد. همانطور که شیخ حرّ عاملی که یکی از بزرگان شیعه در قرن دهم است می گوید:

ص: 238

- 1- . دلایل الامامه، ص 260.
- 2- . رجال کشی، ص 402.
- 3- . شهر نجف.
- 4- . ارشاد مفید، ج 2، ص 365.

بعد از مرگ و پیش از قیامت است و همین معنی است که از لفظ رجعت به ذهن خطور می‌کند و دانشمندان بر آن تصریح کرده‌اند. (1)

و همچنین فقیه و متکلم توانای شیعه مرحوم شیخ مفید (رحمه الله علیه) در این زمینه چنین می‌گوید: خداوند شماری از امت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را بعد از مرگشان و پیش از برپائی قیامت بر می‌انگیزد و این از خصوصیات مذهب آل محمد (علیهم السلام) می‌باشد و قرآن بر درستی آن گواهی می‌دهد. (2)

ج - هدف از رجعت، قبل از رستاخیز عمومی انسان‌ها چیست؟

ممکن

است انگیزه‌های مختلفی در این مشیّت حکیمانه خداوند وجود داشته باشد، ولی ما به سه مورد آن اشاره می‌کنیم:

1- رجعت به منظور مشاهده عزّت اسلام و ذلّت کفر است، بدین معنی که بازگشت به دنیا در زمانی به وقوع می‌پیوندد که دین خدا بر سراسر جهان حاکم شده، زمین و آنچه در آن است، در اختیار مؤمنان و خداجویان قرار گرفته و کفار و ستم‌پیشگان خوار و ذلیل گشته‌اند، بدیهی است که مشاهده این مقطع حسّاس از زمان آرزوی هر انسان دینداری است و او را شادمان و خرسند می‌کند، همچنانکه تبهکاران و کافران را به رنج و خشممی‌افکند و آنان را افسرده می‌سازد، از این رو خدای مهربان گروهی از انسان‌های با ایمان و شماری از کافران را (که آنان در اوج ایمان و اینان در پست‌ترین مرحله کفر قرار داشته‌اند) در آن روزگار به جهان باز می‌گرداند تا آنان از دیدن شکوه و عظمت اسلام و حاکمیّت مسلمانان به وجد آیند و اینان در اثر مشاهده شوکت و قدرت پیروان

ص: 239

1- . الايقاظ من الهجعه، باب دوم.

2- . بحار الانوار، ج 53، ص 163؛ اوائل المقالات، ص 89.

دین خدا خشمگین شوند و دریابند که وعده خدا حق بوده و کفر و باطل برای همیشه نابوده شده است.

2- گذشته از این ممکن است افراد با ایمان در این بازگشت به مقاماتی دست یابند که فقط در موقع سیطره کامل اسلام، تحصیل آنها ممکن است و همچنین می توان گفت: گناهکاران و کفار که در زمان رجعت به دنیا باز می گردند، از سران و پیشتازان کفر بوده اند و جز ارتکاب پلیدی و زشتی، پایمال کردن حقوق انسان ها، کشتار بی گناهان، غصب اموال مظلومان و ستمگری بر مجروحان کار دیگری از آنان سر نزده است، بدین جهت بار دیگر به جهان طبیعت باز می گردند تا سزای دنیائی بسیاری از گناهان خود را ببینند و مجازات های الهی در حق ایشان انجام گیرد. درست است که عذاب کامل و نهائی اینگونه افراد در روز قیامت تحقق می پذیرد، اما کیفرهای دنیوی خود نقشی اساسی در سازندگی و عبرت آموزی انسان ها دارند و نیز موجب خواری و ذلت و سرافکندگی افرادی می شود که روزگاری را با زورگویی و ستمکاری و حق کشی به سر می بردند و کسی را یارای رویارویی با ایشان نبود. (1)

3- چنین

به نظر می رسد که بازگشت مجدد این دو گروه به زندگی دنیا به منظور تکمیل یک حلقه تکاملی گروه اول (مؤمنان) و چشیدن کفر دنیوی گروه دوم (کفار و مشرکان) است. به تعبیر دیگر گروهی از مؤمنان خالص که در مسیر تکامل معنوی با موانعی در زندگی روبرو شده اند و تکامل آنها ناتمام مانده است، حکمت الهی ایجاب می کند که سیر تکاملی خود را از طریق بازگشت به این جهان ادامه دهند، شاهد و ناظر حکومت جهانی حق و عدالت باشند و در بنای این حکومت شرکت جویند، چرا که شرکت در تشکیل چنین حکومتی از بزرگترین افتخارات است و به عکس، گروهی از منافقان و جباران سرسخت علاوه بر کیفر خاص خود در رستاخیز باید مجازات های در این جهان، نظیر

ص: 240

1- . اقتباس از رجعت از دیدگاه عقل، قرآن و حدیث، ص 64.

آنچه اقوام سرکشی مانند فرعونیان و عاد و ثمود و قوم لوط دیدند، ببینند و تنها راه آن، رجعت است. (1)

چ - آیا اعتقاد به رجعت از ضروریات دین است به طوری که اگر کسی منکر آن شد کافر باشد؟

آیت الله العظمی مکارم شیرازی می گوید: شیعه در عین اعتقاد به رجعت که آنرا از مکتب ائمه اهل بیت (علیهم السلام) گرفته است، منکران رجعت را کافر نمی شمرد، چرا که رجعت از ضروریات مذهب شیعه است نه از ضروریات اسلام، بنابراین رشته اخوت اسلامی را با دیگران به خاطر آن نمی گسلد، ولی به دفاع منطقی از عقیده خود ادامه می دهد. (2)

همچنین مرحوم کاشف الغطاء و علامه محمدرضا مظفر در پاسخ به احمد امین مصری به این جهت اشاره کرده اند که شیعه بودن، ملازم با پذیرش رجعت نیست، به این معنا که اگر کسی منکر آن بود، شیعه نباشد. (3)

و علامه مجلسی در این زمینه می گوید: رجعت بعضی از مؤمنان و بعضی از کافران و نواصب و مخالفان، متواتر است. (4) و انکارش موجب خروج از دین تشیع است نه خروج از دین اسلام و رجعت امیرالمؤمنین و امام حسین (علیهم السلام) نیز متواتر است. بلکه از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز متواتر است یا قریب به تواتر و در سایر ائمه (علیهم السلام) نیز احادیث صحیحه و معتبره بسیار وارد شده است و اگر متواتر نباشد، به مرتبه ای رسیده است که اذعان باید کرد و انکار نباید کرد.

ص: 241

1- . اقتباس از تفسیر نمونه، ج 15، ص 559.

2- . تفسیر نمونه، ج 15، ص 561.

3- . رک: اصل الشیعه و اصولها؛ عقاید الامامیه.

4- . قبلاً معنی تواتر و اقسام آن را توضیح دادیم.

اما خصوصیت های این رجعت ها معلوم نیست که آیا با ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در یک زمان خواهد بود، یا بعد از آن خواهد بود، ولی از بعضی احادیث ظاهر می شود که به ترتیب زمان امامت رجعت خواهند کرد... (1)

ح - از ظاهر برخی آیات استفاده می شود که قرآن، عقیده به رجعت را نفی میکند

ح - از ظاهر برخی آیات استفاده می شود که قرآن، عقیده به رجعت را نفی میکند، (2) این مسأله با مباحثی که قبلاً ذکر کردیم چگونه قابل جمع است؟

اولاً؛ این آیه شریفه؛

«حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ، كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا...؛ آنها همچنان به راه غلط خود ادامه می دهند (تا زمانی که مرگ یکی از آنها فرارسد، می گوید: پروردگار من! مرا بازگردانید، شاید در آنچه ترک کردم) کوتاهی نمودم (عمل صالحی انجام دهم) ولی به او می گویند (چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می گوید) و اگر بازگردد کارش همچون گذشته است و...» (3)

درباره کسانی است که زندگی خود را با کفر و شرک گذرانده و هنگامی که مرگشان فرا رسیده از گذشته خود پشیمان شده، آرزوی بازگشت به دنیا و جبران کارهای ناروای خود را دارند و چنین گروهی با جواب منفی روبرو می شوند.

در حالی که قائلین به رجعت، هدف از این بازگشت را انجام عمل صالح نمی دانند و همانگونه که پیش از این توضیح داده شد، رجعت به عنوان پاداش دنیائی شماری از مؤمنان و کیفر این جهانی گروهی از کافران است؛ و بدیهی است که نفی بازگشت گروه اول، مستلزم نفی رجعت به این معنی نیست.

ص: 242

1- . حق الیقین مجلسی، ص 354.

2- . سوره های مؤمنون/99، 100؛ انبیاء/95.

3- . سوره مؤمنون/99، 100.

ثالثاً؛ در پاسخ آیه شریفه؛ «و حَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ»؛ و حرام است بر شهرها و آبادیهایی که (بر اثر گناه نابودشان کردیم) که به دنیا بازگردند، آنها هرگز باز نخواهند گشت.»⁽¹⁾ باید گفت: که در این آیه بازگشت همه کافران ممنوع شمرده نشده، بلکه تنها از گروهی سخن می‌گوید که به عذاب الهی گرفتار و نابود شده‌اند، بنابراین با این آیه نمی‌توان بر ممنوع بودن بازگشت همه کافران و گناهکاران (هرچند به اجل طبیعی در گذشته باشند) استدلال نمود، پس هرگاه بازگشت کنندگان در رجعت از گروه دوم (کسانی که به اجل طبیعی مرده‌اند) باشند، هرگز این آیه مانع از بازگشت آنان نیست.

و همچنین آیه یاد شده فقط از کفار سخن می‌گوید و درباره رجعت دیگر انسانها سکوت کرده است، با توجه به این نکات معلوم می‌شود که استدلال به این آیات بر ممنوعیت رجعت شگفت‌آور است؛ زیرا هدف از رجعت انجام عمل صالح و جبران گذشته کافران و تبه‌کاران نیست، بلکه آنان بدین جهت به دنیا بازگردانده می‌شوند که شکوه و عظمت مؤمنان را ببینند و سرافکننده بر گذشته تاریک خود افسوس خورند، یا از مشاهده این شوکت و جلال به خشم آیند.⁽²⁾

خ - آیا عقیده به رجعت از یهودیت گرفته شده است یا نه؟

احمد امین مصری در کتاب فجرالاسلام خود می‌گوید: عقیده به رجعت از یهودیت وارد مذهب شیعه شده است⁽³⁾ و این یک اصل اسلامی نیست.

ص: 243

1- . سوره انبیاء/95.

2- . رجعت از دیدگاه عقل، قرآن و حدیث، ص 69 به بعد.

3- . عقائد الامامیه مظفر، ص 71.

اولاً؛ یک چنین نسبتی، آنهم بدون ارائه مدرک از روش تحقیق و آداب مناظره به دور سات، ما در مباحث گذشته دلائل رجعت را از آیات قرآن و احادیث متواتر بیان کردیم، آیا با وجود این دلایل مُتقن و محکم و غیر قابل تردید، جا دارد که عقیده رجعت را ساخته و پرداخته فکر یک یهودی مجهول الهویّه بنام عبدالله بن سباء بدانیم.

ثانیاً؛ اگر قول به رجعت از طریق عبدالله بن سباء منتشر شده است، پس خلیفه دوم که در لحظه مرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بر عدم موت آن حضرت پافشاری می کرد و می گفت: او نمرده است، بلکه نزد پروردگار خود رفته و مانند موسی بن عمران (علیه السلام) نزد قوم خود باز می گردد، او این عقیده را از چه کسی آموخته بود.

ثالثاً؛ وجود یک چنین مردی (عبدالله بن سباء) که در اقطار کشور بزرگ اسلامی آزادانه می گشته و بذر فساد را در مجتمع آن روز می - افشاند و در عین حال کوچکترین مزاحم و مخالفی برای او وجود نداشته است، خود از شگفتی های تاریخ به شمار می رود، چگونه است که ابوذر صحابی بزرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) تنها به خاطر چند حمله حقّ، به فرمان حکام وقت از شهری به شهری روانه می گردد؛ و سرانجام به بیابان خشک رُبده تبعید می شود، اما فرزند سبأ- این یهودی فتنه انگیز- بدون کمترین وا همه و نگرانی در سرزمین پهناور اسلامی به سیر و سیاحت پرداخته و عقاید نادرست خود را گسترش داده و مردم را به شورش و آشوب فرا می خواند، راستی آیا این خود گواهی بر افسانه ای بودن این مرد نیست؟ آنچه که تاریخ نگاران درباره عبدالله بن سبأ نوشته اند، گویای آن است که وی از نظر حکام وقت «افسد المفسدین» بوده است، ولی در کمال آزادی به نشر اندیشه های باطل خود می پرداخته و هرگز کسی متعرّض وی نمی شده است و راستی این باور کردنی است؟

رابعاً؛ وجود چنین مرد افسانه ای از طریق مردی به نام «سیف بن عمرو بن تمیمی» در میان مؤرخان و راویان پخش شده است؛ و دانشمندان علم رجال

بر این قول متفقند که سیف بن عمرو تمیمی شخصی دروغ پرداز، حدیث ساز و متهم به کفر و زندقه بوده و احادیث وی قابل اعتماد و استناد نیستند. (1)(2)

ص: 245

-
- 1- . عبدالله بن سبا، ج 1، ص 67-71. اقوال صاحبان کتب رجال اهل سنت را آورده است.
 - 2- . رجعت از دیدگاه عقل، قرآن و حدیث، ص 72.

مصادر تحقیق و پژوهش

قرآن

مجید

نهج البلاغه

کلام

خداوند متعال

امیرالمؤمنین

آثار

الباقیه

ابوریحان

بیرونی

اثبات

الوصیّه

مسعودی

اثبات

الهداة

شیخ

حرّ عاملی

احتجاج

شیخ

طبرسی

احمد

بن اسحاق قمى

محمد جواد

مهري

اختصاص

شيخ

مفيد

اسعاف

الراغبين

ابن

الصّبّان

اصل

الشيعة و اصولها

محمّد

حسين كاشف الغطاء

اصول

كافى

شيخ

كلينى

اعلام

الورى

شيخ

طبرسي

ايعان

الشيعه

سيّد محسن

امين

اكمال

الدين و اتمام النعمة

شيخ

صديق

الارشاد

شيخ

مفيد

ص: 246

الامام المهدي من المهدي الى

الظهور

سيد محمد

كاظم قزويني

الامامة

و التبصره

صدوق

الايضاح

في الامة

شيخ

مفيد

الايقاظ

من الهجعة

شيخ

حرر عاملي

البيان

في اخبار صاحب الزمان

گنجي

شافعي

الحاوي

للفتاوى

جلال

الدين سيوطي الذريعة

الى تصانيف الشيعة

آقابزرگ

تهرانی

الزام

الناصب

شيخ

على يزدى

الشيعة

و الرجعة

محمد رضا

طبرسى

الصواعق

المحرقة

ابن

حجر هيشمى

العبرى

الحسان

شيخ

على اكبر نهاوندى

الغدير

علّامه

امينى

الفصول

المهمة

ابن

صباغ مالكى

القول

المختصر

احمد

بن على هيشمى

الكنى

والالقباب

شيخ

عباس قمى

المحبّة فيما

نزل فى القائم الحجّة

سيّد

هاشم بحرانى

المعجم

البلدان

ياقوت

حمودى

المعمرون

و الوصايا

ابى

حاتم سجستانى

ص: 247

الملاحم

والفتن

سيّد

بن طاووس

المهدي

آيت الله

صدر

المهدي

و

المهدويه

احمد

امين مصرى

اليواقيت

والجواهر

شعرانى

امامت

و مهدويت

صافى

گليپايگانى

انوار

نعمانيه

سيّد

نعمت الله جزائري

بحار الانوار

علامه

مجلسي

بشارة

الاسلام

سيّد

مصطفى كاظمي

بصائر

الدرجات

حسن

بن صفار تاريخ

الامم والملوك

طبري

تاريخ

الخلفاء

جلال الدين

سيوطي

تاريخ

تحليلي و سياسي اسلام

علی

اکبر حسنی

تاریخ

شیعه و فرقه‌های اسلام

دکتر

محمد جواد مشکور

تاریخ

غیبت کبری

سید

محمد صدر

تاریخ

کامل

ابن

اثیر

تاریخ

الایات

شرف‌الدین

نجفی

ص: 248

تبصرة الولي في من رأى القائم

المهدي

سيّد

هاشمي بحراني

تفسير

الانوار التنزيل

ناصر

بن عبدالله بيضاوي

تفسير

الدر المنثور

جلال الدين

سيوطي

تفسير

القرآن العظيم

اسماعيل

بن كثير دمشقي

تفسير

المنار

محمّد رشيد

رضا

تفسير

الميزان

علّامه

طباطبایی

تفسیر

برهان

سیّد

هاشم بحرانی

تفسیر

جامع البیان

محمّد

بن جریر طبری

تفسیر

عیاشی

محمّد

بن مسعود بن عیّاش

تفسیر

کشاف

جازّ الله

زمخشری

تفسیر

مفاتیح الغیب

فخر

رازی

تفسیر

نمونه

مکارم

شیرازی

تهذیب

الاحکام

شیخ

طوسی

جزیره

خضراء افسانه یا واقعیت

علاّمہ

سیّد مرتضیٰ جعفر عاملی

جمال

الاسبوع

سیّد

بن طاووسجنة

المأوی

محدّث

نوری

چشم

به راه مهدي

جمعی

از نویسندگان

حضرت

مهدي فروغ تابان

ولایت

محمّدی

اشتهاردی

حق

اليقين

علاّمه

مجلسی

حق

اليقين

شبر

خصال

شيخ

صدوق

خورشید

مغرب

محمّد

حكيمى

دادگستر

جهان

ابراهيم

امينى

دارالسلام

محدث

نورى

در

كوى عاشقان

محمّدجواد

مهرى

دلائل

الامامة

محمّد

بن جرير طبرى

ده

انتقاد و پاسخ

شيخ

مفيد

رجال

نجاشی

رجعت

از دیدگاه عقل، قرآن و...

حسن

طارمی

ص: 250

روزگار

رهائی

کامل

سلیمان

روضه

کافی

شیخ

کلینی

ریاض

المؤمنین

سیّد

محمد میرلوحی

ستارگان

درخشان

محمد جواد

نجفی

سرزمین

آرزوها

محمد جواد

مهری

سفینة

البحار

شیخ

عباس قمی

سنن

ابی

داودسیمیای

آفتاب

حیب

اله طاهری

شرح

نهج البلاغه

ابن

ابی الحدید

شیعه

پاسخ می دهد

سیدرضا

حسینی نسب

عبدالله

بن سبا

علامه

عسگری

عصر

ظهور

على

كوراني

عقائد

شيخ

صدوق

عقائد

الاماميه

علاّمه

مظفر

عقد

الدرر في اخبار المنتظر

مقدّسى

شافعى

ص: 251

علل

الشرايع

شيخ

صدوق

غيبت

طوسى

شيخ

طوسى

غيبت

نعمانى

محمد

بن ابراهيم نعمانى

فرائد

المسطين

جوينى

خراسانى

كشف

الغمة فى معرفة الائمة

على

بن عيسى اربلى

كفاية

الاثر

حافظ

على بن الخزاز قمى

كفاية

الموحدين

سيداسماعيل

طبرى نورى

مجمع

البيان

طبرسى

مجموعه

كامل قصه هاى قرآن

محمد

جواد مهرى

مرآت

العقول

علامه

مجلسى

مستدرک

الوسائل

محدّث

نوری

مسند

احمد

حنبل

مصباح

کفعمی

شیخ

ابراهیم کفعمی

معجم

احادیث الامام المهدي

جمعی

از نویسندگان

ص: 252

مکیال

المکارم

سید

محمد تقی موسوی

ملاقات

با امام زمان

سید حسن

ابطحی

منتخب

الاثر

صافی

گلپایگانی

منتهی

الآمال

شیخ

عباس قمی

مهدي

انقلاب بزرگ

مکارم

شیرازی

مهدي

کیست

ابوطالب

تجلیل

مهدی

موعود

علی

دوانی

نجم

الثاقب

محدث

نوری

نشانه‌های

شگفت‌آور آخرالزمان

محمد جواد

مهری

نشانه‌های

ظهور او

خادمی

شیرازی

نوید

امن و امان

صافی

گلپایگانی

ینایع

الموده

قندوزی

حنفی

یوم

الخلاص

شیخ

مفید

ص: 253

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

